اكاسن حمشديكى

تاريخ عمومى

تصنيف لاويس

ترجمه كرى عثمان نعمان نظامه

طهران چاپ اول

١٣٣١

اساس جمشیدی

تاریخ عمومی

تصنیف لاویس

ترجمه کریم خان معاون نظام

طهران چاپ اوّل

۱۳۲۱

بسمه تبارک و تعالی

پس از ستایش یزدان پاک و درود بر خواجه لولاک و اوصیاء و آل او
و ثنا و سپاس شهریار تاجدار ابو المظفر سلطان احمد شاه قاجار خلد الله
ملکه و سلطنته چنین گوید بنده جانی جمشید بن ساعد الدوله تکابنی در این
عصر فرخنده که آفتاب معرفت از آفاق مملکت ایران تابنده و عموم ملت در طلب
علم شتابنده میباشند وزارت جلیله معارف قوانین متقنه بجهت ترتیب دروس
مدارس مرتب و متقن فرموده و تکلیف تحصیلات مشخص و معین گشته آرزوی
دیرین این بنده که سالها در خیال آن بودم تجدید شد و حصول آمال را بشارت و
نوید شنیدم عزم قدیم خویش تصمیم دادم که با بضاعت مزجاة خدمتی در سبیل
معارف تقدیم نمایم و پس از اندیشه و تامل هیچ خدمت ابرتر از آن ندانستم که
یک دوره از کتب درسی را از برای نونهالان وطن عزیز تهیه نمایم و در این باب
از فضل و دانش جناب آقای معاون نظام استعانت جستم و با اعتمادی

که بدانش و اهتمام ایشان داشتم بدین عمل سترگ اقدام نمودم یعنی بعضی از علوم متداوله را از قبیل حساب و هندسه و شیمی و فیزیک و غیر آن بتوسط ایشان پرداخته بعون الله در صدد طبع و انتشار آن هستم و کلیه این دوره را اساس جمشیدی موسوم نمودم و چون تاریخ عمومی معموله در ملل متمدنه را بسیار محل لزوم و نسخه آن را در این مملکت نایاب و معدوم دیدم ابتدا بطبع آن شروع نمودم و امیدوارم بفضل الهی چنانم که بتکمیل این مرام موفق گشته این خدمت بانجام رسانم و چنانچه عمر خودم وفا ننماید از بازماندگان خویش جای واثق دارم که در اتمام این مشروع مقدس سعی و اهتمام فرموده معاونت حالی و مالی را از جناب معاون نظام دریغ ننمایند

شاید یکتن از ابنای وطن از این کتب بهره مند گشته این بنده را
بدعای خیر یاد کنند و بالله التوفیق و هو الموفق
والمعین

(بسم الله الرّحمن الرّحیم)

تاریخ عمومی

مختصری از تاریخ قدیم و متوسّط و عصر جدید

کتاب اوّل

قرون قدیمه

از ابتدای عالم تا اضمحلال امپراطوری رُم در سنه ۳۹۵ میلادی

فصل اوّل

(۱) — ملّت مصری — پنج هزار سال است که اروپا مسکن آدمیان است ولی طرز زندگانی و گذران اهل عصر قدیم با زندگانی اهل این عصر هیچ شباهت نداشته زیرا که در آنعصر در غارهای سنگی داشتند یا در خانه هائی که از نی و گل میساختند حیوانات را شکار کرده گوشت آنها را میخوردند و پوستشان را لباس میکردند در حقیقت مردمانی وحشی طبیعت بودند درهمان عصر و زمان کسانی که در ملک مصر ساکن بودند طریقه

بستن و شهر ساختن و زراعت کردن را میدانستند و نیز با یکدیگر
اتفاق نموده سلطنتی تشکیل داده بودند پس در واقع اشخاصی شهری
طبیعت بودند یعنی متمدن

سؤالات

در اروپا پنج هزار سال پیش که مسکن داشت — اهالی اروپا چگونه زندگانی میکردند —
در آنزمان ساکنین مصر در چه حال بودند

۲ — هوای مصر — هوای مملکت مصر بسیار گرم است و بارندگی
در آنجا بقدری کم است که میتوان گفت در مصر باران نمیبارد
آب آن ملک از شط نیل است که رودی عظیم است و آبی بسیار دارد
در ماه جوزا که برف قله کوه ها آب میشود شط نیل طغیان نموده از هشت
الی ده متر بالا میآید و اراضی کنار شط آب فرو میگیرد و تا ماه سنبله
آنزمین ها در زیر آب پوشیده میماند

دهات و آبادیها که در بلندی واقع شده مدت سه ماه مثل جزیره های
دریا بنظر میآید

و بعد از آنکه آب فرو رفت یک طبقه از گل و لای آب بر روی زمین
باقی مانده کوت زمین میشود و ملک را حاصل خیز نموده حاجتی بکوت

در شوره دیگر نمیشود و این معنی فایدهٔ بزرگی است که بجهت برزگرهای مصر قهراً حاصل میشود

سئوالات

از آب و هوای مصر حرف بزنید — اراضی مصر را چه رودخانه مشروب میکند — در ماه جوزا در مصر چه واقع میشود — مملکت مصر در آن وقت چه حالی دارد — رود نیل بچه کار میآید.

(۳) — **فراعنه** — اهالی مصر اطاعت پادشاهانی میکردند که هر یک ملقب بفرعون بودند فرعون قصر عالی داشت و در آن قصر بر تخت می نشست و او را پسر آفتاب میخواندند — هر کس بدربار فرعون میرفت او را مثل خداوند ستایش میکرد و چون فرعون وفات مینمود از برای او بقعه ساخته نذورات و خیرات از برای او قرار میدادند

از طوایف مصری بیست و شش طایفه سلطنت یافتند پس سلاطین مصر بیست و شش سلسله بوده که در آن مملکت حکمرانی نمودند و مدت سلطنت آنها کلیه زیاده از دو هزار و پانصد سال بطول انجامید مقر سلطنت دوازده سلسلهٔ اوّل از این سلاطین در منفیس بود.

که در نزدیکی شهر قاهره واقع است و باقی در «تب» سکنی داشتند که

در طرف علیای مصر است و خرابه های عمارات و مکان و آثار آنها

امروز موجب حیرت و تعجب بینندگان میباشد

سؤالات

در مملکت مصر که حکمرانی میکرد — پادشاه مصر چگونه زندگانی میکرد — مردم با او بچه قسم رفتار میکردند — فراعنه مصر چند طایفه بودند — مقر سلطنت آنها کجا بوده — چه آثار از آنها باقی مانده

(۴) — **جنگ** — اسلحه قشون مصر در آنعهد نیزه و تیر و کمان بود و در وقت جنگ بر عراده ها می نشستند — نزاع و جنگ مصریها غالباً با سیاهان افریقا یا اهالی شامات بود — مصریها اسیرانی که از قشون دشمن میگرفتند با ریسمان بسته همراه میآوردند و ایشان را بساختن عمارات و ابنیه خود میگماشتند

مشهورترین سلاطین مصر یک نفر از سلسله نوزدهم است که او را «رامسس» ثانی و اروپائیان «سزستریس» مینامیدند و در هزار و چهارصد سال قبل از میلاد در آن مملکت سلطنت داشته

سؤالات

اسلحه قشون مصر در آنعهد چه بوده — پادشاهان چگونه جنگ میکردند — جنگ مصریان با چه طایفه بود — با اسیران جنگ چگونه رفتار میکردند — عقاید مصریان در باب فراعنه چه بوده — مشهورترین سلاطین مصر که و در چه تاریخ بوده است

(۵) **مقابر** — مصریان قدیم را عقیده این بود که روح انسان بعد از مرگ پرواز نموده روزی خواهد آمد که آن روح بقالب خود عود نماید و از این جهت اجساد اموات را محفوظ میداشتند و از برای حفظ آنها قیر را با ترتیب مخصوص بر بدن مردگان مالیده با نوارها می‌پیچیدند



و آنها را در سرداب ها که از سنگ بنا نموده میگذاشتند و لباس
و تخت و میزها و جواهرات و غذاها در سرداب آنها قرار میدادند در
عصر جدید بسیاری از آن سرداب ها را کشف کرده و هنوز هم مشغول
هستند و اسباب و اجساد و سکه زیاد از آنجاها بدست میآورند

سؤالات - عقیده مصریان در باب روح انسان چه بود
با اجساد اموات خود چه میکردند

(۶) - **گنبدهای هرمان** - گنبد معروف هرمان در نزدیک
قاهره از برای دفن اموات بنا شده و هنوز برپاست - میان
آنها خالی است و هر یک مدفن سلاطین مصر بوده بزرگترین آنها یکصد و
شصت متر ارتفاع دارد و از جمله ابنیه عظیمه عالم شمرده میشود اشخاصی
که این بناها را برپا داشته اند آلات و لوازم بنائی مثل این عصر نداشتند
و از برای اینکه سنگهای بزرگ را بالای بنا برسانند تلی از خاک
قرار داده حدت سر بالائی آنرا کم و ملایم مینمودند و سنگهای بزرگ را
از روی آن تل بالا برده بعد از اتمام بنا تل خاک را از زمین برمیداشتند
و تمام این کارها را پادشاهان بتوسط اسیران مغلوب خود انجام میدادند

سوالات

شرح گنبدهای سرمان را بگوئید — در آنها که دفن است — ترتیب بنای مصریان چگونه بوده است — مصریان ابنیه خود را بتوسط که انجام میدادند

(۱۳) **صنایع مصریان** — مصریها معبدهای بزرگ بنا نموده در جلو درب آنها و سایر عمارات ستونهای سنگی قرار میدادند

ستون معروف (لوکسور)

که در میدان (کنکرد) پاریس منصوب است از خرابه یکی از معبدهای شهر تبه آنجا حمل شده ونیز مصریان صورت جثه شیر از سنگ میساختند و سر او را بشکل سر زنان حجاری کرده در طول خیابانها در دو طرف قرا

میدادند و آنهارا (سفنکس) مینامیدند — مصریها با گاو آهن زمین را شخم نموده زراعت و تحصیل غله میکردند در قبرهای کهنه مصریان دانه گندم یافت شده که با گندم معمولی این زمان تفاوتی نداشته و نیز مصریان گله های بزو گاو و قاز و خوک تربیت میکردند و پارچه کتان میبافتند واسبابها از نقره میساختند شیشه گری و چینی سازی میکردند از گیاهی که در کنار نهرهای مصر میروئیده قسمی از مقوا ساخته با قلم نی روی آنها خط می نوشتند و چون آن گیاه موسوم به (پاپیروس) بود باین مناسبت در اروپا کاغذ را پاپیه نامیدند

سؤالات

صنایع مصریان چه بوده — ستون لوکزامبورگ از کجا امده — ترتیب زراعت مصریان را بگوئید — چه حیوانات اهلی در مصر داشته اند — خطوط خود را بر روی چه می نوشتند

(۸) — **نوشتجات** — مصریها خطی اختراع کرده بودند معروف به (هیروغلیف) و این خط بسیار مشکل و درهم بود از برای هر کلمه علامتی اختراع کرده بودند که غیر از دیگری بود و بواسطه زیادی کلمات نوشتن آن خط دشوار بود چون چندی گذشت بعضی تصرفات

در خط مزبور نموده و آسانتر شد بعد از آن در حدود شامات جمعیتی معروف
به فینیقی تشکیل یافت که در چند شهر سکنی داشتند معروفترین آنها را
(تیر) میگفتند و این طایفه مردمانی تجارت پیشه بودند از برای دفتر تجارتی
خود خطی لازم داشتند که خواندن و نوشتن آن آسان باشد پس بیست
عدد از حروف مصریها را اخذ نموده مطالب خودشان را با آن حروف
مینوشتند و چون حرف اوّل و دوّیم آن حروف (الفا) و (تبا) نام
داشت یونانیان هم حرف اوّل و دوّیم خط خودشان را الفا و بتا نامیدند
بعد از آن خطوط دیگر منشعب گشته همگی ممالک اروپا نام حروف خود را
از یونانی اخذ نمودند پس تمام حروف الف بائی که در اروپا با آنها کتابت
میکنند از روی خط مصریهاست که فینیقی ها آن را مختصر کردند

سؤالات

تاریخ خط هیروغلیف را بیان کنید — مصریان خط خود را بر روی چه مینوشتند —
طایفه فینیقی با خط مصریها چه کردند —
وجه تسمیه الف و با را بگوئید —

(۹) تا صد سال قبل علمای اروپا را از حال مردمان قدیم
مصر چندان اطلاعی نبود در عصر شورش فرانسه قشونی از آن دولت

بسرداری ناپلیون بناپارت مصر را مسخر ساخت در سنه ۱۷۹۸ میلادی دانشمندی چند همراه آن قشون بودند در مصر بجستجوی آثار قدیمه برآمدند و در قبرهای قدمای مصریان آثار بسیار بدست آوردند ولی خط هیروغلیف که بر روی سنگها و آثار دیگر نوشته شده بود کسی نمیتوانست بخواند تا یکنفر از معلمین فرانسه شامپولیون نام در سنه ۱۸۲۱ حروف آن خط را شناخت و از آن زمان جمعی در صدد تکمیل علم این خط بر آمده تمام عمر خودشان را بخواندن خط مصریها صرف میکنند و آنها را ازین جهت (اژیپتولوک) میخوانند

سؤالات

از چه زمان شروع باکتشاف آثار قدیمه مصر شد — اول کسی که خط هیروغلیف را خواند که بود — آیا در صد سال قبل مصر را میشناختند — در زمان شورش فرانسه در مصر چه شد

(۱۰) — **اهمیت مصر** — مصریها خدمتهای بزرگ بهیئت جامعه بشر از جهت تمدن نموده اند از آنجمله اینکه پیش از تمام ملل بزراعت زمین اقدام کردند و همچنین در بافتن پارچه و آهنگری و نویسندگی و کداختن فلزات و حجاری بر ملتهای دیگر تقدم داشته اند و تمام اروپ این صنایع را از آنها آموخته اند در میان ملل قدیمه مصریها از همه مشهورتر و با تربیت تر

بوده اند مقارن همین عصر مصریان که ذکر شد ممالک بزرک دیگر در مشرق
زمین موجود بود مانند مملکت پارسیان و ممالک طایفه اسیری و بابلی که پایتخت
یکی نینوا و دیگری بابل بوده ولی چون آن طوایف مثل مصریها خدمتی
بهیئت انسانی نکرده اند در اینجا بذکر آنها نمیپردازیم و بعد از این معلوم
خواهد شد که مملکت مصر اوّل بتصرّف دولت ایران درآمد و بعد مسخر یونان گردید.

سئوالات

اهمیت مصر را بیان کنید ممالک معاصر مصریان قدیم را بگوئید
چرا از ممالک معاصر مصر گفتگو نمیشود

خلاصه

اوّلاً — مصریان قدیم ترین مردمان متمدّن عالم بوده اند از پنج هزار سال قبل شهر ساختن و زراعت کردن زمین را میدانستند

ثانیاً — اهالی مصر در سرزمین بسیار گرمی منزل دارند و آب آن اراضی از رود نیل است که بواسطهٔ طغیان آن اراضی مصر حاصل خیز میشود

ثالثاً — اهالی مصر اطاعت پادشاهانی که ایشان را فرعون مینامیدند میکردند و ایشان را مثل خدا ستایش مینمودند و بیست و شش سلسله از فراعنه در ملک مصر سلطنت کرده اند

رابعاً — فراعنه چندین نوبت بجنگ رفتند

خامساً — مصریان اجساد مردگان خود را مومیا میکردند و در قبرهای بزرگ میگذاشتند

سادساً — سه هرمان بزرگ در مصر قبور سلاطین است

سابعاً — مصریها معبدهای بزرگ ساخته آنها را با مجسّمه های سنگی زینت میدادند با عراده حرکت میکردند زراعت گندم و گله و گوسفند وغیره داشتند نساجی و حدادی میدانستند از برگ پاپیروس کاغذ ترتیب داده بر روی آن خط مینوشتند

ثامناً — خط سیر و غلیف را اختراع کرده بودند و چون آن خط بسیار مشکل بود فینیقیها

خلاصه

الف بارا از آن خط بیرون آورد

تاسعاً — تا سنه ۱۷۹۸ میلادی اهمیت مصر و اعمال مصریان شناخته نشده بود

در آن سنه یکنفر فرانسوی شامپولیون نام درصدد خواندن خط هیروغلیف برآ

و از آنزمان خوانندگان خط مصری زیاد شد

عاشراً — مصریان بواسطه انکه تمدن را پیشتر بسایر ملل تعلیم نمودند در عالم معروف شدند



ممفیس روی رود نیل مقر سلاطین ۱۲ سلسله اول بوده — تب روی رود نیل پای تخت علیای
مصر است — نینوا روی رود دجله پای تخت مملکت آسوری است — بابل روی فرات پایتخت
مملکت بابلیها است که سیروس پادشاه ایران تصرف کرد — بیت المقدس پای تخت
مملکت ژوده است که سلاطین نینوا و بابل گرفتند (۵۸۹ قبل از مسیح) و بعد رومیها گرفتند
(۷۰ بعد از مسیح) سامری پای تخت اسرائیل است که سلاطین نینوا و بابل گرفتند (۷۲۱ قبل از مسیح)

فصل دوّیم

طایفهٔ بنی اسرائیل

(۱۱) - **بزرگان قبایل** - در میانهٔ شط فرات و کوهستان لبنان سرزمینی واقع است که هوائیش بسیار گرم و زمینش ریگزار و تقریباً لم یزرع است در دو هزار سال قبل از میلاد اهالی آن ملک صحرانشین بودند و در شهری و دهی مسکن نداشتند بلکه همیشه با گاو و گوسفند و شتر خود از مکانی بمکان دیگر کوچ میکردند و مساکن آنها چادرهائی بود که از پوست حیوانات ترتیب میدادند و هر جا میرفتند با خود میبردند این اشخاص بقبایل بسیار تقسیم شده بودند و پدر هر قبیله بر زن و فرزند و اقوام و کسان و اتباع خود حکومت داشت و او را بزرگ قبیله مینامیدند

سوالات

ما بین شط فرات و کوهستان لبنان که ساکن بود بزرگان قبایل کیان بودند

مسکن ایشان در کجا بود

(۱۲) - **قبیلهٔ بنی اسرائیل** - مشهورترین بزرگان قبایل ابراهیم بود که در فلسطین نزدیک اردن مسکن و منزل داشت اهالی قبیلهٔ ابراهیم میگفتند

خداوند به ابراهیم وعده کرده است شمارهٔ اولاد او را از ستاره های آسمان بیشتر فرماید و ابراهیم در مقابل این موهبت تمام احکام الهی را اطاعت نماید

از نسل ابراهیم دو قبیله بزرگ بظهور رسید یکی قبیله عرب که اولاد اسمعیل بودند و دیگری قبیله اسرائیل که از نژاد پسر دیگر ابراهیم اسحق بودند

در عصری که یعقوب بزرگ قبیله بنی اسرائیل بود قحط و غلای شدیدی در فلسطین رخ داد و یعقوب با تمام قبیله خود بسوی مصر رهسپار گشته مدّتها در آنملکت بزیستند و عدّه ایشان فزونی گرفت

سؤالات

مشهورترین بزرگان قبایل که بود — شرح بنی اسرائیل را بیان کنید

در عصر یعقوب در فلسطین چه امری رخ داد و یعقوب چه کرد

(۱۳) — موسیٰ — در مصر پادشاهی بود که طایفه بنی اسرائیل را عبد مملوک خود می پنداشت و ایشان را مجبور بساختن ابنیه و عمارات خود میگماشت تا موسی از میان بنی اسرائیل مبعوث گشته قبیله خود را برانگیخت که فراراً از مصر بیرون رفته به مسکن خودشان که وطن یعقوب بود معاودت نمایند بنی اسرائیل هم بفرمان موسی از مصر هجرت نمودند و آن پیغمبر مرسل

قانونی محکم درمیان آنطایفه نهاده ایشان را بپرستش (ژاهو اه) یعنی خدای یکتا امر نمود عصر موسی زیاده از هزار و پانصد سال قبل از تولد مسیح بود.

سؤالات

پادشاه مصر با اسرائیلیان چه رفتار میکرد حضرت موسی چه کرد
قانون موسی چه حکم کرد در چه زمان موسی زندگی میکرد

(۱۴) — **فلسطین** — بنی اسرائیل بعد از بیرون آمدن از مصر چندین سال در بیابان بودند تا بالاخره بفلسطین در آمدند و با طوایفی که در آنجا سکنی گرفته بودند جنگها کرده آنها را مقتول و منهزم ساختند و خود در آنجا ساکن شدند بنی اسرائیل در آن عهد بدوازده طایفه تقسیم می شدند و هر طایفه بسبک و طریقه مخصوص خود رفتار میکردند

سؤالات

بنی اسرائیل بعد از بیرون آمدن از مصر چه کردند

(۱۵) — **سلاطین** — ملت بنی اسرائیل خواستند پادشاهی داشته باشند که در تحت رایت او بجنگند و از سامول که از علمای بزرگ آنها بود خواهش کردند یکنفر را از برای سلطنت آنها انتخاب نماید سامول هم

سائول را منتخب نموده بسلطنت نشانید و روغن مقدس بر سرش ریخت و این کار در هزار و صد سال قبل از مسیح واقع شد چندی نگذشت که سائول سرکشی نموده از اطاعت ساموئل بیرون رفت و ساموئل دیگری را که داود باشد در عوض او بسلطنت انتخاب نمود و داود دشمنان بنی اسرائیل را مغلوب ساخته در بالای تپه سیون بیت المقدس را مقر سلطنت خود قرار داد

بعد از داود پسرش سلیمان بر سریر سلطنت نشست و عمارتی از چوب سدر (چوبی است با دوام از جنس کاج) از برای خود ساخته معبد بیت المقدس را در هزار سال قبل از مسیح بنا نمود

سؤالات

بنی اسرائیل چه میخواستند — از که پادشاه طلبیدند — ساموئل را که انتخاب کرد — داود چه کرد — از سلیمان و معابد بیان کنید

(۱۶) — **پیغمبران بنی اسرائیل** — بعد از سلیمان در میان طوایف بنی اسرائیل اختلاف پدید آمد و هر طایفه بچند شعبه منقسم گشتند ده طایفه که در طرف شمال مملکت بودند مملکت اسرائیل را تشکیل داده آغاز بت پرستی

نموده‌اند و دو طایفه دیگر که در طرف جنوب و اطراف بیت المقدس سکنی
داشتند در آئین خود ثابت مانده پرستش (ژاهوا) میکردند و مملکت
ژوده از ایشان تشکیل یافت متدرجاً از کثرت استعمال یهود اشد
و بعد این دو مملکت با یکدیگر بنای خصومت و جنگ را نهادند تا بالاخره سلاطین
نینوا و بابل لشکری جرار و خونخوار بر ایشان تاختند و محصولات آنها را
سوزانیده شهرها را خراب و اهالی را بقتل رسانیدند سامارین که
پایتخت اسرائیل بود در سنه ۷۲۱ قبل از مسیح مسخر دشمن گردید و پایتخت
ژوده در سنه ۵۸۹ ایضاً مسخر شد

در آن عصر بعضی اشخاص عمر خود را در بیابانها گذرانیده مشغول
عبادت پروردگار بودند و میگفتند چون طایفه یهود از عبادت پروردگار
غفلت نموده متابعت احکام الهی نکردند خداوند ایشان را بغضب خود
گرفتار فرموده است این اشخاص غالباً به بیت المقدس آمده مردم را
موعظه میکردند و میگفتند این بتان را درهم شکنید و عبادت پروردگار
پیشه خود سازید والا خداوند شما را ببلاهای بد گرفتار خواهد ساخت آن
اشخاص پیغمبران بنی اسرائیل بودند یعنی کسانیکه مردم را از عاقبت کار

آگاهی میدادند معروفین آنها (الی) و (ایزائی) و (ژرمی) و (ازشیل) بودند و هروقت پادشاه عصر از کلمات و مواعظ آنها مطلع میکردید بحبس و زجر ایشان اقدام نموده یا شهیدشان میساخت

سؤالات

احوالات پیغمبران بنی اسرائیل را شرح دهید — طوایف جنوبی و شمالی چه کردند — اهالی مملکت تووده بچه اسم معروف شدند — این دو مملکت چه کردند — براین ممالک که حمله کرد

(۱۷) مسیح — چنانکه گفته شد بزرگان یهود را ببابل برده محبوس داشتند و مدت هفتاد سال در آنجا محبوس بودند

مقارن آنعصر ملت پارسیان که جمعیتی اندک از اهل آسیا بودند متدرجاً رو بترقی نهاده بر نواحی مملکت خود افزودند و سیروس پادشاه ایشان بابل را مسخر ساخته یهودیانی که در آنجا محبوس بودند رخصت داد که به بیت المقدس معاودت نموده در معابد خود مشغول عبادت شوند و در آنوقت از ملت یهود بجز جمعی قلیل و فقیر باقی نمانده بود و ایشان میگفتند ما محبوب خدائیم و اکنون خداوند ما را غضب فرموده باز روزی خواهد رسید که با ما بر لطف آید و ما را در قدرت و قوت توانا تر از عهد سلیمان فرماید و نیز پیغمبران

بنی اسرائیل بآنها خبر داده بودند که یک نفر از اولاد داود بفرمان خدا خواهد آمد و ملت یهود را ترقی خواهد داد نام آن شخص مسیح میباشد یهودیان در انتظار آن پادشاه بوده

سؤالات

ایرانیان قدیم چه میکردند — پادشاه آنها چه کرد — یهودیان چه شدند — تسلی ایشان برچه بود — پیغمبران بنی اسرائیل چه خبر داده بودند — یهودیان چه انتظار داشتند.

(۱۸) — خرابی بیت المقدس — مدت پانصد سال یهودیان در انتظار خبر پیغمبران خود بودند تا حضرت عیسی ظاهر گردید ولی بعد از ظهور او پیغمبری او را اقرار نکردند و گفتند این شخص آن مسیح موعود نیست و بعد از آنکه آنحضرت به بیت المقدس آمد علمای یهود فتوی قتل او را داده بدارش کشیدند و این واقعه در سنه ۳۳ بعد از تولد آنجناب بود. رومی ها در آنزمان در آن ده حکمرانی میکردند هفتاد سال بعد از تولد مسیح یهودیان بر آنها شوریدند و قشونی از روم بیت المقدس را محاصره و تسخیر نمودند و معبد آنجا را سوزانیده یهودیان را باسیری بردند و

عبد مملوک فروختند از آنوقت دولت یهود بکلی منقرض گردیده یهودیان در المان ولهستان و فرانسه والژری و آسیا و سایر بلاد عالم متفرق شدند ولی بمذهب قدیم خود باقی ماندند

سوالات

یهودیان چند مدت در انتظار وعده پیغمبران خود بودند — حضرت مسیح کی متولد شد یهودیان با او چه کردند — حکمران ژوده که بود — در سنه ۷۰ میلادی یهودیان چه کردند رومی ها چه کردند — چه قضایا بر سر یهود آمد — یهودیان چه شدند

(۱۹) - **اهمیّت قوم بنی اسرائیل** — یهودیان جمعیّتی قلیل و محقر بودند ولی در تاریخ عالم اهمیّتی کامل دارند زیرا در زمانی که تمام مردم بت پرست بودند آنها خدای واحد را پرستش میکردند و ابتدای مذهب عیسوی از ایشان بوده

سؤالات

اهمیّت قوم بنی اسرائیل چیست

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً ـ بزرگان قوم در صحرا ما بین شط فرات و لبنان منزل داشتند و با مال و عیال و مواشی خود از مکانی بمکانی حرکت میکردند

ثانیاً ـ از ابراهیم که رئیس قبیله بود دو طایفه پیدا آمد یکی عرب و دیگری بنی اسرائیل که بزرگ ایشان یعقوب بود

ثالثاً ـ طوایف بنی اسرائیل که در مصر بودند بامر موسی از آنجا خارج شدند و موسی کتابی از بهر ایشان آورده آن جماعت را امر نمود که یهوا را ستایش کنند

رابعاً یهود در فلسطین منزل گرفته دوازده قبیله ایشان در آنجا زندگانی کردند

خامساً بعد از آن در تحت رایت سلاطین جمع گشتند که بزرگترین آن سلاطین سلیمان بود

سادساً ـ بعد از آن یهود بدو مملکت تقسیم شدند و هر دو مملکتها توسط طایفه آسیری منقرض گردید و پیغمبرها از ایشان ظاهر شد که بنی اسرائیل را موعظه میکردند

سابعاً ـ یهودیان ببابل مراجعت کرده مملکت کوچکی تشکیل دادند و در انتظار مسیح بودند

ثامناً ـ بعد از ظاهر شدن عیسی یهودیان او را تکذیب نموده بردارش زدند و در سنه ۷۰ میلادی توسط رمنها متفرق گشتند تاسعاً ـ اهمیت ملت یهود بسبب مذهب ایشان است

فصل سیّم

یونانیان

(۲۰) - **طایفه یونانی** — یونان مملکتی محقراست ولی اهالی آن بسیار باهوش وکارکن بوده اند در هشتصد سال قبل از مسیح همینقدر زراعت زمین وترتیب گوسفند رامیدانستند ولی دیری نگذشت که قایق ساختن آموختند ونهرها کنده حجّاری ونقّاشی وخطاطی در میان ایشان انتشار یافت

سئوالات

یونان ! چه مملکتی بوده است - ویونانی ها چه صنعتی داشتند - اوّل دفعه چه چیزآموختند

(۲۱) **مهاجرنشین های یونان** — بعدازآنکه عدّه یونانیان زیاد شد جمعی کثیرازآنها برای تحصیل ثروت بسرزمینهای دوردست مسافرت کردند باین ترتیب که درهرنوبت جمعی بکشتی نشسته بولایات خارج رفتند ودرآنجابنای شهروآبادی نموده بکوچ نشین موسوم شدند (مهاجرنشین) درتمامی سواحل دریای مدیترانه کوچ نشینهای یونان سکنی گرفتند هم درسواحل آسیاوهم افریقاوهم ایطالی وفرانسه واسپانی

و همچنین در سواحل بحر اسود حتی در شبه جزیره قدیم یونانیان ساکن شدند
چنانکه در فرانسه شهر مارسیل — نیس
و آنتیب — و اگد — از شهرهائی است که یونانیان
حفر کرده اند.

سئوالات

یونانیها برای تحصیل ثروت چه میکردند — کوچ نشین های یونان کجا بودند
آیا در فرانسه از آنها بوده

(۲۲) — **شهرها** یونانیان یک ملت متفق نبودند بلکه هر شهری با اراضی اطرافش متعلق به جمعیت مختصری بود و خودشان بامر حکومت اشتغال داشتند و قشون و قوه بحریه از خود تشکیل کرده بودند هر یک از این شهرها را سیته میگفتند و چندین صد از این شهرها ایجاد گشته دائم با یکدیگر در نزاع و قتال بودند ولی اغلب آنها باندازه یک ناحیه بیش نبودند — شهر عمده ایشان یکی اسپارت و دیگری آتن بود

سئوالات

آیا یونانیها ملتی تشکیل داده بودند — ترتیب حکمرانان آنها چگونه بوده — سیته چه چیز است
شهرهای بزرگ آنها کدام بود — دو شهر اصلی را بگوئید

(۲۳) – اسپارت اهالی اسپارت مردمانی کوهستانی وجنگی بودند اطفال خودرا از کوچکی بجنگجوئی تربیت نموده کشتی گرفتن بآنها میآموختند وجست وخیز ومشق واسلحه بآنها تعلیم میدادند وغذا ئیشان را کم داده برروی نی میخوابانیدند ولباس ایشان منحصر بیک بالاپوش بود اغلب اوقات اطفال را بشدّت میزدند که بسختی عادت نمایند ودخترها راهم تقریباً مثل پسرها تربیت میکردند اهالی آنجا اغلب باهمدیگر صرف غذا می نمودند وپیوسته مشغول مشق بودند آداب ورسوم معاشرت ونوشتن وخواندن را نمیدانستند وترتیب ادای کلام وصحبت نمیتوانستند ولی از تمام اهالی یونان دلیرتر وجنگجوتر بودند ودر جنگ بحال اجتماع وبه آهنگ نی حرکت میکردند وهریک یک نیزه وسپری بزرگ دردست داشتند وخودی از آهن برسر نهاده ما بقی بدن ایشان تقریباً عریان بود

از قوانین اهالی اسپارت تمام مخلوق قدیم وجدید عالم درحیرت میباشند وآن قوانین را از لیکورک میدانند که بعقیده ایشان هشتصد سال قبل ازمسیح درعالم زندگانی میکرده

سؤالات

اسپارت چه بوده — اطفال را درآنجا چگونه تربیت میکردند — باطفال چه میآموختند چگونه زندگانی میکردند — دخترها را چطور تربیت میکردند — مردها چه میکردند آیا تربیت شده بودند — چه امتیازی داشتند — چگونه جنگ میکردند — از قوانین اسپارت بگوئید — و بگوئید قوانین ایشان را بکه نسبت میدهند —

(۲۴) — آتن — اهالی آتن برخلاف اهل اسپارت بودند و بیشتر ایشان بشغل ملاحی اشتغال داشتند و صاحب کشتیهای بسیار بودند نزدیک شهر ایشان بندری معروف به پیره بود که در آنجا از مصر و آسیا از برای آنها متاع تجارتی میرسید و باین واسطه ثروت فراوان یافته بساختن ابنیه عالیه و مجسمه و فن شاعری پرداخته بودند و بهترین صنعتگران یونان گردیدند

در آتن مردمان را میلی شدید بساختن و شنیدن عبارات فصیح و بیانات ملیح بود و همگی در میدانی جمع شده اصلاح امورات و انجام کارها را در آنجا میکردند و آن میدان معروف بمیدان (اکورا) بود (سولن) نام از اهل آتن که ششصد سال قبل از مسیح زندگانی داشته قوانین خوب از برای اهالی گذارده بود

سؤالات

آتن چه بود — پروکیان بودند — آتنی ها چه شدند — میل ایشان بنطق و فصاحت چگونه بوده — از سولن چیزی بگوئید

۲۵ — **جنگ مدی** — ممالک آسیا و مصر در آنزمان در تصرف ایرانیان بود و در مدت سی سال آن ممالک را متصرف بودند سلاطین ایران قادر ترین سلاطین روی زمین بودند و مملکت ایشان از هندوستان تا مصر امتداد داشت و ایشان را شاهنشاه عالم میخواندند از آنرو که بیشتر خاک آسیا را مالک بودند یکی از سلاطین ایران که داریوش نام داشت خواست مملکت یونان را نیز ضمیمه ممالک خویش سازد و رسولانی بنزد یونانیان فرستاده پیغام داد که باید مرا سلطان خود دانسته از اطاعت امر من سر نپیچید بسیاری از طوایف یونان از سطوت پادشاه ایران بیم نموده سر اطاعت پیش آوردند ولی اسپارت مطیع نگشته فرستاده پادشاه ایران را بکشتند داریوش برای انتقام این عمل قشونی از ایران حرکت داد و قشون مزبور در ماراتون که نزدیک شهر آتن است از کشتی فرود آمد از آتن نه هزار مرد جنگی حرکت نموده در برابر قشون ایران اردو زدند

و با قدم دو بر ایرانیان حمله ور شده آنها را بدریا ریختند این واقعه در سنه ۴۹۰
قبل از مسیح بود و این جنگ را اولین جنگ مدی خوانند وجه تسمیهٔ آن این
بود که جماعت مدی را در تاریخ اسمی معروف بود و غالباً با ایرانیان مخلوط
بودند ده سال بعد از آن کسری پادشاه ایران که بعد از داریوش سلطنت
ایران داشت با یک ملیون قشون و پانصد فروند کشتی جنگی بقصد تنبیه و
تسخیر یونان حرکت نمود و یونانیان که چنین دیدند اهالی آتن و اسپارت
با یکدیگر متحد شده قشون بحری ایران را در سالامین در سنه ۴۸۰ قبل از مسیح
شکست دادند و قشون بری ایشان را در پلاته در سنه ۴۷۹ منهزم ساختند
و این واقعه را جنگ دویم مدی نامیدند

سؤالات

ممالک آسیا و مصر در آنزمان در تصرف که بود — پادشاه ایران را چه مینامیدند —
داریوش چه میخواست و چه کرد — یونانیها چه کردند — اسپارت و آتن چه کردند —
داریوش چه کرد — کسری چه کرد — در سالامین و پلاته چه واقع شد — آتنیها چه کردند
این جنگ را چه مینامیدند

(۲۳) قرن پریکلیس — بعد از شکست ایرانیان و فیروزی یونان اهالی
اسپارت باوطان خود مراجعت کردند ولی اهل آتن در جنگ مداومت نمود

نموده با کشتیهای جنگی حرکت کردند و قشون ایران را از تمام جزایر و مهاجرنشین یونان که در آسیا بود خارج ساختند و بعد از آن یونانیهائی را که از دست قشون ایران خلاص کرده بودند مجبور ساختند که هر ساله مبلغی گزاف بآنها بدهند و از آن پولها معبدی بسیار عالی و باشکوه در آتن از برای عبادت رب النوعها با بعضی عمارات عالیه دیگر بنا کردند

یونانیان بجهت تنبه و تهذیب اخلاق مردم تیاترها برپا کرده در مجامع خلق اظهار میداشتند

معماران و حجاران و نقاشان و همچنین شاعران و فیلسوفان در آتن مجتمع بودند

در این عصر یکی از اهل آتن موسوم به پریکلیس بر اهالی سمت ریاست داشت و بایجهت آنعصر را عصر پریکلیس نامیدند

سؤالات

اسپارتی ها چه کردند — آتنیها چه کردند — آتنیها سایر یونانرا بچه چیز مجبور کردند با پولهائی که گرفته بودند چه کردند — چه اختراع کرده بودند — در یونان چه چیز جمع شده بود

(۲۷) ماسدوان - اقتدار اهل آتن چندان بطول نینجامید یعنی در سنه ۴۳۱ قبل از مسیح اهالی اسپارت با ایشان بمنازعه برخواستند و

و نزاع و زد و خورد آنها با یکدیگر مدّت سی سال امتداد یافت در تمام
بلاد یونان و ممالک آسیا و سیسیل هر جا که یونانیان بودند اتصالاً جنگ
و نزاع برپا بود زیرا که بعضی از اهالی یونان طرفدار اسپارتی ها و بعضی
دیگر حامی آتینها بودند   عاقبت الامر در سنهٔ ۴۰۴ قبل از مسیح اهالی
آتن مغلوب گردیده ملکشان مسخر اسپارتیها شد ولی چون تمامی اهالی یونان
مایل باطاعت و تبعیت اسپارتیها نبودند آتش جنگ همیشه در آن مملکت مشتعل
بود و جنگهای ایشان بطریق سبعیّت و وحشیگری بود یعنی درختان یکدیگر را
میبریدند و مردانرا کشته زنان و اطفال را اسیر مینمودند و مثل غلام و کنیز
خرید و فروش میکردند غالباً در شهرها متموّلین و فقرا با یکدیگر در نزاع بودند

در ماسدوان که طرف شمال یونان بود جماعتی ساکن
بودند که چندان اهمیت نداشتند ولی مردمانی شجاع و در تحت نظم و اطاعت
رئیس خود بودند

پادشاه ماسدوان که فیلیپ نام داشت قشون منظّمی جهت خود ترتیب داد
رفته رفته تمام اهالی یونان را با خود متّحد ساخت و خواست لشکر با ایران
کشیده با پادشاه ایران مصاف دهد یونانیان با این عزم او همراهی نکردند

بضدیت او با ایشان رزم درداده در سنه ۳۳۸ قبل از مسیح آنها را منهزم ساخت

سؤالات

آتنی ها آیا با قدرت باقی ماندند – با ایشان که عزم جنگ نمود – از آن جنگ حرف بزنید – کدام طرف مغلوب شد – از برای چه دو باره جنگ شروع شد – در اوقت چگونه جنگ میکردند – در شهرها چه واقع میشد – ماسدوان چیست – فیلیپ چه کرد – در آتن چه واقع شد

(۲۸) فتوحات و تسخیرهای اسکندر. اسکندر پسر فیلیپ در سنه ۳۳۶ قبل از مسیح سلطنت یافت و چون دو سال از سلطنت او گذشت با سی و پنجهزار قشون بسمت ایران حرکت کرد قشونی که پادشاه ایران در مقابل اسکندر آورده بود جهت برابر قشون اسکندر بود ولی اسلحه آنها خوب نبود و عالما قواعد جنگ را نمیدانستند و در حرکات و مشق سربازی بصیرتی نداشتند بقسمیکه حرکت هر قسمت از قشون اسباب معطلی قسمت دیگر میشد و بر عکس لشکریان اسکندر در جنگ مهارت کامل داشتند و باین جهت اسکندر در سه جنگ متوالی ظفر و نصرت یافت و تمام ممالکی که در تبعیت پادشاه ایران بود مسخر وی گشت واسکندر در هر مملکتی شهری بنا نمود که بعضی از آنها هنوز باقی است از قبیل شهر اسکندریه که در مملکت مصر است وغیره

و بعد از فتح ایران تا هندوستان رفت و از انجا ببابل مراجعت نموده در شهر بابل در سنه ۳۲۳ قبل از میح در سن سی و سه سالگی زندگانی را وداع نمود

سؤالات

اسکندر کیست چه کرد — قشون پادشاه ایران چگونه بود — چگونه جنگ میکرد اسکندر کجاها را متصرف شد — چه بنائی بجا گذاشت — اسکندر تا کجا رفت در کجا و در چه سن مرد

۲۹ — تقسیم ممالکی که اسکندر بتصرف آورده بود

بعد از اسکندر احدی جانشین و صاحب تاج و نگین او نگشت سرداران لشکر مدت بیست سال با یکدیگر در نزاع و جدال بودند بر سر اینکه کدام یک جانشین اسکندر شوند و بالاخره جمعی از آنها که قدرتی داشتند ممالک اسکندر را مابین خودشان قسمت نمودند و هر یک قسمتی را تصرف نموده سلطان مستقل آن قسمت شدند و سه مملکت بزرگ از تقسیم ممالک اسکندر تشکیل یافت یکی ماسدوان و دیگری مصر و سیم شام است با چند مملکت کوچک و این سه دولت مدت دو الی سه قرن بهمین حال بودند

بعد از مرگ اسکندر سرداران او چه کردند — رائیشان برچه قرار گرفت آنها چه شدند — چند پادشاه نشین بعد از اسکندر تشکیل یافت — چقدر این ترتیب طول کشید

(۳۰) **ممالک یونانیان** — رعایای ممالک یونان از اهل آسیا بودند ولی سلاطین آنها یونانی بودند و لشکریان ایشان نیز از اهالی یونان بودند و برحسب میل سلاطین اهل علم و اخبارنویس از یونان طلب میشدند رفته رفته بمرور زمان ساکنین آن ممالک خوی یونانیان گرفته مذهب ایشان را هم اختیار نمودند و عاقبت الامر زبان آنها هم یونانی شد

سؤالات

در این ممالک از یونانی ها که بود — و ساکنین آنها چه کردند

(۳۱) — **اسکندریه و موزهٔ آن** بعضی از سلاطین خود عالم و طالب اهل علم بودند از آنجمله سلاطین مصر در اسکندریه که پایتخت مصر بود کتابخانهٔ بزرگی تاسیس نمودند در آنزمان کاغذ ایجاد نشده و کسی از چاپ خبر نداشت و کتابها را با خط معمول آنزمان در روی برگ پاپیروس نوشته لوله میکردند و از این جهت کتاب نادر و گران بها بود و پیوسته تصنیفات



ماراتون خرابی ایران بتوسط یونانیان ۴۹۰ قبل از مسیح — سالامین خرابی قوه بحری ایران بواسطه یونانیان ۴۸۰ قبل از مسیح)
پلاته خرابی قشون ایران (۴۷۹ قبل از مسیح) — آتن مغلوب اسپارتی ها (۴۰۴ قبل از مسیح) شرونه آنجائیکه فیلیپ پادشاه مقدونیه
مغلوب کرد اهل آتن را (۳۳۸ قبل از مسیح) — اسکندریه اسکندر بزرگ کتابخانه مشهور است — روم روی رود تیبر در ۷۵۴ قبل از مسیح
کان جائی است که آنی بال ظفر یافت بر رومن ها زاما خرابی آنی بال (۲۰۲ قبل از مسیح) — کارتاژ مسخر رومن ها شد

سفید مصنفین بزرگ گرفتار خطر گم شدن و نابودی میگردد زیرا که نسخه کتاب منحصر بیک یا دو و سه بود با وصف این در کتابخانه اسکندریه سیصد هزار جلد یا لوله کتاب جمع کرده بود

و نیز در اسکندریه باغی از برای علم گیاه شناسی و مکانی بجهت وحوش بنا کرده بودند و عمارتی هم بجهت اهل علم بنا نموده تمام آن ابنیه را موزه میخواندند از اطراف بلاد عالم هر کس طالب تحصیل علم بود باسکندریه میامد زیرا که در تمام عالم این قسم دار العلمها وجود نداشت

سؤالات

(۱) پادشاهان چه چیز دوست میداشتند — سلاطین مصر چه کردند — آیا در آن زمان چاپ خانه بود — کتابها را چگونه مینوشتند — در کتابخانه چه کرد داشتند — در اسکندریه چه بود این ابنیه را چه مینامیدند — در آنها چه میکردند

(۴۲ — صنایع و علوم یونانیان برای انجام دادن کارهای بزرگ لازم نیست که ملتی صاحب جمعیت و عده زیاد باشند چنانچه یونانیان مثل مصریان و یهودیان ملتی حقیر بودند ولی صنایع و اعمال و علوم آنها بیش از تمام ملل در سر زبانهاست و مورد تمجید و تحسین همه مردم است یونانیان

ممالك مصر و آسری و بابل و ایران را مسخر ساختند و تمامت علوم ملل قدیم را آموخته و علوم و مطالب جدید را هم خودشان اکتشاف کردند. دانشمندان یونان بخصوص اهل آتن انشارهای فصیح نموده حکایات زیبا تصنیف نمودند و تاریخها نوشتند هنوز در این عصر اشعار (هومر) و (اشیل) و (سوفوکل) را با کمال تعجب و تحسین میخوانند (هرودت) و (توسی دید) از مورخین مشهور یونان و (دموستن) خطیب و نطاق معروف از یونان بوده فن نویسنده گی در این عصر هنوز بتقلید یونان است یونانیان معبدها بنا نموده از سنگ حجاریها کردند و حجاریهای برجسته عجیب در روی سنگها از ایشان یادگار مانده آنچه از حجاریهای ایشان بدست آمده در موزه ها ضبط و از جمله اشیا نفیسه محسوب است

یونانیان اولین کسی بودند که در صدد پیدا کردن چگونگی احوال موجودات عالم برآمدند و هر علمی در ابتدا از آنها عیان شد چنانکه ابتدای علم طب از بقراط و تاریخ طبیعی از ارسطو و هندسه از اقلیدس و مکانیک از ارشمیدس و جغرافیا از ارتستن و نجوم از ایپارک بوده علوم مقدماتی که امروزه در مدارس با کمال اهمیت تحصیل میشود تماماً از یونانیهاست که در

ابدا بدون استعانت دیگری ایجاد نموده‌اند پس روا باشد که از اعمال و علوم ایشان در تعجب و حیرت باشیم که بنای تربیت تمام مردم از ایشان بوجود آمده

سؤالات

آیا یونانیان ملتی بزرگ بودند — آیا ایشان معروف هستند — چه طوایفی را یونانیان مسخر خود ساختند — با ایشان چه علوم تعلیم دادند چه نوشتند — نویسندگان بزرگ یونان را شرح دهید — فن نویسندگی تقلید کیست — صنعتگران یونان چه کردند — در موزه‌ها چه چیز را توقیر نگاه میدارند — یونانیها چه چیز را ایجاد نمودند — دانشمندان یونان را شرح دهید

خلاصه
که باید از بر نمایند

اولاً یونانیان ملّت کوچک باهوشی بودند در تمام سواحل دریای مدیترانه مهاجرنشینها مقرر داشته بودند

ثانیاً ممالک یونان تقسیم شده بود بسته‌های کوچک که با یکدیگر در جنگ بودند و عمده آنها اسپارت و آتن بود

ثالثاً اسپارتیان مردمانی کوهستانی و جنگی بودند و بهترین قشون یونان از ایشان تشکیل می‌شد

رابعاً آتن شهری دریائی بود و اهالی آن دریانورد و صنعتگر بودند و بزرگترین صنعتگران یونان در آنجا بودند

خامساً آتن و اسپارت باتفاق یکدیگر جنگهائی را با پادشاه ایران انجام دادند و او را مغلوب ساختند

سادساً بعد از آن این دو شهر با یکدیگر جنگ نمودند و آتن مغلوب شد

سابعاً مقدونیه با قدرت‌تر از سایر ممالک یونان شد و اسکندر پادشاه ماسدوان تمام ممالک ایران را تصرف کرد از سنه ۳۳۳ الی سنه ۳۲۶ قبل از میلاد

ثامناً- بعد از اسکندر ممالک او مابین سردارانش تقسیم شد

تاسعاً- چندین پادشاه نشین یونانی در مشرق تشکیل یافت و ساکنان مشرق با
یونانی ها شبیه شدند شهر اسکندریه پایتخت مملکت مصر بواسطه موزه و کتابخانه
مشهور شد

عاشراً یونانیان در عالم معروف شدند زیرا که نویسندگان بزرگ از
ایشان پدید آمد و مجسمه های قشنگ ترتیب دادند بنای تمام علوم را ایشان
گذاشتند و سایر طبقات از ایشان فرا گرفتند

فصل چهارم

جمهوری رمن

(۳۳ — **بنای شهر رم** شهر رم در ابتدا شهری کوچک و مربع شکل بوده است و در روی تپه نزدیک رودخانه (تیبر) واقع شده
که تقریبا مرکز مملکت ایطالیا بود — تاریخ بنای آن در سنهٔ ۷۵۳ قبل از
میلاد مسیح بوده — از بانی این شهر که (رومولوس) نام داشته
خبر صحیحی در دست نیست و همین قسم اخبار سلاطینی که در ابتدا در این شهر
سلطنت کرده اند بکلی مستور و مجهول است

سئوالات

رم در ابتدا چه بود — از مأخذ و مبدا او چه اطلاع دارید — کدام سلطانان
در رم حکمرانی میکرد —

(۳۴ — **شرح جمهوری** سلطانی که بعد از مدتها در این شهر سلطنت
داشته با طبقهٔ اعیان و بزرگان شهر بستگی و رابطه داشت
در تاریخ (۵۱۰) قبل از مسیح اعیان و اشراف شهر رم اجماع نموده پادشاه را

که (تارکن) نام داشت از شهر بیرون کردند و مدتی رم بدون پادشاه ماند اهالی شهر در هر سال دو نفر را از میان خود منتخب میکردند که باتفاق یکدیگر بامر حکومت قیام نمایند و آن دو نفر را (کنسول) مینامیدند و نیز رؤسای خانواده های بزرگ در مجلسی اجتماع نموده رای خودشان را در انجام امورات اظهار میداشتند و آن مجلس را (سنا) میخواندند که معنی آن محل اجتماع پیره مرد است

سؤالات

در تاریخ ۵۱۰ در رم چه واقع شد — چه اشخاص در مجلس اجتماع نموده چه میکردند مجلس ایشان را چه مینامیدند

(۳۵ — مجادله نجبا با طبقه رعایا اشخاصی که از نژاد فامیلهای قدیم رم بودند (پاتریسین) یا نجبا میگفتند و سایر طبقات مردم را (پلبین) مینامیدند پلبین ها عده شان بیشتر بود زیرا که غالباً از شهرهای مجاور در میان آنها داخل شده بودند پاتریسین ها میخواستند هم حکمرانی مطلقاً در دست خودشان باشد پلبین ها از آنها خواهش کردند که ایشان هم در حکومت شریک باشند پاتریسین ها از این معنی امتناع ورزیدند

از این جهت اغلب پلبین ها از رم هجرت نمودند
مجلس سنا محض معاودت دادن ایشان اجازه داد که از جانب ایشان
نیز روسائی تعیین شوند و این روسا را (تری بن پلب) یعنی
وکیل الرعایا مینامیدند - روسای مزبور اگر کاری را اصلاح نمیدانستند
حق داشتند که کنسولها را از اجرای آن ممانعت نمایند و بهمقدر که یکنفر (از
از آنها میگفت من این امر را مصلحت نمیدانم کفایت میکرد

[illegible]

مدت صد سال در میان پلبین ها و پاتریسین ها نزاع بود تا رضا دادند که از طبقه
پلبین ها نیز کنسول تعیین شود و این معنی باعث آرام گرفتن پلبین ها
گردید

سئوالات

پاتریسین ها و پلبین ها که بودند - عده کدام یک بیشتر بود - پاتریسین ها چه میخواستند
و پلبین ها چه میخواستند - و چه بدست آوردند تری بن ها (وکیل الرعایا) چه
حقی داشتند - این مجادله چند مدت طول کشید و عاقبت بکجا منتهی شد

۳۶۱ - قشون رمن - رمن کارشان زراعت و تجارت بود
اما با وصف این تمام افراد اهالی در جزو سپاهیان بودند
لباس لشگریان ایشان زرهی بوده است که از تسمه چرم ترتیب میدادند

واسلحه ایشان عبارت از قداره و زوبین و سپر بود
در ایام جنگ در اردو های خود سنگر ترتیب میدادند که در پناه آن محفوظ
مانند و با دستجات صد نفری الی یکصد و بیست نفر بجنگ بر میآمدند در حالیکه
سایر ملل هنوز تا این درجه قابلیت نداشتند و تماماً بحال اجماع جنگ میکردند
قانون اطاعت و نظام سپاهی رومان بسیار سخت بود چنانکه اگر یکنفر
لشکری مخالفت حکم نموده از محل مأموریت خود بجای دیگر میرفت سایر
سپاهیان اورا بضرب چماق بقتل میرسانیدند
افراد لشکریان از هفده سالگی شروع بمشق جنگ نموده تا آخر ایام
زندگانی در جزو لشکریان بودند ترتیب و انتظام قشون رمن بقدری
خوب بود که رفته رفته تمام دنیا را مسخر ساختند

سئوالات

شغل رمنی ها چه بود — اسلحه آنها چه بود — در جنگ چه میکردند — چگونه جنگ
میکردند دیسیپلین آنها چگونه بود — در چه سال تعلیم مشق جنگ میگرفتند
بچه دلیل قشون رمن تمام دنیا را مسخر ساختند

(۳۷) — فتح ایطالیا رمنها باین خیال افتادند که تمام رعایای ایطالیا را

در تحت تبعیت خود درآورند و از برای رسیدن باین مقصود جنگهای بسیار سخت نموده مدت جنگهای ایشان چندین قرن طول کشید تا در تاریخ سنه ۲۶۶ قبل از مسیح تمام شبه جزیره ایطالیا بتصرف رمنها درآمد

سئوالات

ابتدای فتح رمنها کجا بود — در این فتح چه جنگها نمودند مدت آن چقدر طول کشید — در چه سنه شبه جزیره ایطالیا بتصرف رمنها درآمد

(۳۸ — جنگهای پونیک — در افریقا نزدیک مکانی که امروز شهر تونس واقع شده در انعصر شهر تجارتی بزرگی موسوم به (کارتاژ) در کنار دریا بود و این شهر را ملاحان فنیقی نزدیک شهر صور ساخته بودند و بواسطه تجارت و استخراج معادن نقره اسپانیول ثروتی بسیار حاصل کرده بودند

اهالی کارتاژ خودشان مباشر جنگ نمیشدند ولی از مردمان وحشی جنگجو سپاهی میگرفتند و بجنگ فرستاده جایزه خوب بآنها میدادند تا بتوسط این قشون برشمال افریقا و اسپانیول و سیسیل استیلا یافتند — زمانیکه رمنها خواستند سیسیل را متصرف شوند با اهالی کارتاژ برخوردند و جنگ مابین رم و کارتاژ

شروع شد این جنگها را که عبارت از سه جنگ است جنگ پونیک مینامند
جنگ اول که از تاریخ (۲۶۴) الی (۲۴۱) قبل از مسیح طول کشید نتیجه
آن این شد که رمنها کارتاژی ها را از سیسیل خارج کردند
و جنگ دویم که در تاریخ (۲۲۱) الی (۲۱۸) قبل از مسیح بود باین ترتیب
بود که سرکرده از اهل کارتاژ موسوم به (انیبال) از اسپانی حرکت نمود
و از میان اهالی جنوب مملکت گل عبور کرده از کوهستان آلپ گذشته
با یطالیا فرود آمد و در مدت سه سال در سه جنگ بزرگ بر رمنها غالب



شکل ۲ تسخیر کارتاژ رمنها خواستند خود را از کارتاژ خلاص کنند و شهر آنها را محاصره و مسخر و خراب کردند

آمد و بعد از جنگ کان که مشهورترین فتوح انیبال است در مملکت ناپل سکنی

جست ولی با وصف این رمن ها جرات و جلادت خود را از دست نداده و بالعکس اینبال دیگر جرئت حمله نداشت - رمن ها محض اینکه اینبال را مجبور بخارج شدن از ایطالیا نمایند سرداری که نامش (سپین) بود با فریقا فرستادند و او در نزدیکی کارتاژ قشون خود را از کشتی فرود آورد و اینبال در مقام مدافعه برآمده در (زاما) شکست خورد و کارتاژیها درخواست صلح نمودند و رمن ها اسپانرا در تصرف خود نگاه داشتند

در جنگ سیم که از تاریخ (۱۴۹) الی (۱۴۶) قبل از مسیح بود رمنها خواستند بکلی از شر کارتاژ خلاص شوند و شهر کارتاژ را محاصره نموده بعد از فتح آنرا خراب کردند چنانکه در تصویر (۲) نموده شده

سؤالات

جنگهای پونیک را بیان کنید — شهر (کارتاژ) در کجا واقع بود — و کی ها آنجا را ساختند — کارتاژیها با چه قشون جنگ و فتوحات نمودند — رمن ها در کجا بکارتاژیها برخوردند و با آنها چه کردند — جنگهای پونیک چند سال طول کشید — سردار کارتاژیها که بود — و چند جنگ با رمنها کرد — بالاخره رمن ها با کارتاژ چه کردند

(۳۹) — **فتح مشرق زمین** — بعد از آنکه امپراطوری اسکندر بهم خورد در مشرق زمین چندین دولت یونانی تشکیل گردید رمنها یک یک آن ممالک را متصرف شدند و گاهی هم مملکتی را بدون جنگ مسخر مینمودند دو نفر از سلاطین مقدونیه را مغلوب ساختند که یکی از آنها فیلیپ بود در سنه ۱۹۷ قبل از مسیح و دیگری پرسه در سنه ۱۶۸ و همچنین انطیوکوس پادشاه شامات را در سنه ۱۹۰ قبل از مسیح مغلوب نمودند و با پادشاه (پنت) (میتریدات) سه جنگ کردند از سنه ۸۷ الی سنه ۶۳ قبل از مسیح و بالاخره مقدونیه یونان و تمام آسیای صغیر و شام و مصر را تصاحب کردند

سؤالات

بعد از بهم خوردن امپراطوری اسکندر چه واقع شد   رمن ها کدام ممالک را مسخر ساختند با که جنگ کردند

(۳۰) **فتح مغرب** بعد از آنکه رمنها ممالک مشرق را مسخر ساختند بفتح بلاد مغرب پرداختند پیش از این دانستیم که مملکت اسپان را در جنگ کارتاژ تسخیر نمودند اکنون میگوئیم که در آنزمان طایفه گل در مملکت فرانسه سکنی داشتند و این طایفه مدتها اسباب ترس و وحشت رمنها بودند زیرا که طوایف گل قبل از آن ایطالیا و رم را مسخر کرده بودند

ولهذا بعد از آنکه رمنها جماعتی از طوایف گل را در ایطالیا مغلوب و مطیع ساختند بطرف مملکت گل حمله ور گردیدند و در سنه ۱۲۰ ممالک مابین جبال آلپ و پیرنه را متصرف گشته در آنجا دو شهر بنا کردند یکی (اکس) و دیگری (ناربن)

خلاصه قیصر در مدت هشت سال مابقی ایالت گل را نیز در تصرف نمود از سنه ۵۸ تا سنه ۵۱ قبل از مسیح

سؤالات

رمنها بعد از تسخیر ممالک مشرق چه کردند   در آن عصر در فرانسه چه طایفه ساکن بودند
رمنها اول کجای فرانسه را مسخر نموده چه کردند   بعد از آن ما بقی ایالات کل را که تصرف نمود

۲۱۱ــ **جنگهای داخلی** ــ در تمام این مدت حکمرانی مملکت اسپانیا
مجلس سناها (نجبا) بود و هیئت رعیت هم گاهی در (فردوم) یا در محل
تجارت جمع میشدند و گاهی هم بمیدان مشق میآمدند و همیشه مجلس سنا را
محترم و اطاعت امرش را واجب میدانستند و کنسولها هم هیچ کاری را
بدون رأی عموم رعایا انجام نمیدادند   و آخر الامر از رمنهای اصلی چندان
کسی باقی نمانده بود و جمعی از غربا و اشرار داخل قشون رم گردیده مقصود
ایشان در خدمت پول نقد بود و غارت رعایا   جنگ ایشان محض
کسب بود نه از برای انجام تکلیف شخصی و از این جهت ابدا اطاعتی از دولت
رم نداشتند بلکه فقط بسردار خودشان که پول بایشان میداد اطاعت
میکردند   و سردارها هم مقصودشان آن بود که مجلس سنا را در زیر حکم
و میل خود در آورند   و چون سردارها متعدد بودند و هر یک میخواستند
در حکم استقلال داشته باشند در میان ایشان جنگ برپای شده این

جنگ داخلی مدت هشتاد سال طول کشید

در رم و ایطالیا و ممالک دیگر که متعلق بدولت رم بود مابین ماریوس وسیلا و همچنین درمیان سرتریوس و پمپه از هشتاد الی هفتاد و دو جنگ امتداد یافت و نیز درمیان پمپه و سزار از چهل و نه الی چهل و پنج قبل از مسیح جنگ برپای بود و مابین آنطوان و اکتاو از چهل و دو و سی و دو الی سی سال قبل از مسیح جنگ استمرار داشت و در هر جنگ هر یک از سرداران که غالب شد چند سالی مالک کل بود اگرچه مدت سلطنتش بقائی نداشت

آخر الامر اهالی رم از جنگهای پی درپی خسته شدند فاتح آخرین یعنی اکتاو قدرتی کامل حاصل نموده صاحب دو لقب جدید گردید یکی اگوست و دیگری امپراطور در سنه ۲۸ قبل از مسیح

مجلس سنا اگرچه بکلی منحل و مضمحل نشد ولی اسمی بی رسم بود و هیچ وجه تسلطی نداشت بلکه کلیه احکام باشخص امپراطور بود و در عهد سلطنت اگوست حضرت مسیح متولد شد

سئوالات

شرح مجلس سنا وحال اهالی رم ووضع کنسولها را بگوئید — آخرالامر قشون رم چه کسان بودند ومقصودشان چه بود — سردارهای قشون رم چه میخواستند کدام سردارها باهم جنگ داشتند — مدت جنگهای ایشان چقدر طول کشید تا آل امر آنها بکجا منتهی شد وکه لقب امپراطوری یافت — وحال مجلس سنا چه بود — درعهد اگوست چه اتفاق افتاد

خلاصه که باید ازبر نمائید

اولاً رم در ۷۵۴ قبل ازمیلاد بنا نهاده شد

ثانیاً درابتدا حکمران آنجا سلاطین بودند وبعد مدت پانصدوده سال کنسولها ومجلس سنا بامر حکومت میپرداختند

ثالثاً پاتریسین ها (بومیان) وپلبین ها (غربا) مدت مدیدی با یکدیگر درمجادله بودند وعاقبت الامر پاتریسین ها دست ازمجادله برداشته همه باهم مساوی شدند

۷

[illegible]

۸

[illegible]

[illegible] ۷ و ۸

? فرمود چهارم

? اکسیر غلیب

شب پوری را چرا خ الله کتاب علیمنیر

باهم مساوی شدند

حضرت مسیح متولد شد

باهم مساوی شدند

رابعاً رمنی‌ها بهترین قشون عصر قدیم را داشتند و عالم را باطاعت خود درآوردند

خامساً در فتوحات خود از ایطالیا شروع نمودند از سنهٔ ۵۰۰ الی سنهٔ ۲۶۴

سادساً بعد از آن کارتاژ را در سه جنک پونیک مغلوب ساختند از سنهٔ ۲۶۴ الی سنهٔ ۱۴۶

سابعاً بعد از آن مشرق زمین را بدون زحمتی تسخیر کردند

ثامناً طایفهٔ گل را مغلوب نموده ممالک مغرب را باطاعت خود درآوردند

تاسعاً چون قشون رمن اطاعت کسی غیر از سردارهای خود نمیکردند و سردارها همه میخواستند رئیس و بزرک باشند جنکهای داخلی طولانی واقع شد و بعد از آنکه یکی از سردارها بلقب امپراطوری ریاست مطلقه یافت جنک ایشان بخاتمه رسید

فصل پنجم

امپراطوری رم

۴۲ — امپراطوری و ایالات — رمیها بسیاری از ولایات را تصرف کرده بودند و امپراطورها هم مدت صد سال در فتوحات مداومت کردند و چون بصحرای لم یزرع یا بکنار رودخانه های بزرگ میرسیدند توقف میکردند مانند رود رن و دانوب و تمام ممالکی که در تصرف آورده بودند جزء امپراطوری ملت رم محسوب بود و آن ممالک امروز باین اسامی موسوم است

انگلیس اسپانی فرانسه تمامی قسمت جنوبی ساحل دانوب که سویس و باویر و اطریش باشد

و همچنین ممالک اروپای عثمانی و آسیای صغیر و شامات و شمال افریقا — واین ساحت عظیم را بچهل و شش ایالت تقسیم کرده بودند و هر ایالت خیلی وسیع و بزرگ بود مثلا تمام ممالک واقعه مابین جبال پرنه و رود شنج به پنج ایالت تقسیم شده بود

و در هر ایالتی یکنفر والی از طرف رم منصوب بود که فرمانده قشون و فرمانفرمای ولایت بود

و یکنفر هم ناظر از برای جمع آوری مالیات معین کرده بودند

این والیان که موسوم به (پرکنسول) بودند بغارت و چپاول اموال رعایا بیشتر اشتغال داشتند تا بفرمانفرمائی و حکومت میان آنها و مجلس سنا هم در این خصوص کلیه ساکت بود

اگرچه امپراطورها ضمناً از برای حکام مفتش میگماشتند و تا یک اندازه ایشان را از ستمکاری و بدرفتاری با رعایا منع میکردند

اما حکام از ضعف سنا و قوت امپراطورها بسیار خوشوقت و خوشحال بودند

سؤالات

ممالکی که رمیها تصرف کرده بودند کدام ها بود- اسم آن ممالک امروزه چیست دولت رم بچند ایالت تقسیم شده بود — در ایالات چه اشخاص حکمرانی میکردند طرز رفتار ایشان با رعایا چگونه بود

۲۳- دوازده سزار (قیصر) دوازده امپراطور اول که فرمانفرمای ممالک رم بودند ایشان را قیاصره دوازده گانه میخوانند از

سنه ۲۸ قبل از مسیح تا سنه ۶۹ بعد از میلاد و اینها بهر کاری اقتدار داشتند و مردم هم تمام احکام آنها را اطاعت میکردند و میگفتند امپراطور قانون مجسم است

بعضی از این قیاصره با وجود کمال قدرت و استقلال با نهایت تدین و اعتدال رفتار میکردند مانند اگوست و وسپازین و تیطوس

اما اغلب آنها بی اعتدالی و زیاده روی را پیشه خود ساخته موافق میل و هوای نفس خود رفتار مینمودند

تیبر نرن دمیسین بسیار خسیس و بی رحم بودند و هر کس با میل آنها موافقت نداشت فورا امر بقتلش مینمودند و همیشه در پی آن بودند که از اشخاص متمول با ثروت بهانه بدست آورده اموال ایشان را بستانند

بعضی دیگر از ایشان نیمه دیوانه بودند کالی گولا مردم را بپرستش خود امر میکرد و اسب خودش را کنسول لقب میداد و کلد و نرن از زحمت حکمرانی اظهار انضجار مینمودند و در عوض خود یکنفر از غلامان یا چاکران فرومایه را بحکمرانی در میان مردم میگماشتند

سئوالات

فرمانفرمایان اوّل ممالک رم که بودند — و ایشان را چه میخواندند — از کی تا کی بودند —
اعمال و رفتار آنها چگونه بود — امپراطوران بدرفتار چه کارها میکردند -

۴۴ — آنطونین ها — پنج نفر امپراطور که بعد از قیاصره سلطنت رم کردند
از سنه ۹۶ تا سنه ۱۹۲ میلادی برخلاف قیاصره امپراطورهای خوبی بودند و آنطونین ها
بآنها لقب دادند تا زمان آنطونین ها ابداً قانون نوشته و مدونی در میان
رمیها نبود و هر قاضی بهوای نفس خود قانونی میگذاشت و از آن رو حکم میکرد
و دیگری او را تغییر میداد آنطونین ها قانونی مدون کردند که تغییر و تبدیل
نیابد و احکام جدیدی بر قانون قدیم اضافه نمودند تا آن زمان آقائی
حق کشتن غلام خود را داشت و آنطونینها از این عمل منع کردند و تا یک
اندازه حقوق رمیها را از روی عدل و حق مقرر داشتند که از آن
بعد آن قوانین را (مکتوبات حقه) مینامیدند و دولت فرانسه در کد
خودشان بسیاری از آن قوانین را اخذ نموده اند

آنطونینها اشخاص باهوش و سردارهای قابلی بودند و غالباً طوایف
وحشی که از ساحل دانوب بر مملکت رمن حمله میکردند عقب می نشانیدند

سؤالات

آخرین ها کیان بودند — در چه تاریخ سلطنت میکردند — چه ترتیبی در قوانین مهمّا دارند — در لشکرکشی چه حال داشتند —

۲۵ — **تمدن رومی** — رمیها مردمانی بسیار درشت خوی بودند و چیزی بجز جنگ و زراعت زمین نمیدانستند ولی بواسطه معاشرت با اهالی آسیا و یونان نوشتن تألیفات خوب و نطقهای فصیح و ساختن ابنیه و مجسمه بیاموختند ایطالیا و فرانسه و اسپانیول و انگلیس مدتها در حقیقت باقی مانده شهری نداشتند و ممالک ایشان با جنگلهای بزرگ پوشیده بود بعد از آنکه رمیها این ممالک را تصرف کردند راههای بزرگ ساختند و در همه جا شهرها و معبدها بنا کردند و تماشاخانه‌ها و حمام‌ها راه انداختند و تمام صنایعی که خودشان از یونان آموخته بودند با اهالی این ممالک دادند

تمام ساکنین ممالک مزبور زبان لاتین تکلم مینمودند و زندگانی مانند رمیها را تعلیم گرفتند

مثلاً در فرانسه صد شهر هست که نامی آنها از رمی است و غالباً خرابه‌ها و مجسمه‌ها که از آن زمان باقی مانده دیده میشود زبان فرانسه از زبان لاتینی

استخراج شده است

سؤالات

طبایع رمنها چه بود از معاشرت اهالی آسیا و یونان چه چیز آموختند — در ممالکی که مسخر نمودند چه تصرفات کردند — اهالی این ممالک بچه زبان تکلم میکردند

۴۶ — سلطنت سربازان امپراطورهائی که بعد از انطونینها آمدند در امر سلطنت و حکمرانی آزاد نبودند سربازان بر آنها مسلط شده بودند هر وقت امپراطوری بقدر کفایت بآنها پول زیاد نمیداد و اطاعت امر آنها را نمیکرد آن امپراطور را بقتل میرسانیدند و امپراطور دیگری بجای وی مینهادند

قشون رمن عبارت از چند اردو بود یکی در مملکت انگلیس و یکی در سواحل رود رن و یکی در کنار رود دانوب و دیگری در شامات ولی این اردوها غالباً با یکدیگر اتفاق نداشتند و هر یک امپراطوری از برای خود تعیین نموده با یکدیگر جنگ میکردند از سنه ۲۵۹ تا سنه ۲۷۰ میلادی که ده سال بیش نیست زیاده از بیست امپراطور در رم معین شد و در میان آنها امپراطورهائی

خارجی هم بود مثل ملیوکابال که کشیش جوانی از اهل شام بود و لباس زنانه می پوشید

سؤالات

امپراطورانی که بعد از انطونینها بودند چه حال داشتند. سربازان با آنها چه قسم رفتار میکردند — قشون رم چه ترتیب داشت

۴۷ — **بنای شهر اسلامبول** — آخر الامر چندین امپراطور که در ابتدا سرباز بودند بسلطنت رم منصوب گردیدند و بسیار مقید بودند که مردم از آنها اطاعت و انقیاد نمایند و محض اینکه جنگهای داخلی برطرف گردیده از آن جلوگیری شود قرار براین دادند که همیشه در مملکت رم دو امپراطور سلطنت نمایند یکی در طرف مشرق مملکت و دیگری در ایالات غربی

بعد از این قرارداد در سنه ۳۲۶ میلادی امپراطور قسطنطین شهر جدیدی را برای خود بنا نمود و او را بنام خود موسوم ساخت این شهر در مدت چهار سال ساخته شد و شهر بزرگی شبیه شهر رم بود و بعد از اتمام ساکنین شهرهای مجاور انجا را قهراً باین شهر انتقال داد و از آن زمان سلاطین شرقی رم انجا را پایتخت مملکت خود قرار دادند

سئوالات

اخرالامر کار امپراطوری رم بکجا منتهی شد — ازبرای جلوگیری جنگهای داخلی چه کردند — شهر اسلامبول درچه تاریخ وچگونه ساخته شد

۴۸ — **امپراطوری مشرقی** ازاین تاریخ دو امپراطوری در مملکت رمن ها برقرار گردید یکی در قسطنطنیه و دیگری در ایطالیا ولی این امپراطورها در طرز زندگانی بهیچوجه شباهتی بامپراطورهای قدیم رم نداشتند تاج مروارید برسر میگذاشتند و در منتهای عمارت سلطنتی سکنی نموده برفراز تخت طلا می نشستند ولباس بلندمی پوشیدند که حاشیه زرتاب داشت و دردربار خود هزاران چاکر و خدم میگذاردند که همگی امپراطور را مثل خدا پرستش میکردند دربار ایشان بدربار سلاطین قدیم ایران خیلی شباهت داشت

سئوالات

ازتاریخ بنای اسلامبول ترتیب امپراطوری رمن چه بود — امپراطورهای شرقی بچه قسم زندگانی میکردند

۴۹ — **تنزل مملکت** — امپراطورهای مزبور ازبرای مرتب داشتن

دربار سلطنت و نگاهداری سربازان خود پول بسیار لازم داشتند و از این جهت مالیات زیاد از رعایا مطالبه میکردند و چون رعایای شهر از عهدهٔ ادای آن مالیات گزاف بر نمی‌آمدند مالیات آنها را بر توانگران و اهل ثروت شهر توجیه نموده ایشان را مجبور میساختند که در عوض تمام رعایا مالیات مقرره را بپردازند بواسطه این رفتار در مدّت صد سال تمام توانگران بافلاس افتادند و رعایا متفرق گردیده از برای زراعت اراضی کسی باقی نماند و همچنین از برای جنگ و دفاع دشمن بالاخره طوایف وحشی از هر طرف داخل مملکت شدند تا در سنه ۴۷۶ سرکرده یکی از طوایف وحشی که (اواکر) نام داشت امپراطور رم را که سلطان قسمت غربی رم بود از تخت سلطنت بزیر آورد و بجز امپراطور شرقی که پایتختش قسطنطنیه بود باقی نماند

سؤالات

امپراطورها بچه ترتیب مالیات دریافت میکردند — طوایف وحشی چه میکردند

سرکردهٔ طوایف وحشی با امپراطور غربی چه کرد

خلاصه که باید از بر نمایند

اوّلاً ممالکی که باطاعت رُم درآمده بودند امپراطوری رُم را تشکیل دادند و
ایالات متعدد تقسیم گشته در هر ایالت پروکنسول (نایب قونسولی) والی بود
ثانیاً دوازده امپراطور اول را قیصر نامیدند از سنه ۲۸ قبل از میلاد
الی سنه ۹۶ بعد از میلاد و اغلب آنها بی رحم و متعدّی بودند
ثالثاً بعد از ایشان آنطونین ها درآمدند از سنه ۹۶ الی سنه ۱۹۲ میلادی و آنها
امپراطورهای عاقل بودند و حقوق رومیها را ثابت کردند
رابعاً امپراطوری رُم در آن عصر بسیار صاحب تمدن بود مشتمل بر شهرهای
آباد و راههای معمور که آثار آنها هنوز باقی است
خامساً دستجات قشون رُم بسبب جنگهای داخلی مملکت را خراب کردند
سادساً امپراطورهائی که دوباره نظم را برقرار کردند مملکت را بدو قسمت
تقسیم نمودند و شهر قسطنطنیه را در سنه ۳۲۶ میلادی بنا کردند
سابعاً از زمان امپراطورهای رُم مثل سلاطین ایران زندگانی کردند و دربار
ایشان مملو از طبقات خدم و چاکران بود

۳۰۶

ثانیاً امپراطورها بسبب مالیات گزاف مملکت را خراب کردند وطوایف وحشی

که بلاد را خالی از قشون مشاهده کردند از طرف مغرب حمله ورگشته اساس

امپراطوری غرب را برهم زدند

فصل ششم

مذهب عیسوی

۵۰ — **مذاهب قدیم** — یونانیان و رومیها را عقیده بر این بود که عالم در تحت حکومت خدایان متعدد میباشد و از برای خدایان مانند مرد یا زن آدمی شکل و جسد قائل بودند و بتان چند ساخته آنها را مظهر خدایان میدانستند یعنی مجسمه های چوبی یا مرمر داشتند و چنان می پنداشتند که خدایان را صفت حسد میباشد و همیشه تقاضای پرستش و ذکر خود را مینمایند و هرگاه کسی از ذکر یا پرستش ایشان غفلت ورزد بخشم میآیند

پس از برای آنها عمارتها و معبدها میساختند و از برای آنها جواهرات هدیه میآوردند و گاوها و گوسفندها قربانی میکردند و برای احترام آنها آتشها برپای میداشتند

اما ابدا معتقد نبودند که از برای خوشنودی خدایان صفات نیکو و رحم داشته باشند

سؤالات

عقیده قدیم یونان و رمن ها چه بود — از برای خدایان خود چه میکردند

۵۱ — **مذهب عیسوی** — حضرت عیسی که ظهور نمود بمردمان گفت خدای ما یگانه است و او پدر ماست که در آسمانست تقدیم قربانی و تکلفات جمیع از قبیل آثر ها و غیره بجهت طلب خوشنودی خدا بی فایده است بلکه مقدم بر همه چیز دوست داشتن خداوند است و دوست داشتن بنی نوع انسان و نیکی کردن با آنها اگرچه با ما بدی کنند تمام مردمان با یکدیگر برادرند زیرا که همگی فرزندان خداوند هستند توانگر و فقیر و پادشاه و غلام را در محبت باید مساوی داشت و لهذا همه خلق با هم مساوی هستند پس حضرت عیسی برادری و مساوات امردم وصیت و اندرز نمود

سؤالات

حضرت عیسی با مردمان چه تعلیم نمود — و در باب عقاید قدمای یونان و رمن چه فرموده

۵۲ — **حواریون** — حضرت عیسی بشاگردان خود فرموده بود بروید و تمامی ملل را تعلیم نمائید شاگردان آنحضرت بحواریون موسوم گشتند

یعنی (مأمورین) و ایشان برحسب امر حضرت عیسی بشهرهای یونان و آسیا رفته اهالی آنها را نصیحت و موعظه نمودند و خبرهای خوب و تازه بمردم میدادند

در لغت یونان خبر تازه خوب را (اوان ژیل) میگفتند و اکثر علمات استعمال بانجیل مبدل گشت و آن خبرهای خوب این بود که حضرت عیسی از برای این فرستاده شده تا معتقدین خود را نجات داده بآسمان برساند

در آن زمان مردمان فقیر ذلیل بسیار بودند و بسیاری هم غلامان بینوا بودند که آقایانشان با آنها ستمگاری نموده بسختی میزدند و شکنجه میکردند و در محبسهای تاریک در غل و زنجیرشان میکشیدند زیرا که در آن عصر حق آقایان بود که هر چه خواهند با غلامان خود بجای آرند —

این فقرا و غلامان با کمال شعف مذهب جدید را قبول کردند که بانها نوید میداد بعد از مرگ بآسمان خواهند رفت بشرط آنکه بعیسی معتقد بوده خوب کردار و امین باشند

سؤالات

شاگردان حضرت عیسی کیان بوده و چه کردند — وجه تسمیه انجیل در ابتدا چه بود
چه قسم اشخاص در ابتدا دین عیسی در میآمدند — جهت میل ایشان به دین او چه بود

۵۳ - **کلیسا** — دیری زمانی نگذشت که در ممالک از شام تا اسپانیا جمعی عیسوی پیدا آمدند در ابتدا اجتماعی اندک و مردمانی فقیر بودند رفته رفته زیاد شدند و غالباً عیسوی ها در مکانی جمع میشدند که کتب اخبار قدیمه و مواعظ حسنه و سرود در آنجا خوانند و بشنوند و در میان همه منتشر گردد هریک از آن اجتماعات را (اکلیز) نامیدند و بعد مجمعه آنها را کلیسای عیسوی خواندند

سؤالات

عیسویان چگونه اشخاص بودند — چگونه اجتماع میکردند
ابتدای کلیسا چه بوده

۵۴ — **شهداء عیسوی** امپراطورها و حکام بلکه قریب تمام ملت دین قدیم خودشان را نگاهداشته بودند و از عیسویها سخت خشمگین بودند که بخدایان ایشان عقیده نداشتند و لهذا امپراطوران قانونی وضع نمودند که مقتضی قتل و اعدام عیسویهائی بود که از عبادت بتان امتناع داشتند و این از روی قانون منها بود و عیسویان را گرفته در وسط صحن سیرک بر تیری می بستند و محض شغف و خوشوقتی عامه شیر و خرس و یوز پلنگ

بطرف آنها رها میکردند تا آنها را بدرند ولی عیسویها از این عقوبتها ترس نداشتند و آشکارا اظهار مذهب نموده خودشان برای قبول این عقوبتها حاضر میشدند

اشخاصی را که از برای عقوبت بسیاستگاه میبردند مارتیر مینامیدند یعنی اقرارکننده و بعد از کشته شدن عیسویان اجساد ایشان را مقدس و محترم دانسته استخوانشان را نگاه داشته بهترین یادگار مقدسین میشمردند

سئوالات

عموم مردم با عیسویان در چه حال بودند با ایشان چگونه رفتار میکردند

آیا عیسویان از اعدام و عقوبت دشمنان ترس و بیمی داشتند

بعد از کشته شدن عیسویان هم کیشان آنها چه میکردند

۵۵ – **فیروزی عیسویان** با وجود این زجر و سیاسات سلاطین امپراطور نشین اتصالا بآئین عیسوی میگرویدند تا در راس سیصد سال قریب تمامی سکنه شهرهای ممالک روم عیسوی بودند در سنه ۳۱۱ امپراطور کنستانتین قانونی درباب اجازه دخول بمذهب عیسوی مقرر داشت و در آنعصر در هر شهر یک نفر رئیس مذهب عیسوی بود که اورا (اوک) مینامیدند یعنی سرپرست

در رفته رفته این اوکها خیلی متعدد شدند وجمعیت ها بنام انجمن مذهبی تشکیل میدادند وترتیب عقاید عیسوی را تعیین میکردند انجمن بزرگ نخستین (کنسیل نیسه) بود که در سنه ۳۲۵ تشکیل یافت وایوک ها عباراتی ترکیب کردند که هنوز در نماز های عیسوی خوانده میشود

سؤالات

مردمان چه وقت بدین عیسوی درآمدند   امپراطور چه قانونی مقرر داشت
تفصیل اوک ها را شرح دهید

۵۶ — **کفار** — در انعصر نمیفهمیدند که عقاید قلبی باید اختیاری باشد تا هرکس بتواند آسوده گی بطریقه مذهب خود رفتار نماید ومثل اهل این زمان در عقیده ومذهب آزاد نبودند ولهذا امپراطورهای عیسوی مذهب بت پرستان را اذیت وآزار بسیار مینمودند همان قسم که در سابق امپراطورهای بت پرست عیسویان را اذیت مینمودند امپراطور (تئودوز) در سنه ۳۹۵ اشخاصی را که پرستش خدایان میکردند فتوای قتل میداد وازاینگونه اشخاص جز در دهات وصحرا وجود نداشت زیرا که آنها در جنگلها درزیر درختانی که نظر کرده می پنداشتند جمع میشدند وتا

قرن ششم میلادی از این اشخاص باقی بودند

سؤالات

امپراطورهای عیسوی مذهب با بت پرستان چه میکردند

بت پرستان درکجا یافت شیدند

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً یونانیها و رمنها بت میپرستیدند و از رحم و شفقت خبری نداشتند حضرت عیسی برادری و مساوات را بآنها آموخت

ثانیاً حواریین عیسی کتاب انجیل را انتشار دادند و بسیاری از مردم خصوصاً فقرا عیسوی شدند

ثالثاً عیسویان در هر شهری در کلیسا جمع شیدند تا از اجتماعات ایشان کلیسای عیسوی ترویج یافت

رابعاً ممانعین در صدد اذیت عیسویان برآمده ایشان را طعمه حیوانات درنده میکردند و آنزمان را مارتیر میگفتند (یعنی قتل با ضجر)

خامساً رفته رفته تمام مملکت عیسوی شدند و کشیشها قدرت بسیار یافته مجالس بزرگ منعقد میمنودند

سادساً امپراطورهای عیسوی اشخاص بت پرست اصدمه میزدند و آنهارا کافر میخواندند

ماحصل کتاب اوّل

اوّلاً نخستین مردمان تربیت شده اهالی مشرق بودند که زندگانی اجتماعی را آموخته زراعت زمین و استعمال فلزات میکردند و بسیاری از صنایع و کسب و تجارت و علوم را اختراع کردند

ثانیاً ما بین اهالی مشرق عمده اهل مصر بودند که بناهای زیبا نهادند و طایفه یهود که حضرت عیسی از نسل ایشانست اهل مصر بودند

ثالثاً اهالی اروپا که در آنعصر وحشی بودند بتوسط مراوده با یونانیها در تاریخ اسمی پیدا کردند تا مملکت مصر و قسمتی از آسیا را متصرف شده و بواسطه فتوحاتی که از برای آنها میسر گشت تربیت یافته هنوز تربیت و تمدن ایشان رو بتزاید میباشد

رابعاً بعد ازاین تاریخ یونانیان ضعیف شدند و مغلوب و مطیع رمن ها گشتند ورمنها بر وسعت مملکت افزوده یونانیان را مطیع خود ساختند و بعلاوه جزر شمالی افریقا و اسپان و ممالک گل و قسمتی از بریطانی را که امروزه موسوم بانگلیس است تصرف کردند ورمنها توسط یونان تربیت یافته در نوبت خود سکنه ممالک مغرب زمین را که از آن پیش همه وحشی بودند تربیت کردند

خامساً تربیت که در ابتدا منحصر بشرق بود متدرجاً مغرب ایهم بدائره تمدن درآورد

سادساً طایفه رمن در نوبه خود ضعیف گردیدند و وحشیان جرمن بر ممالک ایشان حمله نموده خراب کردند

سابعاً تاریخ قدیم در اینجا باتمام رسید تاریخ متوسط شروع میشود و تاریخ متوسط عبارتست از مدتی که فاصله مابین تاریخ قدیم و تاریخ جدید میباشد

کتاب دوّم

عصر متوسّط

فصل اوّل

استیلای ژرمن

۵۷ - ژرمن ها - طوایف ژرمن در ابتدا در ممالکی که امروز المان نامیده میشود ساکن بودند و طبیعت وحشی داشتند از زراعت زمین و تربیت مواشی مطلع بودند ولی از علوم و کتابت و نقاشی و بنائی ابدا چیزی نمیدانستند منازل ایشان در خانه های چوبی بود که در صحراها ترتیب میدادند جنگ و ستیز را بسیار دوست داشتند و غالبا در میان خودشان بجنگ و نزاع مشغول بودند زیرا که بطوایف متعدد منقسم شدند

بسیاری از ایشان بخیال اجاع برای تحصیل ثروت بممالک امپراطورنشین داخل گردیده شهرها را غارت میکردند

اگرچه قشون دولت رمن تا یک اندازه جلوگیری می نموده از تعدی و غارت ایشان مانع بودند و نمیگذاشتند از حد تجاوز نمایند

سؤالات

طوایف ژرمن ابتدا در کجا ساکن بودند و چه طبیعت داشتند چه چیزها میدانستند و از چه چیزها بی اطلاع بودند درمیان خودشان بچه کار اشتغال داشتند برای تحصیل ثروت چه میکردند قشون دولت رمن چه میکرد

۵۸ــ **استیلای طوایف گت** طوایف گت بر دو قسمت بودند ویزیگت و استرگت این دو طایفه بزرگترین طوایف ژرمن بودند در سنه ۳۷۵ از مکان و ماوای خودشان فرار از دست هونها کردند و هونها وحشیانی بودند که از آسیا آمده و بهرجا رسیدند خراب کرده بودند ژرمنها در فرار خود داخل مملکت امپراطوری گردیدند امپراطورها در ابتدا با آنها بنای جنگ را گذاشتند ولی در مابعد آنها را استخدام نمودند چیزی نگذشت که رئیس طایفه ویزیگت موسوم به آلاریک هجوم نمود شهر رم را متصرف شد و غارت نمود جانشین آلاریک بعد از او با تمام رعایای خود بجنوب فرانسه و شمال اسپانیا رفته در آنجا منزل گرفتند

و آن سرزمین بسلطنت نشین ویزیگت موسوم گشت

سؤالات

طوایف گت بر چند قسمت بودند در چه سنه و از برای چه از مکان و مأوای خودشان بیرون رفتند و بکجا داخل شدند امپراطورها با آنها چه کردند الاریک رئیس لیزی گت چه کار کرد جانشین او بعد از او چه کرد

۵۹ - استیلای بورگوندها و واندال‌ها

امپراطورها قشون رمنی خودشان را که در مملکت گل گذاشته بودند بجهت مدافعه ایطالیا احضار کردند و چون در معبر رود رن کسی برای مدافعه موجود نبود دو طایفه ژرمنی موقع را مغتنم شمرده داخل مملکت گل شدند طایفه بورگوند در دره رود ساون و در ژوراسکنی گرفتند و آن اراضی ولایت ایشان گردیده بنام آنها به بورگونی موسوم گشت مردمانی بسیار تنومند بودند اما طبعی ملایم داشتند و چندی پیش از آن بمذهب عیسوی در آمده بودند و طایفه واندال از مملکت گل و بعد از اسپانی عبور کردند و در ملکی در طرف جنوب ساکن شدند که بعدها آن ملک بنام ایشان خوانده شد و آنجا را اندلوزی و اندلس نامیدند

و بعد از آن ولایاتی که امروزه باسم آلژی (الجزیره) و تونزی (تونس) موسوم است تصرف نموده از مجموع اینها مملکت واندل تشکیل یافت

واندالها مردمانی وحشی طبیعت و بسیار درنده بودند و از هر جا عبور میکردند ابنیه را خراب وکشیشان را مقتول میساختند و دولتشان دوامی حاصل ننمود

ژوستی نین امپراطور قسطنطنیه در تاریخ ۵۳۴ افریقا را مسخر ساخت

سؤالات

دو طایفه ژرمنی چگونه داخل مملکت گل گردیدند و هر یک در کجا ساکن شدند

واندالها چه قسم اشخاصی بودند امپراطور قسطنطنیه در چه تاریخ افریقا را مسخر ساخت

۶۰ — استیلای فران ها — فران ها دسته های مجزی بودند که در مملکت بلژیک سکنی داشتند یعنی چون در آنوقت بلژیک بدون سکنه بود امپراطور های رمن این اجازه را بآنها داده در عوض ایشان را بخدمت میگماشتند رئیس ایشان که کلودی نام داشت یکی از دسته های کوچک در تبعیت او بودند پادشاه تمام فرانها

گردیده تمامت مملکت گل را تصرف نمود و از آن وقت آنجا را مملکت فرانها نامیدند

سؤالات

فرانها که بودند و در کجا بچه جهت ساکن شده بودند رئیس آنها چه شد

۱۶ـ استیلای طوایف انگلوساکسون ـ

ممالک انگلیس را در آن وقت برطانی می‌نامیدند و متعلق بامپراطوری ژرمن بود تا زمانی که امپراطورها قشون خودشان را از آنجا برداشتند ساکنین مملکت چون از عهده دفاع کوهستانیهای مملکت اکس برنیامدند طایفه ساکسن را که یکی از طوایف ژرمن بود برای خدمت خود طلب نمودند و ساکسن‌ها با اهل و عیال خود بتوسط کشتی از ژرمانی بیامدند و در جنوب انگلیس ساکن شدند ولی در سنه ۴۵۵ با سکنه اصلی مملکت نزاع نموده ایشان را بقتل رسانیدند سایر طوایف ژرمن که به انگل نامیده میشدند از دانمارک آمدند و همان قسم رفتار کردند بالاخره در قرن ششم هفت سلطنت در مملکت بریطانی تشکیل شده بود چهار سلطنت از ساکسون‌ها در سمت جنوب و سه سلطنت از طوایف انگل

در طرف شمال و از آن زمان این مملکت را انگلتر خواندند

سؤالات

مملکت انگلیس در قدیم بکه تعلق داشت چه شد که ساکسن ها بآن مملکت آمدند
و با سکنه اصلی مملکت چه کردند در قرن ششم چند سلطنت در بریطانی تشکیل شده بود؟

۶۲ - استیلای طوایف استروگت و لمباردی

استرگتی ها در ایطالیا سلطنتی موسوم بدولت استروگت تشکیل داده
بودند و سلطان آنها تئودریک از ۴۸۹ الی ۵۲۶ بارسلطنت بر نهاده
بود و او هم مانند امپراطورهای قدیم فرمان فرمای ایطالیا بود
بعد از آن ژوستی نین در ۵۵۴ قشونی فرستاده ایطالیا را تصرف نمود
و چندی نگذشت که طایفه لمبارد از جمله طوایف ژرمان از جبال
آلپ گذشته در دره رود پو ساکن شدند در ۵۶۸ و مملکت لمباردی
از ایشان تشکیل یافت که هنوز یک قسمت از دره رود پو را لمباردی میخوانند

سؤالات

استیلاء کنت ها در ایطالیا چه کرده بودند سلطان آنها چند مدت با رومیها دوست بود

روستی زمن با ایطالیا چه کرد طایفه لمبارد چه کردند و در کجا ساکن شدند

۶۳ - **نتایج تصرفات** — مدت استیلاء و تسخیرات این طوایف دویست سال امتداد یافت و تغییرات کلی از آنها حاصل گشت قبل از این تسخیرها مملکت رومن یک مملکت مستقل بود بواسطه این اعمال منقسم بچندین سلطان نشین وحشی گردید در این سلطان نشینها اهالی بر دو قسم بودند یکی طوایف ژرمن که در تبعیت سلطان آمده بودند و دیگر اهالی اصلی مملکت که آنها را رومن میگفتند و این دو طایفه باهم زندگانی میکردند بواسطه اثر معاشرت وحشی گری ژرمنها تخفیف یافت ولی تمدن رومنی ها از دست رفت و بعد از آن نه راهی ساختند و نه عمارتی بنا کردند امر زراعت بحدی تنزل نمود که تمام اراضی زراعتی مبدل بجنگلهای خار و علف زار گشت

سؤالات

مدت استیلای این طوایف چقدر امتداد یافت و چه اثرات بخشید حال مملکت رومن بکجا انجامید اهالی ممالک چند قسم بودند و معاشرت ایشان چه اثر نمود

۴۶- تغییر مذهب ژرمن ها — ژرمنها در ابتدا تمام
کافر بودند و قیدی بمذهب نداشتند ولی هریک از آنها که داخل
ممالک رومی میشدند بآئین عیسوی درمیآمدند طوایف گت و واندال
و بورگوند و لمبارد زودتر از سایرین مذهب عیسوی را پذیرفتند
ولی تمام قوانین مذهب را چنانکه کشیشها تعلیم میکردند گردن ننهادند این
طایفه از پیروان آرین بودند که اعتقاد به تثلیث نداشتند
اما طایفه فرانک در هنگامیکه کلوویس تعمید یافت در سنه ۴۹۶ مذهب
کاتولیک اختیار کردند و چون سکنه مملکت کاتولیک مذهب بودند
اطاعت فرانک ها را از سایر طوایف حتی بیشتر طالب بودند و
باین جهت سلاطین سلسله کلوویس اقتدار کامل یافتند و در آن وقت
کشیش بزرگ رم که موسوم به پاپ بود در همه جا محترم شد گرگوار پاپ
دعاتی چند بانگلیس فرستاد تا طایفه انگلوساکسون را بمذهب عیسوی
درآوردند در سنه ۵۹۷ چندی بعد از آن در ابتدای قرن هشتم بر حسب اهتمام
پاپ طوایف ژرمن که در ژرمانی ساکن بودند بمذهب عیسوی درآمدند
سلاطین سلسله مروونژی ضعف حاصل نموده و سلسلهٔ والیان کلوروئی



الاریک پادشاه ویزی گت‌ها تسخیر کرد روم را و غارت کرد آنجا را (۴۰۹) — مملکت ویزی گت‌ها در جنوب گل و در شمال اسپانی — مملکت بورگوندها دره ساون و رون است مملکت واندال‌ها در جنوب اسپانی و شمال افریقا — مملکت فرانک‌ها در گل است انگلوساکسون در انگلیس است — استروگت و لمبارد در ایطالیا

سؤالات

جنگهای پونیک را بیان کنید — شهر (کارتاژ) در کجا واقع بود — و کی ها آنجا را ساختند — کارتاژیها با چه قشون جنگ و فتوحات نمودند — رمن ها در کجا با کارتاژیها برخوردند و با آنها چه کردند — جنگهای پونیک چند سال طول کشید — سردار کارتاژیها که بود — و چند جنگ بار منها کرد — بالاخره رمن ها با کارتاژ چه کردند

(۳۹) — **فتح مشرق زمین** — بعد از آنکه امپراطوری اسکندر بر هم خورد در مشرق زمین چندین دولت یونانی تشکیل گردید و رمنها یک یک آن ممالک را متصرف شدند و گاهی هم مملکتی را بدون جنگ مسخر مینمودند دو نفر از سلاطین مقدونیه را مغلوب ساختند که یکی از آنها فیلیپ بود در سنه ۱۹۷ قبل از مسیح و دیگری برسه در سنه ۱۶۸ و همچنین انطیوکوس پادشاه شامات را در سنه ۱۹۰ قبل از مسیح مغلوب نمودند و با پادشاه (پنت) (میتریدات) سه جنگ کردند از سنه ۸۷ الی سنه ۶۳ قبل از مسیح و بالاخره مقدونیه یونان و تمام آسیای صغیر و شام و مصر را تصاحب کردند

چون کوتاه چه شد شارلمان پسر اوچه کرد در چه سال تاج امپراطوری بر سر نهاد ترتیب مملکت و امپراطوری او از چه قرار بود

خلاصه که باید از بر کنند

اوّلاً ژرمن ها طایفه وحشی بودند که در المان مسکنی داشتند بسیاری از آنها بجهت تحصیل ثروت بامپراطورنشین میآمدند

ثانیاً طایفه گُت که از جلو طایفه هون فرار میکردند داخل مملکت شدند در سنه ۳۷۵ قبل از مسیح و در ابتدا بخدمت امپراطورها قیام نموده بعد از آن رم را مسخر ساختند و سلطان نشین ویزی گُت را در اسپانی تشکیل دادند

ثالثاً بورگندها و واندالها سواحل رود رَن را خالی از قشون دیدند و داخل مملکت گل شدند در سنه ۴۰۶ بورگندها پادشاه نشینی موسوم به بورگندی تشکیل نمودند و واندالها در افریقا سلطان نشینی برپا داشتند

رابعاً طایفه فرانک در بلجیک مسکنی داشتند و در زمان سلطنت کلوی

مملکت گل را تصاحب کردند و از آن زمان مملکت گل پادشاه نشین فرانک موسوم گشت

خامساً ساکسونها و انگلیس‌ها به برطان کبیر رفتند و امپراطورهای روم از آنجا دست برداشتند ایشان هفت پادشاه نشین در آن مملکت تشکیل دادند و مجموع آن با انگلتر موسوم گشت

سادساً طوایف اُسترگُت در ایطالیا مملکتی تشکیل داده بودند و در زمان تِئُدُریک اقتداری حاصل کردند بعد از ایشان لمباردیها در ۵۶۸ جانشین آنها شدند

سابعاً تسخیرات بربرها (وحشیان) مدت دو قرن امتداد یافته باعث تأسیس چندین مملکت گردید که اهالی آنها مرکب از بربر و رمن بودند و تمدن ایشان از تمدن امپراطورنشین قدیم رمن کمتر شد

ثامناً ژرمنها در ابتدا کافر بودند و کم کم عیسوی شدند فرانکها به دین کاتولیک درآمدند و طوایف انگلوساکسون و ژرمن به توسط دعات مسیحی تغییر مذهب داده باطاعت پاپ درآمدند

تاسعاً شارلمان صاحب ایطالیا و ژرمانی شد و تاج امپراطوری بر سر نهاد و مملکتی موسوم به امپراطوری رمن تشکیل داد

فصل دویم
شریعت اسلام

۶۶ — حضرت محمد صلعم — در مدتی که ژرمنها بتسخیر امپراطوری غرب اشتغال داشتند اعراب نیز یک جزء از امپراطوری شرق را تسخیر مینمودند

در هیچ عصری ملت عرب تبعیتی از امپراطوری رمن نداشتند و بمذهب عیسوی در نیامده بودند هر قبیله از قبایل عرب بتی مخصوص داشتند و او را ستایش میکردند ولی تمام آنها سنگ حجر الاسود را محترم و مقدس میدانستند و او را درون خانه کعبه که بنائی مربع شکل است قرار داده بدو تبرک میجستند

یک نفر از اهالی مکه از قبیله قریش که نام مبارکش محمد و در ابتدا بقافله سالاری اشتغال داشت در سنهٔ ۶۱ دعوتی اظهار نموده فرمود خداوند مرا به پیغمبری فرستاده است که عالمیان را هدایت نمایم اهالی مکه او را بکشتن تهدید کردند و از آنجا بهجرت نموده بمدینه تشریف برد و دعوت خود را در تمام عربستان انتشار داد جمعی از شجاعان عرب دین او را قبول

نموده در راه نصرت او با کفار جهاد کردند تا پس از هشت سال مظفر و
منصور بمکه داخل شد
در سنه ۶۳۰ میلادی تمام عربستان دین او را قبول و او را اطاعت میکردند

سؤالات

اعراب در چه وقت امپراطوری شرق را تسخیر کردند ملت عرب تبعیت که مینمودند
و چه عقیده داشتند و پیغمبر قرشی در چه سال ظهور فرمودند و کارش بکجا رسید

۶۷ - اسلام — آیاتی که بر آن حضرت وحی میرسید بعضی
از اصحاب مینوشتند و از مجموع آن آیات کتاب مقدس قرآن صورت
گرفت که در نزد مسلمانان بسیار محترم است چنانکه انجیل در نزد عیسویان
و تمام احکام و آداب مذهب اسلام در قرآن درج است
و آداب و قوانین اسلام از این قرار است
شهادت لا اله الا الله محمد رسول الله یعنی خدائی نیست جز خدای
یگانه و حضرت محمد رسول و فرستاده اوست احکامی که خداوند امر
نموده و در قرآن درج شده باید متابعت و اطاعت نمایند در هر شبانه

در پنج وقت نماز گذارند با آب یا خاک تطهیر و رفع نجاست کنند صدقه
بدهند و شراب نخورند و مرتکب اعمال مخالف دین نگردند کسانی که با
پیغمبر ایمان آورده اعمال شایسته کنند در بهشت پر از گل و ریاحین رفته
با نواع نعمتها متنعم و در آن جاوید خواهند بود و منکرین و بدکاران بدوزخ
سوزان رفته آب جوش بایشان خواهند نوشانید
این قوانین و احکام مذهب اسلام است و تابعین آن را مسلمان خوانند

سؤالات

بعضی از احکام و قوانین مذهب اسلام را بگویند

۶۸ — **خلفاء** — در ۶۳۲ حضرت محمد رحلت فرمود
و کسیکه بعد از آنحضرت ریاست یافته جانشین او گردید خلیفه نامیده
و مسلمانان اطاعت او را مانند اطاعت حضرت محمد واجب میدانستند
و شخص خلیفه هم پادشاه و هم سردار و هم رئیس مذهب ایشان بود
چهار خلیفه اوّل در عربستان در مدینه منزل داشتند و خواستند سایر

ملل روی زمین را بمذهب خود درآورند ولی ایشان مانند عیسویان دعات مذهبی باطراف نمیفرستادند بلکه قشون حرکت میدادند مسلمانان جنگیدن با ملل غیر اسلامی را از جمله عبادات میشمردند و این جنگها را جهاد فی سبیل الله مینامیدند

سؤالات

بعد از رحلت حضرت محمد ص چه شد خلفای اولیه در کجا توقف داشتند. وچه کردند مسلمانان جنگ با کفار را چه می‌شمردند وچه مینامیدند

۶۹ - **فتوحات اسلامی** - قشون مسلمان عبارت از چندین دسته بود و هر دسته بطرفی مامور میشد بدون اینکه احدی از ایشان لحظه توقف و تعلل نماید زیرا که مسلمانان معتقد بودند هر کس در جهاد کشته گردد فوراً به بهشت خواهد رفت و لهذا ابداً ترسی از مرگ نداشتند و شجاعانه جنگ میکردند

قشون اسلام مملکت شام را در سنه ۶۳۹ تسخیر نمودند و در سنه ۶۴۰ مصر را که متعلق بامپراطور قسطنطنیه بود مسخر ساختند و در سنه ۶۴۲ تمام مملکت ایران بتصرف ایشان درآمد

بعد از خلفای اربعه خلفای بنی امیه دمشق شام را پایتخت قرار دادند
و همچنان بجنگ جهاد مداومت داشتند تا لشکر اسلام از طرف مشرق
ترکستان و شمال هندوستان را مسخر ساختند و از طرف مغرب تونس
و الجزایر و مراکش را متصرف شدند در سنه ۷۱۱
بعد از آن از تنگه جبل الطارق گذشته با یک جنگ تمام مملکت اسپانی را
مسخر ساختند پس مملکت امپراطوری خلفا از اقیانوس اطلس تا
رود سند امتداد یافت و هرگز مملکتی باین وسعت و بزرگی دیده نشده است

سؤالات

قشون اسلام بچه ترتیب بود عقیده ایشان درباب جهاد چه بود شام و مصر
و ایران را در چه سنه متصرف شدند بعد از خلفای اربعه پایتخت بنی امیه در کجا بود
وسعت مملکت اسلام چقدر بود با اسپانی چه کردند

۷۰- توقف مسلمانان مسلمانان مملکت فرانسه را فتح نمودند و شارل مارتل
ایشان را در پواطیه متوقف ساخت سنه ۷۳۲ و بعد از آن شارلمان آنها را
از جنوب فرانسه خارج نمود



مکه محل تولد حضرت محمد صلعم مدینه شهر دیگر اعراب است حضرت رسول آنجا رفت (۶۲۲)
و در آنجا وفات یافت (۶۳۲) — مسلمانان تصرف کردند شام و مصر و ایران و ترکستان
و هندوستان و شمال افریقا و اسپانی را — پواتیه محل شکست دادن شارل مارتل است عراب
(۷۳۲) — بغداد مکان خلفا است که مغلها تسخیر کردند (۱۲۵۸) قرطبه شهر اسپانی است
که خلیفه دیگر منزل داشت



س ۳ سارازان ها در بحر مدیترانه سیر میکردند

بعضی از مسلمانها در افریقا در روی دریا بغارت و کسب غنیمت اشتغال داشتند و در تمام دریای مدیترانه با کشتیهای خودشان سیر میکردند و چون عیسویان را میدیدند آنهارا اسیر نموده غلام و کنیز خود قرار میدادند غالباً در سواحل ایطالی و فرانسه برای غارت دهات از کشتی فرود آمده زنان و اطفال را اسیر میکردند

تمام جزیره سیسیل در تصرف ایشان در آمد و همچنین جزء جنوبی ایطالیا در تحت ... شهر نیس قلعه محکم داشتند و اهل اروپا ایشان آنهارا (سرازن) مینامیدند

سؤالات

مسلمانان با فرانسه چه کردند شارل مارتل و شارلمان با آنها چه کرد
مسلمانها در افریقا چه میکردند با حبشیان رفتارشان از چه قرار بود

۷۱ـ انقراض دولت عرب دولت خلفا خیلی بطول نینجامید و مملکت اسلامی ابتدا بدو خلیفه نشین تقسیم گردید که پایتخت یکی در بغداد و دیگری در کردو (قرطبه) بود در اسپانی و بعد از آن چند سلطنت اسلامی دیگر در مصر و شام و الجزایر و مراکش و ایران تأسیس شد

در سنه ۱۲۵۸ مغولها از ترکستان آمدند و شهر بغداد را متصرف شده قتل عام کردند و دستگاه خلافت بغداد منقرض گشت

ولی ممالکی که بآئین اسلام درآمده بودند در عقیده اسلامی باقی ماندند چنانچه اکنون نیز معتقدند و قریب سیصد ملیون مسلمان در عالم وجود دارد

سؤالات

دولت خلفا چه مقدار طول کشید مملکت اسلام بچند خلافت و سلطنت تقسیم شد
مغولها در چه تاریخ بر بلاد اسلام حمله نمودند و با شهر بغداد و خلافت چه کردند
چقدر مسلمان در عالم وجود دارد

۷۲ – تمدّن اعراب – اعراب نه فقط جنگجو بودند بلکه شعر و علم را دوست میداشتند و چون ممالک ایران و یونان را فتح نمودند مدرسه هائی که در آن بلاد بود باقی گذاشته از خودشان نیز در بغداد شام و قرطبه مدرسه ها بجهت تحصیل علوم بنا نمودند

مدرسه (سالرن) قدیمی ترین مدارس طبی ایشان بوده اوّل کسی که بعلم شیمی اشتغال جست عرب بود و مادّه الکل را اوّل آنها پیدا کردند عمارتها و مسجدهای حیرت انگیز بنا نمودند اطراف شهرهای ایشان غالباً باغستان و مزروع بود در تمام عصر متوسّط عربها بدرجات از عیسویها متمدّن تر بودند

سؤالات

اعراب غیر از جنگجوئی چه داشتند با مدارس یونان و ایران چه کردند
کارهای عرب را شرح دهید

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً- پیغمبر عربی که نام مبارکش محمد بود در سنه ۶۱۰ میلادی دین اسلام را آورد و تمامت اعراب بدین او درآمدند

ثانیاً- مذهب اسلام عبارت از احکامی است که در قرآن نازل گشته و خلاصه آن اینست که خدائی جز خدای یگانه نمیباشد و محمد پیمبر و فرستاده اوست مؤمنین در بهشت جاوید مکان دارند و منکرین را مکان در دوزخ است

ثالثاً خلفائی که جانشین آنحضرت بودند از سنه ۶۳۲ الی سنه ۶۶۱ مشغول جهاد گردیده تمام ملل را بآئین اسلام درآوردند

رابعاً لشکر اسلام همیشه مظفر و منصور بودند و ممالک شام و مصر و ایران و تمام شمال افریقا و مملکت اسپان را تصرف نمودند

خامساً مسلمانان بتوسط طایفه فرانک در فتوح خود متوقف گردیدند ولی در سواحل مدیترانه در تحت اسم سارازان بقتل و غارت اشتغال داشتند

سادساً مملکت امپراطوری خلفا در قرن دهم بچندین مملکت تقسیم شد که همه بر دین اسلام باقی بودند

سابعاً اعراب مدارس بسیار داشتند علم طب و شیمی را تکمیل نمودند و ابنیه عالی ساختند

فصل سیّم
ملوک الطوایف
در اروپا

۷۳ - برهم خوردن دولت امپراطوری شارلمان - امپراطوری خانواده شارلمان پنجاه سال طول نکشید و در سنه ۸۴۳ نواده های شارلمان برحسب قرارداد وردون مملکت را به سه پادشاه نشین تقسیم کردند یعنی فرانسه و آلمان و ایطالی بجز پادشاه نشینهای کوچک که بعد از آن تشکیل یافت و اکنون آنها را محسوب نمیداریم

در ابتدا سلاطین و امپراطورها میبایست از خانواده شارلمان منتخب شوند ولی بعد از آن در هر پادشاه نشینی یکنفر از خانواده های محترم آن مملکت بسلطنت می نشست جز اینکه هیچیک در سلطنت خود اقتداری نداشتند و هر مملکتی با یالتهای کوچک متعدد تقسیم شده و در هر ایالت والی یا رئیسی حکومت میکرد و این والی در ایالت خود ریاست مطلقه داشت و دارای نفوذ کامل بود زیرا که سلاطین حق نداشتند او را معزول سازند و چون

والی میمرد پسر یا دختر او وارث ولایت او بود

سؤالات

بعد از برهم خوردن امپراطوری شارلمان مملکت بچه حال شد سلاطین و امپراطورها بچه ترتیب منتخب میشدند والی ها در ایالت خود چه حال داشتند

۷۴ - **آقایان و شجاعان** — آنزمان مانند این عصر نبود که هر ایالت با اطراف آن در حکم یک خانه باشد بلکه ایالت عبارت بود از یک ده الی بیست و سی قریه با املاک و اراضی بسیار در هر قریه مالک بزرگی مسلط و مقتدر بود که او را آقا یا بارون مینامیدند و هر آقائی در حوزه تصرف خود مالک مستقل بود و جمعی از خدمتگذاران و جنگیان در دور او جمع بودند و خانه او عبارت از قلعه محکم بود که قصر مینامیدند
تمام این آقایان و خدمتگذاران ایشان سوار و جنگی بودند و اسلحه ایشان نیزه بلند بود و زرهی در بر میکردند که از زخم خوردن محفوظ مانند و آنها را شوالیه (شجاع) مینامیدند
در آن عصر همچو می پنداشتند که اسباب عزت و عظمت منحصر است بجنگجوئی و لاجرم در عوض اینکه کسی را نجیب خوانند سرباز و جنگی مینامیدند

و چون این شوالیه ها (شجاعان) کار دیگری نداشتند روزگار خود بجنگ و ستیز با یکدیگر میگذرانیدند

سؤالات

آیا اینها در آن عصر چه حال داشتند آقایان و شجاعان چه میکردند
اسلحه ایشان چه بود   روزگار خود را چه قسم میگذرانیدند

۷۵ - **کشیش ها و راهبان** — در هر شهری کشیشی و در هر صومعه راهبی منزل داشت کشیش ها و راهبها بسیار متمول شده بودند و باعث آن این بود که آقایان و رؤسا بشدت متعدی و بدرفتار بودند غالباً همسایه ها بلکه اقوام خود را بقتل میرسانیدند و چون از بسیاری معاصی از عذاب الهی اندیشه میکردند قطعه ملکی را براهب یا کشیش واگذاشته جزو املاک او قرار میدادند و از او درخواست مینمودند که از برای ایشان طلب مغفرت نماید و بخشش گناه ایشان را از خداوند بخواهد

باین سبب کشیشان و راهبان هر یک آقائی بزرگ شده بودند بخصوص در آلمان که اغلب کشیشهای ماینس و کلن صاحب املاک و اراضی بسیار گردیده از اغلب خداوندگاران مقتدرتر بودند

سؤالات

حال کشیشها و راهب ها چه بود.   باعث تموّل کشیشان چه بود

اقتدار ایشان بچه اندازه بود.

۷۶ – غلامان

— در عصر رمنها غالبا رعایای املاک غلام و بنده بودند و صاحبان املاک میتوانستند ایشان را باشخاص دور و نزدیک بفروشند یا بزنند و بکشند و کلیه مانند حیوانات با آنها رفتار میکردند

در عصر متوسط نیز عموم رعایا را (سرف) مینامیدند یعنی بنده و بامر زراعت اشتغال داشتند ولی مالک زمین نبودند بلکه املاک متعلق بود بپادشاهان یا آقایان یا کشیشان و راهبان و غلامان بیچاره جز بزرگری کاری نداشتند هر یک قطعه زمین مختص خود را زراعت نموده ما حصل زحمات ایشان بصاحبان املاک میرسید بلکه کلیه زحمات بدنی و پول و گندم و شراب و جوجه ایشان حق صاحب ملک بود

جز اینکه آقا حق نداشت قطعه زمین زراعت هیچ رعیتی را از او بگیرد و چون رعیتی میمرد زمین او بارث باولادش میرسید

اگرچه این بندگان هم خیلی بدبخت بودند که صدمات فوق العاده میدیدند
ولی همینقدر بود که آقا و مالک آنها نمیتوانست آنهارا از اطفالشان
دور سازد و باشخاص دور دست بفروشد

غلامان برزگر در قرن یازدهم خوش احوالتر از رعایای رمها بودند
زیرا که در آن زمان همه چیز رو بترقی بود اما برزگر باز هم بکلی آزاد نبود و ناچار
باید احکام مالک خود را مطیع باشد

هر آقا و مالکی در حوزهٔ اقتدار و املاک خود یکنفر ناظر از جانب خود
میگماشت که برعایا پول بدهد این ناظر میتوانست از رعایا جریمه بگیرد و حتی
قتل آنهارا بدهد و هیچ غلامی حق نداشت از قریه که در آن ساکن و مشغول
برزگری بود بجای دیگر برود

سؤالات

حال غلامان برزگر در عصر رمها چه بود حال ایشان در عصر متوسط چه بود
رعایای قرن یازدهم با رعایای رمها چه تفاوت داشتند هر مالکی در حوزهٔ اقتدار
خود که را میگماشت

۲۲ — **بورژوا** (اهل قصبه ها) در قرن دهم در تمام اروپا
بغیر از دهات رعیت نشین چیزی موجود نبود و بعد از آن رفته رفته

بسیاری از آن دهات بزرگ شده و شهرت حاصل نمود سکنه هر شهری در دور شهر خودشان از برای مدافعه قلعه و جان پناه میساختند و این قلعه ها را بورگ (معقل) و اهل آن را برژوا (یعنی ساکنین معقل) مینامیدند

در ابتدا بورژواها هم مثل رعایای دهات مطیع آقایان بودند و جز شوالیه‌ها (پهلوانان) دیگری آزاد نبود

ولی در میان برژواها کاهی تاجر و کارگر پدید شد که فایده نقدی حاصل میکردند بعضی از آنها حق اقتدار و حکومت را از آقایان برای خودشان میخریدند و در آن شهر یا قصبه حکومت میکردند

سئوالات

در قرن دهم حال قریه های اروپ چه بود — سکنه شهرها چه میکردند
برژواها چه حال داشتند — برژواها چه میکردند

۷۸ — حال اروپا در عصر ملوک الطوایف — در این عصر در تمام اروپا این اشخاص صاحب اقتدار و نفوذ بودند یعنی آقایان و شوالیه ها (شجاعان) و کشیش و راهب ها و برژواها (معقل نشینها)

واین عصر را عصر ملوک الطوایف نامند

ممالک اصلی در آن عصر آلمان وایطالی بود که بعد از این بذکر آنها میپردازیم

ودیگر مملکت فرانسه بود

اما ممالک اسکاندیناوی یعنی سوئد ونروژ ودانمارک درآنوقت درحسابی محسوب نبودند ومملکت بوهیم وهونگری (مجار) وپلنی (ورشو) وجودی ناقابل بودند وروسیه هنوز بحال وحشیگری میزیستند

جزء اعظم اسپانی متعلق بمسلمین بود ولی چند سلطنت کوچک عیسوی مذهب در آن باقی مانده بودند مانند پرتوغال وکاستیل ولئون ولاوا واراگن وهمیشه بامسلمان درجنگ وستیز بودند

سؤالات

صاحبان نفوذ وقدرت درعصر ملوک الطوایف دراروپا کیان بودند

ممالک اصلی درآنزمان کدام وسایر ممالک چه حال داشتند

اسپانی دردست که بود

۷۹ — تسخیر نورماندیها مملکت انگلیس — یکی از وقایع واتفاقات بزرگ آنزمان تشکیل مملکت انگلیس است که نورماندیها تأسیس نمودند

باینمعنی که دزدان دریائی از نروژ میآمدند . در فرانسه با رئیس خودشان نزول میکردند در سنه ۹۱۱ ولایتی راکه از مملکت فرانسه تصرف کرده بودند نورماندی میخواندند . و والی نورمانیها با مقتدر ترین آقایان فرانسه شده بود .

گیلیوم والی نورماندی در سنه ۱۰۶۶ مملکت انگلیس را متصرف شد و انگلیس با نورماندی متصل گشت و بعد از این اتصال یکی از ممالک عمده اروپا گردید

سایر شوالیه ها (شجاعان) نورماندی سیسیل و مملکت ناپل را از عربها گرفته سلطان نشین مخصوصی تشکیل دادند

سؤالات

نورماندیها با مملکت انگلیس چه کردند . والی نورماندی در چه سنه انگلیس را تصرف نمود و بعد از آن چه شد . شوالیه های نورماند چه کردند

۸۰ - **قدرت فرانسه** — سلاطین اول فرانسه از سلسله کاپتین پادشاهانی ضعیف بودند بعلت اینکه والی ها و رئیسها

که در ولایات بودند اطاعتی از آنها نداشتند ولی شوالیه ها دشجاعان فرانسه در تمام اروپ مشهور بودند و شاهزادکان فرانسه در ممالک انگلیس وایطالیا و پرتوکال سلطنت میکردند و در دربار سلطنتی پادشاه انگلیس بزبان فرانسه تکلم میشد شعرای فرانسه که در قرن دوازدهم و سیزدهم بودند سرگذشت جنگها را نظم نموده شعرای سایر ممالک تقلید آنها میکردند

معمارهای فرانسه کلیسا ها و عمارات خیلی قشنگ بطرز رومن با هلالهای بلند خاقی میساختند و ممالک دیگر از آنها اقتباس میکردند پس باین سبب ها مملکت فرانسه در زمان ملوک الطوایف باوصف اینکه تقسیم شده بود یکی از مهم ترین ممالک اروپ بود

سؤالات

سلاطین اول فرانسه چه حال داشتند شوالیه ها و شاهزادکان فرانسه چه میکردند شعرا و معماران فرانسه چه میکردند فرانسه در عصر ملوک الطوایف چه حال داشت

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً امپراطوری شارلمان بچندین مملکت تقسیم شد و پادشاهنشینها بایالتها تقسیم شده بود که در هریک والی یا رئیسی حکمرانی میکرد و صاحب حقیقی آن مملکت بود

ثانیاً مالکین را آقا مینامیدند و ایشان با همراهان و ملازمان در قلعه هائی که معروف بقصر بود زندگانی نموده با اسلحه شجاعان مسلح بودند و بایکدیگر جنگ میکردند

ثالثاً کشیشان و راهبان تسلط کاملی داشتند و آقایان بزرگی بودند

رابعاً رعایا از برای آقایان برزگری اراضی نموده مطیع ایشان بودند و بسیاری از آنها سرف (یعنی غلام) بودند ولی صاحب مزرعه خود بودند و از غلامان زمان رومیها با آنها بهتر رفتار میکردند

خامساً ساکنین شهرها که موسوم به بورژوا بودند حق حکومت قصبه خود را از آقایان میخریدند

سادساً این زمان عصر ملوک الطوایف اروپاست ولایات اصلی در آنزمان آلمان و ایطالی و فرانسه بود

سابعاً والی نورماندی در ۱۰۶۶ انگلیس را تصرف کرد و شجاعان نورماند ممالک ناپل و سیسیل را تصرف کردند

ثامناً در آنوقت فرانسه مملکت عمده اروپا بود بواسطه شجاعان و شاعران و معماران که در آن بودند

فصل چهارم

قرون وسطی (بی وفایان)

۸۱ - بی وفایان ساکنان اروپا بچند ملت تقسیم شده وهر ملتی بچند ولایت منقسم گشته بودند جز اینکه تمام آنها در تمدن یک نوع بوده ویک عقیده داشتند یعنی همه عیسوی مذهب بودند واطاعت پاپ میکردند

در قرن یازدهم ملل غیر عیسوی از همه طرف عیسویان را احاطه کرده بودند وعیسویها ایشان را بیوفایان خواندند این بیوفایان در سه طرف بودند باین ترتیب که در سمت مشرق مسلمانان مصر وشام ودر مغرب مسلمانان اسپانی که موسوم به (مر) بودند ودر شمال شرقی اسلاو ها روس که در ساحل رود اُدِر سکنی داشتند وهنوز در کفر باقی بودند پاپ ها مقصود شان این بود که بیوفایان مجبور کرده پیروی عیسی نمایند وباین جهت شوالیه ها را تحریک میشدند که با آنها جنگ نمایند این قسم جنگها را جنگ صلیبی نامیدند بعلت اینکه هر یک از لشکریان این

جنگ صلیب قرمز رنگی بر روی لباس خود قرار داده بودند

سئوالات

ساکنان اروپا چه حال حاصل کرده بودند   بی وفایان کیان بودند   و در کدام طرف واقع بودند   مقصود پاپها چه بود و چه کردند   جنگ بی وفایان برا چه نامیدند

۸۲ — **جنگ صلیبی شرقی** بزرگترین این جنگهای صلیبی جنگی بود که در آسیا و در مملکت مصر واقع شد و او عبارت از هشت جنگ بزرگ بود و در جنگ اول تقریباً تمام لشکریان صلیبی از فرانسه بودند و بیت المقدس را در سنه ۱۰۹۹ مسخر ساختند و جماعتی از لشکریان در همانجا مانده پادشاه نشین فرانسه را در بیت المقدس تأسیس نمودند   ولی در مقابل مسلمانان تاب مقاومت نیاورده برای کمک خودشان شجاعان اروپ را طلب نمودند

جنگ صلیبی دویم توسط پادشاه فرانسه و امپراطور آلمان وقوع یافت و سعی ایشان بهدر رفت زیرا که نتوانستند بیت المقدس را از مسلمانان پس بگیرند

جنگ صلیبی سیم را امپراطور آلمان و پادشاه فرانسه و پادشاه انگلیس بر پا کردند و فایده نبرند فقط اینکه یک شهر مسخر نمودند شوالیه ها و شجاعان،

با اسلحه آهنین خود تاب حرارت هوای مشرق زمین را نیاورده تقریباً
تمام ایشان در عرض راه از حرارت هوا بهلاکت رسیدند

در جنگ صلیبی چهارم شجاعان خواستند از طرف دریا بآسیا بروند
ولی اهالی شهر ونیز آنها را از این عزیمت باز گردانیدند و در عوض جنگ
با بیوفایان بطرف قسطنطنیه رفتند و در آنوقت سلطنت قسطنطنیه با امپراطوری
عیسوی مذهب بود ولی کاتولیک نبود محض همین شجاعان بآنجا رفته او را
از تخت بزیر آورده بجای او یک نفر از خودشان را که اصلاً فرانسوی
و از اهل بودوان بود بسلطنت نشانیدند و بعد از آن مملکت را در میان
خودشان تقسیم نمودند و هر یک در ولایتی پرنس و والی و رئیس شدند و از
مجموع ایشان امپراطور نشین لاتین در قسطنطنیه تشکیل یافت که تا سنه ۱۲۶۱
بطول انجامید

مسلمانان تمام مملکت بیت المقدس را بجز جزیره قبرس تصرف کرده بودند
و چهار جنگ صلیبی دیگر در بیت المقدس واقع شد

جنگ ششم را امپراطور المان شروع نمود ولی در عوض آنکه با پادشاه
اسلام که بیت المقدس را متصرف بود جنگ نماید با او عقد اتحاد

بدست بدون جنگ داخل بیت المقدس گشت

دو جنگ صلیبی اخیر را سن لوئی انجام داد و میخواست مصر را مسخر سازد

ولی در جنگ صلیبی هفتم بحبس افتاد و در جنگ هشتم بمرض طاعون مرد.

سؤالات

بزرگترین جنگهای صلیبی کدام بود — سایر جنگهای صلیبی را که انجام داد — امپراطور آلمان با پادشاه اسلام چه کرد — جنگ صلیبی اخیر را که انجام داد

۸۳ — **جنگ صلیبی اسپانی** — مسلمانان تمام اسپانی را تصرف کرده بودند ولی بعضی شاهزاده های ضعیف عیسوی مذهب در مملکت پیرنه ساکن بودند و با مسلمانان بنای جنگ را گذاشته متدرجاً بسمت جنوب پیش رفتند و شهر بشهر را متصرف شدند و در آنجا پنج پادشاه نشین عیسوی بود پرتوگال کاستیل لئون ناوآرا آراگن

شجاعان اسپانیول اوقات خود را صرف جنگ طایفه مر مینمودند مثل (سید) معروف که در قرن یازدهم در سنه ۱۰۷۵ شهر والانس را گرفت و همچنین شجاعان عیسوی از اهالی فرانسه و انگلیس و ایتالیا باسم جنگ صلیبی میآمدند و مدت این جنگها زیاده از ششصد

سال طول کشید امّا کار عیسویان بزودی پیشرفت میکرد زیرا که غالباً با خودشان در جنگ بودند و با وصف این عاقبت الامر از برای مسلمانان در اسپانی بجز مملکت کوچک گرناد (غرناطه) که در جنوب اسپانی واقعست باقی نماند

سؤالات

شاهزادگان عیسوی در اسپانی با مسلمانان چه میکردند   شجاعان اسپانیول و سایر شجاعان عیسوی چه میکردند   مدت جنگها چقدر طول کشید   چرا کار عیسویان بزودی پیشرفت میکرد

۸۴ - **جنگ صلیبی پروس** - از قرن دهم عیسویان آلمان با طوایف بت پرست که در آنسوی رود الب سکنی داشتند جنگ میکردند و اراضی سلاو موسوم براندبورگ را تصرف نموده بودند که شهر کوچک برلن در آن بنا شده بود

در آنزمان در مملکت بیت المقدس بعضی راهبهای شجاع بودند که ایشانرا شجاعان تمپلی) مینامیدند از برای خودشان صومعه تشکیل داده زن نمیگرفتند و بالاپوش سفید در بر نموده اسلحه با خود داشتند و همیشه مستعد جنگ با کفار (غیر عیسویان) بودند بعد از آنکه مسلمانان عیسویان را

ازبیت المقدس بیرون کردند این شجاعان که همه از اهل آلمان بودند بکنار رود ویستول رفتند و در ولایتی که بت پرستان منزل داشتند قلعهٔ ماری ن بورگ را بنا نهادند محض اینکه طوایف پروس را بتغییر مذهب مجبور سازند و همه ساله بسفر جنگ (غزا) رفته دهات و مزارع بت پرستان را میسوزانیدند و خودشان را بقتل میرسانیدند و از سایر شجاعان عیسوی مذهب امداد می طلبیدند این جنگها نیز نوعی از جنگ صلیبی بود در رضای خدا را در این میدانستند که مخالفان عقاید و تعلیمات کلیسا را بقتل رسانند و همچنین شجاعان فرانسه بجنگ صلیبی میرفتند یعنی بکشتن فرانسویهای بزیه و ناربن که کاتولیک نبودند

سؤالات

عیسویان آلمان در قرن دهم چه میکردند راهبهای شجاع بیت المقدس چه کردند و در بلاد بت پرستان چه رفتار مینمودند شجاعان فرانسه چه میکردند

۸۵ــ نتایج جنگ صلیبی ــ جنگهای صلیبی اسپانی و پروس سبب شد که دو مملکت بتصرف عیسویان درآمد.

جنگ صلیبی مشرقی سبب شد که ملیونها عیسوی کشته گردید و مملکت عیسوی هم که بنا نهادند امتدادی نیافت ولی با وصف این جنگهای مزبور بیفایده نبود

اولاً شجاعان عیسوی که از ولایات مختلفه بودند و هریک در کنج ماوای خود گذرانیده با یکدیگر رابطه و آشنائی نداشتند بعد از آنکه برای جنگ اجتماع نمودند باهم شناسا شدند و تمام فرانسوی ها فهمیدند که همه یک ملت هستند

ثانیاً چون عیسویان ببلاد مشرق در آمدند مسلمانان را مشاهده نمودند که عمارات قشنگ عالی داشتند و لباسهای فاخر پوشیده بودند بهترین اطبا در میان ایشان بود و بهترین مدارس تشکیل داده بودند — عیسویان تمام این چیزها را در خاطر خود نگاه داشتند و بتقلید آنها برخواستند لاجرم بعد از جنگهای صلیبی اروپا متمدن تر از سابق گردید

سؤالات

جنگهای صلیبی اسپانی و پروس چه چیز را سبب شد جنگ صلیبی مشرقی سبب چه چیز گردید فواید و اثرات جنگهای صلیبی چه بود

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً شجاعان عیسوی در قرن یازدهم با بیوفایان یعنی غیر عیسویان شروع بجنگ نمودند و این جنگها را جنگ صلیبی نامیدند

ثانیاً عیسویان از سنه ۱۰۹۶ تا سنه ۱۲۷۰ هشت جنگ با مسلمانان مشرق نمودند و مملکت بیت المقدس را در سنه ۱۰۹۹ تأسیس کردند و بعد مسلمانها او را از ایشان گرفتند و همچنین مملکت لاتین قسطنطنیه را و امتداد جنگ ایشان از سنه ۱۰۹۶ تا سنه ۱۲۶۰ بود

ثالثاً عیسویها جنگهای صلیبی زیاد با مسلمانان اسپانی نموده چندین مملکت عیسوی در اسپانی تشکیل شد

رابعاً عیسویان آلمان براندبورگ را تصرف کردند و شجاعان درجه تئتنی با کافران پروس جنگ صلیبی نمودند و والی نشین پروس را بنا نهادند

خامساً جنگهای صلیبی اسباب کشته شدن ملیونها مردمان گردید ولی از جهت آنکه طوایف عیسوی با یکدیگر نزدیک و آشنا شدند فایده بخشید و نیز این جنگها سبب شد که از سابق متمدن تر شوند

فصل پنجم

آلمان و ایطالی

در عصر متوسط

۸۶ — **امپراطورهای آلمان** — پادشاهان آلمان مانند فرانسه سلطنت شان موروثی نبود بلکه سلطان بموجب انتخاب تعیین میشد یعنی چون پادشاهی وفات می نمود آقایان آلمان در جلگه وسیعی برای انتخاب سلطان جدید جمع میشدند و غالباً پسر پادشاه متوفی انتخاب میشد سه فامیل بزرگ در آلمان سلطنت نمودند

اوّل خانواده ساکس که از آلمانهای شمالی بودند در قرن دهم

دوّیم خانواده فرانکنی که از مرکز آلمان بودند در قرن یازدهم

سیّم خانواده سوآب که از جنوب بودند در قرن دوازدهم و سیزدهم

این سلاطین آلمان از پادشاهان فرانسه مقتدر تر بودند زیرا که آقایان آلمان باطاعت پادشاه عادت یافته بودند ولی در قرن سیزدهم آنان

این عادت را از دست داد

در قرن دهم مملکت ایطالیا در نهایت بی نظمی بود در همان اوقات اتن اول پادشاه آلمان با قشونی بزرگ از جبال آلپ عبور کرده برم آمد و تاج امپراطوری بر سر نهاد از آن زمان تا مدت پانصد سال هر پادشاهی که در آلمان بسلطنت منتخب میشد قشونی از شجاعان آلمان جمع نموده بایطالیا میرفت و ابتدا به پاوی رفته نشان مملکت لمبارد را میگرفت و بعد از آن از برای گرفتن تاج امپراطوری برم میرفت از این قرار همیشه آلمان و ایطالی یک امپراطور داشتند

ولی چون مسکن امپراطور در آلمان بود ایطالیائیها اطاعتی از او نداشتند و غالباً لازم میشد که پادشاه با جنگ داخل رم شود

سؤالات

تعیین سلطنت آلمان بچه ترتیب بود — چند فامیل در آلمان سلطنت کردند
در قرن دهم مملکت ایطالی چه حال داشت اتن اول چگونه برم رفت
بعد از آن پادشاهان آلمان بچه قسم برم رفته تاج امپراطوری را میگرفتند

۸۷ — **پاپ ها** — پاپ آقا و بزرگ مذهبی رم بود و همچنین بر تمام

عیسویان ریاست داشت در ابتدا پاپ ها توسط امپراطور المان منتخب میشدند و اطاعت او را مینمودند و همچنین کشیش ها و راهب های را امپراطور تعیین میکرد و ایشان را جمع نموده شورائی تشکیل میداد بجهت انتخاب پاپ و کلیتاً بقسمی رفتار میکرد که پنداشتی رئیس کلیسا میباشد عاقبت الامر پاپها نخواستند که انتخاب ایشان با مشورت عموم کشیشان و تصویب امپراطور باشد و از این جهت در ۱۰۵۹ مقرر داشتند که انتخاب پاپ فقط توسط کشیش های شهر رم باشد

سؤالات

پاپ که بوده انتخاب پاپ را که مینمود — تعیین کشیشها و راهبها باکه بود پاپ ها خواستند چه شود و چه کردند

۸۸ـ **منازعه پاپها و امپراطورها** ـ بالاخره پاپها قوت یافته امپراطورها و پادشاهان را از حق تعیین کشیشها و راهبها نیز ممانعت نمودند و چون املاک کشیش ها در وسط املاک امپراطوری واقع بود و از هر جانب امپراطور بر آنها احاطه داشت با ایشان در مقام معاودت برآمد و ایشان نیز با امپراطور زد و خورد نمودند این زد و خوردها جنگهای

محصوری (احاطه) خوانده

امپراطور هانری چهارم بیش از دیگران در مقاومت کشیش ها سختی نمود
و پاپ گرگوار هفتم بکلی رابطه را با او قطع نموده بشجاعان مخصوص خودش
حکم داد بر امپراطور شورش نمایند

امپراطور نگریست که رعایای خودش از اطاعت او خارج شده و ترک
او را گفتند مجبور گردیده با یطالی آمد و از پاپ معذرت خواست
گرگوار هفتم در عمارت کانسا منزل داشت و سه روز امپراطور را معطل
ساخته نزد خود بار نداد و او را با پای برهنه در جلو درب عمارت نگاه داشت
در سنه ۱۰۷۷

امپراطور هانری پنجم در سنه ۱۱۲۲ با پاپ مصالحه نمود و متقبل گردید که انتخاب کشیشهای
بزرگ همیشه با تصویب راهبها باشد

سی سال بعد از آن امپراطور فردریک اول معروف به باربروس قشون
بزرگی فراهم ساخت که ایطالی ها را مجبور باطاعت نماید و شهر میلان را
در سنه ۱۱۶۲ خراب کرد ولی سایر شهرهای لمباردی با یکدیگر اتفاق نمودند
و پاپ نیز از آنها حمایت نمود چه پاپ میل نداشت که امپراطور را در ایطالیا

ریاست و آقائی باشد

هواخواهان پاپ را گلف مینامیدند و دوستداران امپراطور را گیبلین

بالاخره در سنه ۱۱۷۶ امپراطور مغلوب گردیده از ایطالیائیها مصالحه طلبید

فردریک باربروس پادشاهی شجاع بود تمام رعایای او المانی
بودند و از او احترام میکردند

آخر بجهت جنگ صلیبی حرکت کرد و در یکی از رودهای آسیا خود را غرق
ساخت آلمانها مردن او را معتقد نیستند و حکایت میکنند که وقتی
چوپانی باربروس را در قعر غاری دیده است که در جلو میزی از سنگ
خوابیده و ریش او سه دور بر گرد کمرش پیچیده شده

خانواده باربروس که بعد از او امپراطور شدند مکرر شروع بجنگ نمودند

فردریک دویم وارث مملکت ناپل گردید و او در خدمت خود سربازان
مسلمان نگاه داشت و لمباردی را مغلوب ساخت

پاپ چند نوبت با او قطع رابطه نمود و اتباع خود را حکم شورش داد

بعد از مرگ او که در سنه ۱۲۵ بود پاپ اظهار داشت که من میخواهم این
نژاد افعی را منقرض سازم و مملکت ناپل را برادر سن لوئی داد که شارل

انزوا باشد و او آخرین اولاد باربروسس کنرادن جوان را در سنه ۱۲۶۸
گردن زد

سؤالات

پاپها با امپراطورها چه کردند ... امپراطور هانری پنجم با پاپ چه کرد — پاپ گرگوار هفتم با او چه رفتار نمود

۸۹ — **خرابی امپراطور نشین آلمان** — از آن زمان همیشه امپراطوریکه در آلمان بود بتوسط هفت نفر شاهزادگان مقتدر انتخاب میشد که سه نفر ایشان کشیش بودند و آن هفت نفر را منتخبین مینامیدند منتخبین مزبور مخصوصاً شاهزاده را بسلطنت انتخاب میکردند که قدرتی نداشته باشد
امپراطور هیچوقت نه پول داشت و نه قشون. و مردم از او اطاعتی نداشتند شاهزادگان و آقایان بکلی مالک رقاب و صاحب اختیار مملکت بودند در بسیاری از عمارتها شجاعان راهزن مأوی گرفته براهزنی اشتغال داشتند و مانع عبور و مرور مسافرین و قافلههای تجارتی گردیدند اموال مردم را بیغما میبردند و صاحبان اموال را در زندان زیر زمین حبس میکردند تا مجبور گردیده خودشان را با قیمت گزاف بخرند. هیچ چه حساب و عدالتی

در میان بود و شهرت داشت که در مملکت آلمان حقی بغیر از حق زور وجود ندارد

سؤالات

امپراطور آلمان بتوسط کیان انتخاب شد چگونه شاهزاده را بسلطنت انتخاب میکردند منتخبین چه اشخاصی بودند و چه حال داشتند شجاعان راهزن و تجار چه میکردند حال مملکت المان چه قسم بود



شجاعان راهزن که به مسافرین و تجار تعدی میکردند

۹۰ — شهرهای ایطالیا — در ایطالیا آقایان بزرگ کم بودند — برگرد هر شهری حصاری بود و قشونی در آن سکنی داشت و محکمه مخصوص تشکیل داده مانند مملکت کوچکی مستقل بود

با ثروت و با قدرت ترین این شهرها ونیز و ژن بود که هر دو بندرگاه

بودند کشتی بسیار داشتند تجار ایشان برای خریداری ابریشم و فلفل و عاج بمصر و آسیا میرفتند و این اجناس را در فرنگ بقیمت گزاف میفروختند

اهل ونیز تمامی جزایر یونان و قسمتی از خود یونان را متصرف شده بود غالباً شهرهای ایطالیا با یکدیگر جنگ داشتند در قرن پانزدهم ساکنین شهرهای ایطالیا خودشان بجنگ نمیرفتند و قشون داوطلب اجیر نموده بجنگ میفرستادند و غالباً رئیس قشون مزبور بعد از فتح حکمران و بزرگان شهر را حبس کرده می گشتند و خودشان صاحب و مالک شهر میشدند

حکمرانی شهر ونیز توسط دارالشورائی مرکب از نجبای شهر بود ولی شهرهای دیگر قریب تمام آنها بتصرف یک نفر ظالم در آمد

سوالات

شهرهای ایطالیا چه ترقی داشتند — باثروت و قدرت ترین آن شهرها کدام بود اهالی شهرهای ایطالی در جنگ چه میکردند رئیس قشون داوطلب با شهری که فتح مینمود چه میکرد حکمرانی ونیز با که بود

مى صحیح بودند جمع گردیده تمام شدند که از اتفاق ورقهاى ...



وردن — عهدنامه ما بین نوه‌های شارلمان (۸۴۳) مالانس وکلونی —

بیت المقدس — تصرف شده بواسطه قشونهای جنگ صلیبی (۱۰۹۹) تسـ

قسطنطنیه — تسخیر شده بواسطه شجاعان عیسوی (۱۲۰۴) و پای تخت مملکت لاتین شد بـ

والانس راسید در ۱۰۷۵ تصرف نمود — مصر — مملکتی است از افریقا که در اینجا سـ

گرانسون و مورات — دو نقطه هستند که شارل نمر شکست خورد د



— شهرهائیکه گیلدها در آنجا با قدرت تر بودند از شاهزاده ها

...ن ژان دارک — بواسطه پادشاه فرانسه و انگلیس مسخر شد (۱۴۱۹

...ن — باشد بواسطه عیسویان آلمان مارینبورگ — قلعه ایست که شجاعان توتونیک بنا کرده

...ی اوّل جنگ صلیبی بانمود مورگارتن — جائی است سویسها فتح کردند ۱۳۱۵

...آنها در ۱۳۷۶

که مسیحی بودند جمع گردیده متهم شدند که از اتفاق و حکایت ...

[illegible]

۹۱ - **شهرهای هانس** - در آلمان نیز حکومت چندین شهر با خود آنها بود یعنی ساکنین شهر اطاعت بعضی از فامیلهای قدیم را میکردند با قدرت ترین آنها شهرهای شمالی بود که عبارت از لوبک و هامبورگ و برم و کلن و دانزیک باشد کشتیهای آنها برای تحصیل چوب و پیه و چرم و پوست به نروژ و روسیه سفر میکرد و برای قلع و پشم بانگلیس میرفتند و در تمام آلمان میفروختند در سنه ۱۲۴۱ شهرهای آلمان با یکدیگر اتحادی موسوم باتحاد هانس تشکیل دادند و هشتاد شهر در این اتفاق و اتحاد داخل شدند

سئوالات

ترتیب حکومت شهرهای آلمان چه بود — مقتدرترین آن شهرها کدام بود کشتیهای تجارت آنها کجا میرفت

۹۲ - **شهرهای سویس** - در کوهستان اطراف دریاچه لوسرن رعایا آزاد بودند یکی از شاهزادگان آلمان که والی اطریش و در آن حدود املاک داشت خواست رعایا را با طاعت خود مجبور سازد رعایا که تمامی مسلح بودند جمع گردیده هم قسم شدند که از اتفاق و حمایت یکدیگر دست

برندارند

وچون سواره شجاعان باراضی و املاک آنها داخل شدند رعایای پیاده باآنها مقاومت نموده در مرکارتن در سنه ۱۳۱۵ همه را بقتل رسانیدند

اتحاد رعایای مزبور در ابتدا از سه بلوک تشکیل یافته بود و در سنه ۱۳۵۳ هشت بلوک در آن اتحاد داخل شدند متدرجاً تمام رعایای سویس بآن مایل گردیده اتحاد سیزده بلوک تشکیل شد

اسلحه سویسی ها زوبین طویل بود و با صفوف جمع بجنگ میرفتند — شارل تمرر والی بورگن تصور میکرد که سواره شجاعان نجباء ها و دهاتیهای پیاده را بزودی منهزم خواهند ساخت ولی امر برخلاف این واقع شد که در دو جنگ بزرگ در گران سن و مرات در سنه ۱۴۷۶ شجاعان تماماً نابود گشتند از آنوقت ملت سویس تأسیس یافت و دیگر کسی در صدد برنیامد که بر مملکت سویس حمله کند و در آنها بنظر بهترین قشون اروپا گرفته شدند و تمام سلاطین طالب شدند که ترتیب آنها قشون داشته باشند

سؤالات

سؤالات

رعایای کوهستان اطراف دریاچه لوسرن چه حال داشتند شاهزاده المان
درباره آنها چه قصد نمود و ایشان چه کردند چند بلوک در اتحاد سویسی ها داخل شدند
سویسی ها با سواره شجاعان چه کردند

۹۳ — **تنزل پاپ** — پاپ امپراطور را شکست داد و مدت سیصد
سال تمام مردم در اطاعت او بودند تا در سنه ۱۳۰۱ پاپ بونی فاس هشتم
مراسله ممهوری برای فلیپ پادشاه فرانسه فرستاد مشعر براینکه از کشیشها
و صومعه داران فرانسه مالیات نگیرد فلیپ که خیلی پول لازم داشت و نیز میخواست
مملکت او از تحت حکمش خارج شود امر کرد آن مراسله را بسوزانیدند
و چون پاپ خواست حکم قطع رابطه با پادشاه بدهد و با او ستیزه نماید
یکنفر از شجاعان ایطالیا جماعتی از اوباش جمع نموده در نزدیکی شهر رم
در سنه ۱۳۰۳ مانع حرکت پاپ گردید و چندی بعد از آن مجمع کشیشها
یکنفر فرانسوی را که کلیمن پنجم نام داشت از برای پاپی تعیین کردند و شخص مزبور
از شهر رم خارج شده بآوینیون آمد در سنه ۱۳۰۹ و همانجا اقامت نمود مدت
هفتاد سال کرسی پاپی در آوینیون باقی ماند و در این مدت احکام پاپ همه بر
حسب میل پادشاه فرانسه بود

سؤالات

پاپ با پادشاه فرانسه چه کرد پادشاه با او چه کرد شجاع ایطالیائی چه کرد مجمع کشیشها چه کردند پاپ در کجا اقامت جست

۹۴ - وقوع تقسیم — ایطالیائی ها برای اقامت پاپ از پادشاه فرانسه بازخواست کردند تا آخر الامر یکی از پاپها که نامش گرگوار هفتم بود از اوین برم مراجعت نمود ولی بعد از هجرت او پاپ دیگر در اوین انتخاب کردند و از آنزمان پاپ دونفر شدند
و عیسویان نیز بدو قسمت منقسم گشتند اهالی فرانسه و اسپانی و اکثر مطیع پاپ اوین بودند و ممالک دیگر اطاعت پاپ رم میکردند و اینمعنی را وقوع تقسیم نامیدند عاقبت الامر کشیشهای ممالک دیگر در سنه ۱۴۱۱ در کنستانس مجلسی تشکیل دادند و هر دو پاپ را مجبور کردند که از کار کناره کردند و بعد از آن پاپ جدیدی انتخاب کردند
از آنزمان پاپ منحصر بیکنفر شد
و از آن پس در سنه ۱۴۳۱ خلیفه ها در مجلسی عمومی برای اصلاح ترتیبات کلیسا جمع گشتند محض اینکه تمام مردم از وضع آن شکایت داشتند و وقوع

تقسیم سبب شده بود که در بسیاری از ممالک بر خلیفه های پاپ شوریده بودند و از برای پاپ قدرتی باقی نمانده مثل اوایل قرون متوسطه اطاعتی از او نمیکردند

سؤالات

وقوع تقسیم را بیان کنید اتحاد پاپ چگونه و در چه تاریخ بود اصلاح ترتیب کلیسا از برای چه بود

۹۵ — **تسخیر عثمانیان قسطنطنیه را** — در زمان شارلمان ممالک مغرب زمین در تحت فرمان فرمانفرمای امپراطور و مطاعیت پاپ قرار گرفته بود و مذهب عیسوی در مقابل حملات یونانیان و غیر عیسویان را خیلی اسباب قوت بود قدری بعد از آن پاپ که بر عیسویان نافذالحکم بود جمعی شجاعان را بتسخیر ممالک مشرق مامور کرده بود

چرا اینکه بواسطه منازعه پاپ و امپراطور مملکت خراب شد و پاپ نیز در اواخر مغلوب پادشاه فرانسه گردید و سلاطین اروپا با یکدیگر در جنگ بودند بعضی از همان زمان که والی نورماندی انگلیس را مسخر کرد و جنگ صد ساله شروع شد پادشاهان فرانسه و انگلیس با هم نزاع داشتند

مع القصه در این مدت که رؤسای عیسویت با یکدیگر مشغول جنگ و نزاع بودند جماعتی از مسلمانان که ترکان عثمانی باشند اول آسیای صغیر را مسخر ساختند و بعد باروپا حمله کردند این جماعت قشونی جرار تشکیل داده و همگی مطیع سلطان خود بودند

در سنه ۱۳۶۱ قشون ترک داخل اروپا شد و در آنزمان در شبه جزیره بالکان جمعیت قلیلی از عیسویان سکنی داشتند که عبارت از (والاک) و (بلغار) و (صرب) باشند و همگی در دفع مسلمانان اجتماع نموده فرانسه و المان نیز بحمایت آنها آمدند ولی در سه جنگ بزرگ بتاریخ سنه ۱۳۸۹ و سنه ۱۳۹۶ و سنه ۱۴۴۴ شکست یافته ترکان فایق آمدند و آن ممالک را در تحت اطاعت خود درآوردند شهر قسطنطنیه قدری بیشتر مقاومت نمود ولی سلطان محمد دویم آنشهر را با توپهای خود محاصره نموده بالاخره در سنه ۱۴۵۳ با حمله مسخر ساخت و منتها حد مملکت مشرق شهر قسطنطنیه گردید

از آنزمان تاکنون قسطنطنیه پایتخت سلاطین عثمانی است و ممالکی که بتوسط ترکان مفتوح شد ترکستان اروپا و ترکستان آسیا نامیده گشت

بعد از فتح قسطنطنیه بسیاری از عیسویان در آنجا باقی ماندند و ترکها در صدد

اذیت و قتل آنها بر نیامدند ولی آنها را گله و چارپای میشنامیدند و با آنها بدرفتاری نموده پول زیاد از آنها میگرفتند

سئوالات

در مدتی که عیسویان با هم نزاع داشتند چه واقع شد دول بالکان با عثمانیان چه کردند سلطان محمد دویم چه کرد قسطنطنیه چه شد بعد از فتح قسطنطنیه عیسویان آنجا چه کردند

۹۶ — آخر عصر متوسط — و حال اروپ — عادت مورخین

بر آنست که آخر عصر متوسط تسخیر قسطنطنیه را قرار دهند و در آن تاریخ حال اروپ ازین قرار بود

فرانسه انگلیسها را خارج ساخت و تمام آن مملکت بپادشاهی تعلق یافت که مالیات زیاد میگرفت و قشون خوب داشت

انگلیس در جنگ صد ساله مغلوب گردید و آنچه در مملکت فرانسه داشت از دست داد و جنگ بزرگ داخلی در انگلیس شروع شد

اسپانی رفته رفته مغلوب شاهزاده های عیسوی گردید و کاستیل و آراگن هر یک مملکت جداگانه تشکیل دادند ولی دیری نگذشت که هر دو

یک مملکت شدند

و پس در مغرب اروپا سه مملکت بزرگ صورت بست فرانسه و انگلیس و اسپانی در ایطالیا و آلمان مملکت در میان بسیاری از شاهزاده های کوچک و جمهوریهای کوچک تقسیم شده بود

از سوئد و نروژ حرفی در میان نبود

روس ها هنوز در وحشیگری باقی بودند

و مغرب اروپا را ترکها فرا گرفته بودند

سؤالات

آخر عصر متوسط چه وقت است. در آخر عصر متوسط چه واقع شد و اروپا در چه حال بود

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً در تمام مدت عصر متوسط از سنه ۹۶۲ پادشاه آلمان ضمناً امپراطور ایتالیا بود ولی ایتالیائی‌ها باطاعت او راضی نبودند

ثانیاً در ابتدا پاپ از امپراطوری او را تعیین مینمود اطاعت میکرد ولی از سنه ۱۰۵۹ پاپ توسط کشیشهای رم منتخب شد

ثالثاً پاپ و امپراطور در مدت دو قرن با یکدیگر مشغول جنگ بودند و پاپ گرگوار هفتم هانری چهارم را مجبور کرد که آمده از او ترضیه خواهد در سنه ۱۰۷۶ امپراطور فردریک باربروس مجبور گردید که از پاپ صلح جوید در سنه ۱۱۷۷ و امپراطورها در سنه ۱۲۵۰ مغلوب پاپها گردیدند

رابعاً از آن زمان امپراطور آلمان بقدری ضعیف شد که دیگر نتوانست نظم را نگاهداری نماید و مملکت آن را شجاعان راهزن غارت نمودند

خامساً در ایتالیا هر شهری بحکومت خود میپرداخت و مخصوصاً شهر ونیز و ژن بواسطه تجارت صاحب قدرت بودند در قرن پانزدهم تقریباً تمام شهرهای ایتالی در تحت اقتدار یکنفر ظالم جبّار درآمد

سادساً شهرهای بزرگ تجارتی در شمال آلمان خودشان بحکومت خود قیام داشتند و در مجمعی موسوم به هانس جمع شدند

سابعاً دهقانان آزاد سویس شجاعان اطریشی را در مرگارتن در سنه ۱۳۱۵ مغلوب نمودند و مجمعی موسوم باتحاد سیزده کانتن تشکیل دادند و در سنه ۱۴۷۶ بر شجاعان بورکینی در کران سون و مُرات غالب آمده بهترین قشون پیاده اروپا شدند

ثامناً در موقع خود پاپ مغلوب پادشاه فرانسه کردیده در آوینیون منزل کرفت در سنه ۱۳۰۹

تاسعاً بعد از آنکه در سنه ۱۳۷۷ پاپ برم مراجعت کرد مابین پاپ رم و پاپ آوینیون تقسیم بزرکی واقع شد تا بالاخره در مجمع کنستانس تقسیم مزبور بنهایت رسیده بار دیکر در سنه ۱۴۱۴ پاپ یکی شد

عاشراً جماعت مسلمانان (ترکها) از آسیا آمده شبه جزیره بالکان را از عیسویان کرفتند و در سنه ۱۴۵۳ قسطنطنیه را مسخر نمودند

حادیعشر عصر متوسط باین ترتیب اختتام یافت که در آن وقت سه مملکت بزرک یعنی فرانسه و انکلیس و اسپانی تشکیل یافته ولی ایطالیا و المان تقسیم شده و ضعف حاصل کرده

ماحصل عصر متوسط

اوّلاً در منهاء امپراطورنشین رُمن برابر هم زدهٔ و بجای او چندین مملکت تشکیل یافت و قدری تمدن گشته عیسوی شدند

ثانیاً شارلمان آنها را در یک مملکت جمع نمود ولی آن مملکت نیز برهم خورد و در تمام اروپ ملوک الطوایفی برقرار شد

ثالثاً سلاطین آلمان مکرّر مملکتی تشکیل دادند که عبارت بود از آلمانی و ایطالیا و امپراطورها غالباً با پاپها جدال و نزاع داشتند و مغلوب پاپ میشدند

رابعاً در مدت این زمان عربها بآئین اسلام درآمده تمام بلاد مشرق را تصرّف کردند و عیسویان اروپا با مسلمانان جنگهای صلیبی نمودند

خامساً در نوبهٔ خود پاپ مغلوب پادشاه فرانسه شد و ایطالیا و آلمان بحال تقسیم باقی ماندند و فرانسه و اسپانی و انگلیس ممالک صاحب قدرت شدند

سادساً - در آن زمان عصر متوسط بانجام رسیده عصر جدید شروع کرد

کتاب سیم

عصر جدید

فصل اوّل

اختراعات و اکتشافات

۹۷ - ابتدای عصر جدید - در آخر قرن پانزدهم اختراعات چند وقوع یافت و مطالب بسیار تکمیل گشت ممالکی که تا آن زمان شناخته نشده بود کشف شد و عقول مردم بسبب خیالات جدید در خصوص انشا و نوشتجات و علوم و صنایع و مذهب بهیجان آمد و تماماً این مطالب خبر میداد که عصر جدیدی از برای تاریخ شروع شده

سؤالات

در آخر قرن پانزدهم چه وقوع یافت

۹۸ - باروت - باروت که تفنگ و توپ را با آن پر میکنند تا قرن چهاردهم در اروپا شناخته نشده بود چینی‌ها ساختن باروت را میدانستند ولی او را جز آتشبازی استعمال نمیکردند اروپائیان بانجیل

افتادند که او را در جنگها بکار برند و توپ اسا قعند توپهائی که در ابتدا ساختند خیلی سنگین بود و بد خالی میشد و هنوز تفنگ اختراع نشده و شمخال هم خیلی ناراحت بود از برای خالی کردن شمخال بایستی همیشه یک فتیله روشن کرده همراه داشته باشند بعد از آن یاد گرفتند که توپ را با عراده ببندند و اسب آن را بکشد شارل هشتم از آن توپ صد و چهل عراده با یطالیا برد و بعد از آن سنگ چخماقی بر تفنگ تعبیه و اضافه کردند و تفنگها را سبکتر ساختند از آن زمان توانستند از دور با یکدیگر جنگ نمایند و قلعه و جان پناه دشمن را با توپ خراب کنند بالاخره از روزی که اسلحهٔ آتشی بدست پیاده نظام در آمد پیاده از سوار هولناکتر شد و امور مذکوره سبب گردید که انقلابی در لوازم جنگ رخ داده خراب نمودن قصرهای امرا و شجاعان آسان گردید و سواران شجاع با زره و چهار آینه و خود و الیق و کر و فر دیگر نتوانستند در مقابل گلوله یکنفر پیاده مقاومت نمایند آقایانی که در قصرها سکنی داشتند و سوارها در دور خود جمع میکردند بعد از اختراع اسلحه آتشی اهمیت آنها خیلی کاسته شد پادشاهانی که توپ زیاد و پیاده نظام بسیار

داشتند مالک ممالک خود کردیده تمام زیر دستان را باطاعت درآوردند

سؤالات

در اروپا باروت چه وقت شناخته شد قبل از اروپائیها کدام ملت ساختن باروت را میدانستند در ابتدا توپ و تفنگ را چه قسم میساختند و بعد از آن چه تصرفات در آن نمودند اختراع توپ و تفنگ چه اثری نمود و چه تغییری در اوضاع عالم داد

۹۹- قطب نما - قطب نما عبارت از عقربه مقناطیسی است که همیشه بطرف شمال مواجه میشود اروپائیان پیش از قرن چهاردهم آنرا نمیشناختند و بسبب آن تغییر کلی در ترتیب کشتیها پدید آمد مسافرین دریا قبل از شناختن قطب نما جرئت نمیکردند از ساحل دور شوند بعداً اختراع قطب نما توانستند از قعر دریا عبور نمایند بدون اینکه از گم کردن راه بیم داشته باشند زیراکه بتوسط قطب نما همیشه جهت شمال برای ایشان معین بود

اسپانیولیها و پرتغالیها در اکتشاف عالم جدید از قطب نما فایده زیاد حاصل کردند

سؤالات

قطب‌نما چه چیز است و چه وقت آن را شناختند قبل از اختراع قطب‌نما حال مسافرین دریا چه بود بعد از اختراع آن چه تغییری حاصل شد کیان از قطب‌نما فایده کلی بردند

۱۰۰ـ **کشف افریقا و راه هندوستان** ـ در قرن پانزدهم اهل پرتوغال در طول غربی افریقا حرکت نمودند و متدرجاً جزیره مادرو کاناری و سواحل گابن را کشف کردند

در سنه ۱۴۸۶ ملاحی از پرتوغال تا دماغه امید خیر مسافرت نمود و مقارن آن واسکودوگاما از اسپانیول با چهار کشتی حرکت کرده دور دماغه خیر گردید و ساحل شرقی افریقا را اکتشاف نموده بهند رسید

در سنه ۱۴۹۶ پرتوغالیها در آنجا مهاجرنشین ها (مستعمرات) قرار دادند و بتجارت مشغول شدند

سؤالات

در قرن پانزدهم اهل پرتوغال چه کردند

واسکودوگاما چه کرد — در چه تاریخ پرتوغالیها در هند مهاجرنشین نصب کردند

۱۰۱ـ **اکتشاف امریکا** ـ یکنفر ایطالیائی موسوم به کریستوف

کلمب در پیش خود فکر کرده بود که چون زمین گروی دگر است هرگاه از سمت مغرب دور بزنیم بهندوستان خواهیم رسید عاقبت الامر عزم خود را جزم نمود که پادشاه اسپانی را وادارد تا سه فروند کشتی مجهز بجهت این مسافرت باو بدهد و پادشاه پذیرفته او بکشتی نشست و مدت دو ماه در روی اقیانوس حرکت میکرد تا در یازدهم اکتبر سنه ۱۴۹۲ بجزیره از جزایر لوکای رسید و اراضی امریکا را کشف کرده بود

در سنه ۱۵۲۰ ملاح دیگری که نامش ماژلان و در خدمت پادشاه اسپانی بود از اقیانوس عبور کرده از سمت جنوب امریکا را دور زده داخل اقیانوس کبیر گردید و جزایر اقیانوسی یا اُسیانی را کشف نمود کشتی ماژلان بعد از سه سال باسپانی مراجعت کرد و این اولین دفعه بود که دور کره زمین را طی کرده بودند

سئوالات

کریستف کلمب چه فکر کرده بود و چه کرد ماژلان ملاح چه کرد کشتی ماژلان بعد از چند وقت باسپانی برگشت

۱۰۲- تسخیر مکزیک و پرو – اراضی امریکا مسکن ملل

وحشی بود ولی دو مملکت بزرگ در آن وجود داشت یکی مکزیک در امریکای
شمالی و دیگری پرو در امریکای جنوبی در این دو مملکت معادن ثروت
انگیز طلا و نقره موجود است و پادشاهان آنها خزانه های بسیار بزرگ
از طلا و نقره فراهم ساخته بودند اسپانیولها این مطلب را فهمیده مصمم
گردیدند که آن ممالک را تصرف نمایند در سنه ۱۵۱۹ یکنفر اسپانیولی موسوم
فرنان کرتز با پانصد سرباز از کشتی بمکزیک فرود آمد و سیزده راس اسب
و دو عراده توپ همراه داشت نفر



ص ۵ فرنان کرتز در مکزیک

مکزیکی ها که هرگز تفنگ ندیده بودند و نه اسب و مردمان سفید پوست را
پسران خداوند (آفتاب) تصور میکردند اسپانیولیها را با کمال احترام

پذیرفته داخل شهر خودشان کردند

اسپانیولها ادب و احترام مکزیکی ها را بجهت تصرف نمودن خزانه های پادشاه آنها غنیمت شمردند

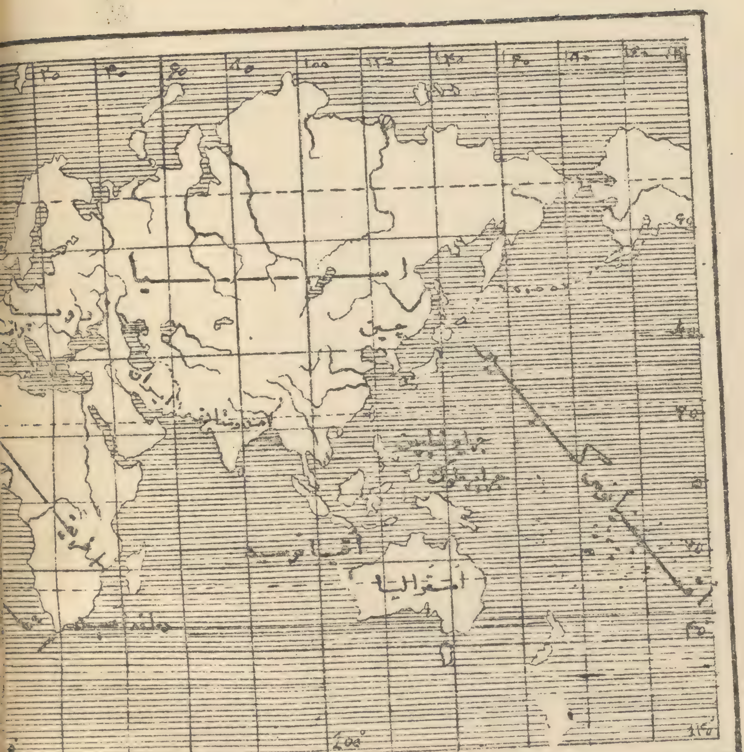
مکزیکی ها قصد ایشان را ملتفت شده یکدفعه شورش نمودند و زیاده از صد هزار مرد جنگی جمع شده فرنان کرتز را محاصره کردند ولی بالاخره کرتز آنها را مغلوب ساخت و پادشاه ایشان را با آتش تلف نمود و مکزیک مهاجرنشین (مستعمره) اسپانیولی شد

در سنه ۱۵۳۱ یکدسته اسپانیولی دیگر بریاست و فرماندهی پیزارنام داخل شهر پرو شدند و در سنه ۱۵۳۲ پادشاهرا گرفته حبس کردند و بجهت خلاصی از حبس یک اطاق پر از طلا از او مطالبه کردند آخرالامر پادشاهرا خفه کردند و پرو نیز بتصرف اسپانیولها درآمد.

سؤالات

در مکزیک و پرو چه چیز هست   و اسپانیولها با آنها چه کردند   اهل مکزیک با اسپانیولها چه کردند   پیزار اسپانیولی با پادشاه چه کرد

۱۰۳- ممالک اروپائیان - پرتوکالها و اسپانیولها متحداً



مادیر کاناری — جزیره هائیست که بتوسط پورتقالی ها در قرن پانزدهم کشف شده — کاپ و...
هند آسیا — جائیست پورتقالیها اول دفعه استقرار داشتند — آمریکا — کشف شده بواسط...
مکزیک را (امریکای شمالی) فرنان کرتز مفتوح ساخت ۱۵۱۹ پرو — مملکتی است جزو ام...
برزیل — مملکتی است از امریکای جنوبی پرتقالیها مفتوح ساختند



ه امیدواری - جائی است که واسکو دوگاما دور او گردید در جنوب افریقا

کرستوف کلومب ۱۴۹۲   اسپانی - و چندین جزیره از انجا را ماژلان کشف نمود

ریکای جنوبی تسخیر شد بواسطه پزار   جزایر ملوک متعلق به اسپانی را در آن زمان پرتقالیها در تصرف داشتند

در خارج اروپا مالک ممالک بزرگ شدند پرتوکالیها در طرف مشرق در آسیا و افریقا و اُسیانی متصرفات بدست آوردند و در سواحل جنوبی افریقا و هند و چین بندرها داشتند که در آنها مال التجاره مشرقی از قبیل پنبه و ابریشم و عاج و ادویه جات میگرفتند و همچنین جزایر ملوک و برزیل را مالک بودند

اسپانیولیها در طرف مغرب در امریکا متصرفات پیدا کردند و جزایر آنتیل و مکزیک و تمام امریکای جنوبی باستثنای برزیل مالک شدند و در اُسیانی جزایر فیلیپین را متصرف شدند

سؤالات

پرتوغالیها در خارج اروپا چه متصرفات داشتند   اسپانیولیها کدام ممالک را متصرف شدند

۱۰۴- **خرید و فروش سیاهان** — اسپانیولیها که بامریکا میرفتند تقریباً تمام ایشان چرچی گری (دلالی) وحشیانه میکردند بمحض اینکه تحصیل پول نمایند اهالی اصلی مملکت را مجبور میکردند که در معدن از برای ایشان کار بکنند و آزار و اذیت بآنها رسانیده سختی‌های سنگینی بآنها میبرند که از برای ایشان با سنگ ستکار نمانید و بجه‌ی

زحمت و صدمه بآنها وارد میآوردند که اغلب آنها از کثرت زحمت تلف
میشدند

و بعد از آن غلامان سیاه از افریقا خریداری نموده بامریکا میآوردند
که از برای ایشان کار بکنند و این تجارت دور از انسانیت را خرید و فروش
سیاهان میگفتند ابتدای آن از سنه ۱۵۱۷ بتوسط اسپانیولیها
شروع شد و بعد از آن ملل دیگر از قبیل پرتوغالی و فرانسوی و انگلیسی
پیروی ایشان نموده همگی غلام سیاه داشتند

سؤالات

اسپانیولیها با اهالی امریکا چه قسم رفتار میکردند بعد از آن با افریقائیان
چه میکردند خرید و فروش سیاهان در چه سنه و ازکه شروع شد ملل دیگر چه کردند

۱۰۵- نتایج اکتشافات - اروپائیان تا قرن پانزدهم
بیش از یک گوشه عالم را ندیده و نمیشناختند بعد از این اکتشافات
تمام عالم برایشان عیان گشت

محصولات آسیا و امریکا از قبیل پنبه و فلفل و قند و ابریشم در اروپا بسیار
نادر و گران قیمت بود بعد از این اکتشافات اشیاء مزبوره فراوان

وارزان شد

اروپائیها فقط در مملکت اروپ محصور بودند واکنون نژاد ایشان در

تمام امریکا و آسیا فی موجود است

سؤالات

اروپائیان تا قرن پانزدهم چه حال داشتند   محصول آسیا و امریکا چگونه بود

خلاصه که باید از بر نمائید

اوّلاً اکتشافات و اختراعات آخر قرن پانزدهم ابتدای عصر جدید است

ثانیاً باروت در اروپا از قرن چهاردهم شناخته شد و بعد از آن

توپ و تفنگ چخماقی و شمخال ترتیب دادند و انقلابی در جنگ پدید آمد

ثالثاً اختراع قطب نما سبب شد که مسافرتهای طولانی در قبه دریا نمودند

رابعاً پرتوغالیها تمام افریقا را اکتشاف نموده در سنه ۱۴۹۸ از راه دماغ

امید خیر بهند رسیدند

خامساً اسپانیولها امریکا را کشف نمودند در سنه ۱۴۹۲ و اوّلین دفعه

بود که دور کره ارض گردید در سنه ۱۵۲۰

سادساً در سنه ۱۵۱۹ فرنان کرتز مکزیک را تصرّف نمود و در سنه ۱۵۲۹

پیزار مملکت پرو را تصرف کرد و مهاجرنشین اسپانیول شد

سابعاً درآنوقت پرتوغالیها در مشرق و در افریقا و در هند و در جزایر ملوک و برزیل متصرفات داشتند و اسپانیولها در مغرب و در امریکا متصرفات حاصل کردند

ثامناً اسپانیولیان از برای تحصیل محصولات این مهاجرنشینها در سنه ۱۵۱۷ خرید و فروش غلامان سیاه را معمول کردند و سایر ملل نیز غلام سیاه نگاه داشتند

تاسعاً این اکتشافات سبب شد که تمام عالم بازوپائیان شناخته شود و آنها را برای تملک تمام عالم حاضر ساخت

فصل دوّیم
تولید جدید

۱۰۶ـ **چاپ** ـ در زمان سابق کتاب جز با خط دستی نبود و تمام کتابها را با دست می نوشتند پس از برای تحصیل کتاب مبلغی گزاف لازم بود در حوالی سنهٔ ۱۴۴۰ اکیفر آلمانی گوتانبرک نام چاپ را اختراع نمود تا توانستند از یک کتاب ملیونها نسخه بردارند و کتاب بسیار بدست آید و ارزانتر فروخته شود

سؤالات

چاپ را که و در چه تاریخ اختراع نمود ـ فایدهٔ این اختراع چه شد

۱۰۷ـ **تولید مصنّفات** ـ کتابهای مصنّفین قدیم یونان و لاتین بسیار نادر و کمیاب شده بود و از بعضی آنها جز یک نسخه باقی نمانده بود که در گوشهٔ کتابخانه در طاق نسیان افتاده بود بعد از اختراع چاپ تمام آن کتابها منتشر گردیده حتّی اشخاص بی ثروت نیز بخواندن آنها قدرت یافتند و گفتند عصر قدیم مجدّداً متولد گشته است

عصر را عصر تولد مصنفات خواندند

سؤالات

تصنیفات مصنفین قدیم یونان بچه حال شده بود بعد از اختراع چاپ چه شد

۱۸۱ — **تولید صنایع** — در اواسط قرن پانزدهم کمبر فلامانی رنگهای روغنی را اختراع کرد و ایطالیائیها ابنیه و مجسمه های رنگی را با رنگ روغن تجدید نمودند و همچنین در قرن پانزدهم در ایطالیا معماران و حجاران و نقاشان قابل پدید آمدند مشهورترین آنها میکلانش حجار و لئونارد دو نیسی و رفائیل نقاش بود

بسیاری از شاهزادگان آنعصر شعر دوست میداشتند و مجسمه های قشنگ و پرده های زیبا جمع میکردند و شعرا و نقاشان ماهر را نزد خود مقرب ساخته ایشان را با اکرام و انعام خورسند میداشتند مشهورترین این شاهزادگان در رم لئان دهم پاپ بود و کم دمدیسی در فلورانس باین جهت آنعصر را عصر تولید صنایع نامیدند

سئوالات

رنگهای روغنی را که در چه زمان اختراع کرد بعد از آن ایطالیائیها چه کردند
شاهزادگان آنعصر چه میکردند

۱۰۹ — تولید صنایع در اروپا دار الصنایع از ایطالیا شروع شد و بزرگترین صنعتگران در میان ایطالیائیها پدید آمدند و بعد از آن جاهای دیگر هم بتقلید ایطالیا برخاسته در همه جا صنعتگران ماهر ظاهر شدند نویسندگان و حجاران فرانسه معروفند همچنین در آلمان نیز صنعتگران بزرگ پیدا شدند که مشهورترین آنها دورر و هل بین بودند در اسپانی و انگلیس و هلاند نیز صنعتگران خوب بوجود آمد اما فقط در ابتدای قرن هفدهم

سئوالات

صنعتگران قابل در کجا پدید آمدند

۱۱۰ — تولد علوم — قرن شانزدهم عصر علم و دانش نیز میباشد چه در آن عصر یکنفر بلژیکی علم تشریح (شناسائی اعضای جسد انسان) را اختراع نمود و یکنفر از اهالی پلنی (ورشو) کپرنیک نام گردش زمین را بگرد آفتاب کشف نمود

سؤالات

قرن شانزدهم را عصر چه چیز خوانند   علم تشریح را که اختراع نمود
گردش زمین را که معلوم کرد

خلاصه که باید از بر نمایند

اوّلاً چاپخانه که در حوالی سنه ۱۴۴۰ گوتامبرگ اختراع نمود سبب زیاد شدن کتاب گردید

ثانیاً انتشار کتب قدما مقرر و معمول شد و مقصود از تولد تصنیفات همین است

ثالثاً نقاشان و حجاران بزرگ در ایطالیا پدید آمد و شاهزادگان آنها را با اکرام و احسان تشویق میکردند و این عصر تولید صنایع است

رابعاً تولیدی که در ایطالیا شروع شد در المان و فرانسه انتشار یافت

خامساً بعضی دانشمندان نیز در آنعصر بوجود آمدند مانند وزال و کپرنیک

فصل سیم
اصلاح آداب مذهبی و جنگها

۱۱۱- **کلیسای کاتولیک** در تمام عصر متوسط تمامی عیسویان
اروپا کاتولیک بودند یعنی همه یک عقیده داشتند و مطیع پاپ و خلفای
او بودند اگر وقتی کسی عیسوی اعتقادی برخلاف میل و رضای پاپ
و خلفای او اظهار میکرد عموم مردم او را مجبور بتوبه و استغفار
مینمودند و اگر امتناع میکرد مرتد شده او را حبس میکردند و بعد از آن
با آتش میسوزانیدند زیرا که اهل آن زمان آزادی عقیده را معتقد نبودند
و بکسی اجازه نمیدادند و چون در مملکتی مرتد زیاد میشد با آنها جنگ
صلیبی میکردند در قرن هشتم بعد از جنگ بزرگ صلیبی آلبی ژواها
محکمه های مخصوصی تشکیل دادند برای اینکه اشخاص مرتد را پس
از جستجو بدست آورده فتوای مجازات آنها را از محکمه صادر نمایند
و این محکمه ها را انکیزیسیون نامیدند و در فرانسه و انگلیس و آلمان
از آنها تشکیل داده بودند بدترین همه انکیزیسیون اسپانیی بود که در

قرن پانزدهم در مدت هیجده سال ده هزار نفر را با آتش سوزانیده

سؤالات

در عصر متوسط عیسویان چه عقیده داشتند اگر کسی برخلاف رضای پاپ اعتقادی اظهار میکرد او را چه مینامیدند و با او چه میکردند آنکیزیسیون چه بود بدترین آنکیزیسیون ها کدام بود

(۱۱۲ - **اصلاح عقاید در آلمان** — در ابتدای قرن شانزدهم خیلی اشخاص از ترتیب تشکیل هیئت کشیشها ناراضی بودند و معلوم کردند که کشیشان و راهبان بی اندازه ثروت حاصل نموده اند و پاپ پول گزاف خرج میکند و کلیه هیئت روسای مذهبی بد رفتار میکردند بحدیکه خلفاء خودشان میگفتند که مذهب عیسوی باید رفرمه (اصلاح) شود.

یک نفر راهب آلمانی لوتر نام شرحی بر ضد پاپ نوشت و پاپ حکمی با مهر خود در تکفیر او منتشر ساخت لوتر حکم تکفیر پاپ را علناً در حضور عامه سوزانید و گفت بعد از این اطاعت پاپ بر عیسویان لازم نیست بلکه فقط احکام و نوشتجات قدیم بجهت آداب و امور مذهبی کافی است و آن

واین معنی در سنه ۱۵۲۹ اتفاق افتاد چندین نفر از شاهزادگان آلمان
لوتر را حمایت نموده از اذیت و آزار و سوزانیدن او مانع شدند
لوتر انجیل را بلغت آلمانی ترجمه کرده اغلب آلمانیها رفرمه اصلاح اورا
پذیرفتند و شاهزادگان این کار را از برای فایده و منفعت خود میکردند
زیرا که چون کشیشان و صومعه نشینان دنیا پرست و خارج بیمقدار شدند
بر نفوذ و قدرت شاهزادگان افزوده گشت هواخواهان لوتر را اهل
رفورم (اصلاح) یا پرتستان خواندند
در سنه ۱۵۲۹ پادشاه سوئد با تمام رعایای خود رفرمه شدند

سئوالات

در ابتدای قرن شانزدهم عیسویان چه عقیده داشتند لوتر را ب آلمانی
چه کرد پاپ درباره او چه کرد بعد از آن لوتر چه ترتیبی مقرر داشت
شاهزادگان المان برای لوتر چه کردند

۱۱۳ — رفرم در فرانسه — در فرانسه نیز بسیاری از مردم مایل
بودند که با نوشتجات قدیم عمل نموده مطیع پاپ نباشند ولی چون
عده ایشان زیاد نبود و دولت آنها را گرفته مجازات مینمود و معدوم میساخت
ولی با وصف این یکنفر فرانسوی کالون نام رفرم را معمول داشت از

فرانسه هجرت نموده به ژنو رفت در سنه ۱۵۴۱ و اهل آن شهر حکومت خود را

با و واگذاشتند و هواخواهان او به کالوی نیت یعنی تابعان کالون

شهرت یافتند در ممالک فرانسه خصوصاً در طرف جنوب جمعی کالوی

نیت بودند و همچنین اهالی اسکس و هلاند نیز کالوی نیت شدند

سؤالات

در فرانسه بچه چیز مایل بودند کالون فرانسوی چه کرد و بکجا رفت

۱۱۴ — رفرم در انگلیس — پادشاه انگلستان هنری هشتم

میخواست رفرم را قبول کند ولی با پاپ نقار و کدورتی حاصل کرده

بود از این جهت در سنه ۱۵۳۵ اعلام نمود که ملت انگلیس کلیسای علیحده

تشکیل مینماید که در اطاعت پادشاه باشند نه در اطاعت پاپ و بعداً

آن کاتولیکهائی را که میخواستند در اطاعت پاپ باقی مانده پروتستانهارا

بسوزانند پادشاه گردن میزد تا هفتاد و دو هزار نفر از آنها را بقتل رسانید

بعد از مرگ این پادشاه انگلیسها پروتستان شدند ولی باز ترتیب

قدیم کلیسا را محفوظ و خلیفه خود شان را نگاهداشتند و این کلیسای

پروتستان انگلیس را کلیسای انگلیکان خواندند

ملکه اکس موسوم به ماری استوار که مذهب کاتولیک داشت ملت او را
بیرون کرد و او بانگلیس پناهنده شد الیزابت ملکه انگلیس او را توقیف
نموده بعد از هیجده سال حکم قتل او صادر شد در سنه ۱۵۸۷

سؤالات

پادشاه انگلیس در خصوص رفرم چه کرد بعد از مرگ او انگلیسها چه کردند ماری استوار
ملکه چه شد

۱۱۵ـ **جنگ های مذهبی** ـ تمام عیسویان اروپا بدو ارد و تقسیم
گشته هر یک مقابل و رقیب دیگری بودند ممالک جنوبی که عبارت از
اسپانی و پرتوغال و ایطالیا باشد در مذهب کاتولیک باقی مانده
بودند و پروتستانها در مقام خصمی و اذیت بودند و ممالک شمالی
یعنی انگلیس و اکس و سوئد تماماً پروتستان و با کاتولیکها خصومت و
ضدیت داشتند در فرانسه و المان این دو دسته خیلی قوی گردیده
و با یکدیگر مقاومتی شدید داشتند که همدیگر را مضمحل و ناچیز نمایند
و بالاخره نزاع در میان ایشان در گرفت و جنگهای مذهبی فرانسه
مدت چهل سال طول کشید
تا هانری چهارم بموجب قانون نانت که در سنه ۱۵۹۸ نوشته شد پروتستانها را

اجازه داد که در عقیده آزاد بوده بطریقه خود رفتار نمایند
در المان شاهزادگان پروتستان باشارلکن امپراطور که کاتولیک
بود بجنگ و مقاومت برخواستند
و سلاطین فرانسه با وصف اینکه همواره درمقام اذیت پروتستانهای
فرانسه بودند ولی برحسب اقتضای پلتیک از پروتستانهای آلمان حمایت
میکردند

سئوالات

عیسویان اروپا بچند قسمت تقسیم شده بودند و کدام ممالک کاتولیک و کدام
پروتستان بودند هانری چهارم بالاخره چه کرد شاهزادگان آلمان چه میکردند

۱۱۶ — **جنبش پی با (هلاند)** — اراضی بلژیک و هلاند را
که پی با مینامیدند متعلق بپادشاه اسپانی بود هلاندیها پروتستان
شده بودند و پادشاه میخواست آنها را کاتولیک نماید باین جهت
در سنه ۱۵۶۶ هیجان و شورش نمودند و قشون اسپانی را خارج ساختند
و بالاخره بعد از جنگهای سخت هولناک در سنه ۱۵۸۱ جمهوری پروتستان
گردیده هردو ایالت متحد شدند

سؤالات

هلاندیها چه بودند و پادشاه اسپانی از آنها چه میخواست
و ایشان چه کردند و بالاخره بکجا رسید

۱۱۷ - **ژزویت ها** - یکنفر کاتولیک اسپانیولی که اگناس لُیلا نام داشت دسته ژزو را ترتیب داده بود که با پروتستانها جنگ نمایند ژزوها کشیشهائی بودند که مذهب کاتولیک را بمردم تعلیم نموده اطفال را تربیت میکردند و تشکیلات ایشان شبیه بیک ژریمان بود رئیس آنها را ژنرال دسته میگفتند تمام ژزویتها باید از هر حیث او را اطاعت نمایند و آن رئیس در اطاعت پاپ باشد

ژزویت ها بسیار باحوصله وقابل بودند و از برای رسیدن بمقصود از استعمال بدترین وسایل باک نداشتند و کار آنها بجائی رسید که اکثر آلمانهای جنوبی و اطریش را کاتولیک نمودند و همچنین وحشیان امریکای جنوبی را معتقد ساختند و کلیه بسیار صاحب قدرت و توانا شدند

سؤالات

دسته ژزوئیت را که ترتیب داد ژزوئیت‌ها کیان بودند رئیس ایشان چه بود ژزوئیتها چطور اشخاصی بودند کار ایشان بکجا رسید و چه کردند

۱۱۸ — **نتایج رفرم (اصلاح)** — رفرم اروپا را بدو قسمت تقسیم کرد و بیش از آن در همه جا یکی بود و سبب بسیاری از جنگهای مابین ممالک گردید و باعث جنگهای داخلی شد ولی عاقبت فهمیدند که انسان عاقل نباید نوع خود را بکشد و در امر دین هر کسی باید آزاد باشد و بعد از آن آزادی عقیده معمول گردید

سؤالات

رفرم اروپا را بچه حال نمود و قبل از آن چه بود عاقبت چه فهمیدند در امر دین چه قسم شد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً در عصر متوسط تمام عیسویها کاتولیک مذهب بودند و اطاعت پاپ میکردند مرتدین را حبس نموده میسوزانیدند و از برای آنها محاکم انگی

زیسیونرا ترتیب داده بودند

ثانیاً در قرن شانزدهم کلیسای کاتولیک محتاج به رفرم گردید

ثالثاً یکی از کشیشهای المان لوتر نام رفرم را در آلمان در سنه ۱۵۳۰ اعلام نمود و شاهزادگان از او حمایت کردند و آلمانیها و سوئدیها رفرمه یا پرتستان شدند

رابعاً کالون شهر ژنو را در سنه ۱۵۴۱ رفرمه کرد و اهالی اکُس و هلاند و بسیاری از فرانسه او را پذیرفتند

خامساً هانری هشتم در انگلیس از پاپ جدا شد ولی پرتستانها را هم صدمه میزد بعد از مرگ او انگلیسها مذهب پرتستان قبول کرده کلیسای انگلیکان انشا کردند هانری استوارد ملکه اکُس که کاتولیک بود در سنه ۱۵۸۷ توسط ملکه انگلیس مقتول شد

سادساً تمام اروپا بهیجان آمده مدتی از ادیان مذهب در صدد اذیت یکدیگر بودند و جمعی دیگر بجنگ مذهبی اشتغال داشتند تا در سنه ۱۵۹۸ بواسطه قرارنامه نانت این جنگها در فرانسه بخاتمه رسید

سابعاً هلاندیهای پرتستان بر ضد پادشاه اسپانی برخواستند و جمهوری ایالات متحده را بنا نهادند

ثامناً انگیناس دُ لُیلا دسته ژزویت را ترتیب داد و آلمانهای جنوبی و اطریش و پلنی را بار دیگر بمذهب کاتولیک درآورد و همچنین وحشیان امریکا را بآن مذهب داخل ساخت

تاسعاً رفرم مذهب اسباب بسیاری از تقسیمات مملکت و جنگها در اروپا گردید تا عاقبت الامر آزادی عقیده حاصل آمد

(فصل چهارم)

جنگ طوایف فرانسه

با طوایف اسپانی

۱۱۹ — **حال ایطالی** — چنانکه دیده شد در آخر قرن پانزدهم
سلاطین فرانسه و سلاطین اسپانی بسیار مقتدر بودند و هر دو بر ایطالیا
حمله نموده میخواستند نصرتی حاصل کرده فایدتی ببرند و در آنوقت ایطالیا
بچندین مملکت تقسیم شده بود که عمدهٔ آنها جمهوری ونیز و والی نشین میلان
و والی نشین توسکان و ممالک پاپ و پادشاه نشین ناپل ها زیادوسیسیل
بود و این ممالک با یکدیگر نمیساختند و در میان ایشان خصومت
بود و همین فقره کار فتح و ظفر خارجی را در آن مملکت آسان میکرد
پادشاه فرانسه شارل هشتم عازم تسخیر مملکت ناپل گردید و جانشین او لوی
دوازدهم علاوه بر ناپل والی نشین میلان را نیز خواست مسخر سازد
پادشاه اسپانی که در آنوقت فردیناند بود و مذهب کاتولیک داشت با سلاطین

فرانسه دشمن بود و از این جهت ما بین فرانسه و اسپانی جنگهائی بروع
شد که مدّتها بطول انجامید
فرانسوای اوّل در ابتدای سلطنت خود در سنه ۱۵۱۵ در جنگ مارنیان
فتح بزرگی نمود و همچنین والی نشین میلانرا تصرّف کرد
ولی دیری نگذشت که از دستش بیرون رفت و سلاطین اسپانی
در جلوس شارلکن بسیار مقتدر شدند

سؤالات

سلاطین فرانسه و اسپانی در قرن پانزدهم چه حال داشتند ایطالیا چه
حال داشت شارل هشتم پادشاه فرانسه چه کرد

۱۲۰ — شارلکن — در سنه ۱۵۱۹ شارلکن بامپراطوری آلمان منتخب شد
و مملکت بزرگی را مالک بود که عبارت باشند از اسپانی و ممالک پست
زمین و فرانش کُنت و اطریش و دوسیسیل و میلان و مکزیک
و امریکای جنوبی و از برای اینکه خود را مالک رقاب عالم بخواند چیزی
کسر نداشت جز مملکت فرانسه و انگلیس ولی سلاطین فرانسه یعنی
فرانسوای اول در سنه ۱۵۱۵ الی سنه ۱۵۴۷ و هانری دوّیم از سنه ۱۵۴۷ الی

سنهٔ ۱۵۹ در تمام مدّت سلطنت خود با او جنگ نمودند و با ترکها متحد شدند چه ایشان هم در پیش آمدن مداومت داشتند و مصر و تونس و الجزایر را در افریقا تصرّف کرده بودند و هانگری در اروپا مسخّر ساخته و همچنین با شاهزادگان آلمان که بر امپراطور شورش کرده بودند نیز اتحاد نمودند این اتحّاد و اتّفاق از برای فرانسه بسیار مفید بود زیرا که مِتس و تول و وِردون را تصرّف کرد و شارلکن مجبور گردید که دست از سلطنت بردارد در سنهٔ ۱۵۵۶

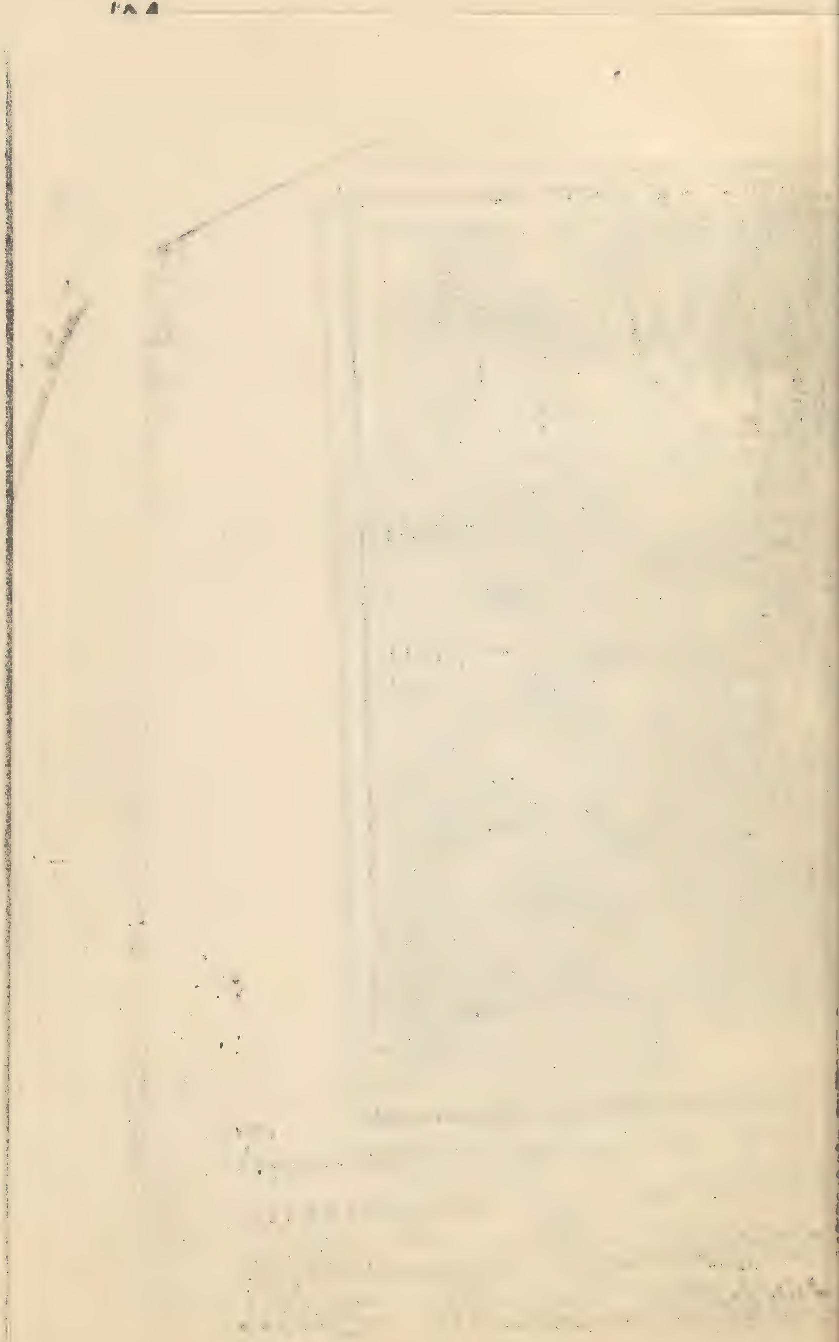
سؤالات

شارلکن در چه سنه بامپراطوری آلمان منتخب شد   چه ممالک را در تصرف آورد   سلاطین فرانسه با او چه کردند

۱۲۱ — **فیلیپ دوّیم** — بعد از آنکه شارلکن از سلطنت کناره کرد ممالکی که در تحت تصرّف او بود تقسیم شد برادرش فردیناند که پادشاه بهم و هونگری بود سلطنت اطریش یافت و برادر دیگرش فیلیپ دویم بفرمانروائی اسپانی و ایطالیا و ممالک پست زمین و مهاجر نشین‌های امریکا برقرار گردید و در سنهٔ ۱۵۸۱ وارث پرتوکال و تمام مهاجر نشینهای

انشد منزل فیلیپ در عمارت تاریک اسکوریال که در وسط بیابانی
نزدیک مادرید واقع شده و در انجا مانند محبوس زندگانی میکرد و احکام
صادر مینمود تمام مقصودش این بود که جماعت پروتستانها را
نابود سازد نه تنها در ممالک خویش بلکه میخواست در تمام اروپ از آنها
اثری نماند چنانکه امر نمود قوه بحری که عبارت از صد و سی و پنج کشتی
بود با کشتی معروف ارمادا بجهت تسخیر مملکت انگلیس حرکت کنند ولی
آن قشون بسبب طوفان در سنه ۱۵۸۸ متفرق گردیده برهم خورد و نیز پول
و قشون بفرانسه فرستاد بجهت انجمن گیگ که کاتولیکها برای اضمحلال
پروتستانها تشکیل داده بودند و برضد پادشاه فرانسه بود
با رعایای ممالک پست زمین محض اینکه قسمتی از آنها پرتستان شده
بودند باندازه بی رحمی و سختی کرد که تمامی سر بشورش برداشتند
و نیز مسلمانهائی را که در اسپانی مانده بودند در سنه ۱۵۹۸ از آن مملکت
بیرون کرد

در مدت سلطنت خود باندازه پول مصرف نمود که بعد از مردنش یک
میلیار (هزار ملیون) فرانک قرض داشت ولی با اینهمه مصارف





ماریان — مکان فتح بزرگ فرانسوای اول است ۱۵۱۵ میلان — ابتـ
دوم در ۱۵۵۲ مفتوح ساخت الزاس — در عهدنامه وست فالی ضمیمـ
الحاق به خاک فرانسه شد ۱۶۵۹ فرانش کنت — بعد از قرارنامه نیمگـ
وشاهزادگان متفقه اوترشت وراشتاد — مکان قرارداد عهدنامه



دا فرانسوای اول فتح نمود و بعد از دست داد   متز تول و وردن – شهرهائیست که ازی
فرانسه شد ۱۶۴۸   آرتوا و روسیلون – ایالتهائیست که بعد از قرارنامه‌های پیرنه
بفرانسه ملحق شد ۱۶۷۸   استراسبورگ – شهریست که ضمیمه شد بفرانسه توسط لوئی چهاردهم
هائیست که جنگهای اسپانی را بانجام میرساند   اگسبورگ – قرارداد اتفاق برضد لوئی ۱۴

10 p

سودی نبرده و مملکت اسپانی بکلّی خراب شد و هانری چهارم پادشاه
فرانسه او را مجبور کرده بود که عهدنامهٔ وروِن را امضا کند

سؤالات

ممالک شارلکن بعد از کناره کردن او از سلطنت چه شد منزل فیلیپ دویم
در کجا و مقصودش چه بود با پروتستانها چه قسم رفتار کرد



س ع جنگ سی ساله

۱۲۲ — **جنگ سی ساله** پادشاه فرانسه بواسطهٔ قوّت و
قدرت فیلیپ دشمن خیلی قوی هولناکی در مقابل داشت اگرچه
شارلکن و فیلیپ دویم هر دو را مغلوب کرده بود ولی چنان اتّفاق
افتاد که سلاطین اسپانی در میان دوستان خودشان بعضی مشتقق

و سم عقیده پیدا کرد یعنی امپراطور آلمان چونکه فردیناند امپراطور آلمان
در میان ژزوئیت ها تربیت شده بود میخواست با قهر و غلبه مذهب را
منحصر به کاتولیک سازد و بتوسط ممالک بهم و اطریش که در تحت تصرف
او بودند شروع باین مقصد نمود ولی بهمی ها شورش کردند و
صاحب منصبان خود را از پنجره های قصر پراغ بیرون انداختند در
سنه ۱۶۱۸ و در این وقت جنگ سی ساله شروع شد باین ترتیب
که فردیناند تمامی شاهزادگان کاتولیک آلمان را با خود متفق ساخت
بر پروتستانها ظفر یافت و بعد با پسر عموی خویش پادشاه اسپانی
اتحاد نمود و خانواده اطریش مانند عهد شارلکن مقتدر شدند
پادشاه سوید گوستاو اول که مذهب پروتستان داشت با قشون
خود بمعاونت و کمک پروتستانهای آلمان آمد و در سنه ۱۶۳۰ در
سه جنگ بزرگ فتح نموده و در جنگ اخیر در سنه ۱۶۳۲ کشته گشت
پادشاه فرانسه کاتولیک بود ولی در مقام اتفاق و حمایت اطریشی
ها برنیامد زیرا که مایل نبود خانواده اطریش باعلی درجه صاحب
قدرت شوند

لوی سیزدهم برحسب نصیحت ریشلیو قشونی بآلمان فرستاد که با امپراطور جنگ نماید و قشونی به تحریک بجنگ پادشاه اسپانی فرستاد امپراطور و اسپانیولیها از قشون فرانسه با کمک سوئدیها شکست یافتند و امپراطور طالب مصالحه شد و این جنگ از روی وحشیگری بود زیرا که قشون مرکب از قطاع الطّریق راهزنان خونخوار بودند و جنگ را بجهت کسب غنیمت کرده شهرها را غارت مینمودند یا اهالی را گرفته مجبور میکردند که فدیه داده خودشان را بخرند و محصولات و مواشی را از رعایا گرفته پاهای آنها را داغ میکردند یا انگشتانشان را با قید فشار میدادند تا بروز دهند که در کجا پول مخفی کرده اند و غالبا در اذیت و کشتن مردم حظ نفس حاصل میکردند

در آخر این جنگ تمام دهات آلمان غارت و شهرها خراب شده بود

سئوالات

پادشاه فرانسه با شارلکن و فلیپ دویم چه کرد فردنیاند امپراطور آلمان چه حال داشت و چه میکرد جنگ سی ساله بچه ترتیب شروع شد گوستاو ادلف پادشاه سوئد چه کرد پادشاه فرانسه چه کرد امپراطور

آلمان و اسپانیولها چه شدند وضع این جنگ از چه قرار بود
در آخر جنگ دهات المان بچه حال شده بود

۱۲۳- مصالحه وستفالی با پیرنه — بالاخره در سنه ۱۶۴۸
در وستفالی مصالحه واقع شد و قرار براین دادند که مملکت آلمان
مابین شاهزادگان کوچک منقسم باشد وامپراطور آلمان را ابداً حکومتی
نباشد و هر شاهزاده مختار باشد که رعایای خود را کاتولیک یا پرتستان
نماید برحسب دلخواه خویش
پس در آنوقت زیاده از سیصد و پنجاه مملکت آزاد در آلمان تشکیل یافت
در مصالحه وستفالی فرانسه ها الزاس را تصرف کردند
و فقط امپراطور آلمان معاهده وستفالی را امضا کرد اما اسپانی
در جنگ فرانسه مداومت نمود و بالاخره مغلوب گردیده مجبور شد که در
سنه ۱۶۵۹ مصالحه پیرنه را امضا نماید و فرانسه ارتوا و روسیلن را در این
مصالحه متصرف گردید
لوئی چهاردهم بمناسبت اینکه دختر پادشاه اسپانی را تزویج کرده
بود میتوانست امیدوار باشد که روزی وارث آن مملکت خواهد شد

خلاصه بعد از مصالحه وستفالی و پیرنه سلاطین فرانسه با قدرت‌ترین سلاطین اروپ گردید

سؤالات

مصالحه وستفالی در چه تاریخ و بچه ترتیب واقع شد قرار مملکت آلمان بر چه وضع شد فرانسه در آن مصالحه چه فایده برد کدام یک از سلاطین معاهده وستفالی را امضا نمود لوئی چهاردهم چه امید داشت سلاطین فرانسه بعد از این مصالحه چه حال داشتند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً سلاطین فرانسه و اسپانی منقسم شدن ایطالیا را بچندین مملکت کوچک مغتنم شمرده در صدد تسخیر آن ممالک برآمدند و جنگهای ایطالی شروع شد

ثانیاً پادشاه فرانسه در ابتدا غلبه نموده و بعد مغلوب پادشاه اسپانی گردید

ثالثاً شارلکن امپراطور آلمان مالک اسپانی و ممالک پست زمین و اطریش و امریک و جزئی از ایطالی گردید و از ۱۵۱۹ در صدد برآمد که مالک تمام اروپ شود ولی بواسطه اتفاق سلاطین فرانسه و عثمانی

و پرتستانهای آلمان مغلوب کرد و در سنه ۱۵۵۶ از سلطنت کناره نمود

رابعاً فلیپ دویم پادشاه اسپانی از سنه ۱۵۵۶ و پادشاه پرتوکال از سنه ۱۵۸۰ درصدد برآمدند که پرتستانهای انگلیس و هلاند و فرانسه را نابود سازند و در همه جا مغلوب گردیدند و اسپانی خراب شد

خامساً فردیناند دویم امپراطور آلمان با پسر عموی پادشاه اسپانی درصدد برآمدند که مالک تمام آلمان شوند و جنگ سی ساله شروع شد از سنه ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸

سادساً فردیناند دویم با پادشاه اسپانی متفق شد ولی مغلوب پادشاه سوئد گوستاو آدول گردید از سنه ۱۶۳۰ تا سنه ۱۶۳۲ و بعد از آن مغلوب پادشاه فرانسه گردید

سابعاً این جنگ که اسباب خرابی آلمان شد بواسطه معاهده وست فالی و پیرنه ها انجام پذیرفت در سنه ۱۶۴۸ و خانواده اطریش بکلی مغلوب و پادشاه فرانسه بزرگترین سلاطین اروپ گردید

فصل پنجم

شورش انگلستان

۱۲۲- **پارلمان و پادشاه** در همان وقت که پادشاه فرانسه مقتدرترین سلاطین اروپ شده بود مملکت انگلیس در حال شورش و انقلاب بود سلطان انگلیس مثل پادشاه فرانسه صاحب قدرت نبود که هر حکمی بخواهد بکند در سنه ۱۲۱۵ بزرگان و اشراف انگلیس پادشاه خودشان را مجبور کرده بودند که قانون مشروطیت را امضا نماید و بر حسب آن پادشاه ملتزم بود که هیچ وقت بدون مشورت و رضایت ملت انگلیس چیزی از ایشان نگیرد هر وقت از برای پادشاه پولی لازم میشد اشراف و نمایندگان شهرها و ایالات احضار میگردید تا بر حسب رای و تصویب آنها وجهی از رعایا گرفته شود این اجتماع اشراف و نمایندگان را پارلمان مینامیدند

سلاطین انگلیس با سلاطین فرانسه مدت صد سال در جنگ بودند و بعد از آن از سنه ۱۴۵۵ الی سنه ۱۴۸۵ در داخله انگلیس جنگ هولناک

شدیدی واقع شد و او را جنگ دو گل سرخ نامیدند بجهت اینکه دو فامیل بر سر تاج و تخت انگلیس با یکدیگر جنگ میکردند و هر یک گل سرخی را علامت خود قرار داده در گنجینه خودشان نگاه میداشتند فامیل یرک گل سفید را علامت قرار داده بودند و فامیل لانکاستر گل قرمز را تقریبا تمام اشراف انگلیس بواسطه این جنگ حالشان بخرابی انجامید تا قرن شانزدهم سلاطین انگلیس بدون هیچ اشکال مختار و مقتدر شدند بزرگترین پادشاهان انگلیس ملکه الیزابت بود از سنه ۱۵۵۸ الی سنه ۱۶۰۳

الیزابت در حمله فلیب دویم پادشاه اسپانی ایستادگی نموده مظفر گردید و همچنین در شورش و ازدحامیکه کاتولیکها نمودند ظفر یافت و فلیب دویم خواست کسی را در مقابل الیزابت بازدارد ماری استوار ملکه اکس را که بیوه پادشاه فرانسه فرانسوای دویم بود بجنگ الیزابت برانگیخت و ماری استوار بالاخره محبوس الیزابت گردید حکم نمود بر دارش کشیدند

سؤالات

سلاطین انگلیس چگونه بودند بزرگان و اشراف انگلیس پادشاه خود را چه ام

مجبور کرده بود جنگ داخلی انگلیس در چه تاریخ بود آن جنگ را چه مینامیدند
حال اشراف انگلیس بواسطه آن جنگ بکجا انجامید ملکه الیزابت چگونه بود و چه کرد
ماری استوارت ملکه اکس حالش بکجا منتهی شد

۱۲۵ – زد و خورد پارلمان و پادشاه – در سنه ۱۶۰۳ الیزابت بدون اولاد از دنیا رفت و پسر عموی او ژاک که از فامیل استوارت و پادشاه اکس بود سلطنت انگلیس یافت از آن زمان انگلیس و اکس در تحت حکم یک سلطان درآمدند بعد از ژاک پسرش شارل اول پارلمان را موافق طبع خود نیافت و در مدت یازده سال سلطنت خود یک دفعه نمایندگان را جمع نکرد و بدون مشورت و رضایت انگلیسها مالیات مملکت را جمع میکرد مردی دلیر هامپدن نام از ادای مالیات امتناع نمود و گفت پادشاه حق ندارد مالیاتی که نمایندگان مملکت تجویز نکرده اند مطالبه نماید در همان زمان بهانه بدست پادشاه افتاده در صدد اذیت پروتستانهائی که خلیفه انگلیکان را اطاعت نمیکردند برآمد و از این جهت در سنه ۱۶۳۸ اهالی اکس شورش نمودند پادشاه محتاج پول گردید و از برای دست آوردن پول محتاج پارلمان شد پارلمان در اول افتتاح فتوای قتل وزیر اول را داد و در آنوقت

جنگ داخلی شروع شد در سنه ۱۶۴۲ قشون شارل اول پادشاه انگلستان مرکب از نجبا بود و پارلمان نیز قشونی از جماعت پروتستان که اذیت بسیار کشیده بودند تشکیل داد و با یکدیگر بجنگ درآمدند تا بالاخره قشون شارل اول مغلوب و خود او اسیر و محبوس گردید و بحکم پارلمان سرش را از بدن جدا کردند در سنه ۱۶۴۹ و این اولین دفعه بود که ملت بقتل پادشاه اقدام نمود

سؤالات

بعد از الیزابت سلطنت انگلستان بکه منتقل شد   شارل اول با پارلمان چه کرد   بالاخره مال کار شارل اول چه شد

۱۲۶ — کرمول — پارلمان جمهوریت مملکت را پیش نهاد کرده بود. ولی خواهندگان پارلمان به دو فرقه منقسم بودند یک قسمت پورتین ها که سخت تر بودند سردارشان کرمول بود که قشون پادشاه را مغلوب نمود و قسمت دیگر اهالی اکس و ایرلاند بودند که جمهوری نمیخواستند و پسر شارل اول را بپادشاهی قبول کردند کرمول با ایشان جنگ نمود از سنه ۱۶۴۹ الی سنه ۱۶۵۱ مشغول جنگ بودند تا بالاخره هواخواهان

پادشاه شکست یافتند و کرمول با فیروزی و اقتدار تمام بانگلستان مراجعت کرد و چون پارلمان را منافی مقاصد خود میدانست وکلا را بیرون کرده درب پارلمان را بست و کلید آنرا در جیب خود گذارد و بالای درب عمارت این عبارترا نوشت

این خانه اجاره داده میشود

و بعد از آن خودش تنها با لقب حامی از سنه ۱۶۵۳ الی سنه ۱۶۵۸ در انگلستان حکمرانی کرد در عهد او انگلیسها شروع بر بپا کردن قوای بحریه نمودند

سؤالات

پارلمان چه چیز پیشنهاد کرد خواهندگان پارلمان کیان بودند و چه شدند کرمول سردار چه کرد در عهد کرمول انگلیس ها چه کردند

۱۲۲ — **شورش ۱۶۸۸** — انگلیسها مایل بودند که پادشاه داشته باشند و در سنه ۱۶۶۰ شارل دویم پسر شارل اوّل را بجهت سلطنت طلبیدند ولی او مانند پدرش بسیار بد سلطنت کرد و کسانی را که برخلاف قوانین مذهب رفتار میکردند اذیت میکرد و وکلائی که در پارلمان برضد مقاصد او بودند صدمه میزد و بجهت کسب پول خود را اجیر لوی چهاردهم

پادشاه فرانسه کرده بود

بعد از او ژاک دویم سلطنت انگلستان یافت و مدت سلطنت او از سنه ۱۶۸۵ الی سنه ۱۶۸۸ بود و بسیار بدتر از شارل دویم حکمرانی نمود انگلیسها که کاتولیک مذهب بودند از بی مبالاتی ژاک در امور دینیه و همچنین از نداشتن پارلمان منزجر و متنفر گردیدند

در آن زمان شاهزاده بسیار قابلی معروف به (گیلیوم درانژ) در هلاند بود که دختر ژاک دویم را تزویج کرده بود چون از انزجار و تنفر انگلیسها مطلع گردید با پانزده هزار قشون به بندر انگلستان فرود آمد و در روی بیرق خود نوشته بود (از برای دین و آزادی)

انگلیسها او را بخوبی پذیرفتند و ژاک دویم فرار کرد در سنه ۱۶۸۹ گیلیوم بتوسط پارلمان پادشاه انگلستان شد

سؤالات

پسر شارل اوّل چگونه سلطنت میکرد ژاک دویم چگونه بود گیلیوم درانژ چه کرد و بالاخره چه شد

۱۲۸ــ ترتیب سلطنت پارلمانی ــ قبل از آنکه پارلمان سلطنت

گیلیوم را بتوسط نوشته رسمی بملت اخطار نماید از گیلیوم عهد گرفت که
حقوق ملت انگلیس را همواره محترم شمارد و همه ساله وکلای مملکت را
در پارلمان جمع شده وضع قانون نمایند و قرار مالیات بدهند و
هرگاه حکمی مخالف عدالت از پادشاه صادر گردد پارلمان حق مواخذه
و بازخواست از او داشته باشد هیچیک از افراد ملت انگلیس را بدون
تحقیق و اثبات جرم توقیف نماید و تحقیق و استکشاف جرم جز توسط
قاضی از اهل مملکت صورت نگیرد

پس باین ترتیب هیچوقت پادشاه نمیتواند از روی هوای نفس
حکمی براند و همچنین همواره باید حقوق اهل مملکت و قوانین مشروطیت را
محترم شمارد پس در واقع احکام مملکت از طرف ملت بتوسط پارلمان
صادر میشود

و این شکل حکومت و سلطنت را سلطنت پارلمانی یا دولت مشروطه نامند
و انگلیسها اولین طایفه بودند که بنای این نوع سلطنت را گذاشته
از برای آن شورش بزرگی کردند که شورش بزرگ فرانسه بسبب
آن تهیه شد

سؤالات

پارلمان از گیلیوم قبل از تقرر سلطنت او چه عهدی گرفت   از روی این قرار
داد پادشاه چه میتواند بکند   سلطنت مشروطه کدام است

خلاصه که باید از بر نمایند

اولا پادشاه انگلیس از زمان تأسیس مشروطیت بدون اجماع پارلمان
نمیتواند چیزی از رعیت بگیرد

ثانیاً شارل اول پادشاه انگلیس از فامیل استوارت که هم پادشاه انگلیس
و هم اکس بود مدت یازده سال بدون انعقاد پارلمان سلطنت کرد

ثالثاً چون مجدداً پارلمان منعقد گردید جنگ داخلی بزرگی از سنه ۱۶۴۲ شروع
شد و شارل اول مغلوب و توقیف و سرش قطع شد در سنه ۱۶۴۹

رابعاً مملکت انگلیس در آن وقت جمهوری گردید ولی ژنرال کرمول اجزای
پارلمان را بیرون کرد و باسم حامی در انگلیس سلطنت نمود از سنه ۱۶۵۳ تا سنه ۱۶۵۸

خامساً مجدداً سلطنت بر شارل دویم در سنه ۱۶۶۰ مقرر گردید ولی جانشین
او ژاک دویم که کاتولیک مذهب بود منفور انگلیسها واقع شد و او را در سنه ۱۶۸۸
طرد نموده در جای او گیلیوم اورانژ پادشاه زاده هلاند را بسلطنت قبول کردند

سادساً حفظ حقوق ملت بموجب تعهد گیلیوم از ابتدای سلطنت او معمول گردید
حکومت پارلمانی مقرر شد

فصل ششم

متّفق شُدن تمام اُروپا برضدّ فرانسه

۱۲۹— ظفر و نصرت لوی چهاردهم بعد از وقوع عهدنامه وستفالی و پیرنه مملکت فرانسه مقتدرترین ممالک اروپا بود و اروپائیان ازاین اقتدار سخت ناراضی و دلتنگ بودند ولوی چهاردهم هم تمام سلاطین کوچک را با خود دشمن نمود چنانکه ابتدا بر اسپانی حمله کرد و بعضی شهرها و اراضی در مملکت بلژیک ازاو گرفت که اکنون هم در جزو ایالتهای فرانسه هست (مطابق مصالحه اکس لاشاپل سنه ۱۶۶۸) و بعد از آن بر هلاند حمله نمود خلاصه پادشاه اسپانی و امپراطور آلمان و سایر سلاطین اتّفاق نموده برضدّ فرانسه برخواستند ولی لوی چهاردهم بر تمام آنها ظفر یافته فرانش کنت را متصرّف شد

(مطابق عهدنامه نیمک ۱۶۷۸) و چون ملاحظه نمود که کسی را قدرت مقابلی او نیست بسیاری از شهرها و اراضی را در حال صلح بخاک فرانسه ملحق ساخت مثل شهر استراسبورک ولی این جنگها فرانسه را خسته نمود هنگامیکه لوئی چهاردهم فرمان نانت را که هانری چهارم برای آزادی مذهب پروتستان داده بود نسخ کرد مردم بسیار و متمول بی شمار از خاک فرانسه مهاجرت کرده ضرر فاحشی بمملکت وارد آمد

سئوالات

کدام یک سلاطین اروپ بر ضد فرانسه برخواستند علت ضدیت آنها چه بود لوی چهاردهم با آنها چه کرد بالاخره امر بکجا منتهی شد

۱۳۰ ــ **اتفاق بر ضد لوی چهاردهم** تمام پادشاهان اروپ بر لوی چهاردهم خشمگین بودند ولی هیچکدام را قوت مقاومت با او نبود هنگامیکه گیلیوم درانژ پادشاه انگلستان شد حزب اکسبورک را بر ضد لوئی چهاردهم مرتب ساخته و در آن فرقه از طرف تمام اروپا سمت ریاست یافت لوی چهاردهم بجنگ ایشان

پرداخته تمام شهرها و دهات کنار رود رن را خراب ساخته مجدداً مظفر و منصور گردید ولی دیگر پولی نداشت که بمصرف جنگ رساند و مجبور شد که صلح طلبد و عهدنامه ریس ویک در سنه ۱۶۹۷ بسته شد سه سال بعد از آن شارل دوّیم پادشاه اسپانی بعد از آنکه ایالتهای خود را بدوک دانژو نوه لوی چهاردهم واگذاشته وفات نمود در این وقت چنین بنظر میآمد که فرانسه هرگز باین قدرت نبوده ولی مقارن همین ایام انگلستان و هلاند و امپراطور آلمان برضد لوی چهاردهم اتفاق خصمانه هولناکی نمودند و فرانسه با تمام ایشان مقاومت نمود و بالاخره در سنه ۱۷۱۳ و (۱۷۱۴) مصالحه انگلیس و هلاند و سایر دشمنان خود را در اوترشت و دررستاد بدست آورده و از طرف آنها آسوده شد

نوه لوی چهاردهم در سلطنت اسپانی باقی بماند و بلجیک با مپراطور آلمان داده شد

اما فرانسه مجبور شد چند قطعه از بهترین مستعمرات خود را از قبیل کانادا بدولت انگلیس واگذار کند در قرن هجدهم فرمانروائی فرانسه

در اروپا بانتهار رسید در آن وقت دو مملکت بسیار هولناک تشکیل یافت یکی دولت روس و دیگری دولت روس و دولت انگلیس هم متصرفات بزرگ بدست آورده شاهنشاهی بزرگ تشکیل داد

سؤالات

پادشاهان اروپ با لوی چهاردهم چه حال داشتند گیلیوم اُرانژ بعد از رسیدن بسلطنت انگلیس چه کرد لوی چهاردهم چه کرد بعد از شارل دویم ایالتهای او بکه پیوست کدام دولتها برضد لوی چهاردهم اتفاق نمودند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً ـ لوی چهاردهم بسبب حمله بر سلاطین کوچک و تصرف املاک ایشان تمام اروپا را با خود دشمن ساخت

ثانیاً ـ گیلیوم در اثر پادشاه انگلیس تمام ممالک اروپا را برضد لوی چهاردهم بموجب معاهده اُکس بورک در سنه ۱۶۸۹ مجتمع ساخت و در سنه ۱۶۹۷ لوی چهاردهم مجبور گردید که درخواست صلح نماید

ثالثاً ـ در سنه ۱۷۰۱ که نوه لوی چهاردهم پادشاه اسپانی شد اتفاق و اتحاد جدیدی برضد فرانسه صورت یافت که پس از خرابیهای زیاد در سنه ۱۷۱۳ مصالحه اوترخت واقع شد

رابعاً ـ در آنوقت مملکت فرانسه ضعیف و پادشاه او از آقائی و ریاست اروپا برکنار شد

فصل هفتم

تشکیل امپراطوری روس

۱۴۱ـ روسها ـــ روسها عیسوی مذهب بودند ولی پاپ را نمیشناختند و فقط از قیصر (امپراطور) اطاعت مینمودند و شخص امپراطور از برای روسیان هم پادشاه بود و هم بمنزلهٔ پاپ قیصر ملیونها رعیت داشت و مملکت بزرگی در زیر حکم او بود زیرا که در سنهٔ ۱۵۸۱ تمام سیبری را مالک بود و مقر شش در شهر مسکو بود که در وسط مملکت روسیه واقع است ولی هیچ بندری نداشت و رعایای روس عموماً فقیر و وحشی بودند

سؤالات

روسها چه حال داشتند قیصر نسبت برعایای خود چه مقام داشت رعایاد مملکت روس چه نحو بود

۱۴۲ـ پطر کبیر ـــ پطر کبیر قیصر روس از سنهٔ ۱۶۸۲ الی سنهٔ ۱۷۲۵ سلطنت کرد و شخصی کاری و مجد بود خواست روسها را

شبیه اروپائیان کند و از برای این مطلب از مملکت خود بیرون رفت که خودش تعلیم گیرد و در کارخانه هلاند بشغل نجاری مشغول گشت که علم کشتی سازی بیاموزد و بعد جمعی ملاح و مهندس و عملجات اروپائی همراه خودش بروسیه آورد که روسها را تربیت کنند

اهالی روسیه را مجبور نمود که مانند اروپائیان لباس بپوشند و ایشان را از لباس بلند و ریش دراز منع نمود وقتی سربازان او شورش نمودند خودش محض تنبیه ایشان جمعی از آنها را با دست خود سر برید

زنش در مقابل او ایستاده خواست ممانعت نماید حکم کرد تا او را شلاق زدند و پسر خودش را هم کشت

در حق او گفتند پطر کبیر یک نیمه شجاعت و یک نیمه سبعیت است

سؤالات

پطر کبیر که و چگونه شخصی بود — از برای چه کار از مملکت خود بیرون رفت — اهالی روسیه را بچه کار مجبور ساخت — در تنبیه سربازان که شورش کرده بودند چه کرد

۱۳۳ — فیروزی پطر بر سوئدیها — در آن زمان تمام اراضی دور دریای بالتیک متعلق بسوئدیها بود پطر میخواست آن ممالک را

تصرف نماید محض اینکه بندری از برای خود بدست آورد و با سوئدیها
جنگ نمود پادشاه سوئد شارل ۱۲ دوازدهم سردار بزرگی بود و در
سنه ۱۷۰۰ روسها را شکست داد ولی در مدتی که او بجهت فتح پلنی (دورشو)
میرفت پطر امر نمود در نزدیک دریای بالتیک شهر جدید سن پطرز
بورغ را بنا کردند که پای تخت روس شد شارل دوازدهم
در سنه ۱۷۰۹ قشونی بروسیه فرستاده آن مملکت را فرا گرفت ولی
قشون او مغلوب و گرفتار گردیدند و در سنه ۱۷۱۲ تمام ممالک بالتیک
مسخر پطر گردید

سئوالات

پطر با سوئدیها چه کرد شهر سن پطرزبورغ را پطر در چه وقت بنا نمود
شارل دوازدهم پادشاه سوئد چه کرد

۱۳۴ = فیروزی پطر بر ترکها (عثمانیان) مدت دو قرن عثمانیان در
ممالک مشرق اروپا فرمان روائی داشتند در سنه ۱۶۸۳ قشون
عثمانی باطریش آمد شهر وین را محاصره کرده بود ولی چون سلطان
عثمانی شخصه در آن جنگ حضور نداشت عساکر اتفاقا سر بشورش

برمید اشتند ولاجرم عثمانیان بزودی قوت و قدرت خودرا از دست

داده در سنه ۱۷۱۸ اطریشی‌ها ایشان را از مملکت هونگری بیرون

کردند از سنه ۱۷۶۲ الی سنه ۱۷۹۶ کاترین امپراطریس روس بتوسعت

دادن مملکت روسیه از طرف ممالک ترک مداومت نمود و در سنه ۱۷۷۰

سرداران او قوای بحری ترکان را سوزانیدند و در دو جنگ که در

سنه ۱۷۷۴ و سنه ۱۷۹۲ واقع شد شهر کریمه را با تمام ممالکی که در کنار دریای

سیاه است تا رود نیستر تصرف کردند

سؤالات

قشون ترک بجهة محاصره کجا آمده بود کار ترکان در هونگری بکجا رسید

کاترین امپراطریس روس با ترکان چه کرد

۱۳۵ - تقسیم پلنی (ورشو) - پلنی یا ورشو مملکت بزرگی

بود ولی حکامی بد رفتار داشتند رعایا همگی غلام و نجبا همه نظامی

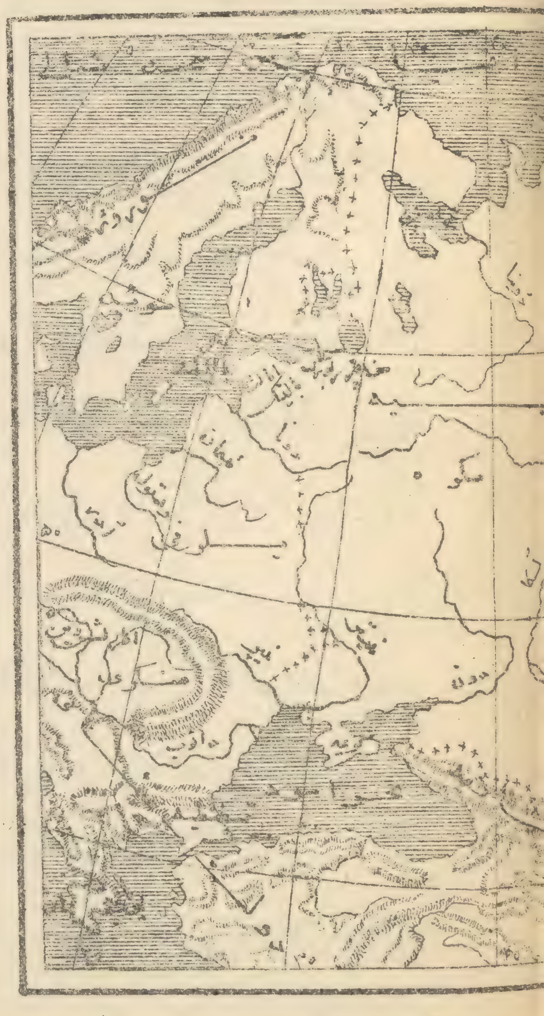
بودند در موقع انتخاب پادشاه یا بجهت بحث و گفتگو در کارها همگی

سواره در جلگه وسیعی جمع میشدند و اشخاصی که با رای و عقیده

اکثریت همراه نبودند از آن جمعیت کناره میگرفتند و کسی حق نداشت



مسکو — پای تخت قدیم روسیه است
سن پطرزبورغ — پایتخت حالیه روس است
کریمه — شبه جزیره ایست که کاترین تسخیر نمود از ع



...وین را عثمانیها در ۱۶۸۳ محاصره کردند

...عثمانیها

نداشت آنهارا مجبور بهمراهی نماید ملت پلنی با وصف اینکه بسیار رشید بودند ولی بسبب متفق نبودن با یکدیگر ضعیف بودند و همسایگان ایشان این متفق نبودن را غنیمت شمردند

و در سنه ۱۷۷۲ امپراطریس روس و پادشاه پروس و امپراطریس اطریش با یکدیگر متفق گردیدند که هریک قسمتی از آن مملکت را با قهر و غلبه متصرف شوند و قسمت بزرگتر از همه بهره امپراطریس روس گردید در سنه ۱۷۹۳ و سنه ۱۷۹۵ مجدداً سلاطین شروع بجنگ نمودند تا تمام پلنی را مسخر ساختند اهالی پلن خواستند معاودت نمایند ولی سربازان روس و پروس داخل شهر گردیده اهالی را مجبور باطاعت نمودند در حقیقت مرتکب راهزنی و قطاع الطریقی گردیدند خلاصه از آن زمان روستیه وسیعترین ممالک اروپا گردید

سئوالات

ترتیب احوال اهالی پلنی چه بود بچه سبب ملت پلنی ضعیف بودند کدام سلاطین در تصرف و تقسیم پلنی اتفاق نمودند

خلاصه که باید از بر نمائید

اولا در قرن هیجدهم روسی مملکتی وسیع بود ولی سکنه آن مردمانی فقیر و وحشی و نیمه آسیائی بودند

ثانیاً پطر کبیر قیصر روس از سنه ۱۶۸۲ الی سنه ۱۷۲۵ شروع تربیت و ترقی دادن روسها نمود و آنها را مجبور کرد که اخلاق و عادات اروپائی اختیار نمایند

ثالثاً از سنه ۱۷۰۰ الی سنه ۱۷۲۱ پطر کبیر تمام ایالات کنار دریای بالتیک را از پادشاه سوئد گرفت و در آنجا شهر مشهور سن پطرزبورغ را بنا کرده پایتخت قرار داد

رابعاً چون عثمانیان ضعیف شده بودند کاترین امپراطریس روس از سنه ۱۷۶۲ الی سنه ۱۷۹۶ چند ایالات عثمانی را که در کنار دریای اسود بود تصرف نمود

خامساً چون پلنی ها خیلی ضعیف بودند و اختلافات و نزاعهای داخلی در میان ایشان موجود بود روس پروس و اطریش قهراً و جبراً ممالک پلنی را در میان خود تقسیم کردند و در سنه ۱۷۷۲ و سنه ۱۷۹۳ و سنه ۱۷۹۵ مملکت پلنی سه قسمت کرده

سادساً از روی این ترتیب مملکت روس از بزرگترین ممالک عالم شد

فصل هشتم

تشکیل مملکت پروس

۱۳۰۶- براندبورک و پروس - پروس مملکتی جدید است که از دو قسمت براندبورک و پروس تشکیل شده بود و هر دو در تحت حکم یک پادشاه جمع شده بودند

براندبورک سرزمینی ریگزار است که در اطراف شهر برلن واقع شده در عصر متوسط آلمانها آنجا را از اسلاوهای بت پرست گرفته بودند و چند کدخدانشین از آن تشکیل داده

در سنه ۱۴۱۲ یکنفر از آقایان جنوب آلمان از طایفه ههن زلرن مباشر براندبورک بود

امّا پروس مملکتی باتلاق و مجاور با روس است که شجاعان طبقه تلمتنیک در قرن چهاردهم تصرف کرده بودند و بعد آقای بزرگی از آن طبقه که هم از خانواده ههن زلرن بود در سنه ۱۵۲۵ بمذهب کاتولیکی درآمده و پروس را ادالی نشین قرارداد و در سنه ۱۶۱۲ کدخدای

براندبورک وارث پروس گردید

جانشینان او شهرها و ایالتهای بسیار از آلمان بدست آوردند

در سنهٔ ۱۷۰۱ والی براندبورک لقب پادشاهی پروس را از امپراطور

آلمان خریداری نمود

سئوالات

پروس چگونه مملکتی است براندبورک چه قسم است ترتیب پادشاهان آنها چه قسم بود

۱۳۷ — پادشاه نشین پروس — پروس مانند

فرانسه و غیره یک مملکت واحد محسوب نمیشد بلکه مرکب از چندین ایالت

بود که هریک از دیگری جدا بودند چنانکه اگر پادشاه میخواست

از ایالتی بایالت دیگر مسافرت نماید باید از اراضی و املاکی عبور نماید

که تعلقی باو نداشت اطاعت و انقیاد عمال این ایالات موقوف

بدان بود که خودشان با پادشاه پروس اخلاص کیش باشند

و اگر پادشاه میخواست با آنها دفاع نماید محتاج بقشونی بسیار قوی بود

فردریک گیلیوم اول که در سنهٔ ۱۷۴۰ وفات یافت شصت هزار قشون

داشت و همواره در جستجوی اشخاص تنومند قوی هیکل بود که در قشون

خود اجیر و مستخدم ساز و خود پادشاه مانند یک نفر سرباز زندگانی میکرد و همیشه در لباس نظامی بود دربار سلطنتی نداشت او را پادشاه وکیل مینامیدند

درحالیکه در سایر پادشاه نشینهای پروس پرنسها و وزراء پیوسته درصدد این بودند که جشنهای زیبا ترتیب داده پولهای زیاد خرج کنند و دربار سلطنت تشکیل دهند

اما در دربار فردریک پادشاه و وزرائش مقصودی جز قوت یافتن و بزرگ ساختن مملکت نداشتند هیچوقت مخارج بیهوده نمیکردند بلکه با کمال صرفه جوئی رفتار مینمودند تا بالاخره پروس مملکت قوی گردید

سؤالات

پادشاه نشین پروس چه ترتیب بود   اطاعت عمال ایالات با پادشاه موقوف بر چه بود   فردریک گیلیوم چه مقدار قشون داشت   ترتیب زندگانی او چه قسم بود   سایر پادشاه نشینهای پروس چه وضع بودند   و دربار فردریک از چه قرار بود

۱۳۸ — فردریک بزرگ — فردریک دویم (از سنه ۱۷۴۰ الی سنه ۱۷۸۶ م) از تمام پادشاهان پروس قابلتر گردید و بزرگترین

سرداران عصر خود بود و دانشمندان و نویسندگان بخصوص نویسندگان
فرانسه را دوست میداشت و خود او زبان فرانسه را میدانست و
نوشتجات خود را با لغت فرانسه خوشتر از آلمانی داشت در یکی
از دهات نزدیک برلن موسوم به پوتسدام منزل داشت و در آنجا
بدون اجزا و خدم زندگانی میکرد و همیشه لباس صاحب منصبی
میپوشید مقصودش این بود که مقدم بر همه چیز مملکت خود را بزرگ
نماید در کارهای مخالف تدین چندان دقیق و مقید نبود بعد از مردن
شارل ششم امپراطور آلمان فردریک یکی از ایالتهای اطریش
موسوم به سیلزی قشون فرستاده در سنه ۱۷۴۱ انجا را مفتوح و مسخر
ساخت و خواست ماری ترز دختر شارل ششم را مجبور نماید که آن ایالت را
باو واگذار کند و ماری ترز در صدد برآمد که آن ایالت را پس بگیرد
ولاجرم در سنه ۱۷۵۶ با فرانسه و روس و سوئد و شاهزادگان آلمان
عهد موافقت بسته در آنوقت جنگ هفت ساله شروع شد
اطریشی ها و فرانسه ها و روسها و سوئدیها از چهار طرف داخل خاک
پروس گردیده

فردریک با قشون خود از یک طرف مملکت بطرف دیگر میتاختند و
سربازانش با چلدی و چابکی حرکت نموده غالباً فاتح میشدند
عاقبت الامر مصالحه براین وقوع یافت که ماری ترزر در سنه ۱۷۶۳
واگذاشتن سیلزی را امضا نمود

بعد از آن فردریک کاری کرد که کاترین امپراطریس روس مجبور
گردید پلنی (ورشو) را در سنه ۱۷۷۲ با او تقسیم نمود و تمام ممالکی که در
میانه دو قطعه از مملکت او واقع شده بود از اهالی پلنی گرفت در سنه ۱۷۴۰
جمعیت مملکت پروس دو ملیون و پانصد هزار نفر بود و در سنه ۱۷۸۵
پنج ملیون و پانصد هزار جمعیت آنجا شد و قشون پروس بهترین
قشونهای اروپا گردید

سؤالات

فردریک دویم چه کرد در کجا منزل داشت و حالاتش چگونه بود با
ایالت سیلزی چه کرد ماری ترزر دختر شارل ششم با او چه کرد بعد از
جنگ هفت ساله مصالحه برچه واقع شد فردریک با پلنی چه کرد —
عدهٔ نفوس پروس در عهد او چه اندازه بود و چه شد

خلاصه که باید ازبر نمایند

اولاً مملکت پروس تشکیل یافته است از براندبورگ و والی نشین پروس درسنه ۱۶۱۷ در تحت اطاعت هوهن زلرن درآمد و درسنه ۱۷۰۱ مبدل بپادشاه نشین گردید

ثانیاً پادشاهان پروس عمال بسیار اخلاص کیش و قشون قوی داشتند و در صرف پول بسیار صرفه جوئی میکردند مقصود عمده ایشان آن بود که قوت یابند تا مملکت خود را بزرگ سازند

ثالثاً از سنه ۱۷۴۰ الی سنه ۱۷۸۵ فردریک بزرگ سرداری قابل و اهل پلتیک بود ولی بامور تدین و درستی معتقد نبود



پولونی (لهستان) در سال ۱۷۷۲ بین پروس و روس و اطریش قسمت گردید

سیلسی — یکی از ایالات اطریش است که پادشاه پروس در ۱۷۴۲ ضمیمهٔ مملکت خود نمود

برلن — پایتخت پروس است

پتسدام — قریهٔ کوچکی است نزدیک برلن که منزل سلاطین پروس است

براندبورگ — ملکی است در اطراف برلن

فصل نهم
تشکیل مملکت انگلیس

۲۰۹- مهاجرنشینهای اروپائی پرتوگالیها و اسپانیولیها
اوّلین مردمانی از اروپا بودند که باقی دنیا را کشف نمودند و در امریکا
و افریقا و آسیا و اقیانوسیه ممالکی را که شایسته بود تصرف
نموده باثروت‌ترین ممالک را گرفتند ولی چون حکمرانی ایشان
بسیار بد بود مهاجرنشینهای ایشان بسیار فقیر و ضعیف گردید
ایطالیائیها و آلمانها مهاجرنشین نداشتند زیرا که ملتی از ایشان
تشکیل نشده دولتی قوی نداشتند که در ممالک دوردست متصرفات
پیدا کنند امّا فرانسه‌ها و انگلیسها و هلاندیها در قرن هفدهم مهاجر
نشینهای بسیار تشکیل دادند
هلاندیها در جزیرهٔ بزرگ جاوا و سوماترا تمکن یافتند و فرانسه‌ها
تمام شمال امریکا را که اکادی و کانادا باشد متصرف شدند و همچنین
مملکت مسی سیپی که (لوئیزیان) باشد مالک شدند

و نیز در جزایر آنتیل ها جزیره بزرگ هائی را گرفتند و انگلیسها تمام نواحی شرقی امریکای شمالی را تصرف نمودند

سؤالات

پرتوگالیها و اسپانیولیها با مهاجرنشینهای خود چه کردند   آیا ایطالیائیها و آلمانها مهاجر نشین داشتند   فرانسه و انگلیس و هلاند کجاها را تصرف کردند

۱۴۰ — **تسخیر انگلیس هندوستان را** — در قرن هیجدهم انگلیسها با فرانسه ها بر سر مهاجرنشین جنگ نمودند   در آنوقت در مملکت هند دو کمپانی تجارتی بود یکی کمپانی انگلیسی در مدرس و دیگری در فرانسه در پوندی چری

رئیس کمپانی فرانسه دوپلکس شروع بتصرف ممالک هند نموده بود و این مسئله اشکالی نداشت زیرا که مملکت هند در میان بسیاری از شاهزادگان کوچک منقسم بود و ایشان قشونی نداشتند جز اندکی سرباز بسیار بد و ساکنین هند هم در صدد دفاع وطن خود نبودند و این ظفری بسیار مغتنم و مفید بود زیرا که هند بیش از دویست ملیون جمعیت دارد و مقدار زیادی پنبه و برنج و نیل و شکر و ابریشم و فلفل



زاوا و سوماترا — جزائری است که هلاندی ها در آنجا مسکن دارند — کانادا و لوئیزیان —

پندیچری — شهریست از هندوستان که یک کمپانی از فرانسه در آنجا است — فیلا...

مدرس — شهریست از هندوستان که یک کمپانی تجارتی در آنجا است — بنگاله —



— قطعه ایست از امریکای شمالی که فرانسه‌ها در آنجا مسکن کرده اند و انگلیس آنرا تصرف کرده

فیلادلفی — مجمع کنگره ایست که در آنجا برای اتازونی دعوی آزادی شد در ۱۷۷۶

را انگلیسها در ۱۷۶۳ تسخیر کرده

و اشیاء دیگر محصول آنست

انگلیسها از دولت فرانسه خواهش کردند که دوپلکس رئیس کمپانی را
معزول کند و دولت نیز قبول کرده در سنه ۱۷۵۴ او را معزول ساخت
بعد از آن انگلیسها خودشان شروع بتسخیر هند نمودند و تنها با یک
جنگ در سنه ۱۷۵۷ تمام مملکت بزرگ بنگاله مسخر ایشان شد و بعد از
آن در سنه ۱۷۶۱ مهاجرنشینهای فرانسه را خراب کردند و خودشان
مالک مملکت هند گردیدند که امروز هم هستند

سؤالات

در هند چند کمپانی تجارتی بود رئیس کمپانی فرانسه که بود چه میکرد انگلیسها
هند چه کردند

۱۴۱- **تسخیر انگلیس امریکای شمالی را** — همچنین در امریکا نیز همین
قسم وقوع یافت در سنه ۱۷۵۴ در وقتیکه جنگ مابین فرانسه و انگلیس
شروع شد برزگرهای انگلیس بر برزگرهای کانادا که مهاجرنشین
فرانسه بود حمله نمودند

برزگرهای فرانسه مانند شجاعان دلاور مقاومت نموده در ابتدا
غالب آمدند ولی بعد از آن دولت انگلیس قشونی بامداد برزگرهای

خود فرستاد و دولت فرانسه کسی را بامداد و یاری رعایای خود نفرستاد
کانادائی پیش از پنجهزار جمعیت نداشتند که طرف حمله چهل هزار قشون
واقع شده بودند و نیز تدارک قورخانه نداشتند ولاجرم انگلیسها
کانادا ظفر یافتند

و مجملا در سنه ۱۷۶۳ دولت فرانسه تمام متصرفات خود را که در امریکای
شمالی داشت بانگلیس واگذار نمود در تمامت این جنگها بزرگان
تابع فرانسه و ملاحان فرانسوی در کمال رشادت تکالیف جنگی
خود را بجای آوردند ولی در آن وقت لوی پانزدهم فرمان فرمای
مملکت فرانسه بود و همه کس میداند که ترتیب سلطنت او چقدر بد بود
از طرف دیگر در آن زمان هیچکس نمیفهمید که مهاجر نشین از برای یک ملت
چه فایده ها دارد

پول بسیار صرف مینمودند و قشون بسیار در جنگ آلمان و ایطالیا
حرکت میدادند در صورتیکه فرانسه را در آن ممالک ابدا فایده و منفعتی
متصور نبود ولی در فرستادن چهار پنجهزار قشون برای حمایت مهاجر
نشینها مضایقه میکردند و حال اینکه این معنی سبب میشد که ممالک عالم

ملک فرانسه گردد

سؤالات

برزگران انگلیس با برزگران کانادای فرانسه چه کردند   برزگران فرانسه در مقابل ایشان چه کردند   علت اینکه برزگران فرانسه مغلوب شدند چه بود چرا فرانسه قشونی بسیاری مهاجرنشینهای خود نفرستاد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً مهاجرنشینهای اسپانیول و پرتوگال بسبب بدرفتاری دولت معدوم شدند در قرن هفدهم فرانسه‌ها و انگلیسها و هلاندیها مهاجرنشینهای بزرگی را مالک شدند بخصوص در امریکای شمالی و در هند

ثانیاً رئیس کمپانی فرانسه دوپلکس در قرن هیجدهم در صدد آن بود که بجهت فرانسه در هند مستعمرات تحصیل نماید ولی در سنه ۱۷۵۴ دولت فرانسه او را معزول ساخت و بعد از آن انگلیسها هند را مسخر نموده در سنه ۱۷۵۷ از بنگاله شروع کردند

ثالثاً در امریکا برزگران کانادای فرانسه چون از دولت خود حمایت ندیدند باطاعت انگلیسها در آمدند و در سنه ۱۷۶۳ فرانسه از تمام مستعمرات امریکائی خود دست برداشت

رابعاً فرانسه بواسطه خطای دولت خود ممالک بسیاری را از دست داد و انگلیسها آنها را متصرف شدند

فصل دهم

بنای آتازونی

۱۴۲ — هیجان مهاجرنشینهای امریکا. بزرگان امریکای
شمالی تابع انگلیس بامر حکمرانی خود میپرداختند زیراکه دولت انگلیس را
عادت بر این بود که در امور داخلی تبعه خویش کمتر مداخله نماید تا
اسباب اذیت و نفرت ایشان فراهم نگردد ولی یک نوبت از
این عادت غفلت نمود و باین جهت تمام مهاجرنشینهای بزرگ از
دستش بدر شد باین معنی که در سنه ۱۷۶۵ ازبرای دولت انگلیس پولی
لازم شد و مالیاتی جدید بر زارعین تبعه خود بدون مشورت ایشان
مقرر داشت زارعین مزبور از ادای آن امتناع ورزیده شورش
کرده و حاکم انگلیس را از شهر خود بیرون کردند دولت انگلیس
قشونی بجهت مطیع ساختن ایشان مأمور نمود و زارعین هر ایالت
وکیلی تعیین کرده مجلسی در فیلادلفی منعقد ساختند و در چهارم ژوئیه
سنه ۱۷۷۶ مجلس مزبور رسماً اظهار نمود که آن ممالک از انگلیس مجزی شد.

وجمهوری اتازونی امریکای شمالی تشکیل کردید

سؤالات

عادت دولت انگلیس با برزگران خود چه بود   باعث شورشش برزگران تبعهٔ انگلیس چه شد   عاقبت کار ایشان بکجا انجامید

۱۴۳ — آزادی اتازونی جنگ مابین انگلیسها واتازونی را جنگ آزادی امریکا میخوانند که از سنه ۱۷۷۴ الی سنه ۱۷۸۳ امتداد یافت وممالک متحده اتازونی در ابتدا مغلوب گردیدند زیراکه قشونی نداشتند وبرخلاف دولت انگلیس بیست هزار سرباز آلمانی اجیر نموده بامریکا فرستاد ولی بعد ما جمعی داوطلبان فرانسوی بامداد امریکائیان شتافتند ودولت فرانسه نیز قشونی برای آنها فرستاد وانگلیسها مغلوب شدند ودر سنه ۱۷۸۳ مصالحه واقع شد موسس آزادی اتازونی درآنوقت ژنرال واشنگتون بودکه جنگ را بپایان رسانید وشهری بنام او شهرت یافت

سؤالات

جنگ مابین انگلیس واتازونی درچه وقت واقع شد   سبب غلبهٔ انگلیسها در ابتدا چه بود   بالاخره چه باعث شدکه اتازونی غالب گردیدند

خلاصه که باید از بر نمایند

اوّلاً برزگران امریکای شمالی انگلیس خودشان متصدی حکومت مملکت خود بودند و بعد از آن بسبب مالیاتی که دولت انگلیس بدون مشورت ایشان تحمیل کرده بود درسنه ۱۷۷ شورش نمودند

ثانیاً– وکلای ایالات امریکا درسنه ۱۷۷۶ مجلسی در فیلادلفی منعقد ساخته ادّعای آزادی آتازونی را نمودند

ثالثاً– ازسنه ۱۷۷۴ الی سنه ۱۷۸۳ ممالک متحده آتازونی برای آزادی خود جنگ نمودند و بالاخره با امداد فرانسه ها انگلیس را مجبور کردند که آنها را بآزادی بشناسند

رابعاً– ژنرال واشنگتون حکمران آتازونی گردید

ماحصل کتاب سیم

اوّلاً ایجاد اختراعات بزرگ و اکتشافات مهم اثرات عصر جدید است
ثانیاً قطب‌نما ملاحان را هدایت نمود تا امریکا را کشف کردند و چاپ
دانشمندان را کمک نمود تا معارف جدید را در عالم منتشر ساختند .
و مردمان بخیال افتادند که بر کلیسا شورش نموده احکام او را رفرمه (اصلاح)
کنند . استعمال باروت در جنگها اسلحه هولناکی بدست سلاطین داد
ثالثاً ـ از روی این ترتیب اوضاع عالم تغییر کرده اروپائیان تملکات
جدید پیدا کردند اول اسپانیول و پرتوگال صاحب تملکات شدند و
بعد از ایشان هلاندیها و فرانسه‌ها که مهاجرنشینهای وسیع بدست
آوردند

رابعاً بجای اینکه دول اروپ هم خودشان را بازدیاد مستعمرات و
ترقی تجارت و صناعت مصروف سازند بسبب جنگهای طولانی
همواره ممالک ایشان در تزلزل و اضطراب بود سلاطین فرانسه
و اسپانی بسیار با قدرت شدند و با ایطالیا جنگ نمودند و چون شارلکن

امپراطور اسپانی شد مابین خانواده فرانسه و اسپانی زد و خورد بزرگ
شروع شد و در همه جا جنگهای مذهبی با جنگهای پلتیکی مخلوط بود

خامساً - در اواسط قرن هفدهم خانواده اسپانی مغلوب شدند و فرانسه
در عداد اولین دولت اروپا در آمد ولی قدرت خود را بی موقع و بیهوده
صرف نمود

سادساً بعد از آنکه در سنه ۱۶۸۸ شورش پلتیکی اسباب آزادی انگلیس گردید
دولت انگلیس دشمن خطرناک فرانسه شد و مهاجر نشینهای فرانسه را گرفته
مملکتی بزرگ تشکیل داد و دو مملکت جدید خطرناک ظاهر گردید یعنی روس
و پروس

بعد از این دولت فرانسه در مقابل پیش آمدهای اروپا مثل سابق
رفتار میکند ولی بعد از شورش معروف فرانسه مقام ریاست
انسانیت از برای او حاصل شد

کتاب چهارم

ازمنهٔ معاصره

فصل اوّل

شورش فرانسه

در اُروپ

۱۲۴ – ازمنه معاصره — در آخر قرن هیجدهم عصر جدیدی برای فرانسه شروع شد و همچنین برای تمام اُروپا بلکه برای تمام عالم

۱۲۵ – اظهار حقوق بشریّت — مجمع ملّی که در سنه ۱۷۸۹ در فرانسه منعقد گردیده بود اظهار داشت که تمام مُردم در اعمال آزاد و در حقوق مُساوی هستند ومقصُود ایشان فقط ملت فرانسه نبُود بلکه میخواستند حقوقی راکه تمام ملل داراهستند مطالبه نمایند واین عمل عبارت از اظهار حقوق انسانیت است

سؤالات

اظهار حقوق انسانیت عبارت از چیست مجمع ملّی فرانسه در چه سنه منعقد و چه مطلب اظهار داشت

۱۲۶- **اصول ۸۹** - بعد از آنکه مجمع این اظهار را نمود قوانینی از برای دولت وضع نمود که آنها را اصول ۸۹ نامیدند و قوانین مزبور از این قرار است

اوّلاً باید تمام مردم آزاد و صاحب حقوق متساوی باشند

ثانیاً هر کسی در تمام اعمال خود آزاد است درصورتیکه مخل آسایش دیگری نباشد باین معنی که هر کسی آزاد است در خیالات خود و در نوشتن هرچه خواهد و در اعمال مذهبی خود و در انتشار کتب و همچنین هر کسی آزاد است که بهر جا خواهد برود و در هر شهری که خواهد بماند و هر صنعتی که خواهد بکند و هرگز نباید احدی را متوقف سازند مگر آنکه شبهه جرمی در حق او برود و تحقیق احوال مجرم را از هم شهریها و آشنایان خود او بنمایند که در مجلس استنطاق یا محکمهٔ عدالت حاضر میشوند

ثالثاً- قانون احکام نسبت بتمام مردم یکی باید باشد اهل هر ملّت در هر

میتوانند عمال دیوانی یا صاحب منصب شوند فقط صفات شخصی کس را
باید مناط اعتبار دانست نه فامیل و ثروت او و تمام مردم بیک اندازه
باید مالیات بدهند پس همه کس در مقابل قانون مساوی خواهند بود.
رابعاً — اهالی مملکت باید بجهت انتخاب وکلا و نمایندگان خود جمع
شوند و هیئت نمایندگان فقط حق دارند مالیات وضع نمایند و قانون
بگذارند و وزرا را باید مطیع نمایندگان ملت باشند زیرا که حکم در دست
ملت است نه در دست وزراء

سؤالات

اصول ۸۹ یعنی چه قوانینی که مجمع ملی وضع نمود شرح دهید

۱۲۷ — حال اروپا در ۸۹ — اغلب این قوانین طبیعی
و معمولی بنظر میآید و شاید شما خیال کنید در مملکتی که اهل آن آزاد
نباشند و در کار کردن و حرف زدن و نوشتن و خیال و غیر آن مختار
نفس خود نباشند چگونه زندگانی توان کرد یا چگونه دولت میتواند
بدون سبب مردم را محبوس نموده پول از ایشان بگیرد یا بر حسب هوای
نفس حکم توقیف کسی را بدهد ولی با اینحال امروزه تمام ملل مشرق

زمینی یعنی ترک و ایرانی و مصری ترتیب زندگانی ایشان مانند کسی است
که ولی وقیم داشته باشد بلکه قبل از شورش ۸۹ اسپانی و ایطالیا
والمان و روس و فرانسه و امریکای جنوبی تا گاحالشان مثل امروز
ترکان بود یعنی احکام ایشان برحسب میل و هوای نفس سلاطین
و وزرای ایشان جاری میشد وسوای هلاند و انگلیس و سویس و
اتازونی هیچ ملتی خودشان بامر حکومت خود قیام نداشتند و هیئت
ملتی هم وجود نداشت بلکه تمامی اهل مملکت تابع و مطیع بودند

سؤالات

درباب این قوانین چه بنظر میآید و چه خیال میکنید کدام یک از ملل محکوم و
مطیع سلاطین خود هستند قبل از شورش ۸۹ کدام یک از ملل اروپا مقید
سلاطین و کدام آزاد بودند

۱۲۸ — دربارهای اروپا — مملکت المان و ایطالی همیشه
درمیان شاهزادگان کوچک بسیار تقسیم شده بود وطرز رفتار
و وضع احوال این شاهزادگان از روی تقلید لوی چهاردهم
پادشاه فرانسه بود که او را نمونه اعمال خویش قرار داده بتقلید او
عمارتها و قصرهای بزرگ بنا نموده و در پارکها مجسمه ها و فواره ها

مثل باغ ورسای قرار داده بودند و اجزای دربار آنها کلاهها را
با پر مرغ و غیره زینت داده لباسهای کلابتون دوز در بر میکردند
و ساعتهای زندگانی خودشان را با تکلفات ترتیب داده بودند از قبیل
ساعت بیدار شدن و غذا خوردن و خوابیدن و غیره و این
تکلفات و تجملات مخارج گزاف داشت زیرا که هر یک از سلاطین
اهتمام داشتند که اهالی دربار ایشان مزین تر و متجمل تر از دیگران
باشند و بجهت این مخارج گزاف مالیات فوق العاده بر رعایا
تحمیل کرده بودند در صورتیکه غالباً خود ایشان مباشر حکمرانی نگشته
انجام امور مملکت را بمستخدمین و اجزای دربخانه خود واگذاشته بودند
و هرگز در هیچ باب رعایا را طرف مشورت قرار نمیدادند و چون
از تعدی و اجحاف حکام و عاملان شکایت مینمودند ایشان را بحبس
تهدید میکردند خلاصه زمام امور مردم در دست یک مشت اجزای
دربخانه و اهل دفتر بود یعنی نجبای مملکت و اشخاصی که محبوب القلوب
سلطنت بودند

سؤالات

مملکت آلمان و ایطالی چه حال داشتند- وضع زندگانی و رفتار شاهزادگان آن چه قرار بود- از برای مصارف تکلفات و تجملات خود چه میکردند- ترتیب حکمرانی ایشان چه قسم بود

۱۴۹- اتفاق سلاطین و امرا در خصومت شورشیان فرانسه

بعد از آنکه فرانسه ها در ماده مساوات و آزادی اظهارات نمودند تمام شاهزادگان ممالک و اجزای درباری از واژگون شدن خودشان بیم کردند و تنها مقصود همگی حفظ اقتدار خودشان نبود بلکه اغلب ایشان از روی حقیقت و انصاف معتقد بودند که ملت قابل اداره کردن امور خود نمیباشد و بهترین دولتها دولتی است که زمام احکام آن در دست یکنفر بوده تمام مردم اطاعت از او نمایند مانند فوج سرباز که بدون بحث و ایراد مطیع رئیس خودشان هستند و میگفتند خداوند پادشاهان را مامور کرده است که حکمرانی نمایند و رعایا را از برای آن آفریده که مطیع باشند

در یا اصول ۸۹ اظهار عداوت نموده کتابهائی که از فرانسه میآمد توقیف میکردند و هر کس از آزادی سخنی میگفت حبس مینمودند و هر کس از فرانسه جلای وطن نموده قوانین شورشیان را قبول نمیکرد او را می پذیرفتند

بعد از آن پادشاه پروس و پادشاه ساردن قرارداد پلنیتس را که مشتمل بر امداد پادشاه فرانسه و خصومت با ملت بود در سنه ۱۷۹۱ امضا کردند

سؤالات

بعد از آنکه فرانسه ها در باب آزادی سخن گفتند — شاهزادگان ممالکت و اجزای درباری چه کردند در باب ملت چه عقیده داشتند — در خصوص سلطنت چه میگفتند با کسانیکه از فرانسه جلای وطن میکردند چه رفتار مینمودند — پادشاه پروس و ساردن چه اقدامی نمودند

۱۵۰ — جنگ ۱۷۹۲ — در سنه ۱۷۹۲ هیئت قانون گذاران با امپراطور اعلام جنگ نمودند و بردن شویک سرتیپ پروسی فرانسه را با قشونی جرار فرا گرفت و اعلان کرد که اگر فرانسه ها پادشاه خودشان را مانند آنکه قبل از شورش بود مقرر ندارند شهر پاریس را خراب خواهم ساخت فرانسه ها در والمی بر او غالب آمدند و در بلجیک و ساوا نیز ظفر یافتند و سواحل طرف چپ رن را بدون اینکه کسی با آنها مقاومت نماید تصرف کردند

قشون فرانسه بهر جا میرسید اسباب شورش و انقلاب فراهم میشد زیرا که فرانسویها بهر جا میرسیدند عاملان قدیم را معزول ساخته

در هر بلدی از اهالی خود آنجا عامل نصب میکردند و نجبا و رؤسای مذهبی هرچه داشتند میگرفتند حقوق آقایان را بالکلی پامال و منسوخ مینمودند

سؤالات

در سنه ۱۷۹۲ قانون گذاران چه کردند — برون شویک سرتیپ پروسی چه کرده شد قشون فرانسه چه میکردند

۱۵۱ - **اتفاق در سنه ۱۷۹۳** — یعقوبیان یعنی جمهوری طلبان سخت در فرانسه قوت یافته ریاست حاصل کرده بودند و میخواستند هر یکنفر از سلاطین ارپ را از بدن جدا سازند و این مقصد را درباره لوی شانزدهم مجری داشتند و تمام ممالک ارپ بر خصومت فرانسه ها اجماع نمودند و فرانسه با ایشان طرف شد یعنی اطریش و پروس و تمام شاهزادگان آلمان و ایتالی و اسپانی و انگلیس و هلاند اتفاقی تشکیل دادند که با فرانسه جنگ نموده آنها را مجبور کنند تا پادشاه اختیار نمایند پروسها و اطریشی ها و انگلیس و ایتالی و اسپانیول از پنج طرف مملکت فرانسه را احاطه نمودند چون سردار قشون فرانسه بد بود و اسلحه بدی داشتند در همه جا شکست

خوردند اما سردارهای قشون دول متفقه بارامی پیش میآمدند و مقصودشان این بود که قبل از وصول بپاریس تمام قلعه‌های کوچک را مسخر کرده باشند و از این بابت فرانسه‌ها وقت و فرصت داشتند که چندین دسته قشون جمع آوری نمایند و بجهت فرماندهی آن قشونها سردارهای جوان بسیار شجاع مانند هش انتخاب کردند و با دول متفقه طرف گردیده قشون ایشان را در آخر سنه ۱۷۹۳ از فرانسه بیرون کردند

سؤالات

جمهوری طلبان در فرانسه چه حال پیدا کرده چه میخواستند ممالک اروپ نسبت بفرانسه چه کردند — علت شکست فرانسه‌ها از دول متفقه چه بود بعد از آن فرانسه‌ها چه کردند — کار ایشان با دول متفقه بکجا رسید

۱۵۴ — فیروزی شورشیان — در سنه ۱۷۹۴ ممالکی که قشون آنها بر فرانسه حمله کرده بودند پی‌سپر فرانسویان گردیدند و در دو جای اسپانی دو قشون فرانسه حضور یافتند یکی در کنار رود رن و دیگری در بلجیک و اتفاق دول بر هم خورد پادشاه اسپانی و پادشاه پروس و چندین شاهزاده آلمانی در سنه ۱۷۹۵ در بال مصالحه نمودند

و فرانسه را بجمهوریت شناختند ولی دولتهای دیگر در جنگ مداومت
جستند و قشون فرانسه در پیش رفتن مداومت نمود قشونی که از فرانسه
به بلجیک رفته بود در فصل زمستان که هوا بشدت سرد بود بدون
کفش و کلاه داخل هلاند گردیدند و از نهر های یخ عبور مینمودند
و سواره هوسار فرانسه در روی تخته های یخ اسب میتاختند



سوار نظام جمهوری در حین گرفتن قوای بحری هلاندی ش ۲

کشتیهای هلاند را گرفتند در ایطالیا پادشاه ساردن که
مغلوب بناپارت شده بود از او طالب مصالحه گردید
و بعد از آن اطریشیها مغلوب شدند و آنها را از ایطالیا بیرون کردند
و در سنه ۱۷۹۷ اطریشیها طالب مصالحه گشتند و بعد قرار براین شد

که مجلس کنگره مرکب از سفرای دول در راشتاد آلمان تشکیل شود از برای انجام عهدنامه‌ها که با پادشاه آلمان منعقد شده بود فرانسه‌ها هم سه نفر مامور بمجلس مزبور فرستادند و سواره هوسار اطریش در سنه ۱۷۹۹ این سه نفر را بقتل رسانیدند و دوباره جنگ شروع شد در این نوبت اطریشها با روسها متفق شدند و قشون روس فرانسه‌ها را از ایطالیا بیرون کردند ولی در کوههای سویس در سنه ۱۷۹۹ بدست سردار ماسنا مغلوب گشتند

سؤالات

قشون فرانسه کجا‌ها رفتند اتفاق دول کجا انجامید- قشون فرانسه بچه حال داخل بلاند شدند - پادشاه ساردن چه کرد و اطریشها چه کردند - در راشتاد آلمان چه مجلسی تشکیل یافت و بعد از آن چه شد-- قشون روس با فرانسه‌ها چه کردند

۱۵۳- جمهوریهای متفقه فرانسه مقصود فرانسه‌ها از این جنگها توسعه مملکت خودشان نبود ولی ساووا و بلجیک و ساحل طرف چپ رود رن را برضایت و میل سکنه آن ممالک ضمیمه فرانسه نمودند و سایر ممالکی که بتوسط قشون فرانسه فتح شده بود فرانسه‌ها آزادی

آنهارا اعلام نمودند شاهزادگان و نجبارا از آنها بیرون کردند محض اینکه دولت آنهارا جمهوری سازند وسکنه مملکت خودشان سلطان انتخاب کنند وباین ترتیب شش جمهوری کوچک برقرار نمودند جمهوری باتاو در هلاند وجمهوری هوتیک در سویس وجمهوری لی گوری در ژن وجمهوری سی زال پین در شمال ایطالی وجمهوری رمن در ایطالیای مرکزی وجمهوری پارتنپ در ناپل که تمام اینها با فرانسه متفق بودند و حکومت آنها در دست ملت بود وبرحسب اصول مساوات رفتار میکردند این کاری بود که سربازان جمهوری کردند یعنی آزادی ومساوات تمام رعایارا نسبت بقانون مانند رعایای فرانسه اعلام کردند

سئوالات

مقصود فرانسه ها ازاین جنگها چه بود — فرانسه ها در ممالکی که فتح نمودند چه اقدام کردند — چند جمهوری بتوسط فرانسه ها تأسیس شد

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً ابتدای زمان معاصرین در هنگام شورش سنه ۱۷۸۹ بود

ثانیاً مجمع ملی ۱۷۸۹ حقوق انسانیت را اظهار نمود نه فقط مخصوص فرانسه بلکه از برای تمام ملل

ثالثاً اظهار اصول ۸۹ آزادی عموم و تساوی حقوق را نسبت بقانون و حق حکومت ملی را مقرر میدارد

رابعاً در آن هنگام قریب تمام ممالک اروپا هنوز مطیع هوا و هوس سلاطین و وزرا بودند

خامساً شاهزادگان کوچک در آلمان و ایطالی اهتمام داشتند که در حرکات خود تقلید لوی چهاردهم را بنمایند و در امر حکمرانی رعایای خود را مداخله نداده از ایشان مشورتی نمیکردند و بنجابا و محبوب القلوبها سلطنت تمام صاحب نفوذ و قدرت بودند

سادساً ـ شاهزادگان و وزرا از اصول ۸۹ جبنی شدید داشتند و اصول مزبوره را با حقوق پادشاه که از جانب خداوند معین شده مخالف میدانستند

و باین جهت هر کس از فرانسه هجرت نموده جلای وطن میکرد در نزد خود می پذیرفتند و در فرو نشاندن شورش اهتمام داشتند

سابعاً در سنه ۱۷۹۲ در میان فرانسه و پروس و ساردن و اطریش جنگ شروع شده فرانسه غالب آمده والمی را مسخر ساختند و بلژیک و ساووا و ساحل یسار رود رن را بتصرف در آوردند

ثامناً در سنه ۱۷۹۳ یعقوبیان لوی شانزدهم را گردن زدند تمام اروپا بخصومت فرانسه برخواستند و از پنج طرف فرانسه را احاطه نمودند ولی بعد از آن فرانسه قشونی بزرگ تشکیل داد و در آخر سنه ۱۷۹۳ سلاطین متفقه را از خاک فرانسه خارج ساخت

تاسعاً قشون فرانسه ممالک دشمن را فرا گرفته سلاطین اسپانی و پروس را مجبور کردند که در سنه ۱۷۹۵ مصالحه را قبول نمودند و در همین سنه هلاند را تصرف نموده در سنه ۱۷۹۶ ایطالیا را مسخر ساختند و در سنه ۱۷۹۹ سویس را گرفتند بغیر بلژیک و ساووا و ساحل یسار رود رن جای دیگر را فرانسه ضمیمه املاک خود نمود

و ممالک دیگر که مسخر فرانسه شده بودند شش جمهوری تشکیل دادند که با فرانسه متفق بودند

فصل دوّیم

جنگ مملکت

۱۵۴ - مملکت امپراطوری فرانسه - ژنرال باناپارت
بعد از فتح مصر با مشروطه فرانسه اظهار خصومت و ضدیت نمود و در هیجدهم
ماه دویم جمهوری نمایندگان (وکلای ملّت) را بتوسط سربازان
خود خارج ساخته خودش باسم کنسولی در فرانسه حکمرانی نمود و
بعد از ان در سنه ۱۸۰۴ خود را امپراطور خواند و بدون اینکه از ملّت
فرانسه مشورتی نماید امر کرفتن مالیات میکرد و قشون حرکت میداد
و قانون میگذاشت و اعلان جنگ میکرد خلاصه ترتیب سلاطین
قدیم حکمرانی میکرد و میخواست تمام مردم بدون ایراد مطیع حکم و ارادهٔ
او باشند امّا شخص باناپارت سرداری صاحب عقل کامل بوده
بهترین سربازان عالم را در زیر حکم داشت
ناپلیون آزادی هیچ ملّتی را وقعی نمیگذاشت بجز آزادی فرانسه ها را
چنانکه یک خبر اطالیا را تصرف کرد و ایالتهای الیریها را که مجاور

فرانسه بود متصرف شد و همچنین در سنهٔ ۱۸۱۱ هلاند و تمام سواحل دریای شمال را
مسخر ساخت و بدون اینکه با سکنهٔ آن ممالک مشورتی نماید آنها را ضمیمه
ایالتهای فرانسه نمود و سایر ممالک اجنبی را با قوام خود می بخشید مثل
اینکه آنها را مسخر کرده باشد از آنجمله مملکت هلاند را ببرادر خود لوئی
داد و بعد از و پس گرفت و برادر زنش مورات اول نشین بزرگ کلو
نمود و بعد از آن پادشاه نشین ناپل را باو داد و مملکت ایطالیا را به پسر
زنش اژن بخشید و پادشاه نشین وستفالی را ببرادرش ژرم
عطا نمود و مملکت اسپانی را ببرادر دیگرش ژزف داد و تمام این
سلاطین مطیع و منقاد امر او بودند

سئوالات

ژنرال باناپارت بعد از فتح مصر چه کرد ترتیب رفتار او از ۱۸۰۴ چه قسم بود
ناپلیون باناپارت چطور آدمی بود چه ایالات و ممالک را تصرف نمود —
با ممالک اجنبی چگونه رفتار میکرد

۱۵۵ — اتفاق سلاطین در خصومت ناپلیون — اطریشی ها در مارنگ
مغلوب گردیده مصالحه را انجام داده بودند و انگلیسها در ۱۸۰۲ مصالحه
کردند ولی این مصالحه دو سال بیشتر طول نکشید یعنی انگلیسها شروع بجنگ

نمودند و اطریشها و روسها نیز با آنها متفق شده بر ضد فرانسه حرکت کردند و این اتفاق سیّمین بود ناپلیون قشون جراری تهیّه کرده بود که در ساحل انگلیس پیاده سازد و با آن قشون اطریش را فرا گرفته تا شهر وینه برفت و در جنگ بزرگ استرالیس فتح کرد و در سنه ۱۸۰۵ اطریش طالب مصالحه گردید

سؤالات

مصالحه اطریشی ها و انگلیسها کجا انجامید و بعد از آن چه کردند - ناپلیون با قشون جرار خود تا کجا رفت

۱۵۶ - **ناپلیون و آلمان** - ناپلیون سپاه جرار خود را در آلمان نگاهداشته تمام خواهشهای خود را بر آلمان حمل نمود آلمان جنوبی که تا آنزمان بدویست شاهزاده نشین تقسیم شده بود در سه مملکت منحصر گردید

پادشاه نشین باویر و پادشاه نشین ورتامبرگ و والی نشین بزرگ باد ناپلیون مملکت پروس را نیز بزرگ کرده بود اما پادشاه پروس تصور میکرد که قشون قدیمی فردریک بزرگ از قشون فرانسه

قوی‌تر میشد و از این رو داخل جنگ شد و در سنه ۱۸۰۶ در ینا مغلوب
گردیده تمام شهرهایش مسخر شد و سربازان او دماغشان سوخته
بدون جنگ تسلیم شدند

در سنه ۱۸۰۷ در مصالحه تیل سیت ناپلیون نصف مملکت پروس را
از پادشاه آن منتزع ساخت و از ممالکی که از پروس گرفته بود
پادشاه نشین وست فالی را از برای برادر خود ترتیب داد

در آن وقت تمام ممالک آلمان مابین رود رن و رود الپ بیکدیگر
متصل گشته چند دولت از آن تشکیل یافت که با همدیگر متحد بودند و فقط
پروس و اطریش از آنها مفروز بودند ناپلیون امر نمود که او را حامی
دول متحده مذکوره بخوانند و در حقیقت ناپلیون صاحب مملکت آلمان
بود زیرا که از سنه ۱۸۰۷ در آلمان امپراطوری نبود و امپراطوری قدیم
المان با امپراطوری اطریش مقرر گردیده بود

سئوالات

ناپلیون با آلمان چه کرد — آلمان چند پادشاه نشین بود و بعد چه شد
پادشاه پروس با ناپلیون چه کرد — در مصالحه تیل سیت ناپلیون چه کرد

در آنوقت ممالک آلمان تا بین رود رن و الب چه حال حاصل کرد — ناپلیون امر نمود او را چه نام بخوانند امپراطوری آلمان تا که تعلق یافت

۱۵۷ — **ضبط و اعدام امتعه** — در تمام مدت از زمان درمیان فرانسه و انگلیس جنگ مستمر بود ناپلیون در روی دریا نتوانست بر انگلیسها غلبه نماید و لاجرم در صدد خرابی و تمامی آنها بر میآمد و دفاع او تنها برای فرانسه نبود بلکه در ۱۸۰۶ بحمایت ملل هلاند و آلمان و اسپانی و ایتالیا قیام داشت و در هر جا متاع مملکت انگلیس را بدست میآورد امر بضبط یا سوزانیدن آن میشود

سؤالات

ناپلیون با انگلیسها چه میکرد مقصود ناپلیون غیر از دفاع فرانسه چه بود با امتعه انگلیس چه میکرد

۱۵۸ — **هیجان اسپانیولیها در خصومت ناپلیون** — در ۱۸۰۸ که ناپلیون برادر خودش ژزف را برخلاف میل اسپانیولیها پادشاه اسپانی نمود و خودش باسپانی بجهت برقرار نمودن او رفت معمولاً فاتح گردید و ژزف را برقرار کرد ولی بعد از برگشتن او بخاک فرانسه اسپانیولیها در تمام اطراف اسپانی سر بشورش برداشتند

قشون بزرگی از آنها تشکیل نشید و عده زیادی نداشتند ولی دستهای کوچک که مرکب از گریلا میسنامیدند در کوهها و درهها مخفی شیدند و چون قشون فرانسه بسمت آنها میرفت غفلتاً برون آمده بر ایشان حمله ور میشدند لشکریان فرانسه که در جنگهای بزرگ همیشه غالب بودند چون در این وقت برای تصرف اسپانیول و تنبیه شورشیان بدستههای کوچک تقسیم شده هر دسته بطرفی میرفت اغلب آنها کشته یا گرفتار میشدند این جنگ پنجسال طول کشید و هزاران از سرباز فرانسه در آن تلف شدند

سؤالات

بعد از تعیین ژزف بسلطنت اسپانی اهالی آن چه کردند اسپانیولها چه ترتیب قشون تشکیل میدادند با فرانسه‌ها چه کردند

۱۵۹ – شورش اطریشیان در خصومت ناپلئون

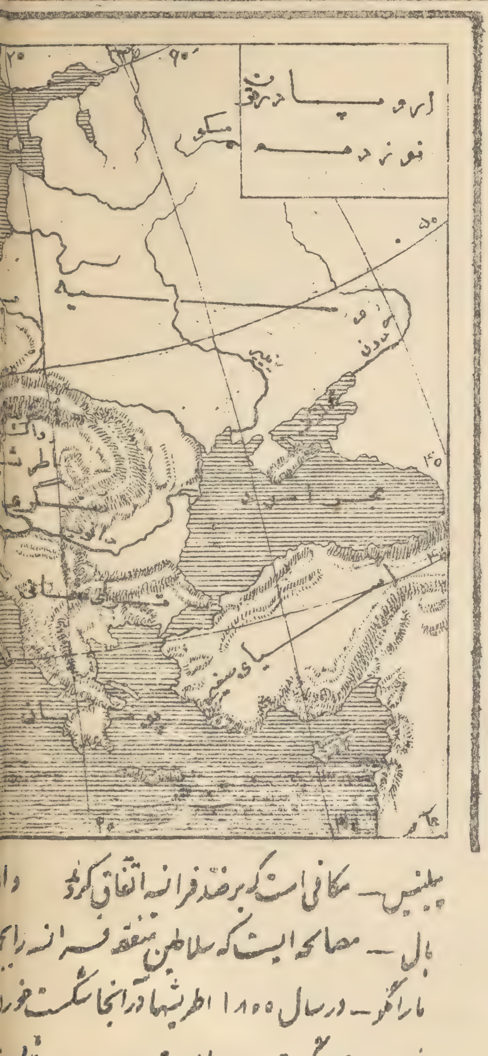
در سنه ۱۸۰۵ اطریشیها بعضی ایالات خود را مجبوراً واگذار نمودند و آن صلح را بجهت آن کردند که تهیه دیده مجدداً جنگ نمایند ارشیدوک شارل سردار اطریشی در وقتیکه سربازان خود را مرخص میکرد بآنها میگفت بروید و چندی استراحت کنید تا جنگ مجدد را شروع نمائیم و بنابراین در هنگامیکه

ناپلیون با اسپانی مشغول بود اطریش باو اعلان جنگ نمود سنه ۱۸۰۹
و اوّل امپراطور اطریش رعایای خود را طلبیده بایشان گفت دانسته
باشید که امروز آزادی اروپا بزیر بیدق شما پناه برده است برادران
آلمانی شما خلاصی خودشان را بتوسط شما امیدوارند و بالاخره در
سنه ۱۸۰۹ اطریشی ها در واگرام مجدّداً مغلوب شدند و ناپلیون چند
ایالت دیگر از اطریش منتزع ساخت و چند ایالت را باقی گذاشت
و تیرل را به باویر داد ولی هنگامیکه سربازان فرانسه و قشون باویر
داخل تیرل گردیدند تیرلی ها چون راضی نبودند که از اطریش منتزع
شوند بهیجان آمدند و در مدت چند روز شش هزار سرباز فرانسه و
باویری را اسیر نموده مملکت خودشان را متخلص کردند و دوباره
قشونی از فرانسه تیرل را فرا گرفته اندره هُفِر رئیس کوهستانها را گرفتار
و در مانتو او را تیرباران کردند و آلمانها او را شهید راه آزادی شمرده
در موت او ماتمی باشکوه گرفته اجتماعی شایان نمودند و تیرلی ها هنوز
در آواز خودشان او را ذکر مینمایند مثل فرانسه ها که مارسییز میخوانند

سؤالات

اطریشی ها بعد از صلح ۱۸۰۵ چه کردند — ارشیدوک شارل سردار اطریشی چه میگفت امپراطور اطریش بارعایای خود چه گفت بعد از جنگ مجدداً کار بکجا رسید تیرلی ها چه کردند — و فرانسه با آنها چه کرد اندره هوفر چه شد

۱۶۰ — بغض آلمان با ناپلیون — ناپلیون تمام اشخاصی را که در مقابل او مقاومت مینمودند مضمحل ساخته بود و ممالک بسیاری را که عده آنها بصد وسی ایالت میرسید ضمیمه فرانسه کرده بود و سلاطین اروپا تا گاه در اطاعت او بودند در همه جا قرعه سربازگیری مقرر داشته در موقع لزوم از سایر طبقات مردم نیز قشون میگرفت و از این جهت قشون فرانسه منحصر بفرانسوی تنها نبود بلکه ایطالیائی و اسپانیولی و بسیاری آلمانی در میان آنها بود سربازان او تمام اروپا را پر نموده و تقریباً در تمام شهرها ساخلو گذاشته بود و لاینقطع راهها پر از سربازان او بود که باسپانی و ناپل و پروس و اطریش میرفتند زیرا که در تمام اینجاها جنگ داشت آلمانها بیش از سایرین صدمه و زحمت دیده بودند و لهذا از فرانسویها متنفر گذشتند و عقلای ایشان کتابها نوشتند که سربازان



پلنیس — مکانی است که برضد فرانسه اتفاق کردند وا

بال — مصالحه ایست که سلاطین منعقد فرانسه را

مارانگو — در سال ۱۸۰۰ اطریشیها در آنجا شکست خورد

ینا — محل شکست پروسیها است در ۱۸۰۶ تیلسی

واگرام — نقطه ایست که اطریشیها در آنجا شکست خورد

درسد — محل فتح ناپلیون ۱۸۱۳ لیپزیک — جنگ

واترلو — محل شکست اخیر ناپلیون در ۱۸۱۵ وین —



المی — دراین نقطه پروسیها در ۱۷۹۲ شکست خوردند

جمهوری شناختند در ۱۷۹۵

ردند　　اوسترلیتس — محلی است که در سال ۱۸۰۵ اطریشیها در آنجا شکست خوردند

ت — عهدنامه معروف ۱۸۰۷ در آنجا بسته شد

۱۸۰۹　مسکو — جائی است که ناپلیون با قشونش در آنجا وارد شد

جنگ بزرگ این محل متفقه با ناپلیون در ۱۸۱۳

— پایتخت مملکت اطریش است که عهدنامه ۱۸۱۵ در آنجا بسته شد

[illegible]

آلمانی را بهیجان آورند تا همگی اجماع نموده بر دشمن عمومی حمله کنند در پروس هیئتی از برای خلاصی از دست فرانسه ها تشکیل گردید

سؤالات

ناپلیون با مقاومت کنندگان چه کرده بود چند ایالت را ضمیمه فرانسه کرده بود قشون او از چه ملتها تشکیل یافته بود قشون ناپلیون بکجا رفتند آلمانها در خصومت فرانسه و ناپلیون چه اقدامی کردند

۱۶۱ — هیجان ۱۸۱۳ — ناپلیون اول سیصد هزار قشون داشت و با امپراطور روس نیز دوست بود و هیچکس را تاب مقاومت در مقابل آنها نبود در سنه ۱۸۱۲ ناپلیون دوستی خود را با امپراطور روس برهم زد و با او اعلان جنگ نمود و بر پادشاهان اروپا فشار آورد که در این باب متفق شوند و سیصد و پنجاه هزار قشون که مرکب از فرانسوی و ایطالیائی و المانی و پروسی و اطریشی بود بروسیه برد تا شهر مسکو رفت ولی در بازگشتن چون زمستان در نهایت سختی بود اغلب سربازان او از سرما یا گرسنگی تلف شدند و بسیاری از ایشان را هم سواره قزاق روسی با نیزه های بلند دنبال کرده کشتند و آلمانها نیز

دیدند موقع آن رسیده که خودشان را از دست ناپلیون خلاص سازند
از سنه ۱۸۰۷ وزرای پروس در صدد تربیت و تهیهٔ قشون بودند
و محض اینکه بر امید و دلیری آنها بیفزایند مقرر داشته بودند که سرباز هم
میتواند صاحب منصب گردد و مقداری هم قشون ذخیره ترتیب داده
بودند و آن قشون عبارت از اشخاصی بود که با اسلحه مشق نموده ولی
جز در هنگام جنگ داخل صف قشون نمیشدند در مارس ۱۸۱۳
پادشاه پروس برعایای خود اعلام نمود که از برای جنگ حاضر
شوند و جوانان درس خوانده اونیورسیتیه حاضر جنگ گردیدند سرودی
مشتمل بر حب وطن و عداوت فرانسه انشاد نموده میخواندند که هنوز هم
آن سرود را در آلمان میخوانند پروس که تمام جمعیت آن بیش از
پنج ملیون نبود دویست و پنجاه هزار قشون حرکت داد انگلیسها و روسها
و پروسها و اطریشی ها و اسپانیولیها در دشمنی ناپلیون اتفاق
نموده قشون بزرگ ناپلیون که مرکب از این ممالک بود برهم خورد
و ناپلیون مجدداً قشونی از سربازان جوان تشکیل داده در جنگ

درست فتح نمود ولی در لیپ زیک در جنگی که در سنه ۱۸۱۳ وقوع یافت در مقابل سیصد هزار قشون دول متفقه زیاده از یکصد و سی هزار نفر نداشت و بعد از جنگی که سه روز بطول انجامید ناپلیون مجبور بعقب نشستن شد و هر قدر او عقب می نشست هیجان و دلیری آلمانها در عقب سر او افزوده می شد

سؤالات

قشون ناپلیون اول چه قدر بود ناپلیون با امپراطور روس چه کرد قشون او در مراجعت از مسکو چه شد وزرای پروس از کی در صدد تربیت قشون بودند پادشاه پروس و پروسیها چه اقدامی نمودند دولی که در عداوت ناپلیون اتفاق نمودند کدام بودند کار جنگ ناپلیون با ایشان بکجا رسید

۲۵۱ — **تسخیر فرانسه** — دول متفقه همگی از آلمان عبور نموده مملکت فرانسه را فرا گرفتند و در فرانسه قشونی از برای دفاع باقی نمانده بود ناپلیون امر نمود جوانان هیجده ساله مهیای جنگ شوند و قشونی از ایشان تشکیل داده با این سربازان جدید خود در سنه ۱۸۱۴ جنگ شگفت انگیزی انجام داد و دول متفقه تا پاریس آمده لوی هیجدهم را همراه خودشان آوردند و ناپلیون در سنه ۱۸۱۵

برکت لوی هیجدهم را سرنگون ساخت ولی دول متفقه در جنگ واترلو مجدداً فرانسه را فرا گرفته از هر طرف وارد آن شدند جمعیت قشون ایشان یک ملیون و دویست هزار بود و در این نوبت در فرانسه مقیم گردیدند مدت دو سال مملکت فرانسه در تصرف قشونهای دشمن بود روسها در لورن و انگلیسها در شمال و پروسیها مابین رود سن ولوار و اطریشیها در دره رن اقامت جسته بودند و پادشاه را مجبور کرده بودند باقی مانده قشون فرانسه را مرخص کند

سؤالات

دول متفقه چه کردند ـ ناپلیون چه کرد ـ جمعیت قشون دول متفقه چه قدر بود و چه کردند ـ هریک از ایشان کجا را فرا گرفتند

۳۶۱ ـ عهدنامه وین

ـــ در سنه ۱۸۱۴ تمام سلاطین سفرای خود را از برای تقریر شرایط صلح بوین فرستاده بودند و آنرا مجلس کنگره وین خواندند و مدت هشت ماه طول کشید از تمام ممالک اروپ و از خود فرانسه هم در آنجا نماینده حضور بهم رسانده بود سلاطین اروپا ناپلیون را اطاعت میکردند که ولایات و ایالات را با

زور و بر خلاف قانون محض هوای خود تصرف نموده و حال آنکه خود ایشانهم
همین کار را کرده اهالی ممالک را مانند گله گوسفند در میان خود ایشان
تقسیم نمودند بدون اینکه از خود آنها مشورتی نموده رضایت ایشانرا
ملاحظه نمایند و ایالتهای ممالک ضعیفه را از آنها مجزی نموده بدولتهای
قوی میدادند و نقشه اروپا را از روی هوای نفس بهر شکلی که میخواستند
ترتیب میدادند در این کنگره نه تنها آنچه را ناپلیون ضمیمه ساخته بود از
فرانسه بگرفتند بلکه بلژیک و ممالک رن و ساوو را هم از ایشان
گرفتند پروسها میخواستند الزاس لورن را هم بگیرند ولی امپراطور
روسی اجازه نداد مملکت رن را مابین پروس و باویر تقسیم کردند
و بلجیک را بدون رضایت بلجیکیها بهلاند متصل نمودند اطریش تمام
شمال ایطالیا را گرفت و پادشاه نشین لمبارد و نیستین را بدون
میل ایطالیائیها تشکیل داد روس لهنی را بدون رضای آنها گرفت
و پروسها یک ایالت از پادشاه نشین ساکس را بدون رضایت
ساکسونها مالک شدند سوئد نروژ را از پادشاه دانمارک گرفت
انگلیس از ممالک اروپا چیزی نگرفت چرا که دماغه امید خیر را که

داشت که از هلاندیها گرفته بود و همچنین یک مهاجرنشین فرانسه را که جزیرهٔ فرانس باشد

سؤالات

مجلس کنگره وین در چه تاریخ منعقد گردید — سلاطین اروپا ناپلیون را برای چه ملامت میکردند و خود ایشان مرتکب چه کارها شدند

۱۶۴ — نتایج جنگهای مملکتی

ناپلیون چند ملیون آدم تلف نمود و مدت پانزده سال تمام اروپا را در صدمه و اذیت داشت و نتایجی که از این جنگها حاصل گشت از این قرار بود

ممالک روس و پروس و اطریش و باویر وسعت یافت و مملکت فرانسه کوچک شده باندازهٔ که قبل از شورش بود قرار گرفت

بسیاری از ممالک کوچک را که مانع اتحاد و اتصال المان و ایطالی بود ناپلیون خراب نمود در آلمان سیصد و پنجاه مملکت کوچک بود و بیش از سی و پنج آنها باقی نماند در تمام ممالکی که فرانسه مسخر کرده حقوق ریاست و آقائی را موقوف و منسوخ داشتند و تساوی در قانون برقرار کرده در ایطالی و ممالک رن قانون فرانسه را محفوظ داشتند

و در سایر ممالک نیز پادشاهان ایشان محض اینکه رعایا را از خصومت و دشمنی ناپلیون برانگیزند مجبور بودند تریاقی بدهند کلیهٔ آلمانها و ایطالیائیها از این جنگها فایده بردند و فرانسه ها متضرر گشتند زیرا که بلژیک و ممالک رن که پس از شورش بفرانسه ملحق شده بود در این جنگها از دست ایشان بدر شد

سؤالات

نتایجی که از جنگهای ناپلیون و سلاطین اروپ حاصل شد شرح دهید

خلاصه که باید از بر نمایند

اولا — ژنرال بناپارت در هیجدهم ماه دویم جمهوری سنه ۱۷۹۹ کنسول گردید و بعد از آن در سنه ۱۸۰۴ امپراطور فرانسه شد و در مملکت فرانسه حکمرانی مطلق بالکانه نموده ممالک اروپ را بدون رضایت و مشورت اهالی آنها ضمیمه فرانسه نمود و آنها عبارت بود از یک جزو ایطالیا و ایالتهای دیگری و هلاند و سواحل بحر شمال و همه را ببرادر و اقوام خویش داده بود و ایشانرا

در ایطالیا و آلمان و اسپانی سلطنت داد

ثانیاً ــ اطریش و روس و انگلیس که در سنه ۱۸۰۱ و سنه ۱۸۰۲ مصالحه کرده بودند در سنه ۱۸۰۵ اتفاق سیم را نموده ناپلیون در استرلیز مطابق ۱۸۰۵ فاتح شد

ثالثاً ــ ناپلیون در ینا در ۱۸۰۶ ابر پروس غالب آمده و صاحب تمام آلمان گردیده نام خود را حامی دول متحده انتشار داد

رابعاً ــ از برای خرابی و صدمه انگلیس از پذیرفتن امتعه انگلیس منع نموده در هر جا مییافت ضبط مینمود یا میسوزانید

خامساً ــ مملکت اسپانی که ناپلیون سلطنت آنجا را بر خلاف رضایت اهل آن ببرادر خود ژوزف داده بود در سنه ۱۸۰۸ هیجان کرده بدستجات مختلف مخفی منقسم و بسیاری از سربازان فرانسه را نابود ساختند

سادساً ــ امپراطور اطریش در سنه ۱۸۰۹ رعایای خود را برای جنگ اجبار نمود و در واگرام مغلوب گردیده چند ایالت دیگر از دستش بیرون رفت ولی اهالی تیرل که ناپلیون آنها را باکراه از اطریش جلای وطن داده بود بدشمنی ناپلیون برخواستند

سابعاً- قشون ناپلیون لاینقطع از آلمان عبور نموده با اهالی بدرفتاری و آنها را
غارت میکردند تا بالاخره آلمانها متنفر شدند

ثامناً- ناپلیون دوستی خود را با امپراطور روسی بر هم زد و در سنه ۱۸۱۲ قشون
او روسیه را فرا گرفته تا مسکو رفتند ولی در مراجعت قشون او از سرما تلف شدند

در سنه ۱۸۱۳ پروس و اطریش با ناپلیون اخبار جنگ نمودند و در لیپزیک
مغلوب گردیده مجبور شدند که از آلمان صرف نظر کنند

تاسعاً- قشون دول متفقه فرانسه را فرو گرفت و با وجود جنگ شجاعانه
که فرانسه در ۱۸۱۴ بپایان برد ناپلیون مجبور گردید که استعفا نماید و دوباره
در ۱۸۱۵ مراجعت کرد و در جنگ واترلو مغلوب شد و قشون متفقین دوباره
داخل فرانسه گردیده قریب دو سال توقف نمودند

عاشراً- در سنه ۱۸۱۴ مجلس کنگره وین نقشه اروپا را از نو ترتیب داد و
سلاطین اروپ مملکتها را بدون رضایت و اطلاع اهالی آنها در میان خود قسمت
نمودند و تمام ممالکی که فرانسه از زمان شورش ضمیمه خود نموده بود از دست داد
و ممالک پروس و اطریش و روسیه و انگلیس همگی وسعت یافتند

حادیعشر- نتیجه جنگهای ناپلیون بزرگ شدن سایر دولتها و کوچک شدن فرانسه گردید

فصل سیّم

شورشها و رفرم پلیتیکی در اروپا از سنه ۱۸۱۵

۱۶۵ — دولت با نماینده — هرگاه بخواهند احکام دولت از روی حقانیت و عدالت اجری گردد باید در احکام خود مستقل بود زمام اختیار مملکت و امور دولت در دست شخص پادشاه یا چند نفر وزرا نباشد بلکه پادشاه و وزرا باید مطیع قانون مشروطیت و مسؤل نمایندگان ملت باشند

نمایندگان باید همه ساله جمع شوند و مجلسی تشکیل داده ترتیب مالیات و وضع قانون بنمایند و از وزرا مراقبت کامل داشته باشند همچنین دولتی را دولت با نماینده یا مشروطه یا آزاد خوانند و دولتیکه پادشاه در آن بر حسب میل خود احکام صادر نماید دولت مستبد گویند و این قسم دولت بسیار بد است زیرا که اهالی در آن آزاد نیستند

از زمان شورش فرانسه در تمام ممالک اروپا مردم مایلند که دولت با نماینده داشته باشند یعنی آزاد باشند و برخلاف اینها جمعی دیگر

مایل هستند که سلطنت مطلقه را بر پا می دارند و ایشان را مستبدین گویند
این دو طبقه مردم از سنه ۱۸۱۵ در همه جای اروپ با یکدیگر مشغول زد و
خورد شدند

سوالات

دولت با نماینده کدامست و دولت مستبده یعنی چه کدام یک از این دو دولت
بهتر هستند نمایندگان ملت چه میکنند ـ دو طبقه نماینده خواهان و مستبدین از چه
زمان مشغول زد و خورد شدند

۱۶۶ ـ **اتفاق مقدس** ـ در سنه ۱۸۱۵ خواهندگان سلطنت
مطلقه قویتر بودند و سلاطینی که در خصومت ناپلیون اتفاق کرده بودند
برعایای خودشان وعده میدادند که دولت مشروطه مقرر داشته
امتیاز شخصی را منسوخ نمایند ولی قلباً از این معنی کمال نفرت داشته
و بعد از آنکه احتیاج ایشان بمعاونت و همراهی رعایا برطرف گردید
از ادای حقوق رعایا امتناع ورزیدند و همچنین ترتیبات قدیم را
که قشون فرانسه در ایالات مفتوحه منسوخ کرده بودند سلاطین
متفقه مجدداً برقرار نمودند و این سلاطین دشمنان آزادی

معاهده درمیان خودشان منعقد ساخته آنرا اتفاق مقدس نامیدند ودران معاهده مقرر داشته بودند که در ستمکاری رعایا و نپذیرفتن خواهش ایشان ازیکدیگر حمایت و معاونت نمایند پادشاه پروس وامپراطور روس و امپراطور اطریش رئیس و منشا این اتفاق و اتحاد بودند شاگردان مدارس آلمان درصدد مطالبه آزادی که پادشاه وعده داده بود برآمدند و اجماع نموده نوای وطنی مشعر براظهار عداوت باسلطنت میخواندند سلاطین متفقه آنهارا گرفته مانند مقصرین در قلعه ها محبوس نمودند

سؤالات

سلاطینی که در خصومت ناپلیون اتفاق کرده بودند برعایای خود چه وعده میدادند ـ بعد از رفع احتیاجشان از معاونت رعایا چه کردند سلاطین با یکدیگر درچه خصوص اتفاق و معاهده نمودند منشا و رئیس این اتفاق کیان بودند شاگردان مدارس آلمان چه کردند و چه شدند

۲۶۷ ـ هیجان در ایطالیا و اسپانی ـ در ایطالیا سلاطین ناپل و ساردنی و پاپ و همچنین اطرشی ها میل داشتند که ترتیب احکام بطریقی که قبل از شورش بود مقرر کرده و امتیازاتی

که روسای و جانی و نجبا داشتند دوباره بآنها دادند و تمام چیزهائی که فرانسه ها از برای سکنهٔ آن ولایت آورده بودند از ایشان پس گرفتند یعنی آزادی و کد ناپلیون و روزنامجات و مدارس را پادشاه ساردن ابدا میل نداشت یکی از این چیزها را در مملکت مشاهده نماید و راه قشنگ کرنیش را که نزدیک شهر نیس است محض اینکه آن را فرانسه ها ساخته بودند میخواست خراب سازد

پادشاه اسپانی نیز همین عقاید را داشت و بعلاوه بقشون پول نمیداد تا هفتاد ماه مواجب باز و طلبکار گردیدند در سنه ۱۸۲۰ آزادی طلبان در همه جا هیجان نموده جداً از پادشاهان خود مطالبه نمودند که قانون را در مملکت مجری دارند سلاطین بحمایت یکدیگر برخواستند امپراطور اطریش که قشون بسیار داشت روسای آزادی طلبان را گرفته حبس نمود و بعد قشون اطریشی را برای سلاطین ساردن و ناپل و مغلوب ساختن ملت بدانجا مامور نمود قشون آزادی طلبان شکست یافتند و پادشاهان دوباره از روی هوای نفس خود مشغول فرمانفرمائی گردیدند

در مملکت اسپانی سربازان دولت طرفداری آزادی طلبان نمودند پادشاه ایشان فردنیان هفتم که از روی اجبار اجرای قانون را قبول کرده بود از سلاطین دیگر امداد طلبید پادشاه فرانسه محض عداوت با اسپانیولی ها متعهد گردید که او را کمک نماید

در سنهٔ ۱۸۲۳ قشون فرانسه اسپانی را فرا گرفت و اسپانیولیها را برخلاف میل و رضای ایشان در تحت حکم فردنیان در آورد

سؤالات

سلاطین ناپل و ساردن و پاپ و اطریشی ها چه میخواستند پادشاه ساردن چه کرد پادشاه اسپانی چطور بود قشون آزادی طلبان چه کردند و چه شدند سلاطین در مقابل آنها چه کردند فردنیان هفتم با ملت اسپانیولی چه کرد

۸۰۱ـ هیجان مهاجرنشینهای اسپانیول

اسپانیول در امریکا مهاجرنشین بسیار داشت و نمیگذاشت ساکنین آنها حکومت ملی داشته باشند بلکه همیشه از طرف خود حکمران از برای آنها میفرستاد و هیچ طایفه از ملاکین و زراعت کاران را اجازه نمیداد در کارهای دولتی مقامی داشته باشند و همچنین نمیگذاشت کشتی دیگری جز کشتیهای

اسپانیول مهاجرنشینهای او بردند و محض اینکه اهالی آنها در نادانی
باقی مانده او را بیشتر اطاعت نمایند از وصول هرگونه کتاب یا روزنامه
بایشان منع نمودند

در سنه ۱۸۱۱ اهالی مکزیک شروع بهیجان کردند و در ابتدا شورشیان
تیرباران گردیدند ولی در سنه ۱۸۲۱ سربازان نیز بشورشیان ملحق گشتند
و بالاخره در سنه ۱۸۲۳ مکزیک آزاد و جمهوری شد و از اطاعت اسپانی
بیرون آمد تمام مهاجرنشینهای اسپانیول بهمین ترتیب یکی پس از دیگری
هیجان کردند و چون آزادی خواهان ترتیب صحیحی نداشتند در ابتدا شکست
خوردند ولی بهمانطور همیشه با اسلحه حرکت میکردند بلیوار معروف ملقب
بآزادکننده خلق از مملکتی بمملکت دیگر میرفت که اسپانیولیها را خارج
کند و خلاصه اینکه در سنه ۱۸۲۶ در همه جا اهالی و زراعت کاران غالب گردیده
در امریکا دیگر سرباز اسپانیولی باقی نماند و بجای یک مملکت اسپانیولی
شانزده جمهوری تشکیل شد باین ترتیب مکزیک و شش جمهوری امریکای
مرکزی ونزوئلا گرناد جدید کلمبی پرو بلیوی شیلی جمهوری
آرژنتین پاراگوئه اوروگوئه در سنه ۱۸۲۲ برزیل که مهاجرنشین پرتوگال

بود در وقت خود مملکتی آزاد کرده و نام آن امپراطورنشین برزیل شد در سنه ۱۸۸۹ اهالی برزیل از پادشاه خود ناراضی بودند و او را خارج نموده قانون جمهوری معمول داشتند

سئوالات

اسپانیول با مهاجرنشینهای امریکای خود چه قسم رفتار میکرد اول کدام یک از آنها هیجان کردند — در چه سنه بالاخره کار مهاجرنشینهای اسپانیول بکجا انجامید — بلیوار آزاد کننده چه کرد بجای یک مملکت چند جمهوری تشکیل یافت و کدام بودند

۱۶۹ – حرکت ۱۸۳۰ — وقایع مذکوره از سنه ۱۸۱۵ الی سنه ۱۸۳۰ وقوع یافت و در این مدت لوی هیجدهم و شارل دهم در فرانسه سلطان بودند در سنه ۱۸۱۴ لوی هیجدهم نتوانست سلطنت مطلقه را برقرار کند و نمیخواست بفهمد که ملت فرانسه حق دارند قانونی داشته باشند جز اینکه خود او تفضلاً جزئی قانونی بایشان داده بود باین معنی که هرکس بخواهد حق انتخاب وکیل داشته باشد باید اقلاً سیصد فرانک بدولت تقدیم نماید و در این صورت حکومت ملی نبود بلکه حکومت متمولین بود و باوصف این طرف داران لوی

هیچ هم در همه جا میگفتند این قانون خیلی آزادی است که بفرانسه داده شده در سنه ۱۸۳۰ شارل دهم نمایندگان و وکلای ملت را از فرانسه بیرون کرده خواست خودش وضع قانون نماید

نمایندگان مقاومت نمودند و اهالی پاریس مسلح شدند و شورش ۱۸۳۰ را احداث نمودند که بالاخره نتیجه آن بسلطنت رسیدن لوی فلیپ شد آزادی طلبان اروپا این اخبار را با کمال خوشحالی شنیده درصدد برآمدند که طریقه فرانسه را پیش گیرند و در همه جا از پادشاهان خودشان مطالبه کردند که مثل فرانسه بآنها قانون عطا کنند و در تمام نقاط اهالی بجنبش آمدند بخصوص در ایطالیا و آلمان سلاطین آنها اگرچه خواهش ملت را نپذیرفتند ولی مقداری از تعدی و تفرعن خودشان کاستند

اما در انگلیس هیجانی نشد زیرا که انگلیسها همیشه دولتشان آزاد بود جز اینکه از ترتیب انتخاب وکلا شکایت داشتند مثلاً شهرهائی که جمعیت ایشان صد هزار نفر بود مثل مانچستر یکنفر وکیل تعیین نمیکردند و در عوض بعضی دهات مشتمل بر دو سه خانه دو نفر وکیل بپارلمان میفرستادند

تا در سنهٔ ۱۸۴۸ امر انتخابات ارفرمی کامل نمودند و تمام اشخاصی که صاحب مبلغ دویست و پنجاه فرانک عایدی بودند حق انتخاب داشتند بعد از این تفصیلات فقط یک مملکت بدون فرم باقی ماند که مملکت روسیه بود قیصر نیکلای اوّل میخواست با رعایای خود مثل یک ژرمان رفتار کند و اشخاصی که او را اطاعت نمیکردند بسیبری میفرستاد که در آنجا با عمال شاقه اشتغال ورزند و امر میکرد آنها را با شلاقهای روسی میزدند قیصر نیکلا هرگز قبول نمیکرد که رعیتی از تبعیت او خارج گشته تابع دولتی دیگر گردد و لوی فلیپ السلطنت فرانسه نشناخت

سؤالات

در مدت شورشن پادشاه فرانسه که بود لوی هیجدهم بعد از آنکه توانست سلطنت مطلقه برقرار نماید چه قانونی بملت فرانسه داد — شارل دهم چه کرد — و اهالی پاریس چه کردند و بالاخره نتیجه چه شد — آزادی طلبان اروپا بعد از شنیدن اخبار فرانسه چه کردند — سلاطین اروپا با رعایای خود چه کردند آیا در انگلیس نیز هیجانی وقوع یافت — بعد از این وقایع کدام مملکت بدون فرم باقی ماند قیصر روسی با رعایای خود چگونه رفتار میکرد

۱۷۰ — حرکت سنهٔ ۱۸۴۸ — انقلاب ۱۸۴۸ حقوق یابیت

و آقائی را در فرانسه بکلی از میان نبرد باین معنی که هر کس تا مقدار دویست
فرانک مالیات بدولت دادنی نبود حق انتخاب وکیل نداشت
و در این صورت حکمرانی مملکت با ملاکین بزرگ و اشخاص صاحب ثروت
تعلق میگرفت لوی فلیب و وزرا و اجزای دربار او میل نداشتند
این قانون تغییر یابد اهالی پاریس در سنه ۱۸۴۸ شورش نموده
تقاضای جمهوریت کردند و حق انتخاب انجمن را بتمام مردم علی السویه
مقرر داشتند
در سنه ۱۸۴۸ آزادی طلبان سایر ممالک اروپ رفتار فرانسه را سر
مشق خود قرار داده اسلحه برداشتند و سلاطین خود را مجبور ساختند
که دولت پارلمانی تاسیس نمایند وزیر مشهور اطریش پرنس مترنیش
که از سنه ۱۸۱۵ باداره کردن کارهای سلاطین اشتغال داشت مجبور
باستعفا گردید و اهالی برلن سنگرها بسته قشون دولتی را از شهر بیرون
کردند و همچنین در ایطالی رعایای پاپ مطالبه جمهوریت نمودند
رعایای پادشاه ناپل علم یاغیگری برافراشته در کوچه ها فریاد
میزدند (زنده باد مشروطه) زنده باد قانون یکنفر جمهوری

طلب ایطالیائی ماتن نام اطریشی ها را از شهر فنیز بیرون کرد و دولت
جمهوری برقرار نمود ولی پادشاهان مانند سنه ۱۸۱۵ بحمایت یکدیگر
برخواستند امپراطور روس قشونی برای معاونت امپراطور اطریش
فرستاد تا هونگری را فرا گرفتند و پس از جنگهای بزرگ اهالی هونگری را
مطیع امپراطور نمودند مطابق ۱۸۴۹

پادشاه پروس قشونی پروسی بمملکت باد فرستاد و آزادی طلبان را
دستگیر نموده تیرباران یا حبس میکردند امپراطور اطریش
قشونی اطریشی بجنگ آزادی طلبان پیه من فرستاد و آنها را در نوارا
مغلوب ساختند در سنه ۱۸۴۹ و همچنین قشونی دیگر بجنگ جمهوری خواهان
ونیز روانه ساخت دولت فرانسه نیز قشونی فرانسوی برم فرستاد
تا پاپ را برقرار نموده رعایای او را که یاغی شده بودند تنبیه نماید
و بعد از آن لوی ناپلیون رئیس جمهوری فرانسه با قانون مشروطه بنای
سختی را گذاشت و در دویم دسامبر سنه ۱۸۵۱ امر نمود نماینده گان ملت
فرانسه را گرفتند و خود لقب امپراطوری گرفته سلطنت مطلقه برقرار
نمود در آنوقت دیگر دولت مشروطه و آزادی نبود غیر از انگلیس و بلژ

سؤالات

قانون انتخابات فرانسه چه قسم بود — واهالی پاریس چه کردند آزادی طلبان سایر ممالک اروپا چه کردند — در برلن و ایطالیا و ناپل چه اقدام نمودند سلاطین در حمایت یکدیگر چه کردند — در آن وقت مملکت مشروطه و آزاد در اروپا کدام بود

۱۷۱ — **فتح آزادی طلبان** — در سنه ۱۸۴۹ مستبدین فاتح شدند ولی ریاست و مالکرقابی ایشان در اروپا چندان طول نکشید و از سنه ۱۸۶۰ آزادی طلبان در اروپا متدرجاً صاحب قدرت گشتند و سلاطین در حمایت یکدیگر مداومت ننمودند بلکه ایشان با هم بنای جنگ و ستیز را گذاشتند و مردم هم این مسئله را مغتنم شمردند امپراطور اطریش که همیشه از شاهزادگان حمایت و با رعایا اظهار خصومت مینمود در سنه ۱۸۵۹ مغلوب فرانسه گردید و در سنه ۱۸۶۶ مغلوب پروس شد و مجبوراً در سنه ۱۸۶۰ به رعایای اطریشی خود مشروطه عطا نمود و در سنه ۱۸۶۷ به رعایای هونگری مشروطه داد

تمام شاهزادگان کوچک ایطالیا که بر رعایای خود ظلم میکردند بعد از پادشاه شدن پیه من در ایطالیا ایشان از مقام ریاست

خود افتاده

در فرانسه دولت مطلقهٔ امپراطوری سرنگون گردید و در چهارم سپتامبر سنهٔ ۱۸۷۰ بجای آن دولت جمهوری برقرار شد در اسپانی در سنهٔ ۱۸۶۸ ملکه ایزابل را اخراج نمودند و در مدت دو سال اسپانیولیها دولت جمهوری از برای خودشان تشکیل دادند و بعد از آن در سنهٔ ۱۸۷۰ پادشاهی را اختیار نموده که نامش آمدهِ دُساوا بود

و در سنهٔ ۱۸۷۴ آلفونس پسر ملکه ایزابل بر آنها پادشاه شد و متعهد گردید که جز توسط وکلا و نمایندگان ملت سلطنت نماید و آن وکلا را کرتز مینامیدند یکنفر شاهزاده اسپانیولی که دن کارل نام داشت خواست سلطنت مطلقه را برقرار دارد و قشونی از کوهستانهای باسک ترتیب داده بآنها وعده داده بود که حقوق ریاست و بزرگی آنها را ثابت و محفوظ دارد و مالیات از آنها نستاند در سنهٔ ۱۸۷۲ مابین اسپانیولیها و تابعان دن کارل جنگ شروع شد و در سنهٔ ۱۸۷۶ لشکریان دن کارل شکست یافته بمنازل خود در کوهستان رفتند و بعد مجبوراً بفرانسه فرار کرده

سؤالات

آزادی طلبان اروپ در چه سنه صاحب قدرت شدند - چه چیز را ایشان مغتنم شمردند - امپراطور اطریش در چه سنه باطریشها و هونگریها مشروطه داد - شاهزادگان کوچک ایطالیا در سلطنت پیه من حال ایشان چگونه بود - در چه سنه دولت امپراطوری فرانسه سرنگون و جمهوریت بجای آن مقرر گشت در اسپانیول در سنهٔ ۱۸۶۸ و بعد از آن چه واقع شد الفونس پسر ایزابل با چه شرط بر تخت سلطنت اسپانی برآمد دن کارل شاهزاده اسپانی با اسپانیولها چه کرد

۱۷۲ـ **حال پلتیکی ملل اروپا** - مجالس ملی یعنی وکلای مملکت امروز حکمران هستند نه تنها در فرانسه و سویس و ایتالی و ممالک امریکای شمالی که همه جمهوری هستند بلکه در انگلیس و بلاند و اسپانی و پرتوکال و اطریش و هونگری و سوئد و نروژ و دانمارک که صاحب پادشاه هستند در آلمان مجلس مخصوص دیگری هم در مملکت آن موجود است و مجلس کلی بزرگ از برای تمام مملکت امپراطوری منعقد است که آن را رایخشتاک نامند ولی عادتاً پادشاه پروس بر مجلس نافذالحکم است و هر زمان رایخشتاک بخواهد اطاعت پادشاه را ننماید اعضای آن را بیرون کرده جمعی دیگر از برای رایخشتاک نامزد میکند و بنابراین اهالی آلمان آزادی کامل ندارند

روسها هیچ جه پارلمان ندارند و احکام در دست پادشاه آنهاست و از این جهت اهالی بسیار ناراضی هستند و مشروطه میخواهند و بواسطه غضبی که بر دولت مطلقه دارند اغلب آنها نهلیست شده اند نهلیستها میگویند سلطنت عموماً بد و باطل است و باید همه را برهم زد

چندین مرتبه قصد قتل امپراطور الکساندر را کردند تا در ۱۸۸۱ بمقصود خود رسیدند ولی پس از قتل او از سلاطین بعد از او بیشتر شکایت و عدم رضایت حاصل کردند و پس از خرابیها که بر روسیه وارد آمد بواسطه جنگ بدبختانه که با ژاپن کردند قیصر نیکلای دویم در تاریخ سنه ۱۹۰۵ عازم شد که مشروطه برعایای خود بدهد ولی باز نداد جز اینکه مجمعی تعیین کرد بجهت مواظبت امور دولت و مراقبت اعمال وزرا

سؤالات

در کدام ممالک وکلای مملکت حکمرانی میکنند ترتیب پارلمان آلمان را بیان کنید
روسها بواسطه نداشتن پارلمان چه شدند و چه کردند

۱۷۳ – **حق انتخاب عمومی** — در اغلب ممالک تمام سکنه حق تعیین وکیل ندارند بلکه تا یک اندازه مالکیت یا دانائی لازمست

تا حق انتخاب داشته باشند در فرانسه و سویس و اسپانی و آمازونی تمام ساکنین مملکت از سن ۲۱ حق انتخاب دارند و تمام اصوات از برای انتخاب مساوی هستند این طریقه را (سفراژ اونی ورسل) مینامند یعنی (حق انتخاب عمومی) وکلای ریشتاک آلمان بتوسط حق انتخاب عمومی تعیین میشوند

سؤالات

در اغلب ممالک تعیین وکیل از چه قرار است — در کدام ممالک حق انتخاب عمومی است

۱۷۴ - خلاصی بندگان روسی — سابقاً رعایای روسیه آزادی مدنی نداشتند و همگی غلام بودند هر غلامی بآقائی تعلق داشت که او را بکار وا میداشت و میزد و می توانست بفروشد

قیصر اسکندر دویم شخصی ملایم و انسان صفت بود در سنه ۱۸۶۳ آزادی تمام رعایای روسی را اعلام نمود و حق مالکیت بآنها داد از آنزمان اهالی روسیه آزاد هستند

سؤالات

سابقاً رعایای روسیه چه حال داشتند آزادی آنها را که اعلام نمود

۲۷۵ ـ منسوخ شدن غلامی سیاهان ـ از قرن شانزدهم

در امریکا سیاهانی را که از افریقا خریده بودند بکار کردن زمین میگماشتند

در قرن شانزدهم آزادی طلبان در مقام مطالبه برآمده سیاهان را

آزاد کردند و بعد از آن خرید و فروش ایشان قدغن شد

سرمشق این مطلب را فرانسه ها در ۱۷۹۴ دادند و برده فروشی را منسوخ

کردند ولی زراعت کاران گفتند بجهت زراعت پنبه و قهوه نمیتوانیم

از این سیاهان دست برداریم و دوباره غلامی ایشان را برقرار

کردند مجدداً در ۱۸۴۸ فرانسه ها این عمل را منسوخ کردند و تمام اروپا

در اینباب تقلید آنها را نموده تجارت غلام را بالکلی قدغن کردند

و انگلیسها و فرانسه ها کشتیها بسواحل دریا مأمور کردند مخصوص اینکه

کشتیهای حامل غلامان سیاه را بگیرند و دلال هائی که تجارت فروش

غلام سیاه میکنند مانند دزدان دریائی آنها را بر دکل کشتی خودشان

بدار زنند ولی در جمهوری آتازونی ممالک جنوبی میخواستند غلامان

خودشان را بحال غلامی نگاه دارند زیرا که بواسطه شدت حرارت

هوا در آن ممالک و طاقتی که سیاهان بگرما داشتند وجود ایشان

محض زراعت اراضی لازم بود بخصوص که چون غلام بودند اجرتی بایشان
نمیدادند اما در ممالک شمالی که هوای آنها سرد بود وجود غلام چندان
لازم نبود و ازاین جهت ایشان هم در منسوخی غلام همراه بودند ولی
ممالک جنوبی امتناع ورزیدند و از دوستی دول متحده خارج
گردیده دوستی و هم پیمانی جدیدی مابین خودشان تشکیل دادند
ممالک شمالی با آنها جنگ نمودند محض اینکه آنها را هم در دوستی و
هم پیمانی خودشان داخل کرده برده فروشی را منسوخ سازند این جنگ
از سنه ۱۸۶۱ الی سنه ۱۸۶۵ بطول انجامید و اقلاً یک ملیون انسان
کشته گردید در آن مدت چون بانگلیس و فرانسه پنبه نمیرسید ناچار با
ممالک جنوبی همراه شدند که پنبه بایشان برسد و بعد بواسطهٔ زیادتی
عده و قوت ممالک شمالی بر جنوبی غالب آمدند و ممالک جنوبی بواسطه
قتل و غارت خراب گردید و بالاخره برده فروشی در تمام آتازونی
موقوف شد مطابق ۱۸۶۵ امروز دیگر در اروپا و امریکا غلام
وجود ندارد ولی مسلمانها هنوز غلام دارند و تجار برده فروش
عرب باواسط افریقا رفته سیاهان را اسیر میکنند و بازور و ضرب چوب

آنها را آورده در مصر و عثمانی میفروشند

سؤالات

در قرن شانزدهم آزادی طلبان در باب غلامان سیاه چه اقدامی کردند سرمشق اینکار را اوّل از که گرفتند انگلیسها و فرانسه ها در باب تجارت برده فروشی چه کردند ممالک جنوبی اتازونی چرا مانع آزادی غلامان بودند ممالک شمالی چه حال داشتند کار ممالک شمالی و جنوبی بکجا انجامید — و بالاخره امر بر چه قرار گرفت

خلاصه که باید حفظ کنند

اوّلاً — از زمان انقلاب فرانسه تمام ممالک اروپا بدو قسمت منقسم گشتند یکی دُوَل مُستبدّه که سلطنت را از برای خوشگذرانی خودشان میخواستند و دیگری آزادی طلبان که میگفتند حکومت ملت باید با خودشان باشد

ثانیاً — در سنه ۱۸۱۵ مستبدّین قویتر بودند و سلاطین اروپ با یکدیگر متّفق گردیده اتفاق موسوم به مقدس را برضدّ ناپلیون تشکیل دادند و باهم پیمان نهادند که در معارضه ملّت یکدیگر را حمایت و اعانت کنند

ثالثاً — در سنه ۱۸۲۰ آزادی طلبان اسپانی و ایطالیا هیجان کرده و

وشاهزادگان را مجبور نمودند که بر عایا مشروطه بدهند ولی مغلوب گردیدند در ایطالیا از قشون پادشاه اطریش شکست یافتند و در اسپانی از قشون پادشاه فرانسه مطابق ۱۸۲۳

رابعاً – برزگران مهاجرنشینهای اسپانیول و امریکا از کثرت ظلم دولت بخصوصه اسپانیول هیجان کردند و پس از جنگهائی که بیش از ده سال طول کشید رعایا بتوسط بلیوار آزادی یافتند و پانزده جمهوری تشکیل دادند

خامساً – شورش ۱۸۳۰ که در فرانسه بخصومت شارل دهم برپای شد سبب گردید که بعد از او در تمام ممالک اروپ هیجان پدید آمد انگلیس در ۱۸۳۲ رفرمی در انتخابات مقرر داشت قیصر روسی نیکلای اول دولت مستبده را بازور نگاه داشت

سادساً – شورش ۱۸۴۸ که حق انتخاب عمومی را برقرار نمود اسباب هیجان در تمام اروپا گردید در ابتدا آزادی طلبان غالب گردیدند هم در اطریش و هم در پروس و هم در ایطالیا ولی بعد از آن سلاطین از یکدیگر حمایت نموده آزادی طلبان در هونگری از قشون روس شکست یافتند

و در آلمان از قشون پروس و در ایطالیا از قشون اطریش و بعد از جنگ
ناپلیون سیم در سنه ۱۸۵۱ آزادی طلبان بکلّی مضمحل گردیده و دولتی بجز
مستبده باقی نماند

سابعاً — در سنه ۱۸۶۰ آزادی طلبان مجدداً قوت حاصل نمودند و در همان
سنه باطریش مجلسی داده شد و در سنه ۱۸۶۷ هونگری مجلس گرفت و نیز در سنه ۱۸۶۱
ایطالی صاحب مجلس گردید در سنه ۱۸۶۸ اسپانی ملکه ایزابل را بیرون کرده
و در سنه ۱۸۷۴ تابعین کارل را مضمحل ساختند

ثامناً — امروز در تمام ممالک اروپا نماینده گان مملکت حکمرانی میکنند سوای
آلمان که پادشاه پروس مجلس رایشتاگ را باطاعت خود مجبور مینماید
در روسیه قیصر تنهائی صاحب حکم و قدرت است و بقیه از آسیب
نهلیست ها بیمناک میباشد

تاسعاً — در اغلب ولایات تمام سکنه حق انتخاب دارند و حق انتخاب عمومی
جز در فرانسه و سویس و اتازونی و اسپانی و آلمان مقرّر نیست

عاشراً — رعایای روسیه که همگی غلامان مالکان بودند در سنه ۱۸۶۳ بحکم
قیصر الکساندر دویم آزاد گردیدند

حادیعشر- برده فروشی سیاهان اوّل در سنه ۱۸۰۹ بمعاونت فرانسه‌ها منسوخ گردید و بعد دوباره برقرار شد و از آن پس در سنه ۱۸۴۸ بکلی منسوخ شد و در تمام ممالک اروپ خرید و فروش سیاهان موقوف و ممنوع گردید

ثانی عشر- ممالک جنوبی جمهوریهای اتازونی خواستند غلامهای خودشان را نگاه دارند و از اتحاد و دوستی دول متحابه منفرد گشتند و ممالک شمالی با آنها جنگ نموده جنگ ایشان از سنه ۱۸۶۰ الی سنه ۱۸۶۵ امتداد یافت و بالاخره ممالک جمهوری شمالی ممالک جنوبی را مجبور کردند که برده فروشی و غلام نگاه‌داری را منسوخ نمایند

ثالث عشر- فروش غلامان سیاه هنوز در ممالک اسلامی باقی میباشد

فصل چهارم

جنک پلیتیکی در مشرق

۱۲۶ — جنکهای پلیتیکی — از سنه ۱۸۱۵ جنکهای پلیتیکی بواسطه تحریک سلاطین برقرار بود که هر یک فتح و غلبه بر دیگران میخواستند و همچنین جنکهای ملّی در میان رعایا برپا شد که مقصود ایشان تشکیل ملل بود. جنکهای سلاطین شبیه بجنکهای سابق بود و محرک آن شاهزادگان

بودند که مقصودی جز انجام مرام و تکمیل حرص و طمع خود نداشتند

ولی جنکهای ملّی قبل از انقلاب فرانسه نظیر آنها دیده نشده بود و ملتها این جنکها را بجهت تحصیل آزادی برپای میکردند جنکهای ملّی از روی حق و پسندیده و محدوح بود ولی جنکهای سلاطین مذموم و ناشایست و موجب خرابی مملکت و اهل آن بود اینک امپراطورنشین عثمانی است

که در این عصر بنظر ما میرسد و مدّتها میدان جنگهای پلتیکی بود

سؤالات

از سنه ۱۸۱۵ چه جنگها برپای گردید - جنگهای سلاطین چه قسم و از برای چه بود
جنگهای ملّی از برای چه برپا می شد -

۱۲۷ - **امپراطورنشین عثمانی** - در سنه ۱۸۱۵ امپراطور
نشین عثمانی عبارت بود از تمام آسیای صغیر و شام و مصر و عثمانی
اروپا بعلاوه یونان ولی پیش از این تاریخ این دولت بسیار
ضعیف گردیده سلطان را پولی در خزانه نبود و پاشایان یعنی حکام
اطاعتی از سلطان نداشتند و قشون هر روز شورش میکرد
در سنه ۱۸۰۸ پاشای مصر محمّد علی پاشا در مصر اظهار نایب السلطنه گی
و استقلال مصر نمود و بعد از آن رعایای عیسوی مذهب که در عثمانی اروپا
سکنی داشتند شروع بشورش و انقلاب نموده در سنه ۱۸۱۷ سربها
بمعاونت و تحریک امپراطور روس قشون عثمانی را بیرون کردند و گرکها
(یونانیها) در سنه ۱۸۲۶ پادشاه نشین یونان را تأسیس نمودند

سؤالات

در سنه ۱۲۸۹ امپراطورنشین عثمانی کدام ممالک بود — پیش از این تاریخ حال آن دولت چه قسم شده بود — محمّد علی پاشای مصری چه کرد — رعایای عیسوی مذهب عثمانی چه کردند —

۱۷۸ — **مسئلهٔ مشرق** — نیکلا قیصر روس دربارهٔ مملکت عثمانی میگفت او مردی ناخوش است و روسها میل دارند این ناخوش را بمیرند تا میراث او را متصرّف شوند و میخواهند قسطنطنیّه را مسخّر سازند برای آنکه جزایر را مالک شوند و از این جهت در خراب کردن مملکت عثمانی اهتمام دارند

انگلیسها مایل نیستند که قسطنطنیه متعلّق بروس باشد محض اینکه روسها در مشرق زمین قدرت زیاد حاصل نمایند و لهذا در محافظت امپراطور نشین عثمانی سعی میکنند و مقصود از مسئلهٔ مشرق که عنوان قرار دادیم همین است در سنه ۱۸۳۳ نایب السّلطنه مصر مملکت شام را از عثمانی منتزع ساخت و چون عثمانیها خواستند در سنه ۱۸۳۹ او را استرداد نمایند شکست یافتند فرانسه نایب السّلطنه مصر را کمک و همراهی میکرد انگلیس با سلطان عثمانی همراه بود ولی چون نایب السّلطنه مصر بدون اعتنا



سواستوپول — در شبه جزیره کریمه واقع است فرانسه و انگلیس آنجا را محاصره و تصرف کردند ۱۸۵۵

پلونا — در سال ۱۸۷۵ روسها محاصره و تسخیر نمودند

سان استفان — محلی است که عهدنامه مابین عثمانی و روس در ۱۸۷۸ بسته شد

رومانی و صربی و قراطاغ — ممالکی است که امروز آزادند

بولغار و روملی — خراج ده سلطان است بسنی و هرزگوین — متعلق با طریش است

قبرس — جزیره ایست متعلق بانگلیس تسالی — متعلق است بیونان

ناوارن — محل شکست قوه بحری عثمانیست

بفرانسه با سلاطین اروپ مذاکرات مینمود فرانسه نیز محمد علی پاشا
نایب السّلطنه مصر را مجبور کرد که در سنه ۱۸۴۰ ممالکی که از عثمانی تسخیر کرده
بود باز ردّ نماید

سؤالات

نیکلا قیصر روس درباره مملکت و دولت عثمانی چه میگفت انگلیسها
در حق قسطنطنیّه چه عقیده داشتند — نایب السّلطنه مصر با عثمانی چه کرد
فرانسه با نایب السّلطنه مصر چه میکرد و چه کرد

۹۷ — جنگ کریمه — در سنه ۱۸۵۳ نیکلا قیصر روس قشونی
فرستاده ممالک عثمانی را اشغال کردند و دسته از قشون بحری
بحری روس شهرهای عثمانی را که در ساحل دریای سیاه بود مبادره
کردند در آن وقت انگلیس و فرانسه و پس از چندی پیمون پادشاه
ایطالی با یکدیگر اتّفاق کردند که از عثمانی بر ضد روس دفاع نمایند
و قشونی جرّار برای کمک عثمانی فرستاده روسها را مجبور بعقب
نشستن کردند و بعد از آن یکدسته قشون فرانسه و انگلیس که عبارت
از پانصد کشتی بود آمده سواستاپول را که محلّ قورخانه روسها بود محاصره

کردند محاصره مزبور ۳۳۶ روز طول کشید و جنگی بسیار پرزحمت بود روسها زیاده از یک ملیون و ششصد هزار تیر توپ انداختند و بسیاری کشته شدند یا بمرض وبا مردند سواستاپول در سنه ۱۸۵۵ مسخر گردید والکساندر دویم امپراطور روس که در جای نیکلا نشسته بود خواهش مصالحه نمود و مجلس کنگره (مجلس عالی) در پاریس در سنه ۱۸۵۶ بجهت انجام این صلح تشکیل یافت

روس متعهد گردید که من بعد کشتی جنگی او در روی دریای سیاه حرکت نماید و در کارهای عثمانی مداخلت نموده و دو ایالت هیولی نشین ملداوی و والاشی را از سلطان منتزع ساخته بیکدیگر متصل نمود و پادشاه نشین رومانی از آنها تشکیل یافت

سؤالات

در سنه ۱۸۵۳ نیکلا قیصر روس با ممالک عثمانی چه کرد — انگلیس و فرانسه و پادشاه ایطالی با روس چه کردند — قشون فرانسه و انگلیس با سواستاپول چه کردند — کار محاصره سواستاپول کجا انجامید در کنگره پاریس در سنه ۱۸۵۶ قرار مصالحه بر چه شد

۱۸۰ – جنگ سنه ۱۸۷۷ — با وضع این احوال روس از خیال
جنگ عثمانی منصرف نشده بود و در سنه ۱۸۷۱ که کار فرانسه بخرابی انجامید
کشتیهای روس در روی دریای سیاه بحرکت آمد و در سنه ۱۸۷۶
کوهستانیهای عیسوی قراطاغ با عثمانی بجنگ برخاسته سربها نیز
با قشونی مختصر بر عثمانی حمله ور گشتند و قشون عثمانی را بکلی شکست
دادند و در آنوقت روس نیز قشونی جرار فرستاده با پاهیان
رومنی متصل شد قشون رومنی ها از دانوب عبور نمودند و عثمانیان
بخوبی دفاع کردند در سنه ۱۸۷۷ محاصره پلونا مدت شش ماه بطول انجامید
ولی قشون روس که عده زیاد بودند عثمانیان را حبس نموده تا مقابل
قسطنطنیه رسیدند سلطان عثمانی در سنه ۱۸۷۸ معاهده سان استفانو را
قبول کرد ولی انگلیس و آلمان که مالکیت روس را در مشرق مایل
نبودند کنگره برلن را منعقد ساخته امور عثمانی را اصلاح نمودند

سؤالات

بعد از خرابی کار فرانسه روس با عثمانی چه کرد — کوهستانیهای قره طاغ
و سربها چه کردند — قشون روس چه کرد — سلطان عثمانی چه کرد — کار عثمانی
در کجا اصلاح شد —

۱۸۱ — **تجزیه ممالک عثمانی** — اغلب شهرهای مملکت عثمانی
که بکلی در تبعیت و اطاعت آن دولت بودند بعد از این انقلابات مجزی
گردیده هر یک مملکت کوچک مستقلی شدند سربی و رومانی و
قراطاغ و بلغار بکلی مثل یونان آزاد شدند اطریش بوسنه و
هرزه گوین را متصرف گشت روسها چند شهر از آسیا را گرفتند
انگلیس جزیره قبرس را و یونانی ها تسالی را متصرف نمودند در سنه ۱۸۹۶ و
۱۸۹۷ عثمانیان عیسویهای جزیره کریت را بقتل رسانیدند و عیسویان
شورش نمودند یونانی ها یکدسته قشون بحری بحمایت آنها فرستادند
ولی سایر ممالک اروپ یونانی ها را از فتح کرت مانع گشته گفتند
حکومت کرت باید با خودش باشد و شاهزاده ژرژ پسر دویم پادشاه
یونان را بفرمان فرمائی کل در کرت برقرار کردند از برای عثمانی در
اروپا بجز البانی و ماسدوان و تراس باقی نماند و اطریش و ایطالیا
هر دو طالب البانی بودند اهالی ماسدوان (مقدونیه) مرکب از
یونانی و سربی و بلغاری بودند و سلطان عثمانی بآنها ظلم نموده عمال
مسلمان را از ستمگری و غارت رعایای مسیحی منع نمیکرد. از سنه ۱۹۰۱

ساکنین مقدونیه نسبت بمتبوع خودشان دولت عثمانی یاغی هستند و
ممالک اروپا سعی و اهتمام زیاد دارند که ظلم درباره مسیحیان را
خاتمه دهند ولی هنوز کاملاً بمقصود خود نرسیده اند
سلطان عثمانی چندین دفعه فرمان قتل عام عیسویهای ارمنستان را
داده در سنه ۱۸۹۵ در ارض رُوم سربازان عثمانی ارمنی ها را نفت زده
سوزانیدند و ممالک اروپا نتوانستند اتفاق نموده انجام و خاتمه
این قتل عام ها را از سلطان خواسته و مجری دارند

سؤالات

شهرهای عثمانی چه حال حاصل کردند — روس و انگلیس چه شهرهای آن مملکت را
متصرف شدند — عیسویان جزیره کرت چه اقدامی نمودند و بالاخره کار
آنها بکجا رسید — عثمانی با رعایای مسیحی چه قسم رفتار میکرد —
ممالک اروپا در چه خصوص سعی و اهتمام دارند —

۱۸۲ — کار مصر — مصر ملتی مسلمان است که از
سلطنت عثمانی منتزع گشته و تقریباً آزاد است و یک نفر خدیو حکمران

حکمران اوست   ولی از زمانیکه قنال سویس را کنده اند بسیاری
از تجار اروپائی در قاهره و اسکندریه مکان گرفته و اروپائیان مجبور
هستند که در امور مصر مداخله نمایند و محکمه قضاوتی از قاضیان
اروپائی در آنجا برقرار کرده اند زیرا که قضاة مسلمان همیشه نسبت
بعیسویان تعدی و ستم روا میدارند   و چون خدیو نمیتوانست مالیه
مملکت را انجوبی اداره کند وزرای انگلیسی و فرانسوی از برای آن
تعیین نمودند وقتی قشون مصری بر خدیو شورش کرد و انگلیسها
قشونی فرستاده شورشیان را مغلوب و رئیس ایشان عرابی پاشا را
گرفته نفی کردند و از سنه ۱۸۸۲ انگلیسها در مصر دخالت میکنند اما در مصر
باز هم فرانسوی زیاد است و اهل قاهره غالباً فرانسه حرف میزنند
خوانندگان خطوط مصری و عقلا و دانشمندان فرانسه در خدمت خدیو
مصر هستند تصرف انگلیس در مصر منجر بجنگی شد که مدت شانزده سال
بطول انجامید
یکنفر درویش از اهل سودان ادعای مهدویت نموده گفت من از
جانب خداوند مبعوث شده ام و مسلمانان علیای مصر را بر ضد خدیو

برانگیخت و چندین اردوی انگلیسی را شکست داده شهر خرطوم را که در کنار
نیل است تصرّف نمود
غردون پاشا ژنرال انگلیس در آن جنگ کشته شد در سنه ۱۸۸۵ و در سنه ۱۸۹۸
ژنرال کچنر انگلیسی خرطوم را پس گرفت و از آن زمان تمام مملکت سرزمین
نیل در تصرف انگلیس هست

سؤالات

مصر چه مملکتی است و حکمرانی آنجا با کیست — از چه زمان و بچه سبب اروپائیها
در امور مصر مداخله میکنند — قشون مصر چه کردند و انگلیس با آنها چه کرد
درویش سودانی چه ادّعائی کرد — و انگلیسها در دفع او چه کردند —
شهر خرطوم را در چه سنه تصرّف کردند و کدام کس در چه سنه آنرا پس گرفت

خلاصه که باید از بر نمایند

اوّلاً از سنه ۱۸۱۵ دو قسم جنگ در اروپا وقوع داشت یک جنگ پلتیکی
که سلاطین از برای توسعه ممالک خود انجام میدادند و دیگری جنگ
ملّی که آزادی خواهان از برای آزادی میکردند

ثانیاً — امپراطور نشین عثمانی که موقع جنگ پلیتیکی بود مملکتی بزرگ بود ولی
ضعیف گردید در سنه ۱۸۰۸ مصر از آن مملکت منتزع شد و در سنه ۱۸۱۷ سربی
آزاد شد و در سنه ۱۸۲۹ یونان از تبعیت او خارج گشت

ثالثاً — از آن زمان روسها خیلی مایلند که قسطنطنیه را بگیرند ولی انگلیس‌ها
از این معنی مانع هستند و همیشه طالب بقای سلطنت عثمانی میباشند
و در سنه ۱۸۴۰ مسائل شرق سبب گردید که مابین انگلیس‌ها با محمد علی پاشا
نایب السلطنه مصر جنگی واقع شد

رابعاً در سنه ۱۸۵۴ جنگ کریمه وقوع یافت مبنی بر مساعدت عثمانی که
روسها بر او حمله کرده بودند انگلیس و فرانسه سواستاپول را محاصره کرده
مسخر ساختند در سنه ۱۸۵۵ و مجلس کنگره پاریس منعقد گردیده مصالحه را
بگردن روس گذاشتند

خامساً در سنه ۱۸۷۷ قراطاغ و سربی از عثمانیان مغلوب گردیدند ولی
روسها از آنها حمایت نموده قشون بممالک عثمانی فرستادند و پس
از محاصره پلونا تا نزدیک اسلامبول آمدند

سادساً — معاهده سان اصطفان در کنگره برلن اصلاح شد

و در سنهٔ ۱۸۲۸ کارهای عثمانی مرتب و منظم گردیده و دولت او برقرار ماند

ولی یک جزء از ایالات او از دستش بدر شد

سابعاً — چون تجار فرنگی در مصر بسیار بودند اروپائیها مجبور گردیدند

در امور آنجا دخالت نمایند و قضاوت مصر با قضات اروپائی

شد و اداره امور مملکت بوزرای اروپائی تعلق یافت و تاکنون

دسته از قشون انگلیسی سرزمین نیل را متصرف میباشد

فصل پنجم

جنگهای ملی از سنه ۱۸۱۵

۱۸۴ ـ ملل ـــ سابق بر این هر مملکتی عبارت بود از یک عده ولایات که متعلق بیک پادشاه بود و اسمی از ملت در میان نبود بلکه مملکت را فقط سلطان نشین میگفتند در بعضی ولایات مردمانی مختلف جمع بودند که عادات و آداب و زبان ایشان یکی نبود و اغلب آنها از یکدیگر متنفر بودند مانند اطریش و هونگری و در عوض بعضی ولایات دیگر بودند که اهالی آن بچندین مملکت تقسیم شده بودند مثل ایطالیائیها و باعث این مطلب آن بود که سلاطین سلطنت خود را واگذار میکردند و در حقیقت سلطنت را میفروختند و ممالک را از یکدیگر میگرفتند بدون آنکه ابداً اعتنائی بساکنین مملکت داشته باشند یا رضایت ایشان را در تغییر و تبدیلات لازم بدانند ولی از زمانی که مردم شروع بآزاد شدن کردند تصور نمودند که یک مملکت باید اهالی آن باهم متفق و اهل یکسان گشت

با یکدیگر باشند و چون مملکتی باین شکل یعنی با رضایت اهالی تشکیل یابد
آنرا یک ملت خوانند و این خیال که هر ملتی در اروپا از یکدیگر جدا
باشند اصول ملی (یا اساس ملی) گویند

سؤالات

سابق بر این مملکت عبارت از چه چیز بود — چه قسم مردم در یک
ولایت جمع بودند — باعث این مطلب چه چیز بود — بعد از آنکه
مردم شروع بآزادی نمودند چه تصور کردند — مملکتی که با رضایت اهالی تشکیل یابد آنرا چه خوانند

۱۸۴ — هیجانهای ملی — معمول داشتن این اصول
ملی مکرر از معمول داشتن اصول ۸۹ بود زیرا که اولاً چندین
مملکت مثل ایطالیا و المان بممالک کوچک تقسیم شده بودند و از
برای اینکه همگی آنها جمع گردیده یک ملت واحد صورت بسته شود
بایستی ممالک بسیار معدوم و مضمحل گردد و دولتهائی که بر آنها ریاست
داشتند راضی بمعدوم شدن یک مملکت خود نمیگردیدند
ثانیاً بسیاری از ولایات که طالب آزادی بودند نمیخواستند در
تحت تبعیت دولتی بزرگ و قوی درآیند مثل ایرلاند متعلق بانگلیس و

ولمباردی متعلق باطریش تقریباً در تمام ولایات اروپا ازدو انقلاب وطن خواهان شروع بهیجان و جوشش نموده بود که هرقلمی جدا و آزاد شوند ولی فرانسه این جنبش ملی را نداشت زیرا که نه تنها میگذشت که اهالی فرانسه اهل یک مملکت و همگی باهم متفق و متمسک بایکدیگر را مایل بود

سؤالات

معمول داشتن اصول ملی چه قسم بود - و از برای آن چه لازم بود - ولایاتی که طالب آزادی بودند چرا اجرای آن اصول را نمیخواستند - مملکت فرانسه دراین خصوص چه حال داشت.

۱۸۵ - آزادی یونان

در سنه ۱۸۲۱ یونانیان با عثمانی یاغی گردیدند و بسیاری از ایشان کشته شدند دزدان و قطاع الطریقها که در خدمت ترکان بودند آن مملکت را بالکلی خراب و ویران کرده بودند در سنه ۱۸۲۷ ساکنین میسولانقی بعد از مدت دو سال که در محاصره گذرانیده خودشان را در مدافعه شهرشان بکشتن دادند یعنی باقی مانده آخرین آنها باتفاق خلیفه خودشان بانبار باروت پناه بردند وچون ترکها رسیدند خلیفه انبار باروت را آتش زد آزادی

آزادی طلبان فرانسه انگلیس و دولتهارا مجبور کردند که قشون برای
امداد یونان بفرستند و کشتیهای فرانسه و انگلیس و روس متفقاً
بر قشون بحری عثمانی حمله نموده در سنه ۱۸۲۷ آنهارا در ناوارین درهم
شکستند و سلطان عثمانی مجبور گردید که یونان را واگذارد و ایشان
دولت یونان را تشکیل دادند

سؤالات

یونانیان با عثمانی چه کردند — ساکنین میسلانقی بعد از دو سال محاصره
چه اقدامی نمودند — آزادی طلبان فرانسه و انگلیس از برای یونانیان
چه کردند و دول ثلثه چه اقدامی نمودند بالاخره کار بکجا انجامید

۱۸۶ — آزادی بلژیک — بلژیکیها را پادشاه هلاند
برخلاف میل و رضای ایشان در تحت تبعیت خود در آورده بود
در سنه ۱۸۳۰ بعد از آنکه انقلاب فرانسه را فهمیدند ایشان نیز هیجان
نموده سنگرها بستند و هلاندیها را بیرون کردند دولت بلژیک بر
قرار کردند ولی اپلد اول شاهزاده آلمانی را پادشاه خود قرار دادند
ولی هلاندیها قلعه آنور را محافظت کرده بودند در سنه ۱۸۳۲ قشونی از فرا

رفته ایوررا از ایشان گرفت و به بلژیکی ها رد نمود

سؤالات

پادشاه هلاند با بلژیکی ها چه کرده بود- ایشان در سنه ۱۸۳۰ چه کردند که را پادشاه خود قرار دادند- و هلاندیها با آنها چه میکردند

۱۸۷- **تشکیل مملکت ایطالی** — در سنه ۱۸۱۵ ایطالیا در پنج دولت تقسیم شده بود یعنی دولت پیه من و لمباردی و ونیس که متعلق باطریش بود و دیگر توسکان و ممالک پاپ و مملکت ناپل ایطالیا نیهای و نیز خواستند خود را از تسلط اطریشی ها خلاص بخشند و با یکدیگر هم پیمان شدند اما اطریشیان هم پیمانها را گرفته حبس نمودند و چون اهالی و نیز شورش کردند اطریشی ها آنها را هم با قهر و قوت گرفتند در سنه ۱۸۴۹ مملکتی که ترتیب حکومت آنجا فقط از روی صحت و درستی بود پیه من بود و مسیو دگاور وزیر اول پیه من خواست اهالی ایطالیا را متحد ساخته همگی را در تحت اطاعت پادشاه پیه من در آورد تمام وطن خواهان ایطالیا اجلاس تلی کردند که مسیو دوگاور را معاونت نمایند و مملکت پیه من اینقدر قوت نداشت که خود ش تواند اطریشی ها را بیرون

کند فرانسه بحمایت آنها رفت فرانسه ها و پیه من ها باهم جمع شده
در ماژنتا مظفر و منصور گردیدند و بعد از آن در سنه ۱۸۵۹ امپراطور طریش
در سولفرینو لمباردیرا بفرانسه ها واگذاشت و فرانسه ها آنرا به پیه من
دادند و این مسئله برحسب میل اهالی لمباردی بود که گفتند میخواهیم مملکت
ما به پیه من متصل گردد ایطالیاییهای مرکزی در تسکان و در پارم
و مدن و در رمان راضی بمتابعت قوانین اهالی آن بلاد نگردیدند و
لاجرم در سنه ۱۸۶۰ کوشش نمودند که ایشان نیز به مملکت پیه من ملحق شوند
و بعد از آن یکنفر وطن پرست ایطالیائی بسیار عوام گاریبالدی
نام با هزار نفر داوطلب ایطالیائی در سیسیل ارکشتی فرود آمدند و اهالی
سیسیل را بر پادشاه ناپل در سنه ۱۸۶۰ شورانیدند و بهمان زمان اهالی
پیه من داخل ممالک کلیسا گردیده آنهارا از پاپ گرفتند و نزدیک
بدان رسید که شهر رم راهم بگیرند ولی دولت فرانسه میخواست قوت
پاپ برقرار بماند و در رم آقائی و ریاست داشته باشد
و از این جهت یکدسته قشون مختصری از فرانسه بحمایت پاپ برم آمدند
و مدت ده سال در آنجا اقامت نمودند اهالی پیه من در مملکت ناپل

داخل شدند و ساکنین آنجا آنهارا بخوبی پذیرفتند و پادشاه ناپل
در کایت مجبور المحصور ماند و اورا مجبور کردند که از مملکت خود دست بردارد
در آنوقت پادشاه پیه من یعنی ویکتور امانوئیل بپادشاهی تمام ایطالیا
شناخته شد و در سنه ۱۸۶۱ رسماً پادشاه ایطالیا گردید

پس جائی که باقی ماند مملکت ونیز بود که اطریشیها نگاه داشته بودند و
مملکت رُم که از برای پاپ باقی مانده بود در سنه ۱۸۶۶ هنگامیکه اطریش
با پروس در جنگ بودند ایطالیائیها که با پروسی ها اتفاق کرده
بودند داخل ونیز شدند و در کوستزا مغلوب گردیدند ولی اطریش
از پروسیها شکست خورد و ایطالیا ونیز را مالک شد در سنه ۱۸۷۰
که آلمانیها فرانسه را مسخر نمودند سربازان فرانسوی که در رُم رفته
بودند برحسب احضار دولت فرانسه بازگشتند و ایطالیائیها داخل
آنشهر عظیم گردیدند پاپ در همانجا باقی ماند ولی پادشاه ایطالیا
آن شهررا مقر سلطنت خود قرار داده تا امروز شهر رم پایتخت ایطالیا است
خلاصه مدت یازده سال طول کشید تا ممالک منقسمه ایطالیا مجتمع گردیده
دولتی واحد بیکدیگر متصل شدند ولی با این حال بسیاری از ایطالیائیها

رضایت ندارند و تمام اشخاصی که با زبان ایطالیائی حرف میزنند
و در ممالک مختلفه مسکنی دارند از وضع حال خود شاکی هستند و دلشان
میخواهد به مملکت خودشان ملحق شوند جمعی از اهالی ایطالیا از انگلیس جزیرهٔ
مالطه را ادعا میکنند و از فرانسه نیس و کورس را و از اطریش تیرل
و بندر بزرگ تریست را این مطلب قابل ملاحظه است که سه ملت بزرگ
یعنی یونان و بلژیک و ایطالی بحمایت فرانسه ها آزادی خودشان را
بدست آوردند و مملکت فرانسه هنوز راضی نیست که اصول ۱۷۸۹
کلیتهً بموقع اجرا گذاشته شده باشد ملکه جلال و عظمت خود را در
این میداند که اصول مذکور عموماً مجری و معمول گردد

سئوالات

مملکت ایطالی بچه قسمتها منقسم شده بود — اهالی لمباردی و ونیز چه میخواستند
کدام مملکت ترتیب حکومتش از روی صحت بود و زیراول پیه من چه میخواست
امپراطور اطریش چه کرد — کاریبالدی وطن خواه ایطالیائی با هزار نفر
داوطلب چه کردند — اهالی پیه من چه کردند فرانسه ها چه اقدامی دربارهٔ
رم نمودند — اهالی پیه من چه کردند — و پادشاه ناپل چه شد — گذوکی

پادشاه ایطالیا گردید — در هنگام جنگ اطریش با پروس ایطالیائیها چه کردند — در زمانیکه آلمان فرانسه را تسخیر کرده بود در رم چه اتفاق افتاد — اهالی ایطالیا از وضع خودشان رضایت دارند یا نه — جمعی از ایطالیائیها کجاها را ادعا میکنند آیا فرانسه از اجرای اصول هشتاد و نه رضایت دارد یا نه

۱۸۸ — اتحاد آلمان — در سنه ۱۸۱۵ هنوز آلمان بسی و پنج مملکت منقسم بود که دول متحابه ژرمانیک از آنها تشکیل میشد بسیاری از آلمانها آرزو میکردند که تمام آلمان یک ملت شوند ولی پروس و اطریش که دو مملکت اصلی هستند بر سر این مطلب با یکدیگر نزاع داشتند که بقیه ممالک آلمان بکدام یک واگذار شود زیرا که آلمانها مابین این دو دولت تقسیم شده بودند در سنه ۱۸۴۸ آزادی طلبان آلمان بآرزوی خودشان رسیدند چه ایشان آرزو داشتند که در تمام آلمان وکلا تعیین شده در یک مجمع جمع شوند و این مجمع در فرانکفورت منعقد گردید وکلای این مجمع مدعی این بودند که باید تمام آلمان یک مملکت باشد و قانونی از برای مملکت آلمان وضع نمودند ولی سلاطین آلمان این قانون را قبول نکردند زیرا که نمیخواستند حکومت ملت با خودشان باشد لاجرم آلمان بحال

تقسیم باقی ماند هلستین و سلویک در تصرف پادشاه دانمارک بود
و در جزء اعظم این دو ولایت آلمانها ساکن بودند و جزء دول متحد
ژرمانیک محسوب بودند پادشاه دانمارک میخواست این دو ولایت را
بکلی بدانمارک ملحق سازد و ساکنین آنها در این باب مدعی شدند و
باین امر رضا ندادند چون پادشاه مزبور بعهد اطریش و پروس
و سایر ممالک آلمان قشون بزرگی فرستاده دانمارکیها را از آن
دو ولایت بیرون کردند مطابق ۱۸۶۴ ولی بجای اینکه آنها را بر
حسب وعده که داده بودند آزاد بگذارند پروس و اطریش آنرا
مابین خودشان تقسیم نموده ملک خود قرار دادند

در سنه ۱۸۶۶ پروس و اطریش با یکدیگر نزاع نمودند و سایر آلمانها
تماماً حمایت از اطریش نمودند و پروس نیز با ایطالیا اتفاق نمود
سربازان پروسی تفنگ سوزنی که تازه اختراع کرده بودند داشتند
و بسی سریعتر از تفنگهای قدیم با آنها تیر میانداختند و مشقشان
هم از اطریشیها بهتر بود و از این رو مملکت بهم را فرا گرفته در جنگ
بزرگ سادوا فتح نموده فیروزی یافتند مطابق سیم ژوئیه ۱۸۶۶

اطریش دیگر قشونی نداشت که پروسیها را متوقف سازد ولاجرم عهد نامه پراک را امضا کرد که بر حسب آن عهدنامه از عداد دول متحده آلمان خارج میشد یعنی در امور آلمان بهیچوجه حق دخالت نداشته باشد و اختیار را بکلی بپروس واگذار نماید پروسیها نیز این مسئله را مغتنم شمرده مملکت هانوور را با والی نشین ناسو و هس و شهر آزاد فرانکفورت با عدم رضایت اهالی ضمیمه خودشان کردند

سؤالات

در سنه ۱۸۱۵ آلمان بچه حال بود پروس و اطریش بر سر چه نزاع داشتند و آلمانیها چه آرزو داشتند ولی بآرزوی خود رسیدند — مجمع فرانکفورت چه کرد وسلاطین آلمان چه کردند — پادشاه دانمارک چه میخواست — پروس و اطریش و سایر آلمان چه کردند در نزاع پروس و اطریش آلمانها حمایت از کدام یک نمودند — باعث فتح قشون پروس چه بود — اطریش بعد از شکست از پروس بچه کار مجبور گردید — بعد از آن پروسیها چه کردند

۱۸۹ — امپراطورنشین آلمان —

سایر ممالک شمالی آلمان ضمیمه نشدند ولی خودشان دول متحده شمالی را تشکیل دادند که در اطاعت پادشاه پروس بودند و ممالک جنوبی نیز دول متحده

جنوبی را تشکیل دادند اگرچه این دول متحابه شمالی هم آزادی داشتند ولی دول متحابه جنوبی آزادتر بودند جز اینکه در موقع جنگ باید قشون خودشان را بخدمت پادشاه پروس بگذارند و همه ایشان وکلای خود را برایخشتاک که مجمع عمومی در برلن است بفرستند در ۱۸۷۰ دولت فرانسه بپروس اعلان جنگ نموده تمام آلمانیها متفقاً بر ضد فرانسه قیام کردند

در مدت محاصره پاریس گیلیوم پادشاه پروس که در عمارت



س ۸ جنگ سادوا که در ۱۸۶۶ پروسها هم را فرا گرفته بود

ورسای منزل کرده بود سایر شاهزادگان آلمان را جمع نموده و در هیجدهم ژانویه ۱۸۷۱ نام امپراطوری کل آلمان بر خود نهاد و آنجا

تمام ایالات آلمان که آلمانیها در تنها طالب آن بودند بتوسط پروس انجام یافت ولی پروس اینکار را محض جلب نفع خود بازور معمول داشت آلمانها اگرچه همگی در یک ملت متحد گردیدند ولی باوصف این آلمانها آزادی ندارند زیرا که از اطاعت پادشاه پروس مجبور میباشند و چون با دقت ملاحظه شود اتحادی که وطن پرستان آلمان میخواهند وقوع نیافته در مملکت اطریش زیاده از ده ملیون المانی هست و در سویس دو ملیون و همه اینها از آلمان خارج هستند ولی در عوض آن پروس سه ملیون لهستانی را در مملکت خود داخل کرده و یکصد و چهل هزار دانوا (دانمارکی) و یک ملیون و هفتصد هزار نفر فرانسوی الزاس لرن را که هیچکدام مایل تبعیت آلمان نیستند

سوالات

ممالک شمالی آلمان و ممالک جنوبی آن چه کردند بعد از اعلان جنگ فرانسه دول متحده جنوبی آلمان چه کردند — گیلیوم پادشاه پروس در اثنای محاصره پاریس چه کرد و مقصود پروس از اتحاد تمام آلمان چه بود

آیا المانیها حقیقتاً آزاد هستند — چه مقدار آلمانی در خارج آلمان [illegible]

۱۹۰ — **آلزاس لرن** — در معاهده فرانکفور که در ۱۸۷۱ وقوع یافت آلمان فرانسه را مجبور کرد که آلزاس و لرن را با لمان واگذارد و آنها را یکی از ایالات آلمان قرار داد بدون اینکه رضایت اهالی انجا را منظور دارند یا مثل سایر دولتها حق حکومت ملی بایشان بدهند بلکه همواره حکام آنها از جانب پروس تعیین میشود و قشون پروسی در آن شهر اقامت دارند آلزاسیها و لرنیها دایماً از این جور و ظلم تظلم مینمایند و اغلب جوانان ایشان از ترس در قشون فرانسه اجیر شده اند و بسیاری جلای وطن کرده محض اینکه احکام آلمان را اطاعت ننمایند وکلای ایشان که در رایشتاگ برلن میفرستند اقتضا مطالبه انفصال از آلمان را میکنند

سؤالات

در معاهده فرانکفور آلمان فرانسه را بچه کار مجبور ساخت معامله آلمان با آلزاس لرنیها چگونه است وکلای آنها در رایشتاک مطالبه چه چیز مینمایند —

۱۹۱ــ **مملکت هونگری** ــ امپراطور اطریش سلطنت هونگری را نیز داشت و همواره اطریشیها را بحکومت آنجا میفرستاد اهالی هونگری چندین دفعه شورش کردند و اطریشی ها آنها را میزدند و رؤسای ایشانرا سر میبریدند شورش اخیر ایشان در سنه ۱۸۴۸ بقدری سخت بود که امپراطور اطریش مجبور گردید از دوست خودش امپراطور روس قشونی طلب نمود که رعایای خود را مطیع سازد ولی در سنه ۱۸۶۰ در موقعیکه اطریشیها تنزل نمودند هونگریها بدون جنگ و نزاع آزاد شدند و امپراطور اطریش بعد از آنکه مغلوب فرانسه گردید مشروطه بهونگری داد

و در سنه ۱۸۶۷ که اطریش مغلوب پروسها گردید راضی شد که مملکت خود را بدو جزء اطریش و هونگری تقسیم نماید و هونگریها مجلس و وکلا حاصل نموده دولتشان علیحده شد و از اطاعت اطریش خارج شد

سؤالات

اطریش با هونگری چگونه رفتار میکرد و هونگریها چه میکردند شورش

اخراجات ان چه قسم بود — در چه وقت هونگری آزاد گردید بالاخره امپراطور اطریش از چه کار مجبور شد

۱۹۲— پلنی (ورشو) — اهالی پلنی کمتر روی خوشبختی را دیده بودند در سنه ۱۸۰۷ ناپلیون اول آنها را آزاد کرده دوالی نشین وارشوی را تشکیل داده بود ولی در سنه ۱۸۱۴ روسها و پروسها و اطریشی ها آنها را تصرف نموده باز در نگاه داشتند و ایشان چندین دفعه خواستند خودشان را آزاد کنند ولی قوتشان بقدر کفایت نبود

بیشتر و مظلومترین طوائف آنها پلنی های روسی میباشند در سنه ۱۸۳۰



شکل ۱ تسخیر ورشو لهستانیها شورش نموده مدت یکسال در مقابل روس مقاومت کردند ولی چون قشون ایشان کم بود در سنه ۱۸۳۱ ورشو مسخر روس گردید

در شهر ورشو شورش نموده مدت یک سال در مقابل قشون

روس مقاومت جستند ولی قشون ایشان بسیار کم بود و روس
ورشو را مسخّر ساخت
و بعد از آن اشخاصی که در ورشو از مملکت خود دفاع کرده بودند بحکم
امپراطور روس بسیبر فرستاده شدند
و روسها در ورشو قلعه بنا نموده با پلنی ها گفتند چنانچه خیال
آزادی را در مخیله خود بگذرانید بدبختی بزرگی شما را استقبال
خواهد کرد هرگاه جزئی شورشی بنمائید از این قلعه شهر شما را بتوپ
خواهیم بست با وصف این در ۱۸۶۳ باز پلنی ها شورش کردند
و روسها آنها را باطاعت در آورده مقصّرین را بسیبری فرستادند

سؤالات

اهالی پلنی چه حالی داشتند — ناپلیون اوّل با آنها چه کرد — روس
و پروس و اطریش با ایشان چه رفتار نمودند — پلنی های روسی چه حال
داشتند — و امپراطور روس با آنها چه کرد

۱۹۳ — **هیجان اسلاوها در روسیه** — اهالی
مشرق اروپا یکی از یک نژاد هستند و تقریباً همه بیک زبان حرف

میزنند و آنها را اسلاو مینامند و عبارتند از روسیها و پلنی ها
و چک یا بهمی ها و دیگر کرآت و سرب و بلغار این طوایف بکلی
در تحت یک ملت و تبعیت یک دولت اجتماع ندارند بلکه بعضی
رعایای روس و بعضی تابع پروس و بعضی مطیع اطریش میباشند
بعضی دیگر هم با عثمانی بستگی داشتند که آزاد گردیدند
اما اسلاوهای تابع اطریش میخواهند حکمرانی مملکت با خودشان
باشد و پادشاه نشین هم در کالیسی با ایشان تعلق یابد سلاوهای
هونگری آزادی خود را میخواهند در کرآت و ایالتی از هونگری
دو ملیون سلاو هست که هفتاد هزار نفر بر آنها حکومت دارند ایشان
نیز میخواهند پادشاه نشین علیحده تشکیل دهند و اگر آنها بمقصود
خودشان نایل شوند مملکت اطریش تجزیه خواهد شد همان قسم که امپراطور
نشین عثمانی تجزیه گردید بسیاری از ایشان مایل بودند که تمامت سلاو
در یک ملت در تحت تبعیت امپراطور روس مجتمع شوند و این جماعت را
پانسلویست نامند

سؤالات

جماعت سلاو چه طایفه هستند — آیا تمام ایشان یک ملت و در تبعیت یک دولت میباشند — سلاوهای اطریش و هونگری چه میخواستند در کروات چقدر سلاو هست چه میخواهند

۱۹۴ — ایرلاند — مملکت ایرلاند را سابقاً انگلیس ها فتح نموده اراضی آنرا گرفتند و مقرر داشتند که ایرلاندیها جز برزگری کاری نکنند مذهب ایرلاندیان کاتولیکی بود و انگلیس ها ایشانرا مجبور میکردند که بخلفا و رهبانان پرتستان پول بدهند

در سنه ۱۶۵ و در سنه ۱۶۹ ایرلاندیها خواستند شورشی نمایند ولی در همه وقت شکست خوردند تا زمانیکه یکنفر نطاق ایرلاندی اکُنل نام در حضور جمع کثیری عبارت از سی هزار نفر نطقی برپا نموده مردم را بهیجان آورد در سنه ۱۸۴ دسته های ایرلاندی مسلح در اطراف بلاد گردیده ملاکان انگلیس را بقتل میرسانیدند

فنیان ها که از سنه ۱۸۶۷ تا سنه ۱۸۸۲ از جمله یاغیان بودند یکنفر از حکام انگلیسی را در دوبلین در روز روشن کردن زدند و هیچیک از ایرلاندیها قاتلین او را که دیده بودند میشناختند آشکار نساختند و بدست نداد

در سنه ۱۸۸ چندین خانه را در لندن با دینامیت از بنیاد برآوردند
انگلیس ها خیلی مایلند که ایرلاند رفرمه شود ولی از اینکه حکومت ایرلاند
با خود ایرلاندیها باشد امتناع دارند و از اینجهت ایرلاندیان همواره
بر انگلیس کینه و اعتراض دارند

سؤالات

ایرلاند چه طایفه فتح نمودند — انگلیس ها با ایرلاندیان چگونه رفتار میکردند
ایرلاندیها چه اقدامی نمودند چه شد — در سنه ۱۸۲۳ نقض انگیل چه اثری بخشید —
فنیان چه کردند و ایرلاندیها با خانه های لندن چه کردند — انگلیس چه میخواهد
و از چه مطلب امتناع دارد

۱۹۵ — نروژ و سوئد — اوّلین طایفه که در اروپا
بدون زد و خورد آزاد شدند نروژیها بودند در سنه ۱۹۰۵ چه این
از سنه ۱۸۱۴ بر خلاف میل و رضای خودشان جزء سوئدیها شمرده
شده بودند ولی نتوانستند با همسایه های خودشان باتفاق زندگانی
کنند و در سنه ۱۹۰۵ در مقام مطالبهٔ انفصال و آزادی خود برآمدند
سوئدیها نیز عاقلانه رفتار نموده انفصال ایشان را پذیرفتند و نروژیها
مملکتی مستقل ترتیب داده یکنفر از شاهزادگان دانوار را بپادشاهی خود

اختیار کردند

سئوالات

کدام طایفه در اروپا بدون زد و خورد آزادی یافتند — حال نروژ در ابتدا چه بود — و بعد چه مطالبه کردند — سوئدیها با آنها چه رفتار نمودند و نروژیها که را بسلطنت اختیار کردند

خلاصه که باید از بر نمائید

اولاً — هر مملکتی در سابق عبارت بود از رعایای یک پادشاهی و هیچوقت میل و خواهش رعایا را در تعلق و تبعیت مملکتی ملاحظه نمیکردند در قرن نوزدهم اهل اروپا اهتمام کرده ملتها تشکیل دادند

ثانیاً — ترتیب ملیت مورث جنگهای بسیار گردید زیرا که اغلب ملتها یا در میان چندین مملکت تقسیم شده بودند یا همگی جزء یک مملکتی غیر از ملت خودشان گردیده مایل و راضی باطاعت و تبعیت آن مملکت نبودند

ثالثاً — در سنه ۱۸۲۱ یونانیها با دولت عثمانی بنای ضدیت گذاشتند و بعد از محاصرهٔ میسلنقی در سنه ۱۸۲۶ و جنگ دریائی ناداران در

سنه ۱۸۲۷ بمطلب خود رسیدند و بمعاونت فرانسه و روس پادشاه نشین یونان را تشکیل دادند

رابعاً — در سنه ۱۸۳۰ بلژیکیها پادشاه هلاند را بیرون کردند و بمعاونت فرانسه مملکت بلژیک را برپا داشتند

خامساً — بعد از آنکه ایطالیاییها در خلاصی خودشان از دست اطریش بیهوده اهتمام کردند در دربار پادشاه پیه من جمع شدند پیه من با کمک فرانسه اطریشی ها را شکست دادند در سنه ۱۸۵۹ در مارژنتا و سلفرین و بعد از آن لمباردی و ایطالیای مرکزی و سیسیل و ناپل ممالک متعلقه بکلیسا را پی در پی ضمیمه کردند تا در سنه ۱۸۶۱ پادشاه نشین ایطالی را تشکیل دادند و در سنه ۱۸۶۶ ونیس و در سنه ۱۸۷۰ رم را فتح کردند

سادساً — آلمان بسی و پنج مملکت تقسیم شده بود مجمع فرانکفورت در سنه ۱۸۴۸ بآرزوی خود نرسید و نتوانست مملکت امپراطوری آلمان را تشکیل کند و بعد از آنکه با دانمارک بجهت والی نشینهای سلیک و هلستین جنگ نمود و پروس با اطریش جنگید در سنه ۱۸۶۶ پروس در صادوا فاتح و مظفر گردید و صاحب مملکت آلمان شد و هانور و هس

دماسس و فرانکفورت را جبراً و قهراً ضمیمه خود ساخت

سابعاً — آلمانها از ۱۸۶۶ دو دول متحابه تشکیل داده بودند

در ۱۸۷۰ دول متحابه با یکدیگر جنگ نمودند و پادشاه پروس امپراطور

کل آلمان گردید

ثامناً — متحد شدن ایالات آلمان از برای پروس مفید واقع شد

بسبب ظلم و ستمی که از سایر آلمانها با نها میرسید ولی وقوع این مطلب

از روی بیقاعدگی بود زیرا که ده ملیون نفوس آلمانی در خارج از وطن

خود پراکنده گشته و سه ملیون پلنی و فرانسوی جزء آلمان شد

تاسعاً — بواسطه عهدنامه فرانکفورت در سنه ۱۸۷۱ الزاس لرینها

ضمیمه مملکت پروس شدند و از روی اجبار و اکراه مطیع و محکوم پروسیها

گشتند و اتصالاً ادعای آزادی نموده از حکومت اجنبی شکایت

و ناله دارند

عاشراً — هونگریها در سنه ۱۸۴۹ از ظلم اطریشی ها شورش نمودند و بتوسط

قشونی از روس مجدداً باطاعت آنها درآمدند ولی برحسب حسن اتفاق

بواسطه تنزل و خرابی اطریشی ها بآرزوی خود رسیده در سنه ۱۸۶۷ مملکتی

تشکیل دادند

حادی عشر — پلنی ها جبراً و اضطراراً مطیع روسها و پروسها و اطریشها میباشند و باوجود شورشهائی که در سنه ۱۸۳۰ و سنه ۱۸۶۳ نمودند نتوانستند از تسلط این ممالک خلاص شوند و وطن پرستان پلنی را روس بسیبری فرستاد

ثانی عشر — طایفه سلاد که در مشرق اروپا مسکن دارند بعضی از آنها در تبعیت عثمانی و بعضی تابع اطریشیها و جمعی تبعه هونگری هستند وجدّ و جهد دارند که از تبعیت این ممالک خلاص شوند بسیاری از طایفه پانسلوی میخواهند مملکتی تشکیل داده همگی مطیع امپراطور روس باشند

ثالث عشر — ایرلاندیها در دست انگلیسان مظلوم واقع شده اراضی آنها را گرفته اند و ایشان را مجبور میکردند که براهبان پرتستان پول بدهند از سنه ۱۸۳۰ در هیجان هستند فنیانهای ایرلاندی اهتمام داشتند که انگلیسها را بکشند و شهر لندن را بتوسط دینامیت بر هوا بلند کنند

رابع عشر — در سنه ۱۹۰۵ نروژ با صلح بدون جنگ از سوئد جدا شد و پادشاه نشین مستقلی تشکیل داد

فصل ششم

ممالک کنونی اروپ

۱۹۶ — **صلح با اسلحه** — از این پیش دانستیم که ممالک اروپ از سنه ۱۸۱۵ متزلزل بود اولاً بواسطه جنگهای پلیتیکی در مشرق و ثانیاً بواسطه جنبشهای ملّی اما مسئله مشرق بانجام نرسید زیرا که عثمانی را پیوسته تهدید میکردند و هیجان ملی نیز تمام نشد الزاس لرن سعادت و خوشبختی نیافت پلنی از تبعیت سه دولت که او را تقسیم کرده بودند خوشوقت نبود ایرلاندیها همیشه حاضر بودند که بر ضد انگلیس ها شورش نمایند و صلح در پناه عهد نامه ها برقرار میماند ولی عهدنامه هیچوقت دولت صاحب پول و قشون را از جنگ مانع نمیشود تمام اروپا خودشان را برای جنگ حاضر میکنند بعضی دولتها باهم اتفاق نمودند آلمان و اطریش هونگری و ایطالی اتفاق مثلث نمودند و همچنین فرانسه و روسی

باهم متفق گردید هر دولتی حساب کار شخصی خود را میکند و همه اهتمام دارند که قشون بزرگ و قلعه های مستحکم داشته باشند از برای تشکیل قشون بزرگ دیگر مثل سابق ترتیب داوطلب یا قرعه سربازگیری را معمول نمیدارند در بسیاری از ممالک خدمت نظام را اجباری قرار داده اند و تمام سکنه مملکت باید مدت چند سال خدمت سربازی بکنند آلمان میتواند سه ملیون سرباز حرکت دهد روسی سه ملیون و ششصد هزار اطریش هونگری یک ملیون و هفتصد هزار این قشونها هزار هزار توپ دارند و با این وسایط محرقه مهلکه اهل اروپا یقین دارند که جنگ بسیار هولناکی وقوع خواهد یافت واکنون بیست و پنج سال است که در اروپا جنگی واقع نشده

سؤالات

در سنه ۱۸۱۵ ممالک اروپ در چه حال بود الزاس لرن و نیس و ایتالیا چه حال داشتند کدام دولتها باهم متفق بودند تشکیل قشون بچه ترتیب معمول شد حال قشون آلمان و روسی و اطریش هونگری را بیان کنید

۱۹۷ - توسعه جویان — با اینحال در آخر قرن نوزدهم

تقریباً تمام دول اروپ اهتمام داشتند که بر وسعت مملکت خود بیفزایند
یعنی اراضی جدید بدست آورده مفتوح سازند و محصول و صنایع
خودشان را در آنجا بفروش رسانند انگلیس بزرگترین ممالک
مهاجرنشین روی زمین را فتح نمود بعد از انگلیس مهاجرنشین فرانسه
از سایرین بزرگتر است انگلیس و آلمان و اتازونی و روسی دایم در
صدد هستند که مهاجرنشینهای خودشان را توسعه دهند

و از آنجا که توسعه جویان جز توسط جنگ نمیتوانند مملکت خود را وسعت
دهند مجبورند که قشون زیاد و کشتی جنگی بسیار داشته باشند فرانسه
مهاجرنشین زیاد دارد بحدیکه از برای او کافی است چه او میخواهد
اراضی را زراعت نموده آباد سازد نه آنکه بیهوده توسعه دهد پس
فرانسه از جمله توسعه جویان شمرده نشود اما از برای دفاع از مهاجر
نشینهای خود کشتی جنگی بسیار لازم دارد و چون فرانسه توسعه جوی
نیست اغلب ممالک اروپا با او رابطه خصوصیت دارند

و با انگلیس اتفاق نموده است مسائلی را که ممکن است اسباب برهم
خوردن مابین دو مملکت گردد دوستانه تسویه نمایند و از وقتیکه این

نظامنامه ترتیب یافته مابین ایشان دوستی بسیار بزرگ پدید آمده و
هریک از دیگری سخن شنوی دارند و اتفاقشان قلبی و محکم است

سؤالات

دول اروپ درچه امر اهتمام داشتند کدام ممالک مهاجرنشین خیلی بزرگ
دارند فرانسه با انگلیس چه اتفاقی نمودند

۱۹۸ — **قبول حکمیت** — نگاهداری سرباز و توپ و کشتی
بسیار گران تمام میشود قشون بحری در هر سال باندازه هزار
ملیون فرانک خرج دارد ولی باوصف این هیچ مملکتی نمیخواهد خلع
اسلحه از خود نماید از بیم اینکه همسایه هایش با اسلحه باقی مانده و قوی
گردند و براو حمله نمایند در سنه ۱۸۹۹ امپراطور روس فرستادگان
ممالک اروپا را در شهر لاهه جمع کرد و کنفرانس صلح عمومی در آنجا
تشکیل یافت محض اینکه مسئله خلع سلاح درحضور همه فرستادگان مقرر
گردد ولی ایشان راهی از برای رفع سلاح بدست نیاوردند جز
اینکه محکمه تصدیق ثابتی در آنجا برقرار کنند که مکان آن در لاهه
میباشد و هر دولتی در آنجا دادخواهی نماید کنفرانس مزبور با اظهار

رسیدگی و احقاق حق نمایند

ولی این محکمه تصدیق جنگ ترانسوال را که از سنه ۱۸۹۹ تا سنه ۱۹۰۲ امتداد یافت نتوانست جلوگیری نماید و همچنین در سنه ۱۹۰۰ سفر جنگ چین را نتوانست موقوف کند امّا در سنه ۱۹۰۳ رئیس جمهوری آتازونی دولتهای آلمان و انگلیس و ونزوئلا را ملزم کرد تا منازعه خودشان را که محتمل بود بجنگ بزرگی منتهی گردد در محکمه مزبور فیصله کردند و بعد از آن ممالک اروپا عهدنامه مجلس تصدیق ثابت را درمیان خودشان امضا کردند و بواسطه آن متعهد هستند اغلب مشاجرات و اختلافاتی که درمیان ایشان واقع میشود بمحکمه لاهه اظهار دارند

امّا فرانسه اول کسی بود که دراین باب عهد با بریطانی کبیر منعقد ساخت در تمام عالم بعضی اشخاص خوش قلب هستند که میگویند جنگ و قتال بزرگترین بلاها و اذیتهای بنی نوع انسان است اگر مردم بخواهند همیشه بحال صحیح باشند باید از جنگ اجتناب نمایند این اشخاص در هر مملکت همشهریهای خودشان را مجبور میکنند که با ایشان هم عقیده گردند و آنها را مردمان صلح جو می خوانند

سئوالات

قشون زیاد نگاهداشتن چگونه است — در سنه ۱۸۹۹ امپراطور روس بچه کاری اقدام نمود — محکمه تصدیق کدام جنگ را جلوگیری میتوانست در کدام مشاجره حکمیت نمود — دول اروپ چه چیز را متعهد گشتند اشخاص صلح جوی چه چیز میخواهند و چه میگویند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً — مسئله شرق بانجام نرسید و جنبش و جوشش ملی نیز منتهی گشت توسعه جویان بتوسیع مملکت پرداخته تمام اهالی اروپا خودشان را از برای جنگ حاضر کرده اند

ثانیاً — بجهة تشکیل قشون بسیار قانون خدمت اجباری را مقرر داشتند توپ میریزند و راه آهن جنگی میسازند

ثالثاً — چون ملزومات جنگ با قیمت گزاف تمام میشود خیلی امید است که تمام دول با یکدیگر اتفاق و اتحاد نموده جنگ را بالکلی موقوف سازند و مسائل اختلافیه خود را بتوسط محکمه تصدیق فیصله دهند

فصل هفتم

علم و صنعت و تجارت

۱۹۹ــ علوم در قرن هیجدهم ــ در هیچ عصری بقدر این قرن اشخاص فاضل عالم پدید نیامد زیراکه در انگلیس و فرانسه و المان و امریکا هزاران اشخاص فاضل دانشمند مشغول اکتشاف این مطلب هستند که حرکت و پیدایش و نمایش اشیاء را معلوم کنند و بسیاری از علوم را از قبیل فزیک و شیمی و معرفة الارض و تاریخ طبیعی و طب و غیره انبساط داده یا تجدید نموده یا اختراع کرده‌اند بسیاری ازاین دانشمندان فرانسوی هستند مثل آمپر و تنار دگیلوسک و شورل و برتِل و ژفروا سنت هیلر کلد برنا و پاستر

این دانشمندان این اکتشافات را تنها برای خود نکرده و نمیکنند بلکه فایدهٔ آن بتمام عالم میرسد

سؤالات

در قرن هیجدهم چگونه اشخاص پیدا آمدند و در علوم چه کردند ایشان کیان و از کدام ملتها بودند

۲۰۰ — **بکار بردن علوم** — پیوسته عقلای بزرگ مشغول پیدا کردن نشانی از علم میباشند و مهندسین علم را تجهیه تحصیل اشیاء مفیده بکار میبرند مانند ماشین و رنگها و بخار و کوت زمین و غیر آن تا زمانیکه متوقف گردیده علم را با صنعت توام ساختند در قرن نوزدهم بقدری در توام ساختن علوم با صنعت پیش رفتند که شکل بسیاری از مکاسب تغیر کرد

سئوالات

عقلای بزرگ مشغول چه کار بودند مهندسین علم را از برای چه ام میخواهند - در قرن نوزدهم کار علم بکجا انجامید

۲۰۱ — **ماشینها** — یکنفر انگلیسی آرک و ریکت نام دستگاهی اختراع کرد که بتوسط آن پنبه را ریسمان کند و یکنفر فرانسوی ژاکار نام صنعت نساجی ابریشم را اختراع نمود

این اسباب ها باعث میشود که کارها زودتر انجام گیرد و مقدار

بافنده گی و ساختن اشیاء بیشتر شود و همچنین یکنفر وات نام در ۱۷۷۶
اوّلین دستگاه چرخ بخار را اختراع کرد و از آنزمان طرز ساختن
اسباب ترقی نمود زیرا که یک دستگاه چرخ بخار میتواند اشیاء
خیلی سنگین را حرکت دهد و تمام آلات یک کارخانه را بگرداند
یک نفر فرانسوی وسپرز نام انتقال قوت سقوط آب دستیل را
بجاهای دور را اکتشاف نمود مانند سقوط آب رود خانه نیکاراگا
در ممالک آمازونی که اسباب حرکت چرخها در سی چهل کیلومتر
یا چهل هزار متر فاصله میگردد این قوت سقوط آب را هول
بلانش (ذغال سفید نامیدند) بجهت اینکه آب امثل ذغال
سنگ سیاه برای حرکت دادن چرخها بکار بردند و همچنین دستگاهها
از برای نوشتن اختراع کردند علاوه بر آنچه از برای چاپ
اختراع شده که تک روزنامه تمام را در یک روز چاپ میکنند

سؤالات

ارک رایت انگلیسی چه چیز اختراع نمود — صنعت نساجی را که اختراع کرد
فایده ماشین و چرخها چه چیز است — اوّلین چرخ بخار را که اختراع کرد

دسپرز فرانسوی چه چیزرا اکتشاف کرد

۲۰۲ — **کشتی بخار — راه اهن** — بعد از آنکه
قوت بخار را دریافتند درصدد برآمدند که اورا از برای حرکت دادن
کشتیها و کالسکه ها بکار برند درسنه ۱۷۷۶ یکنفر فرانسوی ژوف
روانام یک کشتی بخار ایجاد کرد ولی بدبختانه کسی اعتنائی باختراع
او نمود و بعد از آن یکنفر امریکائی فولتن نام درسنه ۱۸۰۷ کشتی
بخاری ساخت که از رودخانه هودسن بتوسط آن پائین آمد
درسنه ۱۸۱۴ چند نفر انگلیس بخاطرشان رسید که لکمتوی بسازند
و اورا درروی رایل راه آهن حرکت دهند و بعد از آن واگونها
مرتب کردند که مال التجاره و مسافرین را با آن حرکت دهند و رفته
رفته راه آهن معمول گردید
اول دفعه درسنه ۱۸۲۹ انگلیسها راه آهن را مرتب نمودند و درسنه ۱۸۳۵
فرانسه ها آنرا معمول داشتند اختراع راه آهن سبب گردید که مقدار
بسیاری مال التجاره را با قیمت قلیل حمل نمایند و مسافتهای زیاد را

در زمانی اندک طی کنند و بعد از آن الکتریسیته معمول گردید و از

برای حرکت دادن ترامواه و راه آهن بکار رفت و سبب شد که

مسافرت‌ها زودتر و ارزان‌تر شود

در راههای معمولی کالسکه‌های اتومبیل نفتی با سرعت راه آهن حرکت

میکند و همچنین محرک اتومبیل را در روی زورق قرار دادند تا بسرعت

کشتی بزرگ راه رفت و بالاخره وسیله‌ها از برای حرکت در هوا پیدا

کرده بالونها معمول گردید

سؤالات

راه آهن بچه ترتیب اختراع شد و چه فایده بخشید — و دیگر چه اختراعات

از برای حرکت برّی و بحری نمودند

۲۰۳ — **تلگراف - الکتریک** — چون قوه الکتریسیته را پیدا

کردند بتوسط او تلگراف ساختند که اخبار را از یکطرف عالم بطرف

دیگر در کمتر از یک ثانیه میرساند تلگراف الکتریک خبر در سنه ۱۸۶۰

اختراع نشده بود و امروز خطوط تلگرافها بین تمام شهرهای فرنگ

و امریکا و ایران موجود است و همچنین تلگراف تحت البحری اختراع کردند که سیم آهن را از وسط لوله گلاستیکی گذرانیده در آب دریا میاندازند

تلفن الکتریکی را که احداث نمودند دو نفر آدم دور از یکدیگر توانستند باهم حرف بزنند بدون آنکه یکدیگر را ببینند با تلگراف بی سیم کشتیها در دریا از دور با یکدیگر حرف میزنند و همچنین از دریا با بندرهائی که در ساحل است حرف میتوانند بزنند

سؤالات

از پیدا شدن الکتریسته چه چیز اختراع کردند تلگراف در چه سنه اختراع گردید با تلفن الکتریکی و تلگراف بی سیم چه کارها انجام میدهند

۲۰۴ — روشنائی — در سنه ۱۷۸۵ یکنفر فرانسوی لبن نام این مطلب را دریافت که ممکن است از ذغال بخاری گرفته ورا روشن سازند و بعد در انگلیس این اختراع را تکمیل کردند و کم کم در تمام ممالک عالم چراغ گاز معمول گردید در امریکا و در روسی بعضی چاهها کشف نمودند که روغن نفت از آنها بیرون میآید در

شهرهای بزرگ کوچه ها و خانه ها با چراغ برق روشن است

سؤالات

کدام کس اوّل دریافت که از ذغال بخار گیرد — و اختراع آن در کجا تمام شد — در روسیه و امریک چه چیزها کشف شد — در شهرهای بزرگ کوچه ها و خانه ها با چه چیز روشن است

۲۰۵ — **صنعت** — بعد از آن اختراعات متعدد دیگر نمودند از قبیل ساختن عکس و ترتیب مطلّا و مفضض که طلا و نقره را در روی آهن کار میکنند و دیگر دینامیت که بتوسط آن سنگهای بزرگ را از جای برمیکنند و رنگهای مختلف که از ذغال سنگ بدر آورده پارچه ها و منسوجات را با آن رنگ میزنند و همچنین کود شیمیائی که در شوره زمین قرار داده خاشاک زراعت میمانند و نیز از برای ساختن الکل و کاغذ و بافتن منسوجات ترتیبی اختراع نمودند که خیلی بصرفه نزدیک است بعضی نباتات و درختهای جدید در اروپا داخل کردند از قبیل سیب زمینی و غیره و معالجات جدیده کشف نمودند و وسایطی بدست آوردند که بتوسّط آنها

ممکن است از امراض عمده محفوظ مانند و ترتیبی از برای خوابانیدن
مریض بجهت عملیات یدی قرار داده‌اند مخصوصاً پاستور طریقی
کشف نمود که بواسطه آن از امراض مسریه مثل سگ هار و طاعون
و ذبحه ز در دکلوی مهلک و غیره نجات توان یافت
و همچنین معلوم ساخت که کثافت باعث بسیاری از امراض میگردد
پس باید خود را تمیز نگاهدارند تا از امراض مسریه بسلامت مانند
و از نزدیک شدن با مرضای امراض مسریه اجتناب ورزند

سؤالات

بعضی اختراعات صنعتی را ذکر نمائید در علم طب و حفظ صحت چه اقدامی
نمودند پاستور چه اکتشافات نمود

۲۰۶ - اکسپوزیسیون (نمایشگاه عمومی)

در سنه ۱۸۵۱ اولین نمایشگاه عمومی را در انگلیس برپای کردند و
تمام اهل عالم حاصل زحمت و محصول مملکت خودشان را بآنجا آوردند
در عمارت مخصوصی که از برای اینکار ساخته شده بود نمایش دادند

در آن اکسپوزیسیون ۱۷۰۰۰ نمایش دهنده حضور یافته بودند سایر ممالک نیز در این خصوص تقلید انگلیس را نمودند در فرانسه پنج نمایش بزرگ واقع شد در سنه ۱۸۵۵ و سنه ۱۸۶۷ و سنه ۱۸۷۸ و سنه ۱۸۸۹ و سنه ۱۹۰۰ و همچنین در وین و بروکسل و لندن اکسپوزیسیونها برپای گردید و در امریکا در فیلادلفی و شیکاغو ترتیب یافت در این اکسپوزیسیونها متاع تجارت و ماشینهای کار تمام ملل موجود و جمع بود و هر ملتی میدید که سایر ملل چگونه کار میکنند و در واقع اکسپوزیسیون بمدرسه صنایع شباهت داشت

سؤالات

اولین نمایشگاه عمومی در کجا و از برای چه مقصد برپای گردید — در فرانسه چند اکسپوزیسیون منعقد گشت — در اکسپوزیسیون چه واقع میشد

۲۰۷ — **علم تحصیل ثروت** — دانشمندان و عقلای مملکت پس از غور رسی و مطالعات بسیار دریافتند که ملت چگونه صاحب ثروت و تموّل گردد و او را علم ثروت اندوختن نام نهادند سابق بر این گمان میکردند که ثروت ملت عبارت از آنست که طلا

و نقره زیاد داشته باشند ولی بعد از آن ملاحظه نمودند که ثروت حقیقی و دائمی عبارت از آنستکه در مملکت گندم و جو و سایر اجناس و گاو و گوسفند زیاد بعمل آید و از پنبه و پشم پارچه ها بافند و با شیبهای چرم سازی و سایر اشیاء متعلق بصنعت است که ملت دارای آنها باشد زیرا که بتوسط این اشیاء مفیده طلا و نقره بفراوانی تحصیل شود

سؤالات

علم ثروت را چگونه دانستند سابق براین ثروت را منحصر در چه چیز میدانستند و بعد ملتفت شدند که ثروت حقیقی عبارت از چه چیز است

۲۰۸ — آزادی صنعت

— پس بنابر آنچه ذکر شد ملت غیرتمند ملتی خواهد بود که حاصل های مرغوب بعمل آورده اشیاء مفیده ملیه تحصیل نماید پیش از این تصور میکردند که از برای تحصیل محصول زیاد باید نظامنامه مفصلی ترتیب یابد و دولت باید قرار بدهد که عملجات چگونه کار بکنند و چه ماده را استعمال نمایند و یک توپ ماهوت چند زرع باید طول داشته باشد اشخاصی که دستگاه تازه اختراع میکردند یا ترتیب جدیدی مرتب میداشتند از طرف دولت جریمه

میشدند زیرا که صنایع را بایستی دولت بعمل آورده مدیر کارخانه‌ی آن باشد واسباب ترویج وپیشرفت هر صنعتی را فراهم سازد بعد از آن ملاحظه کردند که بهترین وسایل برای خوب کار کردن ساکنین آنستکه مردم را در کار خودشان آزاد وراحت بگذارند واز آن وقت هواخواهان در صدد ادعای آزادی صنعت بر آمدند

سؤالات

سابق براین ترتیب تحصیل وعمل وایجاد مخترعات از چه قرار بود

بعد از آن چه ملاحظه کردند ودر مقام ادعای چه بر آمدند

۲۰۹ـ آزادی تجارت ــ سابق براین مردم همچو می پنداشتند که منفعت هر مملکت در آنستکه نگذارند چیزی از محصولات مملکت بخارج رود وبمملکت دیگر نقل شود وهمچنین نمیگذاشتند چیزی از خارج بداخل مملکت وارد گردد یعنی متاع تجارت خارجه را بمملکت وارد نمایند مثلاً اگر تاجر فرانسوی میخواست گندمی برای فروش بانگلیس برد گندم اورا گرفته توقیف میکردند وهرگاه تاجری میخواست آهن انگلیس را بفرانسه بیاورد مانع میشدند

عقلای قرن نهم هم اول شروع بگفتن این مطالب کردند که بهتر آنست تجارت را آزاد بگذارند یعنی بتجار اجازه دهند که هرچه میخواهند بفروشند و هرچه میخواهند بخرند هرگاه فرانسوی آهن خوب بخواهد صرفه در این است که آنرا از انگلیس بخرد و اگر فرانسویها گندم یا شراب خودشان را در انگلیس بفروشند معلوم است بیشتر میخرند و بیشتر بآنها فایده رسیده در عوض اشیاء مفیده بیشتر میتوانند بخرند ولی عقلا نمیتوانستند قانون معموله را تبدیل نمایند و اشخاصیکه مباشر احکام بودند نمیخواستند بحرف عقلا گوش دهند تا عاقبت صرفه جویان انگلیس بدولت حالی کردند که داخل شدن متاع و محصول خارجه از برای انگلیس نافع است در سنه ۱۸۴۶ قانونی وضع نمودند که بموجب آن تمام تجار خارجه را اجازه میدادند که غله را از ممالک خارجه حمل نموده بانگلیس وارد کنند بدون اینکه گمرک و مالیات دیگری بدهند جز آنکه کشتی آنها باید انگلیسی باشد

سئوالات

سابقاً مردم درباب حمل ونقل محصولات و امتعه بخارجه چه عقیده داشتند
عقلای قرن هیجدهم شروع بچه امری نمودند — عاقبت کدام دولت
حمل امتعه را قانون گذاشت .

۲۱۰ — آزادی معاوضه و حمایت — از آن زمان تمام ممالک فرنگ
بمعاوضه پرداختند و کسی با آنها ممانعتی ننمود ولی امروزه دو ترتیب
متداول است یکی قانون حمایت و دیگری ترتیب معاوضه قانون
حمایت عبارت از آنستکه از متاع ممالک خارجه حقی بگیرند درصورتیکه
قیمت آن متاع در بلدی که از آن حمل شده ارزانتر باشد
و رسم دیگر آنستکه بگذارند امتعه خارجه داخل مملکت شده با امتعه
مملکت معاوضه نمایند بدون اینکه چیزی از آنها بگیرند و این فقره را
آزادی معاوضه گویند اگر این رسم معمول گردد هر مملکتی متاع
خود را با آزادی بممالک دیگر وارد میسازد آزادی معاوضه در
ابتدا بواسطه انگلیس ها در سنه ۱۸۴۶ برقرار گردید و همچنین ناپلیون
سیم در سنه ۱۸۶۰ معاوضه آزاد را قبول نمود و عهدنامه تجارتی
با انگلیس منعقد ساخت که در آن اجازه میداد انگلیسها آهن و

و ماشینهای خود شان را بفرانسه بفروشند و فرانسه نیز ابریشم و شراب و سایر متاع خود را بانگلیس ها بفروشد بعد از آن تمام ممالک اروپ معاهده های تجارتی مابین خود شان منعقد ساختند تا از مساعدت این عهدنامه ها زارعین روس و امریکا گندم خود شان را بفرانسه ها ارزانتر از زارعین فرانسه فروختند ولی دولت فرانسه از برای معاودت این عمل در سنه ۱۸۹۲ حق کاملی بر گمرک مال التجاره قرار داد و همچنین تقریباً تمام دول دیگر از برای متاع فرانسه حق گمرک قرار دادند تجار و صنعتگران فرانسه با اشکال میتوانند در خارجه مشتری پیدا کنند امّا امروز انگلیس و بلژیک تنها ممالک آزاد در معاوضه هستند

سؤالات

در باب وارد کردن مال التجاره خارجه چه قانونی معمول است ـ آزادی معاوضه اوّل بتوسّط کدام دولت مقرّر شد ـ دولت فرانسه در مقاومت انگلیس چه اقدام نمود ـ و سایر دول با او چه کردند

۲۱۱ ـ **معاملات** ـ در قرن هیجدهم یک بانک بزرگ در انگلیس بود ناپلیون اوّل در همین قرن بانک فرانسه را ایجاد نمود

کار بانک آن است که ضبط ترتیب میدهند و بجای پول نقد خرج میشود
و دیگر بانک به تجار پول قرض میدهد بعد از آن در تمام ممالک
بانکها تشکیل یافت و از قبیل آنها انجمنها ترتیب داده آنها را انجمن
معاملات خواندند زیرا که انجمنها پول خود را در بانک ها میگذارند
و سود آن را دریافت میکنند و بانکها هم پولها را قرض میدهند یا بمصرف
کارهای با فایده از قبیل راه آهن و غیره رسانیده منفعت حاصل میکنند
با این ترتیب تجار و صنعتگران میتوانند پیش از فروختن
متاع خود پول تحصیل نموده با آن پول مال التجاره بخرند وقتیکه
بخواهند کار بزرگی را صورت دهند از قبیل بستن سدها و ساختن
راهها یا بیرون آوردن معدنها معلوم است که ثروت و مکنت یکنفر
آدم از برای مصارف آن که شاید بیش از ملیونها باشد کفایت نخواهد
نمود پس جمع شده عازم انجام آن امر میگردند و مصارف
مزبوره را بقسمتهای کوچک تقسیم نموده هر یک قسمت را اکسیون
(سهام) مینامند و بلیطها باندازه سهام چاپ نموده هر یک از آن
جمع بهر اندازه که میتوانند و میخواهند پول داده از آن بلیطهای سهام

میخرند و چون آن پولها جمع شود آن کار خطیر را انجام میدهند مثلاً هرگاه راه آهنی ده ملیون مصارف کشیدن داشته باشد ده هزار اکسیون هزار تومانی چاپ میکنند هر کس هزار تومان بدهد یک اکسیون میگیرد و بعد از ساختن راه آهن منافعی که از آن حاصل میشود تقسیم نموده بهر یک از شرکا باندازه هر چند اکسیون که در دست دارد بهره میدهند تمامت کارهای بزرگ با اکسیون مرتب میشود (کمپانی) و محل فروش این اکسیونها در بورس (حراج سهام) میباشد

سؤالات

بانک را اول در کجا تأسیس کردند ـ بانک فرانسه را که تشکیل داد بانک چه میکند فایده بانک چیست ـــ بتوسط بانک چه کارها انجام میدهند

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً در قرن نوزدهم در تمام ممالک اروپ خردمندان بسیار پدید آمد از اکتشافات آنها تمام عالم فایده رسید

ثانیاً- بعد از آنکه اکتشافات خردمندان با صنایع توام گشت شکل تمام کسبها تغییر کرد

ثالثاً- کسب ریسمان بافی و نساجی با چرخ بخار بتوسط عملجات مرتب میکردید

رابعاً- بعد از آنکه چرخ بخار را بکار بردند در سنه ۱۸۰۷ کشتی بخار را بتوسط آن حرکت دادند و در سنه ۱۸۲۸ راه آهن را ترتیب دادند

خامساً- ایجاد الکتریسته اسباب اختراع تلگراف الکتریکی و تلفون گردید

سادساً- روشنی گاز و الکتریسته کوچه ها و مخزنهای شهر را روشن ساخت

سابعاً- صنعت عکاسی و مطلا و مفضض و دینامیت و رنگهای مختلف از ذغال سنگ ترتیب یافت و کوت شیمیائی و اتوموبیل و بسیاری از معالجات جدید اختراع شد

ثامناً- در اکسپوزیسونها مال التجاره و متاع تمام ملل و ماشینها نمود شد اولین اکسپوزیسون در سنه ۱۸۵۱ در انگلیس مفتوح شد و پنج اکسپوزیسون در پاریس تشکیل یافت

تاسعاً- بعد از دریافتن علم ثروت معلوم شد که کنت و دولت حقیقی مملکت طلا و نقره و وجوه نقدینه نیست بلکه ثروت مملکت عبارت از محصولات

با فایده است که در مملکت بعمل آید

عاشراً — معلوم شد که بهترین وسایل برای تحصیل محصولات با فایده و متمول ساختن مملکت آنست که صنعت و تجارت را آزاد بگذارند

حادی عشر — بهمچنین خردمندان گفتند آزادی صنعت و تجارت بهتر است

ثانی عشر — از آن زمان در ممالک اروپ دو ترتیب معمول است یکی ترتیب حمایت یعنی از امتعه خارجه حق دریافت کنند و دیگر آنکه معاوضه آزاد باشد یعنی تمامی امتعه خارجه را بگذارند داخل شود و با امتعه داخلی معاوضه نمایند. آزادی معاوضه از سنه ۱۸۴۶ در انگلیس معمول است و در فرانسه از سنه ۱۸۹۲ ترتیب حمایت متداول است

ثالث عشر — بانکها بلیط ترتیب میدهند و بجای پول رد و بدل میشود و به تجار قرض میدهند و انجمن ها برای معاملات ترتیب یافت

رابع عشر — از برای انجام کارهای بزرگ اکسیون (سهام) ترتیب دادند

فصل هشتم

اروپائی در خارج اروپا

۲۱۲ — انگلیس ها در هندوستان — هندوستان بچندین مملکت منقسم بود وانگلیس ها تمام آنهارا یکی بعد از دیگری در مدت یکصد سال تصرف کردند یعنی از سنه ۱۷۵۶ الی سنه ۱۸۵۶ و مملکتی را که صاحب سیصد ملیون رعیت است مالک شدند هوای هندوستان بسیار گرم و غیر سالم است (وبا از طرف هند میاید) سکونت هند از برای اروپائیها اسباب زحمت است و انگلیس ها جز از برای تجارت و حکمرانی و فرماندهی قشون بهند نمیروند در ابتدا که آن مملکت را تصرف کردند قشون انگلیسی زیاد نداشتند و از اهالی هند سرباز گرفته فوجهای سپاهی از آنها ترتیب دادند که صاحبمنصبان آنها انگلیس بودند هندوها هنوز مذهب قدیم خودشانرا دارند که در آن مذهب گاو را حیوان مقدسی میشمارند و چون دیدند فشنگهائی

که انگلیس‌ها استعمال میکنند بروغن و پیه گاو چرب شده است اسباب
کینه آنها گردیده شورش کردند و شورش عمومی گردیده زن و مرد
بسیاری از انگلیسان را بقتل رسانیدند و اطفالرا بآتش سوزانیدند
رئیس شورشیان ناناصاحب بود بعد از آن انگلیس قشون آورده
بر سپاهیان شورشی حمله نمود و آنهارا اسیر نموده اغلب را بدهن
توپ بست و هندرا بکلّی تصرف نمود از این بعد دیگر شورشی از هندیان
سر نزد اهالی هند شروع کرده اند بزبان انگلیسی حرف زدن
و غالباً عادات انگلیسی اختیار کرده اند در سنه ۱۸۷۶ مجلس پارلمان
ملکه انگلیس را امپراطریس هندوستان لقب داد

سؤالات

هند چگونه مملکتی بود و انگلیس در چند مدت آنجارا متصرف گردید — هوای هند
چطور است — در ابتدای تصرف هند از برای انگلیسها چه وقوع یافت
باعث شورش هندوها و سپاهیان هندی چه بود — و بالاخره بکجا منتهی
گردید — حالیه هندیها چه حال دارند

۲۱۲ — روسها در آسیا — روسها از ممالک خود تا جبال
قفقاز پیش آمده و در آنجا متوقف بودند و سرحد ممالک هند انگلیسها

جبال هیمالیا بود در میان روس و انگلیس چند مملکت بزرگ فاصله بود
از قبیل ارمنستان و ایران و افغانستان و ترکستان
از سنه ۱۷۹۹ روسها شروع بتسخیر این ممالک نموده بطرف هند پیش میروند
همچنانکه در ممالک عثمانی بطرف اسلامبول پیش میروند

و انگلیس ها هم در ممانعت روسها از رسیدن بهند اهتمام دارند و همچنین
مانع هستند که روسها قسطنطنیه را متصرف شوند و روس هم اعتنائی
نکرده اتصالا پیش میآید در سنه ۱۸۰۴ روسها مملکت قفقاز را تصرف کردند
و در سنه ۱۸۲۸ یک جزء ارمنستان را مالک شدند در سنه ۱۸۳۸ پادشاه ایران را
محرک شدند که هرات را محاصره کند و انگلیس ها بملاحظه نزدیک شدن
بهند پادشاه ایران را مجبور کردند که از هرات صرف نظر کند و خودشان
دسته قشونی بافغانستان فرستادند

افغانها در ابتدا اظهار اطاعت نمودند و بعد در سنه ۱۸۴۲ شورش نمودند
تمام قشون انگلیس را باستثنای یکنفر صاحب منصب بقتل رسانیدند
و باوصف این انگلیس ها از این رفتار افغان صرف نظر نموده با آنها دوستی
کردند و پادشاه افغان را مساعدت نمودند تا هرات را گرفت و پس از آن

تا نوی که از سنه ۱۸۷۸ تا سنه ۱۸۸۱ بطول انجامید قرار بر این داده شد که یکنفر از طرف دولت انگلیس در پهلوی پادشاه افغان باشد و بعد بلوچستان را که در طول دریای عمان واقع شده و بهندوستان را از ایران جدا و ممتاز و متصرف شدند

و از آنطرف روسها از سمت شمال پیش آمده از سنه ۱۸۶۰ تا ۱۸۸۴ تمام ترکستان را گرفتند و در سنه ۱۸۷۳ مملکت خیوه را بتصرف در آورده در سنه ۱۸۸۴ مرو را مالک شدند آخر الامر روس و انگلیس متفقاً متملکات آسیائی خودشان را در میانه سرحد قرار دادند ولی بتقسیمیکه صرفه روسها بیشتر است و روسها راه آهنی کشیدند که از بحر خزر بسمت هندوستان میرود مملکت ایران مابین متملکات روس و متملکات آسیائی انگلیس آزاد است ولی روسها امتیاز ساختن راه آهن در طرف شمال و انگلیس ها در سمت جنوب ایران را حاصل کرده اند

و نیز روس از طرف جنوب سیبری پیش آمده در سنه ۱۸۵۸ دره رود آمور که اراضی آن چهار برابر مملکت فرانسه است از چین گرفتند و بندر ولادی وستک را در ساحل اقیانوس کبیر تشکیل نمودند و راه آهنی

از مسکو تا ولادی وستک ممتد ساختند که از شمال آسیا میگذرد و چون بخواهند از اروپا بچین و ژاپون بروند از این راه آهن نزدیکتر است

سؤالات

روسها تا کجا پیش آمده و سرحد ممالک هند انگلیسها کجا بود ما بین روس و انگلیس کدام ممالک فاصله است - و هریک از روس و انگلیس در چه امر اهتمام دارند - روسها چه ممالک را متصرف شدند - و پادشاه ایران را بچه کار تحریک نمودند - انگلیس ها در مقابل چه کردند - و در افغانستان چه اقدامی نمودند - افغانها با انگلیس چه رفتار نموده و بالاخره بکجا منتهی گشت روسها ترکستان و خیوه و مرو را در چه سنه متصرف شدند بالاخره اتفاق روس و انگلیس در تعیین سرحدات آسیائی بر چه قرار گرفت - روس چه مملکتی از چین گرفت

۴۱۴ - **مملکت چین** - چین مملکتی بزرگ و بسیار صاحب ثروت جمعیت سکنه آن مملکت تقریباً بچهار صد ملیون میرسد که معادل سکنه تمام ممالک اروپ است محصولات چین برنج و چای و پنبه و غیره است ظروف چینی و ابریشم بسیار در آنجا عمل میآورند که تجارت بزرگ با آنها میتوان کرد ولی چینی ها ملل خارجه را دوست ندارند و با هیچ مملکتی و قومی آمیزش نمیکنند بسیاری

چین چگونه مملکتی است و جمعیت سکنهٔ آن چقدر است محصولات چین چه

بشارت

جشن گلها - الهه)

ـ از خواتین محترمه

ـیران واقعه در خیابان لاله زار

ـرداد ۱۳۰۶ درساعت ۷ بعداز ظهر

ـهـه

ـدهٔ آکتریسهای ماهر برای خواتین محترمه

چون وزارت معارف تعطیل بود ثبت نشد

دوست ندارند و با هیچ مملکتی و قومی آمیزش نمیکنند بسیاری

از چینی ها کشیدن تریاک عادت داشتند و انگلیس ها تریاک زیاد بچینی ها میفروختند دولت چین تجارت تریاک را قدغن نمود و در سنه ۱۸۳۹ موازی بیست و دو هزار صندوق تریاک را که کشتیهای انگلیس حمل کرده بودند بدریا ریخت و دولت انگلیس بانتقام این ضرر با چین ابتدا جنگ نموده در سنه ۱۸۴۲ چین را مجبور کرد که پنج بندر از برای تجارت باز نماید و اروپائی ها حق داشته باشند مال التجاره خود را در آنها فرود آورده بچینی ها بفروشند ولی چون چینی ها این معاهده را از روی عنف و اضطرار قبول کرده بودند با مأمورین فرانسه و تجار انگلیس بدرفتاری میکردند بالاخره انگلیس و فرانسه متفق گردیده دو جنگ با چین کردند از سنه ۱۸۵۷ تا سنه ۱۸۶۱ قشون قلیلی از فرانسه که دوازده هزار نفر بودند در پالیکائو چهل هزار نفر سواره تاتار چینی را شکست داده در سنه ۱۸۶۰ داخل شهر پکن شدند و دولت چین چند بندر دیگر از برای اروپائیها مفتوح نمود

سؤالات

چین چگونه مملکتی است و جمعیت سکنه آن چقدر است محصولات چین چه

چیز است صنایع چینی ها چیست باعث جنگ انگلیس با چین چه بود —
و بالاخره بکجا منتهی گشت انگلیس و فرانسه با چین چه کردند

۲۱۵ — **اروپائیها در ژاپون** — سابق براین ژاپون نیز
مانند چین برار و پائیها مسدود بود جز آنکه هلاندیها در آنجا یک بندر
داشتند در سنه ۱۸۵۸ حکمران ژاپون که در بدو نود معاهده معروف
بمعاهده بدو را با آتازونی و روس و فرانسه و انگلیس منعقد ساخت و بموجب
آن معاهده اروپائی حق داشت مال التجاره خود را در بنادر ژاپون
بفروشد از آن زمان ژاپونیها با اروپائیان آشنائی پیدا کردند و تقلید
آنها را نموده راه آهن ساختند و مدارس تأسیس نموده تلگراف
ترتیب دادند و کارخانجات بخار ایجاد کردند در قشون ژاپون خدمت
نظامی اجباریست و قشون بحری ژاپون با قدرت ترین قشونهای
بحری عالم است

سؤالات

سابق براین ژاپون چه حال داشت و با کدام دولت معاهده کرده بود
بعد از آن ژاپونیها چه کردند خدمت نظامی آنها از چه قرار است

۲۱۶ ـ ژاپونیها واروپائیها درچین ـ در سنه ۱۸۹۴ قشون بری
وبحری ژاپون بمملکت چین داخل شده چینی ها را درخشکی و دریا شکست
دادند دول اروپا بمیان افتاده ازچین حمایت نمودند
ولی طایفه ماندارل که حکمران چین هستند ازاروپائیها نفرت دارند
وآنها را تحقیر میکنند وچون میخواهند مملکت چین برای چینی ها باقی باشد
میترسند روپائیها مملکت آنها را ضبط کنند در سنه ۱۹۰۰ متعصبین چین
وبکسرها مأمورین مذهبی اروپا را بقتل رسانیدند وسفرای دول اروپا را
در پکن محاصره نموده وزیر مختار آلمان راکشتند اروپائیها وژاپونیها
بجهت امداد واستخلاص سفرای خود قشون فرستادند وپانزده هزار
قشون ایشان پکن را مسخر نموده سفرای دول را اخلاص کردند وشهر را
غارت نمودند دولت چین تعهد نمود که باروپائیها خسارت جنگ
بدهد دول اروپا وممالک اتازونی وژاپون ثروت چین را بردند
و درتقسیم آن بایکدیگر اتفاق نمودند ژاپون در سنه ۱۹۰۲ برای ضدیت
روسها با انگلیس متفق گردید وبافرانسه نیز اتفاق نمود

سؤالات

ژاپون با چین چه کرد — دول اروپا چه کردند — متعصبین چین با اروپائیها چه کردند — اروپائیها و ژاپونیها در چین چه اقدام نمودند — دول اروپ و اتازونی و ژاپون با ثروت چین چه کردند

۲۱۷ — **جنگ روس و ژاپون** — روسها متعهد شده بودند که بعد از ساختن راه آهنی که از وسط مانچوری میگذرد آن مملکت را تخلیه نمایند ولی در وعده خود بمسامحه و طفره گذرانیدند و ژاپونیها چون نمیخواستند روسها بآن اندازه نزدیک آنها باشند سخت بر آشفتند و در تخلیه مانچوری عجله نمودند در سنه ۱۹۰۴ فعلاً اقدام بجنگ روس نمودند و ابتدا قسمتی از قوه بحری روس را در بندر پرت ارتور که مدخل مانچوری بود نابود ساختند و بعد از یکسال جنگ هولناک چون قشون روس غیر مرتب بود و فرماندهان خوب نداشتند ژاپونیها ایشان را تا آخر خاک مانچوری براندند و پس از مدت هشت ماه محاصره بندر پرت ارتور را تصرف کردند و همچنین قشون بحری جدیدی که روس بدریای ژاپون فرستاده بود درهم شکستند بالاخره روسها مانچوری را تخلیه نموده طالب صلح شدند و ژاپونیها بجای ایشان به بندر پرت آرتور

رفتند چینی ها بعد از انکه ترقی و غلبه ژاپونیها را بواسطه علوم و تربیت صحیح ملاحظه نمودند دیگر اهالی مغرب را کمتر تحقیر مینمایند و از علوم ایشان کمتر نفرت دارند و مانند ژاپون شروع کرده از برای تعلیم و تعلم و تربیت بامریک و اروپا میروند

سؤالات

روسها درباب مانچوری چه تعهد کرده بودند — دولت ژاپون با روس چه اقدامی نمود بالاخره کار بکجا رسید — علت شکست روس چه بود — چینی ها بعد از مشاهده ترقی و غلبه ژاپون چه میکنند

۲۱۸ — **جلاء وطن چینی ها** — عده نفوس مملکت چین خیلی زیاد است بحدیکه محصول ممالک چین کفایت مؤنه قوت آنهارا نمینماید و از این جهت بسیاری از آنها بعنوان عمله گی و رعیتی یا تجارت و غیره از چین جلا نموده بممالک خارج میروند و چون اهالی چین کم خوراک هستند و طاقت سرما و گرما را زیاد دارند و بسیار صرفه جو هستند در همه جا میتوانند زیست نمایند و اجرت از عمله اروپائی کمتر میگیرند راه آهن امریکا را چینی ها ساختند و پیوسته در جزایر

اسانی بتجارت مشغولند

عده نفوس چینی ها علی الاتصال در تزاید است و معلوم نیست عاقبت جمعیت آنها بچه اندازه خواهد رسید

سئوالات

باعث جلای وطن اهالی چین بممالک خارجه چیست — اهل چین چگونه مردمانی هستند — عده نفوس آنها از چه قرار است

۲۱۹ — **فرانسه در هند و چین** — مملکت هند و چین مثل هندوستان مملکتی ثروت خیز است و در میان چند پادشاه منقسم بود که قشون آنها بسیار بد بود در سنه ۱۸۲۴ یک قسمت از بیرمان را انگلیسها تصرف کردند و از طرف فرانسه مأمورین مذهبی بآن مملکت رفته بودند اهالی آنجا چند نفر از مأمورین فرانسه را بقتل رسانیدند دولت فرانسه قشونی بآنجا فرستاده سایگون را ضبط نمود و بعد در سنه ۱۸۶۲ سه ایالت دیگر از آنجا را متصرف شد و از این ایالات مملکت کشنشین تشکیل یافت این مملکت بسیار باثروت است ولی هوای بسیار بدی دارد تونکن در سمت شمال هند و چین است بعد از آنکه فرانسه قشون بری و بحری خود را بآنجا فرستاد

در سنه ۱۸۷۴ تون کن را تقریباً بدون جنگ گرفتند ولی دولت فرانسه از
این فتح و نصرت بهره نبرد و در سنه ۱۸۸۳ دوباره شروع بجنگ نمود
و در این نوبت با قشون چینی طرف جنگ و نزاع گردید زیراکه چینی ها
نمیخواستند فرانسه ها باین اندازه بآنها نزدیک باشند و بالاخره
در سنه ۱۸۸۵ چینی ها قرارداد تیان تسن را دادند و تون کن و انام را بفرانسه
واگذاشتند امروز تون کن و کشنشین و انام و کامبوج باسم هند
چین فرانسه موسوم و در تحت حکم یکنفر فرمان فرماست و فرانسه ها
دزدانی که مال التجاره تجار را در عرض راه میربودند از آن مملکت بیرون
کردند در این مملکت برنج و چای و قهوه و نی شکر و پنبه بعمل میاید در سنه ۱۹۰۲
در هانوی که پای تخت تون کن و محل اقامت فرمانفرماست اکسپوزیسیونی
از محصولات هند و چین داده شد از رودهای هند و چین رود احمر
و مکنگ بالا رفته بچین رسند فرانسه ها اهتمام دارند که از سمت جنوب
چین داخل شوند زیراکه در آن سمت معادن معتبر هست که قابل اخراجست
از سنه ۱۸۸۵ انگلیسها طرف مغرب هند و چین را تصرف کرده و اهتمام
دارند که از رودهای ایروادی و مکنگ داخل چین شوند و از این جهت

فرانسه و انگلیس بر سر تصرف ملک نزاع داشتند تا در سنه ۱۸۹۶ بایکدیگر صلح نموده سواحل رود ملک را مابین خود سرحد قرار دادند در جنوب هند و چین در میان متملکات انگلیس و فرانسه مملکت سیام واقع شده که مستقل است انگلیسها و فرانسه ها میخواستند آن مملکت را تصرف نمایند تا در سنه ۱۸۹۳ یک جزو از آن را فرانسه ها بعد از یک جنگ تصرف کردند و از این جهت اهالی سیام با فرانسه بغض دارند و با انگلیس ها اظهار دوستی میکنند

سؤالات

مملکت هند و چین چگونه مملکتی است — انگلیس و فرانسه در آنجا چه اقدام نمودند فرانسه ها بعد از جنگ تانوی با که طرف نزاع گردیدند و چه شد — در کجا اکسپوزیسیون داده شد — فرانسه ها در چه امر اهتمام داشتند و انگلیسها چه کردند و بالاخره بکجا منتهی گردید — مملکت سیام در کجا واقع شده و اهالی آن با انگلیس و فرانسه چه حال دارند

۲۴۰ — **فرانسه در اسیانی** — در سنه ۱۸۵۳ فرانسه کالدونی جدید را تصرف نمود این جزیره خیلی بزرگ و تقریباً تمامش کویر است ولی هوای آن سالم و خوب است اروپائی ها میتوانند در آنجا

سکنی نمایند دولت فرانسه شهر نومه آرا در این جزیره بنا نمود مقصرین را آنجا میفرستند در سنه ۱۸۷۹ دولت فرانسه جزیره تاییتی و جزایر سوسیه ته را ضمیمه متملکات خود ساخت . این جزایر اماکن بسیار خوبی هستند نباتات در آنجا بدون کشت و زرع میروید هوای آنها بقدری سالم است که شب در زیر هوا خوابیدن ممکن است طوایف وحشی که در آنجا ساکن بودند متدرجاً عده نفوسشان نقصان می پذیرد و فرانسه ها در جای ایشان سکنی میکیرند

سؤالات

کالدونی جدید را کدام دولت تصرف نمود — این جزیره چگونه جائی است دیگر دولت فرانسه کجا را ضمیمه متملکات خود ساخت — جزایر تاییتی و سوسیه ته چه حالی دارند طوایف وحشی که ساکن آنجا هستند چه حال دارند

۲۲۱ — **انگلیس در استرالی** — کمتر از صد سال قبل از این ساکنین استرالی مردمانی وحشی و احمق و فرومایه بودند نه خانه و منزلی داشتند و نه گله و رمه مردمانی صحراگرد و بی فائده بودند در سنه ۱۷۸۷ جمعی از انگلیس با چند نفر مقصر که در تحت محافظت سربازان بودند بآنجا

فرود آمدند و چندراس گاو و گوسفند با خود داشتند و در ملک سدنه
ماوی گرفتند وسط مملکت استرالی صحرای ریگزار است ولی اماکنی
که نزدیک ساحل است همگی چمن و خرم است چندی از ورود انگلیسها
نگذشت که گله گوسفند زیاد و بواسطه خوبی آب و هوای آنجا فراهم آوردند
و پوست گاو و پشم گوسفند خود را فروختند و چون هوائی سالم و حاصلخیز
داشت انگلیسها متدرجاً بآنجا آمدند و دولت نیز در عرض پنجاه سال
مقصرین را بآنجا فرستاد تا استرالی صاحب یکصد و پنجاه هزار جمعیت
سکنه گردید

در سنه ۱۸۵۱ معدن طلای معتبری در ایالت ویکتوریا پدید آمد و معدن
چیان بسیار از اطراف بلاد بدانجا روی آوردند و مشغول کار گردیدند
در مدت چهار سال معادل هزار ملیون طلا از معدن مذکور استخراج
نمودند ایالت ویکتوریا که سابق بر این یکصد و هفتاد هزار جمعیت سکنه داشت
امروز ساکنین آن بیک ملیون میرسد

از سنه ۱۸۴۵ مهاجرین و سکنه استرالی نخواستند دیگر مقصر بآنجا فرستاده
شود ولی در هر سال قریب چهل هزار نفر از بلاد و اوطان خود جلای

وطن کرده باسترالی میرفتند بعضی ازبرای استخراج طلا و بعضی دیگر
بجهت تربیت گله و رمه تا جمعیت سکنه آنجا امروز بچهار ملیون میرسد
و تمام مملکت استرالی شش قطعه تقسیم شده در سنه ۱۹۰۱ این شش قطعه با
یکدیگر متحد شده و جمهوری استرالی را تشکیل داده
زلاند جدید مملکت کوهستانی قشنگی است و صاحب رودخانه است در سنه ۱۸۴۲
که هنوز زلاند بتصرف انگلیس درنیامده بود چند نفر فرانسوی بآنجا رفته
ساکن شده ولی بعدها جمعیت انگلیس در آنجا بیشتر جمع گردید تا اول زلاند
ضمیمه ممالک انگلیس گردید و سکنه آنجا امروز هشتصد هزار نفر است

سؤالات

صد سال قبل ازاین ساکنین استرالی چه حال داشتند - انگلیسها اول
بچه ترتیب بآنجا رفتند و در آنجا چه کردند آب و هوا و حال اراضی استرالیا از
چه قرار است جمعیت سکنه آن چقدر است در ایالت ویکتوریا چه چیز پدید
آمد و باعث چه چیز گردید - سکنه استرالی امروزه چقدر و بچند ایالت تقسیم
شده زلاند جدید چگونه مملکتی است و کدام طایفه اورا متصرف شدند
جمعیت سکنه زلاند امروزه چقدر است

خلاصه که باید از بر نمایید

اولاً از سنهٔ ۱۷۵۷ الی سنهٔ ۱۸۵۶ انگلیسها هند را متصرف شدند و در سنهٔ ۱۸۵۷ سپاهیان هندی که هندو مذهب بودند شورش نموده انگلیسها را بقتل رسانیدند و دولت انگلیس با قوهٔ قشون آنها را مقهور ساخته هندوستان را مالک شد

ثانیاً ـ از سنهٔ ۱۷۹۹ روسها علی رغم انگلیس ها که بلوچستان را متصرف شده بودند بممالک آسیا آمده بسمت هند بنای پیش رفتن را گذاشتند و در سنهٔ ۱۸۶۷ ترکستان را مسخر ساخته در سنهٔ ۱۸۷۳ خیوه را مالک شدند و در سنهٔ ۱۸۵۸ درهٔ عظیم رود آمور را از چینی ها گرفتند و راه آهن وسط سیبری را از وسط مانچوری گذرانیدند ولی در سنهٔ ۱۹۰۵ از ژاپونیها شکست یافته مجبور شدند مانچوری را تخلیه کنند

ثالثاً ـ مملکت چین که زیاده از چهارصد ملیون جمعیت سکنهٔ آن است سابقاً از راه دادن خارجه بمملکت خود امتناع داشت دولت انگلیس از برای تریاک با او جنگ نمود و از سنهٔ ۱۸۳۹ الی سنهٔ ۱۸۴۲ فرانسه و انگلیس

متفقاً با چین جنگ نموده بعد از فتح کالی کائو در سنهٔ ۱۸۶۱ داخل پکین شده
دولت چین مجبور کردید که چند بندر از برای تجارت اروپائی باز کند در سنهٔ ۱۸۹۴
ژاپون چین را مغلوب ساخت و در سنهٔ ۱۹۰۵ اروپائیها یاغی گری بکسرها را
رفع نمودند و چینی ها قلباً از اروپائیان نفرت دارند

رابعاً — عدّه زیاد از چینی ها برای عمله گی و تجارت جلای وطن کرده بامریکا
و اسافی میروند

خامساً — ژاپون نیز مدّتها بر روی اروپائیها مسدود بود در سنهٔ ۱۸۵۸ مفتوح
کردید ژاپونیها شروع بتقلید اروپائیها نمودند

سادساً — در سنهٔ ۱۸۵۳ فرانسه کالدونی جدید را تصرف کرده و مقصرین را
بآنجا فرستاد و در سنهٔ ۱۸۷۹ جزیره مایتی را تصرّف نمود

سابعاً — از سنهٔ ۱۸۶۲ الی ۱۸۶۷ فرانسه کشنشین را مفتوح ساخت و از سنهٔ ۱۸۷۳
الی سنهٔ ۱۸۸۳ تونکن را مفتوح ساخته انام و کامبوج را در تحت حمایت خود در آورد
و اکنون صاحب مملکت هند و چین است

ثامناً — انگلیس در سنهٔ ۱۷۸۸ باسترالی مهاجرنشین فرستاد و مهاجرین او بواسطه گله و رمه
و معدن طلا صاحب ثروت زیاد گردیدند و تا سنهٔ ۱۸۴۰ جمعیت سکنهٔ آنجا از مقصّرین
تشکیل شده بود ولی اکنون انگلیسها از انگلیس جلای وطن کرده بآنجا میروند و تقاضاً عدّه
آنها زیاد میشود — تاسعاً — از سنهٔ ۱۸۴۲ انگلیس زلاند جدید را مهاجرنشین قرار داد

فصل نهم

اروپائیها در افریقا و امریکا

۲۲۴ــ **فرانسه در افریقا** ــ در سنه ۱۸۳۰ فرانسه‌ها الجزیره را متصرف شدند و بعد تمام الژری را مسخر ساختند در این مملکت قبایلی ساکن بودند که کار ایشان زراعت بود و بعضی اعراب که شغلی جز جنگ نداشتند فرانسه‌ها تمام ایشان را با طاعت آورده زراعت گندم با ایشان آموختند و تاک انگور غرس نمودند و بنای شهر نهاده آنرا مملکتی فرانسوی کردند از سنه ۱۸۵۵ الی سنه ۱۸۶۰ فرانسه‌ها مهاجرنشین سنگال را تأسیس نمودند این مملکت هوائی بسیار گرم و غیر سالم دارد فرانسوی نمیتواند در آنجا زندگانی کند ولی تجار زیاد بآنجا میروند و تجارتهای با فایده میکنند بعلت اینکه مملکتی با تموّل است جمعی از صاحبمنصبان از سنگال عزیمت نموده شهری که درکناره رود بود متصرف گردند در سنه ۱۸۹۸ یکنفر غیر نظامی [illegible] را متصرف گردید که در طرف جنوب صحرا واقع شده در سنه ۱۹۰۰

فلاماند نام از دانشمندان فرانسه که در وسط صحرا واقع است تصرف
نمود در سنه ۱۸۸۲ فرانسه تونس را که با لجزیره متصل است تسخیر کرد و از
جانب خود وکیل و حامی در آن مملکت برقرار نمود مملکت تونس از
الجزیره حاصل خیزتر است فرانسه ها در آنجا درخت مو کاشتند
و راه آهن ساختند و در بیزرت بندر بزرگ نظامی بنا کردند
مملکت الجزیره و مراکش که در تحت حکومت سلطانی در آمده بود که قدرت
استقرار نظم را در آن مملکت نداشت فرانسه با انگلیس و اسپانی
متفق گردیدند که رفرم لازمه را در آنجا معمول دارند
در سنه ۱۹۰۶ آلمانی محرک شد که مجلس بین الملل در الجزیره تشکیل شود
و در آن مجلس فرانسه و اسپانی مأمور گردیدند که مالیه و پلیس مراکش را
منظم نمایند در سنه ۱۹۱۲ فرانسه ها حمایت خودشان را بر روی
مراکش انداختند باستثنای چند نقطه که در تحت حمایت اسپانی در آمده
بود و این معنی برحسب ضمانت و امضای دول بزرگ اروپا
بود فرانسه ها در ساحل خلیج گینه بعضی امکنه تجارت داشتند
بهانزیم پادشاه دهم دهات فرانسه را غارت کرد و رعایای

آنها را اسیر نموده غلام ساخت دولت فرانسه سه هزار نفر به آنجا فرستاده پای تخت دهم را تصرف کردند و پادشاه را گرفتند از سنه ۱۸۹۲ الی سنه ۱۸۹۳ مملکت دُهم جزو فرانسه بود

داخله افریقا سابق بر این بکلّی مجهول بود مکتشفین اروپا اهتمام نموده داخل آن شدند و آن مملکت را معروف ساختند

در سنه ۱۸۸۶ الی سنه ۱۸۸۹ یکنفر امریکائی ستانلی نام از تمام اراضی واقعه افریقای مرکزی عبور نموده از مصبّ رود کنگو تا زنگبار سیاحت کرد و معلوم نمود اکنه که آب آنها به رود کنگو میریزد مملکتی حاصل خیز است و سیاهانی که در آنها سکنی دارند از روی میل و رغبت با اروپائیان معامله و داد و ستد مینمایند پارچه های پنبه و گلوبند شیشه و تفنگ از اروپائیان خریده در عوض صمغ و عاج و خاک طلا بایشان میدهند و همچنین انگلیس و فرانسه و آلمانی اهتمام نمودند که در افریقای مرکزی پست ها بجهت تجارت برقرار کنند

در سنه ۱۸۸۵ در برلن مجلسی تشکیل یافت و مملکت آزاد کنگو را هم که عبارتست از تمام اراضی مشروبه از کنگو به لاُپلد دویم پادشاه بلجیک داد

ولی چون مملکت شمالی رود کنگو توسط عدّه از قشون فرانسه که فرمانده آن ساورنیان برازا بود اکتشاف شده بود مجلس پرلمان آن مملکت را کنگوی فرانسه خواند

از این قرار دامنه مهاجرنشین فرانسه در افریقا از الجزیره تا کنگو امتداد یافته در سنه ۱۹۰۰ مأمورین فورلا از شمال بجنوب طی مسافت میکرد و از الجزیره حرکت کرده از وسط صحرا عبور مینموده تا به لاک چاد رسیده از کنگوی فرانسه مراجعت میکرد

در مشرق افریقا در ساحل خلیج عدن بندر اُبُک و جیبوتی از متملکات فرانسه است

در میانه متملکات فرانسه یعنی ما بین کنگو و خلیج عدن مملکت علیای نیل واقع شده در سنه ۱۸۹۷ مارشان فرمانده بحکم وزیر متملکات از کنگو حرکت کرده از جنگلهای مرکز افریقا عبور نمود که در آنجا سیاهان آدم خوار هستند در ماه ژولیه سنه ۱۸۹۸ بفاشودا که در کنار رود نیل واقع شده متصل گردید در آن وقت انگلیسها بر متمهدی سودانی ظفر یافته از سمت نیل بطرف بالا رفته و بفاشودا رسیده بودند در سنه ۱۸۹۸

وادعا نمودند که تمام مملکت نیل متعلق بانگلیس است و از مارشان تقاضا
نمودند که فاشودا را ترک نماید و گفتند در عوض آن تمام زمینهای
طرف مغرب شعبه های رود نیل متعلق بفرانسه باشد در سنه ۱۸۹۹
جزیره مادا گاسکار که قدری از مملکت فرانسه بزرگتر است با مقداری
فاصله در طرف مشرق افریقا واقع است از زمان ریشلیو تجار فرانسه
در آنجا برقرار بودند در قرن نوزدهم دعات انگلیس ملکه طایفه
هوا را بمذهب عیسوی در آوردند و طایفه هوا مردمانی جنگی هستند
که مادا گاسکار را تصرف کرده اند انگلیسها ایشانرا برانگیختند تا
تجار فرانسه را غارت کردند دولت فرانسه بجهت مدافعه تجار خویش
مقداری قشون بحری بآنجا فرستاد و بندر تاماتاو را بمبارده کرد
ملکه هوا ها بندر دیگو سوارز را بفرانسه ها واگذاشت و بایشان اجازه
داد که در پایتخت یعنی تاناناریو یکنفر نماینده از جانب دولت فرانسه
برقرار باشد مطابق سنه ۱۸۸۵

ولی ملکه هوا بدانچه متعهد شده بود وفا ننمود و در سنه ۱۸۹۵ دولت
فرانسه پانزده هزار قشون بمادا گاسکار فرستاد آب و هوای این جزیره

درسواحل تقدری غیر سالم است که بسیاری از قشون فرانسه از تب تلف شدند و با وصف این باقی قشون مزبور تاناناریو را تصرف کردند بلکه هوا هموارتر گردیده ماداگاسکار بکلی مهاجرنشین فرانسوی گردید فرانسه ها خرید و فروش غلام را در آنجا منسوخ کردند و زراعت برنج و نی شکر را برافزودند و از جنگلهای آن کاوتشوک (کلاستیک) بعمل آوردند و راههارا ساخته خط آهن کشیدند بندر نظامی دیگ سوارز در ساحل اقیانوس هند و مشرف بر راه کاپ است و کاپ مهاجرنشین هند انگلیس است

یکنفر فرانسوی موسوم بفردیناند لسیپث کانال سویس را کند که از آنجا مستقیما بهند و چین میروند بدون اینکه دردور افریقا را سیاحت کردند

سؤالات

فرانسه ها آنجزیره را درچه سنه متصرف گشتند — در آن مملکت چه قبایلی ساکن بودند — فرانسه ها مهاجرنشین سنگال را درچه سنه تاسیس کردند — آب و هوای آنجا چطور است — صاحبمنصبان از سنگال بکجا عزیمت کردند — درچه سنه فرانسه تونس را مسخر ساختند

در آنجا چه کرد فرانسه با انگلیس و اسپانی در باب الجزیره و مارک چه اتفاق نمودند. آلمانی در خصوص مراکش چه چیز را محرک شد. فرانسه با مراکش چه حال حاصل نمود. پادشاه دهم بادهات فرانسه چه کرد و فرانسه چه اقدام نمود. داخلهٔ افریقا سابق بر این چه حال داشت ستانلی امریکائی چه کرد. سیاهان سکنهٔ آنجا با اروپائیان چه حال دارند و چگونه معامله میکنند. انگلیس و فرانسه و آلمانی در افریقای مرکزی چه اهتمام ورزیدند. مجلس برلن مملکت کنگو را بکه داد. در سنه ۱۹۰۰ مأمورین فور لا از کجا بکجا طی مسافت میکردند. در میان مستملکات فرانسه چه ملکی واقع شده. مارشان فرمانده از کجا حرکت نموده بکجا رسید و انگلیسها در آنوقت چه کردند. جزیره ماداگاسکار در کجا واقع شده و دعات انگلیس با ملکه هوا چه کردند. طایفهٔ هوا با تجار فرانسه چه رفتار نمودند و دولت فرانسه چه کرد. ملکهٔ هوا متعهد چه مطلب گردید و چه کرد و بکجا منتهی شد. فرانسه ها در آنجا چه اقدامات کردند. بندر دی گ شوارز در کجاست. کانال سویس را که حفر نمود

۲۲۳ـ انگلیس ها در افریقا

انگلیس ها در ساحل

گیسها در عدن در نزدیک مدخل بحر احمر (دریای قلزم) برقرار کردند
و در جنوب افریقا مهاجرنشین ماغه را از هلاندیها گرفتند در سنه ۱۸۱۵
بعد از آن از ماغه حرکت کرده اهتمام نمودند که دامنه اقتدار خود را
بطرف شمال وسعت دهند در سنه ۱۸۹۰ پرتوکالیها را مجبور کردند که زامبزیا را
بآنها واگذارند. در میان ماغه و زامبز جمهوریهای ترانسوال و اورانژ
بود که بوئرها مسکن داشتند در عیتهائی بودند که بتربیت مواشی و احشام
مشغول بودند اصلا این جماعت از اولاد برزگران هلاندی و پرتستانهای
فرانسه هستند که عهدنامه نانت را مخالفت نموده از اوطان خود خارج
شدند. چندین نوبت انگلیسها خواستند ممالک ایشان را تصرف نمایند
ولی از عهده آنها برنیامده مغلوب گردیدند و مجبور شدند بوئرها را
آزاد بشناسند

در سنه ۱۸۹۹ بوئرها ملاحظه نمودند که انگلیس قشون زیاد بماغه میفرستد
و از این معنی مضطرب گردیدند بالاخره جنگ مابین ایشان درگرفت
و مدت دو سال طول کشید بوئرها سردارهای قابل و رشید داشتند
از قبیل ژوبرت دگرنز و دو ولار و بوتا و بسیاری از انگلیسها را

بقتل رسانیده مهاجرنشین کاپ را گرفتند انگلیس مجبور گردیده دویست
هزار قشون با بهترین سردارهای خود بجنگ ایشان فرستاد عدهٔ بورها
بسیار کم بود و انگلیس ها زراعت آنهارا تلف نموده زنان و اطفال ایشانرا
اسیر و در اردوهای خود حبس میکردند که در آنها هزارها از ایشان بمردند
بالاخره بورها مجبور بصلح گردیده در سنه ۱۹۰۲ از آزادی خودشان
دست برداشتند امروز انگلیس تمام ممالک جنوب افریقا را از کاپ
تا زامبز مالک است در طرف شمال دره نیل را متصرف شده و
شروع نموده راه آهنی از وسط افریقا بسازد که امتداد آن از
کاپ تا قاهره باشد در افریقای شرقی بجز یک نفر شاهزاده آزاد
باقی نمانده و او نیکوست یا منلیک پادشاه حبشه است در سنه ۱۸۹۶
سلطان حبشه ایطالیاییها را در ساحل بحر احمر شکست داد زیرا که ایطالیاییها
میخواستند از مقر خود پیش رفته تسخیر نمایند اما باوصف این پادشاه
حبشه با سایر اروپاییان که بمملکت او میروند کمال خوش رفتاری را
دارد و همیشه از اهل اروپا طرف مشورت قرار داده از ایشان سخن شنوی
دارد و خیال دارد اجازه بدهد که فرانسه ها راه آهنی از جیبوتی

تا پایتخت او بکشند

سؤالات

انگلیسها در چه مکان از افریقا در ابتدا برقرار گردیدند و بعد از آن چه کردند — در جمهوریهای ترانسوال و اارنژ چه اشخاص ساکن بودند و اصل ایشان از کجا بود جنگ انگلیس با بوئرها چقدر طول کشید و بالاخره دولت انگلیس چه اقدامی نمود — امروز انگلیس در افریقا از کجا تا کجا را مالک است سلطان حبشه با ایطالیائیها چه کرد و رفتار او با سایر اروپائیان چگونه است

۲۲۴ — **اتازونی** — اتازونی جمهوری بزرگی است که از چند مملکت تشکیل یافته در سنه ۱۷۸۳ عده ممالک متحده آن سیزده مملکت و جمعیت سکنه آن زیاده از سه ملیون نبود

تمام اراضی مابین میسیسیپی و اقیانوس کبیر مرغزارهای سبز و چمنهای خرم بود و گله های گاو کوهی در آنها میچریدند و طوایف وحشی نیز ساکن بودند ولی چون این اراضی حاصلخیز بود برزگر و اهل زراعت بسیار بدانجا رفته مشغول زراعت شدند و چندین شهر بزرگ در آن ملک بنا کردند

در سنهٔ ۱۸۴۸ در کالیفرنی جدید که اراضی آن تقریباً بیابان است معدنهای
طلا کشف شد و در جستجوی طلا از هر سوی رو بدانجا در تکاپو آمدند
تا کالیفرنی جدید مملکتی گردید صاحب یک ملیون و پانصد هزار جمعیت و
راه آهن بزرگ اقیانوسی در آن ساختند که از تمام امریکای شمالی
میگذرد و با آن از نیویورک در ساحل اقیانوس بسان فرانسیسکو
در ساحل اقیانوس کبیر در مدت هفت روز طی مسافت میکنند
امروزه اتازونی عبارت از چهل و پنج مملکت و هشتاد ملیون جمعیت است
و همه ساله مقدار زیادی اروپائیها مهاجرت کرده بامریکا میروند
از سنهٔ ۱۸۹۰ تقریباً هشت ملیون بر جمعیت سکنهٔ انجا افزوده شده است
ولی امروز دیگر کمتر باتازونی مهاجرت میکنند زیرا که مثل سابق تحصیل ثروت
در آنجا آسان نیست ممالک اتازونی هفده برابر مملکت فرانسه است و
هنوز اراضی لم یزرع در آنجا زیاد است

در خاک اتازونی معدن ذغال سنگ زیاد است که مهم ترین معادن
عالم است امریکائیها ذغال را بجهت حرکت ماشینها بکار برده فایدهٔ
تجارتی زیاد حاصل کردند

از برای ساختن و فروختن امتعه کمپانیهای بزرگ صنعتی و تجارتی تشکیل دادند که آنهارا تروست بنامند مقصودشان آنستکه محصولات خودرا بسایر ممالک امریک نفروشند و آنهارا از محصول و متاع اروپ مستغنی سازند میگویند اروپائی نباید مداخله در امریکا داشته باشد و این معنی از کلام مُنرا ماخوذ است که گفته «امریکا مخصوص امریکائیان است»

و نیز مدعی هستند که آنچه در اقیانوس هند است باید در تصرف ایشان باشد فرانسه ها منجو استند کانال پاناما را در امریکای مرکزی حفر نمایند از برای اینکه اقیانوس کبیر را با اقیانوس اطلس اتصال دهند ولی نتوانستند از عهده برآیند اما امریکائیها هنوز در این عزم هستند

در سنه ۱۸۹۸ امریکا با اسپانی جنگ نمود از برای اینکه او را مجبور کند تا آن جزیره کوبا دست بدارد و آنجا آزاد شد بلکه بعد از این جنگ اسپانیولیها مجبور شدند جزیره پورتریک که در آنتیل ها واقع است با مریکا واگذارند و همچنین ارشیپل (دسته جزیره) فیلیپین که در اقیانوس کبیر محاذی چین میباشد فرانسه ها طبعاً دوست امریکائیها هستند بجهت اینکه

امریکا هم مانند فرانسه جمهوریست و دلیل آنکه فرانسه ها در قرن هیجدهم اهل امریکا را کمک نمودند تا آزادی خودشان را بدست آورند

سؤالات

آتازونی در ابتدا چند مملکت و عده سکنه آنجا چه مقدار بود — چه واقع شد که آبادی آن اراضی فزونی گرفت — امروزه عده ممالک متحده و جمعیت سکنه آنها چقدر است — در آتازونی کدام معدن مهم فراوانست و با آن چه میکنند — مقصود اهالی آتازونی چیست و چه میگویند — فرانسه ها در آنجا چه خیال داشتند — امریکا با اسپانی از برای چه جنگ نمود و بکجا منتهی گردید

۲۲۵ — **کانادا** — در سنه ۱۷۶۳ انگلیس ها کانادا را از فرانسه ها گرفتند در حالی که جمعیت فرانسویان ساکنین آنجا شصت هزار نفر بود و امروزه عده نفوسش ایشان دو ملیون است

کانادای سفلی بکلی مسکن فرانسویان است که مذهبشان کاتولیک و با زبان فرانسه حرف میزنند و در آکادی هم صد هزار فرانسوی

هست که از دویست سال قبل از نسل برزگرهای فرانسه بوجود آمده‌اند

سؤالات

کانادا سابقا چقدر جمعیت داشت — واکنون جمعیت آنجا چقدر است

۲۲۶ — **مکزیک** — ساکنین مکزیک کاتولیک مذهب هستند و بازبان اسپانیولی حرف میزنند در این مملکت از نژاد اسپانیولین قدیم هشتصد هزار نفر بیشتر نیست باقی اهالی مکزیک از نسل هندیهای قدیم هستند مدتی بواسطه جنگهای داخلی روابط اتحاد بین طوایف مکزیک قطع شده بود تا در سنه ۱۸۶۳ ناپلیون سیم مکزیک را تصرف نمود و امارت آنجا را بیکی از شاهزادگان اطریش موسوم به ماکزیمیلین داد و او مدتی امپراطور مکزیک بود تا هنگامیکه مکزیکی ها در سنه ۱۸۶۷ سربازان فرانسه را بکمک خود طلبیدند ماکزیمیلین را گرفته تیرباران کردند ومکزیکی ها جمهوری خود را برقرار نمودند امروز مکزیک مملکتی آرام است و مکزیکی ها تجارت های عمده با اتازونی دارند و مملکت ایشان توسط دو خط آهن با آتازونی وصلت

سئوالات

از اهالی مکزیک حرف بزنید ناپلیون سیم با مکزیک چه کرد و کجا انجامید مکزیکی ها با کجا تجارت و مواطه دارند

۲۲۷ — جمهوری آرژانتین

جمهوری آرژانتین مملکتی است که جلگه های وسیع دارد و هنوز اغلب آن جلگه ها چمن و مرغزار است که پامپا گویند گله های بزرگ از گاو و گوسفند در آنجا تربیت میکنند سکنه آن مملکت کاتولیک مذهب اند و بالغت اسپانیول حرف میزنند اصلا از نسل اسپانیولیان قدیم هستند از ده سال قبل از این اتصالا اهالی اروپا بانجا هجرت میکنند یعنی اقلا در هر سال یکصد و چهل هزار نفس میشوند که نصف آنها ایطالیائی هستند بسیار هم فرانسویند بخصوص از طوایف باسک جمهوری آرژانتین امروز چهار ملیون جمعیت دارد

سئوالات

جمهوری آرژانتین چگونه مملکتی است سکنه آن چه مذهب و زبانی دارند آیا از اروپا کسی بانجا هجرت مینماید

خلاصه که باید از بر نمایند

اولاً — از تاریخ ۱۸۳۰ دولت فرانسه الجزایر را مسخر ساخت و از آن
بعد ولایتی فرانسوی گردید
و در سنه ۱۸۵۵ الی سنه ۱۸۶۰ سنگال را مسخر ساخت که مملکتی ثروت خیز است
ولی هوائی غیر سالم دارد
و در سنه ۱۸۸۲ تونس را تسخیر نمود در سنه ۱۸۸۵ کنغوی فرانسه را متصرف شد
و در سنه ۱۸۹۳ دهیم را که در ساحل گینه واقع است مالک شد
و در سنه ۱۸۹۵ ماداگاسکار را بحیطهٔ تصرف درآورد
و در سنه ۱۸۹۸ لاک (دریاچه) چاد را مالک شد
و در سنه ۱۹۰۰ جزایر صحرا را مفتوح ساخت و همچنین تمام اراضی واقعه
در مغرب و ذیل در ملکیت فرانسه میباشد
ثانیاً — انگلیس در سنه ۱۸۹۵ کاپ (دماغه) را و سواحل گینه و عدن را
تصرف نمود در سنه ۱۸۹۰ زانزبار را تسخیر کرد و پس از جنگ دو ساله ترانسوال
و ارانژ را متصرف شد متملکات انگلیس در افریقای شرقی از کاپ تا قاهره ممتد و فتح

ثالثاً — اتازونی که در سنه ۱۷۸۳ بیش از سیزده مملکت و سه ملیون نفوس نداشت امروز صاحب چهل و پنج مملکت و هفتاد ملیون سکنه میباشد در کالیفرنی معادن طلا کشف شد و راه آهن از اقیانوس کبیر کشیده از وسط تمام امریکای شمالی عبور میکند

اشخاصی که از اروپا جلای وطن میکنند بسیاری باتازونی میایند خاصه از ایرلاندیها و المانها امروزه اتازونی ادعا میکند که هر آنچه در اقیانوس کبیر واقع است مخصوص من است

رابعاً — کانادا که در سنه ۱۷۶۰ شصت هزار جمعیت داشت امروزه دو ملیون سکنه دارد که غالباً فرانسوی و در تحت حکومت انگلیس هستند در امریکای شمالی وحشیان بومی تقریباً همگی تمام شده اند

خامساً — ساکنین مکزیک مخصوصاً از نژاد قدیم هندی هستند و پس از جنگهای طولانی داخلی در سنه ۱۸۶۳ ناپلئون سیم مکزیک را مسخر ساخت و آنجا امپراطورنشین گردید ولی مجدداً در سنه ۱۸۶۷ جمهوری شد

سادساً — جمهوری آرژانتین که جزو اعظم او صحرا و بسیار حاصلخیز است سکنه آن اسپانیولی هستند ولی بسیاری از ایطالی و فرانسه از وطن خود جلا نموده باینجا میایند

ماحصل کتاب چهارم

اولاً — در قرن نوزدهم چیزهای عمده مهم بسیار پیدا شد که در هیچ عصری پدید نشده بود

ثانیاً — علم سبب گردید که بسی چیزها بیش از قدیم الایام بدست آید چنانکه ماحصل زحمت خود را از یکطرف دنیا بطرف دیگر آن حمل نمودند و طوایف در اراضی جدیدی در امریکا و استرالیا پیدا شد و اروپائیان صاحب و مالک آنها گشتند

ثالثاً — مردم از سابق آزادتر گردیدند و دول مستبد قدیم از میان رفت مانند پروس و والمانی و بجز این دو دولت تمام اهل اروپا خودشان بحکومت ممالک خود اشتغال ورزند

رابعاً — بسیاری از ملل از یکدیگر جدا و متمایز گشتند

خامساً — بدبختانه در همان زمان قشونهای بزرگ تشکیل یافت پروس و اطریش و روسس بر آزادی ملل فشار وارد آوردند و پلنی را تقسیم کردند دولت پروس هم بر آزادی ملت فشار آورد و بدون رضایت اهالی هانوور و هس و ایالتهای شلسویک و الزاس لرنی ها را بخود منضم ساخت پس از روی تشخیص و تعیین نمیتوان امید صلح کامل در اروپا داشت

سادساً — اروپ یک جزء کوچکی از تمام عالم است در آسیا و استرالیا و امریکا و افریقا ممالک بزرگتر و حاصلخیزتر هست و مردمان اروپ در این ممالک مهاجر نشینها تسخیر نموده اغلب اهتمام دارند که مهاجر نشین های خود را وسعت دهند و در مهاجر نشینهای فرانسه از برای فرانسویها خیلی مکان باقی است

بسمه تبارک و تعالی

رجوع اجمالی بتاریخ هر مملکت

۱ــ **شمال افریقا** ــ **مصر** ــ درحوالی قرن ششم قبل از مسیح درتصرف کارتاژ درآمد و بعد رمنها در سنه ۱۴۶ قبل از مسیح آنجارا تسخیر کردند در سنه ۴۳۰ تسخیر واندالها گردید که مملکت واندالرا در آنجا تشکیل داد ــ و بعد از آن ژوستی نین امپراطور رم شرقی آنجارا مسخر ساخت در قرن هفتم مسیحی عربها آنجارا متصرف شدند و دین اسلام در او منتشر ساختند در قرن پانزدهم ترکها ز عثمانیان آنجارا گرفتند از سنه ۱۸۳۰ فرانسه الجزایررا مسخر نمود و در سنه ۱۸۸۲ تونس را متصرف گشت

۲ــ **آلمانی** ــ اهالی آن ژرمن بودند رمنها آلمانهارا تسخیر نکردند اهالی آلمان مملکت رم را در قرن چهارم مسیحی فرا گرفتند ژرمانیها که در آلمان باقی مانده بودند یک جزء آنها تابع مردم ژرمنها شدند و آئین عیسوی قبول کردند تسخیر مملکت آلمانی بر دست طوایف کا

لنژیها انجام یافت و ایشان در آلمان و فرانسه و ایطالی حکومت
میکردند تا زمان ورودن در سنه ۸۴۳
و بعد از آن مملکت آلمانی پادشاهان مختلف از طوایف مختلف پیدا کرد
که همگی لقب امپراطوری داشتند و این معنی از زمان اطن بود در سنه ۹۶۳
الی زمان فرانسوا ژزف در سنه ۱۸۰۶
آلمانی در تحت رایت امپراطورهای خود از قرن دهم و یازدهم و دوازدهم
سخت با قدرت بود ولی در قرن سیزدهم ضعیف گردید و بچندین پادشاه
نشین کوچک تقسیم شد و در ایّام جنگهای صلیبی ساحت آن مملکت از فرانسه
کمتر بود و بعد از آن در جنگهای پاپها با امپراطورها کلیّه منحز گردید
و از ابتدای قرن پانزدهم رفته رفته تسلّط امپراطورها کم شد و امپراطور
از خانواده اطریش منتخب گردید در آنوقت تسلّط سلطنت در آلمان
کمتر از اوقات دیگر بود در سنه ۱۵۱۹ شارلکن بامپراطوری آلمان منتخب شد
و آلمان مشغول جنگ با فرانسه بود تا زمان استعفای شارلکن در سنه ۱۵۵۶
رفرم برادر آلمان لوتر عنوان کرده آن مملکت بدو قسمت بزرگ منقسم
گشت که یک قسمت کاتولیک مذهب و قسمت دیگر پروتستان بودند پروتستانها

بمعاونت فرانسه در سنه ۱۵۵۵ تحصیل آزادی عقیده نمودند و چون امپراطورها
خواستند این آزادی را از ایشان بگیرند شاهزادگانی که پروتستان
بودند بنای شورش گذاشتند و جنگ سی ساله عبارت از همین است
که از سنه ۱۶۱۸ الی سنه ۱۶۴۸ مستمر بود امپراطورهای آلمان از شاهزادگان
کاتولیک مذهب آلمان و اسپانیول حمایت نمودند ولی چون پادشاه
سوئد و فرانسه از پرتستانها حمایت میکردند ایشان غالب آمده امپراطورها
شکست میخوردند و چون مصالحه وستفالی انجام یافت زیاده از سیصد
شاهزاده آلمانی بسلطنت مستقل نایل گشتند

در قرن هفدهم اغلب شاهزادگان آلمان در دشمنی لوی چهاردهم با
امپراطور متفق و متصل شدند

در قرن هیجدهم آلمان میدان چندین جنگ واقع شد و پروس با امپراطورها
جنگ نموده غنیمت با او بود در جنگهای شورش که آلمانیها با امپراطور
و پادشاه پروس کردند طوایف آلمان با یکدیگر متفق و متحد گردیدند ولایات
رن از آلمان مجزی شده بجمهوری فرانسه ملحق گشت ناپلیون بواسطه
فتوحات پی در پی آلمان را منقلب ساخت در سنه ۱۸۰۵ فرانسوا ژزف در

استرلیس مغلوب گردید و لقب امپراطوری آلمان از وسلب شد و بامپراطور
اطریش ملقب گردید ودرآن وقت دول متحابه از ملل آلمانی تشکیل یافت
ولی اطریش و پروس از آنها جدا بودند و ناپلیون خود را حامی دول
متحابه اعلام نمود در سنه ۱۸۱۳ آلمان بر فرانسه شورش نمودند بعد از
خرابی کار ناپلیون و برحسب عهدنامه وین مملکت آلمان بدول متحابه مرتب
گشت و رئیس آنها امپراطور اطریش بود مملکت آلمان بجای سیصد دولت
بسی و پنج قسمت تشکیل یافت

از سنه ۱۸۱۵ الی سنه ۱۸۴۹ درحالیکه تمام آلمان در اطاعت سی و پنج شاهزاده
بودند از جانب هریک از شاهزادگان سفیری مأمور گشته از کلیه ایشان
مجمعی تشکیل شد که محل آن در فرانکفور سول من بود وطن خواهان آلمان
طالب اتحاد آلمان و آزادی خودشان بودند ولی هیچکدام را نتوانستند
تحصیل نمایند در سنه ۱۸۴۸ اهالی آلمان شورش نموده وکلائی تعیین کردند که
در فرانکفور جمع شوند و یک مملکت آلمان و احدی تأسیس نمایند ولی
کسی زیر بار امپراطور شدن نرفت و بعد شاهزادگان آتش شورش را
خاموش ساختند در تمام آن اوقات پروس با اطریش مشغول نزاع

بودند و هر یک میخواستند بر دیگری تفوق و برتری داشته باشد در سنه ۱۸۶۶ مابین پروس و اطریش جنگ در گرفت و بالاخره پروس غالب گردید و اتحاد قدیمی منحل گشته دو معاهده جدید منعقد شد یکی معاهده آلمان شمالی در تحت استیلای پروس و دیگر معاهده آلمان جنوبی ولی اطریش از این هر دو معاهده خارج افتاد

در سنه ۱۸۷۰ در جنگ آلمان با فرانسه آن دو معاهده یکی و متفق گردید و بعد از آنکه بر فرانسه ظفر یافتند شاهزادگان آلمان پادشاه پروس را امپراطور کل آلمان اعلام کردند در سنه ۱۸۷۱

۳ـ انگلیس — سکنه اولیه انگلستان جمعی از سلتان و عشایر طایفه گل بودند و در آن وقت آن مملکت ابرطان مینامیدند و یکچندی مطیع رومیها بودند بعد از آن ژرمانیان این مملکت را فرا گرفتند در قرن ششم میلادی طایفه انگل و ساکسون در آن فرود آمدند و در آن وقت مملکت به انگلتر نامیده شد ایرلاند و اکش جزو انگلتر بود و انگلتر به چند پادشاه نشین منقسم بود که در هر یک از آنها طوایف انگل و ساکسون برقرار بودند در سنه ۱۰۶۶ گیلوم والی نورماندی انگلتر را تصرف نمود در ابتدا این پادشاه

در آنجا تسلطی کامل بود ولی از آغاز قرن سیزدهم تسلط او تخفیف یافت.
در جنگهای صلیبی انگلیس کمتر از فرانسه شرکت داشت همیشه پادشاهان
انگلیس با پادشاهان فرانسه در جنگها و غیره متحد و همراه بودند
در سنه ۱۴۵۳ انگلیس ها از مملکت فرانسه رانده شدند جنگهای داخلی باعث
تزلزل انگلیس گردید و آنها را جنگ دو گل سرخ مینامیدند امتداد آنها
از سنه ۱۴۶۰ الی سنه ۱۴۹۶ بود

در آخر این جنگها پادشاه انگلیس بسیار مقتدر شد و فرانسوی اول
و شارلکن با کمال میل اتفاق و اتحاد او را جلب نمودند هانری هشتم
با پاپ بنزاع برخواست و خود را از کلیسای کاتولیکها منفرد نمود بعد از
او تمام انگلیس پرتستان شدند و کلیسای انگلیکان را تشکیل دادند
در ابتدای قرن هفدهم در انگلیس دو شورش بزرگ ایجاد شد در سنه ۱۶۴۲
بر شارل اول پادشاه انگلیس شورش نمودند و شارل اول مقهور
و مقتول گردید در سنه ۱۶۴۸

و در آنوقت مملکت انگلیس در ظل حمایت کرمول جمهوری شد از سنه ۱۶۴۹ الی
سنه ۱۶۵۸ و بعد از آن دوباره سلطنت برقرار گردید ولی طولی نکشید

در سنه ۱۶۸۸ ژاک دویم از انگلیس رانده شد و گیلیوم در اثر سلطنت انگلیس ثانیه حکومت ملی مجدداً تأسیس شد

انگلیس احزاب و طوایف را برضد لوئی چهاردهم حمل نموده با دادن وجه تقویت امور ایشان میپرداخت در قرن هیجدهم انگلیس مهاجرنشین بزرگی تأسیس نمود و کانادا را از فرانسه ها گرفته شروع بتسخیر هند نمود ولی مهاجرنشین هائی که در امریکای شمالی داشت از دستش بدر رفت و خود ایشان دول متحده آتازونی را تشکیل دادند

در مدت شورش و در ضمن تأسیس مهاجرنشینها انگلیس دشمنی شدید نسبت بفرانسه حاصل نمود در سنه ۱۸۱۵ مملکت کاپ بتصرف انگلیسها درآمد و در تمام مدت قرن نوزدهم علی الاتصال مهاجرنشینهای انگلیس مزداد میشد در سنه ۱۸۵۷ انگلیس فتح هندوستان را اتمام کرده شورش سپاهیان را خاتمه داد و بجهت افتتاح بنادر با دولت چین جنگ نمود و جزیره قبرس را تحصیل کرد استرالی را مهاجرنشین خود قرار داده و عدن و مصر و سرزمین دو نیل را با تمام افریقای جنوبی متصرف شد

۴- استرالی — شرحی که در باب او گفته شد ملاحظه کنید

۵ـ اطریش ـ اطریش در ابتدا عبارت از ایالتی بود که در تاریخ با ممالک آلمان مشتبه میشود و اهمیت حاصل کردن او هم از قرن ششم شروع نمی شود و در عصر ابتدائی تاریخی ندارد

در سنه ۱۲۷۲ رودلف هابس بورک آقای کوچکی از مملکت سویس و امپراطور آلمان مملکت اطریش را که در آنوقت متعلق به بهم بود تصرف کرده و از آنزمان هابس بورک ها حکمران اطریش گردیدند از زمان فردریک سیم در سنه ۱۸۰۴ پادشاه اطریش لقب امپراطوری یافت و تاج سلطنت آلمان موروثی هابس بورکها شد

در سنه ۱۵۱۹ شارلکن که رئیس طایفه هابس بورک ها بود بامپراطوری منتخب شد و پس از کناره کردن شارلکن برادرش فردنیان که والی اطریش بود امپراطور گردید در حالیکه ممالک اطریش بود وارث بهم و هونگری شد و از آنزمان بهم و هونگری باطریش تعلق یافت

امپراطورهای اطریش که کاتولیک مذهب بودند رفرم مذهبی را مانع میشدند و نمیگذاشتند قوانین رفرمه در ممالک ایشان که اطریش بود داخل شود ولی آلمان از رفرمه دفاع و حمایت کرد و این معنی باعث

جنگ سی ساله گردید از ۱۶۱۸ الی ۱۶۴۸

و بالآخره پادشاهان کاتولیک مغلوب گردیده مجبور شدند که سلطنت شاهزادگان آلمان را تصویب نمایند و اینمعنی بتوسط معاهده وستفالی در ۱۶۴۸ انجام یافت پادشاهان مزبور بالوی چهاردهم جنگ میکردند و تمامت احزاب سیدی بر ضد او اجتماع داشتند اسپانی که دعوی امپراطوری میکرد بعد از جنگهای پی در پی که با طایفه اطریشی نمود ممالک بلجیک و میلان و ناپل را بدست آورد

در قرن هیجدهم مملکت ناپل از دست اطریش بدر شد و بیک نفر از طایفه بوربن اسپانی رسید و همچنین سیلزی را پروس از او گرفت ولی در عوض یک جزء از هونگری را که در تصرف ترکها بود از آنها گرفت

اطریش اولین مملکتی است که شورشیان فرانسه از برای آزادی با او اعلام جنگ نمودند و مملکت بلجیک و میلانه را قشون جمهوری فرانسه از اطریش گرفتند و این دولت اول دولتی است که در ۱۸۰۵ در جنگ استرلیتس مغلوب ناپلیون گردید فرانسوا ژزف بعد از خرابی کار خود از لقب امپراطوری آلمان صرف نظر نموده لقب امپراطوری اطریش را

اتحد نمود و بواسطه ناپلیون از دول متحابه ژرمانیک منفرد شده

سنه ۱۸۱۳ بر ضد ناپلیون مسلح گشت

معاهدات سنه ۱۸۱۵ مملکت لمبارد و ونیس را بامپراطور اطریش داد و در آنوقت

رئیس حقیقی دول ژرمانیک شد امپراطور اطریش همواره در مقابل پلیتیک

بنای آزادی سد میکشید در سنه ۱۸۴۸ اتزلزل بر طرف کرده و در

آنوقت وطن خواهان آلمان امید خودشان را بسمت پروس معطوف

داشتند

در سنه ۱۸۵۹ بواسطه خرابی که فرانسه و پیه منت ها وارد آوردند اطریش

ضعیف گردیده میلانه یا لمباردی از دستش رفت در سنه ۱۸۶۶

مغلوب پروس و ایطالیا گردیده ونیس از دستش رفت و از آلمان

مجزی گشت در سنه ۱۸۶۷ مجبور گردید که قانونی از برای حکمرانی مقرر دارد

و امروز چون اطریش مغلوب پروس گردیده مجبور است با او متحد باشد

۶ــ بلجیک ــ بلجیک در سابق جزء پیسا بوده و در جنب

ارث شارلکن منتقل گشت در قرن شانزدهم و هفدهم بدولت اسپانیا

تعلق گرفت لوی چهاردهم دو ایالت از او منتزع نمود یکی از توابع

در سنه ۱۶۵۸ و دیگر فلاندر در سنه ۱۶۵۹ و هر دو ایالت بفرانسه ملحق گشت
بلجیک در سنه ۱۲۱۴ بدست اطریشها افتاد در سنه ۱۷۹۲ الی سنه ۱۲۹۴ بدولت
فرانسه ملحق گشته ضمیمه آن مملکت شد در سنه ۱۸۱۴ این مملکت بهلاند واگذاشته
شد در سنه ۱۸۳۰ بلجیکی ها بحمایت فرانسه استقلال یافتند و دولت پارلمانی
تشکیل دادند

۷ــ کانادا ـــ این مملکت در قرن هفدهم مهاجرنشین فرانسه
گردید و در مدت جنگ هفت ساله بواسطه خطای دولت فرانسه در سنه ۱۷۶۳
بتصرف انگلیسها درآمد و تا امروز متعلق بانگلیس است

۸ــ چین ـــ تاریخ مخصوص او را ملاحظه کنید

۹ــ مصر ـــ مملکتی قدیم التمدن است ابتدا در تصرف فراعنه
بود یکوقتی مسخر پادشاه ایران شد و بعد اسکندر یونانی او را مسخر ساخت
و بعد از آن از ابتدای دولت رم تا قرن هفتم جزو رم شد در سنه ۶۴۰
بتصرف اعراب درآمد

در قرن دهم پادشاه نشینی مستقل گردید

در قرن شانزدهم مسخر ترکها (عثمانی) شد در سنه ۱۷۹۸ بتصرف

فرانسه درآمد و بعد دوباره ترکها او را مسخر ساختند در سنه ۱۸۰۸ محمد علی
پاشا خدیو مستقل مصر گردید

۱۰- اسپانی — ساکنین اسپانی طوایفی از اهل مملکت گل بودند
صد سال قبل از مسیح بتصرف رومیها درآمد
در قرن پنجم بربرها او را مسخر نمودند
قریب تمام ایشان مطیع ویزیگت ها بودند
در سنه ۷۱۱ اعراب آنجا را مفتوح ساختند
از قرن هشتم الی قرن پانزدهم عیسویان اسپانیول از برای تحصیل
آزادی زد و خورد میکردند مملکت اسپانی بچند پادشاه نشین کوچک
عیسوی منقسم گردیده از این قرار لئون - کاستیل - آراگن -
ناوار - پرتوگال این ممالک اغلب با یکدیگر جنگ داشتند و با
عربها نیز میجنگیدند اما در جنگهای صلیبی مشرق شرکتی نداشتند و جنگ
صلیبی آنها همان جنگی بود که با اعراب میکردند
در قرن پانزدهم ممالک عیسوی اسپانی ترقی بسیار نمود بخصوص دو مملکت
کاستیل و آراگن در سنه ۱۴۹۲ عربها را از آن مملکت بیرون کردند و در حوالی

همان تاریخ تمام ممالک اسپانی باستثنای پرتوکال یک مملکت واحده گردید

در سنه ۱۴۹۲ اسپانیولیها مملکت امریک را اکتشاف نمودند و در سنه ۱۵۲۱

مکزیک را مسخر ساختند و در سنه ۱۵۲۹ مملکت پرو را متصرف شدند و سلاطین

فرانسه را از فیروزی در ایطالیا مانع گشتند و مملکت ناپل را تصرف نمودند

در زمانیکه پادشاه ایشان شارلکن امپراطور گردید مملکت اسپانی

بسیار مقتدر شد اهالی اسپانی در مذهب کاتولیک باقی ماندند

و با تفتیش و مراقبت و مجازاتهای سخت مانع از رفرم مذهبی بودند

ترتیب ژزویت ها توسط یکنفر اسپانیولی ل الانام واقع شد

بعد از استعفای شارلکن پسرش فلیپ دویم رئیس حزب کاتولیک

اروپ گردید ولی سعیش در همه جا بهدر رفت

در قرن هفدهم اطریش با اسپانی متحد گردیده با فرانسه جنگ نمود

و مملکت هلاند از دستش رفته در سنه ۱۶۴۸ هلاند بکلی آزاد و مستقل گردید شد

در مصالحه پیرنه در سنه ۱۶۵۹ روسیلن و ارتوا از دست اسپانی خارج

در عهدنامه اکس لاشاپل در سنه ۱۶۶۸ بعضی نقاط از او منتزع گردید و در سنه ۱۶۷۸

شهرهای فلاندر و فرانش کنت از اسپانی منتزع و بفرانسه ملحق شد

در سنه ۱۷۱۳ شارل ششم اسپانی را بوالی آنژو فیلیپ واگذاشت و بعداً آن بلژیک و میلانه و ناپل از ممالک اسپانی مفروز گشته با طریش ملحق شد انگلیسها جبل الطارق را تصرف کردند

در مدت قرن هیجدهم رفتاری که قابل ذکر باشد از اسپانی در اروپا بظهور نرسید در سنه ۱۷۹۳ اسپانی بجمهوری فرانسه اعلان جنگ نمود قشون فرانسه مملکت اسپانی را فرا گرفت و اسپانی مجبور بمصالحه گردید در سنه ۱۸۰۷ ناپلیون اسپانی را مسخر نمود و برادرش ژزف را بپادشاهی آنجا کرد ولی بعد از مراجعت ناپلیون اهالی مملکت شورش کردند در سنه ۱۸۱۳ فرانسهها از اسپانی رانده شدند و سلسلهٔ سلاطین قدیم اسپانیول بار دیگر بسلطنت مقرر گشتند و فردیناند هفتم با حکومت مطلقه سلطنت کرد آزادی طلبان اسپانیول از این جهت بهیجان آمدند ولی قشونی از فرانسه فردیناند را در سلطنت مقتدر نمود تمام مهاجرنشینها که در امریکا متعلق باسپانی بود از دستش بدر شده هر یک از آنها جمهوری آزاد گردیدند

در جلوس ملکه ایزابل اسپانیول دولتی مشروطه گردید ولی بواسطه شورشهای

متوالی متزلزل گشت

و بالاخره در سنه ۱۸۶۸ ایزابل از اسپانی رانده شد و این مملکت جمهوری گردید در سنه ۱۸۷۰ یکی از شاهزادگان ایطالیا سلطنت اسپانی یافت ولی نتوانست سلطنت نماید و استعفا نمود و مجدداً اسپانی بجمهوریت برگشت ولی دیری نگذشت که الفونس پسر ایزابل بر تخت سلطنت مستقله نشست

۱۱ـ اتازونی ـ اتازونی (ممالک متحده) در قرن هفدهم مهاجرنشین انگلیس گردید در سنه ۱۷۷۳ اهل مملکت بر ضد انگلیسها شورش کردند و در سنه ۱۷۷۶ جمهوری اتازونی برقرار شد و اینمعنی بکمک فرانسه بود که انگلیس را مجبور نمود تا آن ممالک را بآزادی بشناسد

در قرن نوزدهم جمعیت نفوس ایشان در مدتی قلیل خیلی زیاد شد در سنه ۱۸۶۱ مابین ممالک جنوبی و شمالی امریکا بواسطه خرید و فروش غلام جنگ انفصال شروع شد

و در سنه ۱۸۶۵ اختتام یافت و ممالک شمالی مظفر و منصور گشته قانون غلام فروشی منسوخ شد

ممالک متحده پرتریک را که جزیره از آنتیلها میباشد با مجمع الجزایر فلیپین که

در مقابل چین واقع شده بدست آوردند

۱۲- فرانسه — فرانسه در ابتدا مسکن طوایف گل بود پنجاه سال قبل از مسیح منها آنجا را تصرف کردند و در قرن چهارم میلادی مسخر بربها گشت در ابتدای قرن ششم تمام ممالک آن مطیع فرانکها گردید و تا سنه ۷۵۲ طایفه مروئژین در آن حکمرانی کردند و از سنه ۷۵۲ تا سنه ۹۸۷ کارلوژین ها مالک آن بودند و بعد از ایشان طایفه کاپتین حکمران شدند

در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم فرانسه بملوک الطوایف متعدد تقسیم گردید و رفته رفته در قرن سیزدهم در تحت تسلط یک پادشاه جمع شد فرانسه ها در جنگ های صلیبی از قرن یازدهم تا سیزدهم شرکت عظیمی داشتند جنگ صد ساله را با انگلیس انجام دادند و اختتام آن جنگ در سنه ۱۴۵۳ بود

و در آنوقت فرانسه مملکتی شد که اقتدار سلطنت در آن قوت یافت شارل هشتم و لوی دوازدهم و فرانسوای اول پادشاهان فرانسه از سنه ۱۴۸۳ الی سنه ۱۵۴۷ میخواستند بر ایطالیا ظفر یابند

در عهد فرانسوای اوّل و هانری دوّیم از سنه ۱۵۱۵ الی سنه ۱۵۵۹ فرانسه با شارلکن زد و خورد نمود

در عصر سلطنت شارل نهم و هانری سیم و در ابتدای سلطنت هانری چهارم فرانسه بواسطه جنگهای مذهبی متزلزل و ضعیف شد تا موقع عهدنامه نانت در سنه ۱۵۹۸ و بعد از آن مجدداً پادشاه مالکرقاب گردید و با خانواده اطریش زد و خورد نمود هانری چهارم هلاندیها را در تحصیل آزادی آنها کمک و معاونت نمود لوی هشتم از سنه ۱۶۱۰ الی سنه ۱۶۴۳ و همچنین لوی چهاردهم در عصر خود بر خانواده اطریش فیروزی عظیم یافتند

مصالحه وستفالی در سنه ۱۶۴۸ و مصالحه پیرنه در سنه ۱۶۵۹ واقع شد و در آنوقت لوی چهاردهم مقتدرترین سلاطین اروپ گردید و ممالک الزاس و روسیلن و ارتوا را مسخر ساخت و پس از اندکی اقتدار خود را بیشتر نموده شهر فلاند و فرانش کنته را تصرف نمود و تمام اروپا بر ضد او متفق گشتند و پس از مرگ لوی چهاردهم در سنه ۱۷۱۵ فرانسه ضعیف شد در قرن هیجدهم فرانسه باعث شد که ممالک جدیده پروس و روسیه بزرگ بشود و مهاجرنشینهای فرانسه بتصرف انگلیس درآمد ولی اتازونی را معاونت

نمود در سنه ۱۷۸۳ تا آزادی خود را تحصیل کرده

در سنه ۱۷۸۹ شورش فرانسه شروع شد و سلطنت از میان رفت قشون
رویلیسین فرانسه با تمام اروپا که با یکدیگر متحد شده بودند زد و خورد نمود
ونی با و ممالک ساحل رود رن را تصرف کرد و چند ملت را آزاد ساخت
یک نفر ژنرال رشید فاتح ناپلیون بناپارت جمهوری فرانسه را
بر هم زد و ابتدا در سنه ۱۸۰۰ باسم کنسولی حکمرانی کرد و بعد در سنه ۱۸۰۴
بامپراطوری سلطنت مستقل نمود

ناپلیون با تمام اروپ جنگ نمود و مدتها بر همه ظفر یافت باستثنای
جنگی که با انگلیس ها کرد

بعد از آنکه از مقابل روسیه عقب نشینی هولناکی از برای او رخ نمود
همچنان تا خاک فرانسه عقب نشست و در اثنای عقب نشستن نیز مشغول
جنگ بود

در سنه ۱۸۱۴ ناپلیون از سلطنت استعفا نمود و در سنه ۱۸۱۵ مجدداً مراجعت
کرد و در واترلو شکست یافته مجبور شد که دوباره استعفا نماید
عهدنامه های ۱۸۱۵ فتوحات شورش را از فرانسه سلب نمود

و مجدداً سلسله سلاطین قدیم برقرار گردید تا سنه ۱۸۳۰ سلطنت کردند و این
زمان یعنی از ۱۸۱۵ تا ۱۸۳۰ را زمان رجعت سلطنت گویند و در مدت
این زمان فرانسه یونان را کمک نمود تا آزادی خودش را بدست آورد
آزادی طلبان با سلطنت بسختی ضدیت میکردند تا در سنه ۱۸۳۰ بکلی سلطنت را
واژگون ساختند

از سنه ۱۸۳۰ تا سنه ۱۸۴۸ لوئی فیلیپ والی ارلئان سلطنت فرانسه نمود و در مدت
سلطنت او فرانسه بلژیک را کمک نمود تا آزادی خود را تحصیل نمود

در شورش ۱۸۴۸ لوئی فیلیپ واژگون گردید و حق انتخاب عمومی
مقرر شد رئیس جمهوری که لوئی ناپلیون بود بار دیگر جمهوری را واژگون ساخته
در دسامبر ۱۸۵۱ دوباره امپراطوری را برقرار کرد

در عهد سلطنت او فرانسه ایطالیا را کمک نمود تا تحصیل آزادی کرد.
و بعد در میان فرانسه و آلمان جنگ درگرفت و امپراطوری فرانسه
واژگون گردید   در سنه ۱۸۷۱ بموجب عهدنامه فرانکفورت مملکت الزاس
و یکجزء از لرن از فرانسه منتزع گشت

از سنه ۱۸۷۱ دولت فرانسه جمهوری است و در افریقا ظفرهای عمده یافته

از قبیل فتح تونس و ماداکاسکار و کنگ و غیره. و در شرق اقصی هندو چین فرانسه را مالک شد

۱۳ ـ یونان ــــ در قدیم مملکت یونان بچندین شهر تقسیم شده بود و بالاخره همه آنها مطیع پادشاه ماسدوان شد

و در سنه ۱۴۶ قبل از میلاد مطیع پادشاهان رمن گشتند و بعد جزء امپراطوری قسطنطنیه گردید

و در سنه ۱۲۰۴ میلادی بتصرف مجاهدین صلیبی درآمد

و تا سنه ۱۲۶۱ جزء امپراطوری لاتین قسطنطنیه بود

در قرن پانزدهم ترکها (عثمانی) آنجا را تصرف کردند

در سنه ۱۸۲۱ بر ضد ترکها برخواستند

و در سنه ۱۸۲۹ با کمک فرانسه و روس پادشاه‌نشین یونان را تشکیل دادند

در سنه ۱۸۸۱ تسالی را تصرف کردند

۱۴ ـ هلاند ــــ هلاند از ابتدا جزء ممالک چند بود و بخانواده اسپانی تعلق داشت در قرن شانزدهم رفرم در او مقرر گردید و بر ضد فیلیپ دویم شورش نمود و در سنه ۱۵۸۹ جمهوری ایالات آتازونی را تشکیل داد

در قرن هفدهم مهاجرنشینهای بزرگ در جزایر سند برقرار نمود و باز راه
بنای تجارت گذاشت در سنه ۱۶۸۸ بتوسط گیلوم دورانژ پادشاه هلند
که پادشاه انگلیس شد با انگلیس متحد گردید
و در سنه ۱۷۹۵ مغلوب فرانسه گشت و جمهوری باتاو از آن مملکت تشکیل شد و
بعد از آن بتوسط ناپلیون اول سلطنت نشین گردید و در سنه ۱۸۰۶ سلطنت او را
ببرادر خود شش لوئی داد و در سنه ۱۸۱۰ ضمیمه فرانسه شد و در سنه ۱۸۱۳ آزاد
گردید و با بلژیک بار ملحق گشت و در سنه ۱۸۳۰ بکلی آزاد گردید

۱۵ - هند — در قرن هفدهم فرانسه‌ها کمپانی تجارت در آنجا
برقرار کردند و دوپلکس شروع بتسخیر آن مملکت نمود ولی لوی پانزدهم
در دولت خود او را معزول ساخت
در سنه ۱۷۵۷ الی سنه ۱۸۵۶ مملکت هند مسخر انگلیسها گردید در سنه ۱۸۵۷ آشوب
سپاهیان در آنجا احداث شد هندوچین را انگلیسها از طرف مغرب
برمان تصرف کرده بودند و فرانسه‌ها از طرف مشرق یعنی از طرف
کشن‌شین و تنکن و انام و کامبوج
مملکت سیام محل نزاع مابین انگلیس و فرانسه گردیده و آزاد مانده بود

۱۶۴- ایطالیا — ایطالیا مسکن مردمانی مختلف بود که یکی در
اطاعت رمنها بودند و رمنها مملکتی بزرگ تشکیل داده بودند ایطالیا
در قرن پنجم بعد از مسیح مسخر بربریان گردید و بعد از آن در سنه ۴۸۹
باطاعت استرگتها درآمد و همچنین مسخر امپراطور قسطنطنیه گردید و در سنه ۵۶۸
لمباردها آنجا را تصرف نمودند و بعد بتصرف شارلمان درآمد
و بعد از آنکه عهدنامه وردون در سنه ۸۴۳ تشکیل یافت ایطالیا پادشاه
نشین علیحده گردید ولی شخص پادشاه ابداً تسلطی نداشت و مملکت مابین
عده زیادی از شاهزادگان تقسیم شده بود از سنه ۹۶۲ اطون آنرا مملکتی
جدید تشکیل داد در قرن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم این مملکت
بواسطه جدال و نزاع مابین پاپ و امپراطور در تزلزل و اضطراب بود
در قرن یازدهم نورماندیها مملکت ناپل و سیسیل را تصرف کردند
در جنگهای صلیبی ایطالیائیها همراهی بزرگی نمودند
در قرن پانزدهم ممالک اصلی و عمده ایطالیا از این قرار بود ممالک
متعلق بکلیسا پادشاه نشین ناپل والی نشین میلان والی نشین توسکان
جمهوری ونیز والی نشین ساووا که مملکت پیه من نیز باو متصل است

بواسطه این انقسامات که در ایطالیا واقع شده بود دولتهای خارجه برا[و] حمله کردند چنانکه فرانسه با او جنگ نمود و همچنین اسپانی در زمان شارلکن و جانشینهای او و نیز در زمان شارل هشتم و لوی دوازدهم و فرانسوی اوّل با ایطالیا جنگیدند

و این عصریست که ادبیّات و صنایع در ایطالیا متولّد و طالع گشت و اهل آن در مذهب کاتولیک باقی ماندند شارلکن میلانه و ناپل را از ممالک ایطالیا متصرّف بود و بعد از استعفای او بدست پسرش افتاد که فیلیپ دویم نام داشت و در قرن هفدهم پادشاه اسپانی بود ایطالیا همیشه میدان جنگ مابین فرانسه و اسپانی بود در آخر قرن هفدهم والی ساوواکه مالک پیه‌من و ساردنی بود اهمیت و عظمت حاصل نموده در سنه ۱۷۱۰

پادشاه بالاستقلال شد بعد از تمام شدن جنگ تبدیل سلطنت ممالک میلانه و ناپل باطریش ملحق گشت

در قرن هیجدهم ایطالیا میدان جنگ فرانسه و اطریش گردید فرانسه امر نمود که ناپل و توسکان را ببوربونهای اسپانی بدهند شاهزادگان

ایطالی بجمهوری فرانسه اعلان جنگ نمودند و مغلوب شدند وچهار جمهوری در ایطالیا برقرار شد اما ناپلیون بناپارت شهر ونیز را از تحت تسلط اطریشی ها در آورد و یک جزء از ایطالیا را بفرانسه ملحق ساخت و ما بقی آنرا دو سلطنت نشین دیگر تشکیل داد یکی برای خودش و یکی دیگر برای برادر زنش مورات

از ابتدای سنه ۱۸۱۴ تسلط فرانسه ها در ایطالی برهم خورد

عهدنامه ۱۸۱۵ ایطالیا را بچند مملکت تقسیم نمود که اصول آنها از این قرار است ممالک پاپ و پادشاه نشین دوسیسیل و والی نشین بزرگ توسکان و مملکت پیه من و پادشاه نشین لمبارد و نی سین که متعلق باطریش است

از سنه ۱۸۱۵ تا سنه ۱۸۵۹ اطریش در ایطالیا تسلطی داشت و در شورشهائی که بعد از سنه ۱۸۳۰ و بعد از سنه ۱۸۴۸ وقوع یافت فاتح شد

در سنه ۱۸۵۹ مملکت پیه من مملکتی بود که آزادی در آن مقرر گردید و با فرانسه اتحاد نموده با اطریش جنگ نمود و اطریش را مغلوب نموده لمباردی را از او گرفت و تمام ممالک ایطالیا به پیه من ملحق گشته مملکتی تشکیل داد

در ۱۸۶۶ پادشاه ایطالیا با پروس متحد گردیده بر اطریش حمله نمود

و ونیسی را از اطریش گرفت

شهر رم متعلق به پاپ بود و همیشه یکدسته قشون فرانسه بپاسبانی

و حمایت او قیام داشتند

از ۱۸۷۰ این دسته قشون بفرانسه برگشتند و از آن زمان شهر رم

پای تخت ایطالیا ست

۱۷ — ژاپن — تاریخ مخصوص او را ملاحظه کنید

۱۸ — یهودیان — بفصل دویم این کتاب رجوع نمائید

۱۹ — مکزیک — در قرن شانزدهم بتوسط اسپانیولها

اکتشاف شد و مملکتی بود که بواسطه معادن طلا و نقره ثروتی بسیار داشت

در ۱۵۲۱ فرنان کرت آنجا را تصرف نمود و مدت سیصد سال

متعلق باسپانی بود هندیهای سکنه آن کاتولیک مذهب شدند و

زبان اسپانیولی آموختند

در ۱۸۱۱ اهالی مکزیک شروع بشورش نمودند و مکزیک اول امپراطور نشین

گردید و بعد از آن جمهوری آزاد شد

در سنه ۱۸۶۳ ناپلیون سیّم آنجا را مسخر نموده به ماکسیمیلین امپراطور داد
ولی دوباره در سنه ۱۸۶۷ جمهوریّت عود نمود
۲۰ — پرو — اکتشاف و تسخیر آن در سنه ۱۵۲۹ بتوسط اسپانیولیها
شده و سکنه آن کاتولیک شدند و فرانسه حرف زدند پرو نیز مدت سیصد
سال متعلق باسپانی بود ولی در سنه ۱۸۲۵ براهنمائی بولیوار بر ضد
اسپانیولیها شورش کردند و آن مملکت جمهوری گردید
۲۱ — پرتوکال — سلطان نشینی عیسوی است که یکنفر شاهزاده
فرانسوی در قرن یازدهم از مسلمانان گرفت
پرتوکالیها در قرن هیجدهم سواحل افریقا را کشف نمودند و راه هند را
پیدا کردند و در افریقا و برازیل و در هند مهاجر نشینها برقرار کردند
و در آنوقت بسیار مقتدر شدند
در سنه ۱۶۴۰ اهالی آن شورش کرده دوباره پادشاه نشینی آزاد شد
در سنه ۱۹۱۰ پرتوکالیها ادّعای جمهوریّت کردند
۲۲ — پروس — مملکتی مرکب از چند ولایت است که در قرن
هفدهم میلادی با یکدیگر متصل بودند ولی در عصرهای اولیّه تاریخی هم

و در عصر متوسط نیز هنوز مملکت پروس تشکیل نشده بود

دو ایالت اصلی آن که بعدها تشکیل یافت براندبورک و پروس است

براندبورک مملکتی است که طایفه سلاو در آن ساکن هستند در قرن

دهم امپراطورهای آلمان آنجا را متصرف شدند

پروس ولایتی است که طایفه پروس در آن ساکن بودند

در قرن سیزدهم شجاعان تتنیک آنجا را تصرف کردند در قرن

پانزدهم یکنفر شاهزاده از آلمان جنوبی که اسمش فردریک ههن زلرن

بود فرمانروای براندبورک شد.

فرمانروایان براندبورک شاهزادکانی بودند که حق انتخاب وکیل داشتند

ههن زلرن رئیس براندبورک قانون رفرم را قبول کرد و یکنفر هم

از اقوام شاهزادگان که صاحب درجه تتنیک بود همین قسم رفرم را

قبول کرد و والی پروس گردید پروس و براندبورک بسبب جنگها و اغتشاشات

رفرم بسیار صدمه خوردند

در ابتدای قرن هفدهم مارکراو حکمران براندبورک والی نشین پروس

و والی نشینهای سواحل رن را مالک شد

در مدت جنگ سی ساله ممالک مارکبراندبورگ بیکدیگر متصل شد
و در سنه ۱۶۴۸ در مصالحه وستفالی والی مارکبراندبورگ فردریک گیلیوم
یک جزو از پومرانی را تصرف نمود و همچنین اراضی دیگر که باعث قوت
مملکتش گردید این شاهزاده با لوئی چهاردهم در تمام جنگها همراه بود
و دولتی بسیار قوی ترتیب داد اما ایالتهای متفرقه را در یک مملکت جمع
نمود و بر همه آنها فرمان فرمائی میکرد
فردریک نواده فردریک گیلیوم در سنه ۱۷۰۱ لقب پادشاهی پروس
گرفت پسر او فردریک گیلیوم اول قشون خود را قوت داده خزانه
جمع کرد و پسر کوچکش فردریک دویم از سنه ۱۷۴۰ تا سنه ۱۷۸۶ سیلزی را
تصرف کرد و با فرانسه و اطریش و روس زد و خورد نمود و یکجزو پلنی را
ضمیمه مملکت خود نمود در جنگهائی که دشمنان بشورش میکردند پروس با
ایشان همراه بود ولی مغلوب گردید در سنه ۱۷۹۵ با فرانسه معاهده بست
پادشاه پروس در ینا در سنه ۱۸۰۶ مغلوب ناپلیون اول گردید و نصف
ممالکش از دستش بدر رفت و از دول متحده ژرمانیک خارج شد
ولی قشون پروسی در جنگهای اخیر که با ناپلیون کردند امتیازی حاصل نمودند

معاهده های ۱۸۱۵ ایالتهای پاتمول و درن را به پروسس داد
از سنه ۱۸۱۵ تا سنه ۱۸۴۸ مملکت پروس با وصف اینکه احکامش استبدادی
بود ولی امیدواری او بوطن خواهان آلمان بود که قوای نظامی خود را
بکار برد

در سنه ۱۸۴۸ بواسطه شورشی که در پروسس حاصل شد پادشاه مجبور گردید
که بطور آزادی مشروطه برعایای خود بدهد ولی شورشش را خاموش
ساخته خودش هم از تاج امپراطوری آلمان امتناع ورزید
در سنه ۱۸۶۶ دولت پروس در سلطنت گیلیوم و وزارت پرنس بزمارک
با اطریش جنگید و اطریش را در سادوا مغلوب ساخت و در آن وقت
هلشتین و شلیسویک و هانوور و والی نشین هس کاسل و شهر
فرانکفور ضمیمه پروسش شد و پادشاه پروسس رئیس دول متحابه آلمان
شمالی گردید در سنه ۱۸۷۱ پادشاه پروسس بعد از غلبه بر فرانسه امپراطور
آلمان شد

۲۳ — روسی — روسیه مسکن طوایف مختلف بوده مخصوص
سلاو در عصرهای اولیه تاریخی ندارد در اواخر قرن نهم روسیها

تغییر مذهب داده مسیحی گردیدند در آخر قرن سیزدهم مغولها از آسیا آمده روسیه را تصرف کرد

در سنه ۱۴۶۲ ایوان روسی روسها را از تبعیت مغول بیرون آورد و شروع بتأسیس دولت روس نمود رفرم مذهبی در روسیه نفوذی ننمود زیرا که روسها کاتولیک مذهب نبودند بلکه رئیس آنها که شاهزاده بزرگ یا قیصر نامیده میشد رئیس مذهب آنها هم بود

در آخر قرن هفدهم قیصر پطر کبیر بترتیب و ترقی روسها اقدام نموده و شهر سن پطرزبورغ را در سنه ۱۷۰۳ بنا کرد و در سنه ۱۷۲۱ ایالات بالتیک را از سوئد گرفت

در مدت قرن هجدهم روسها در اروپا رفتاری بزرگ نمودند کاترین دویم ایالات بحر اسود را از عثمانی گرفت و یک جزء از پلنی را تصرف نمود

در ایام شورش فرانسه روسها از جنگ فایده نبردند با ناپلیون دشمنی نموده مغلوب او گردیدند و بالاخره در سنه ۱۸۰۷ مصالحه نموده دوباره در سنه ۱۸۱۲ آن مصالحه را برهم زدند

مقاومت روسیه با ناپلیون که در سنه ۱۸۱۲ بود ثروت ناپلیون را تمام کرد

در سنه ۱۸۱۲ و سنه ۱۸۱۵ الکساندر اول قیصر روس قوی ترین دشمنان فرانسه
بود ولی از سایر غالبین با فرانسه ملایم تر بود در مدت قرن نوزدهم
روسی ظفری عظیم حاصل نمود بخصوص در زد و خورد عثمانی و سایر ساکنین آسیا
در سنه ۱۸۰۲ روس مملکت قفقاز را تسخیر نمود
و در سنه ۱۸۲۸ ارمنستان را متصرف شد
در سنه ۱۸۲۷ یونان را کمک نمود تا آزاد شد
در سنه ۱۸۵۳ ممالک عثمانی را فرا گرفت
ولی از فرانسه و انگلیس که با عثمانی اتفاق کرده بودند مغلوب شد
در سنه ۱۸۵۸ دره رود آمور را از چین گرفت در سنه ۱۸۶۴ و سنه ۱۸۶۸
ترکستان را فتح و تصرف نمود در سنه ۱۸۷۳ خیوه را متصرف گشت و در ۷۴
مرو را در سنه ۱۸۷۷ با عثمانی جنگ نموده اعضای عثمانی از هم متلاشی شد
و در آسیا از کنار دریای مازندران و وسط سیبری راه آهن کشید
ولی در سنه ۱۹۰۵ از ژاپون شکست یافته مغلوب و مجبور تخلیه منچوری کردید
روسها از وضع رفتار قیصر ناراضی بودند و بمخالفت او برخاسته مطالبه مشروطه نمودند
۲۴ — سوئد — اهالی سوئد در سنه ۱۵۲۹ مذهب پروتستان گرفتند و در

جنگهای سی ساله همراه بودند

در مدت قرن هیجدهم سوئد مملکتی با قدرت گردید شارل دوازدهم در سنه ۱۷۰۰ بر روسها غالب آمد و پلنی را تصرف کرد ولی در سنه ۱۷۰۹ در پولتاوا مغلوب روسها گردید تمام ایالات دریای بالتیک او از دستش بدر رفت

سوئد با ناپلئون جنگ نمود و در معاهده ۱۸۱۵ نروژ را از پادشاه دانمارک گرفت ولی در ۱۹۰۵ نروژ خود را مجزی و آزاد کرد

۲۵ — سویس — دهاتهای کوهستانی کنار دریاچه لوسرن اتفاقی تشکیل دادند محض اینکه خودشان از شر شاهزادگان محفوظ دارند بخصوص والی اطریش که در آن ولایت تسلطی داشت در سنه ۱۳۱۵ در مرگارتن بر شجاعان اطریش غالب آمدند و رفته رفته سایر ساکنین سویس را بطرف خود جلب نموده اتحاد سیزده بلوک را تشکیل دادند و در سنه ۱۴۷۶ در گرانسن و مورات بر شجاعان بورگینی غالب آمدند سویسیها بهترین قشون پیاده اروپا محسوب میشوند و در کالون در ژنو مذهب پروتستان قبول کردند

در سنه ۱۷۹۸ فرانسه‌ها بر سویسی‌ها غالب آمدند و سویس جمهوری هلوتیک را تشکیل داده در سنه ۱۸۱۴ دوباره آزاد گشت و انتخاب عمومی صحیح در جمهوری سویس موجود است

۲۶ — عثمانی — عثمانیان مردمانی آسیائی بوده که در عصور اولیه تاریخی ندارند در قرن چهاردهم آسیای صغیر را که ترکی آسیا معروف است تصرف کردند در قرن پانزدهم شبه جزیره بالکان را مسخر ساختند. در سنه ۱۴۵۳ قسطنطنیه را فتح نمودند در قرن شانزدهم مصر و شام و شمال افریقا و مجارستان را متصرف شدند سلاطین عثمانی غالباً با پادشاهان فرانسه بر ضد امپراطور آلمان متحد بودند

ممالکی را که عثمانی تسخیر کرده بود همه را نگاه داشته و در قرن هفدهم دولتی بسیار با مهابت بود ولی از آن زمان رفته رفته تنزل نمود

در سنه ۱۶۹۹ اطریشی‌ها آنها را از مجارستان بیرون کردند و بواسطه فتوحات کاترین دوم ایالات دریای اسود از دستشان رفت و همین قسم روسها قطعات آن مملکت را انتزاع میکردند تا در سنه ۱۸۱۲ روسها سرحد خودشان را تا رود دانوب و پروت پیش آوردند در مدت قرن

نوزدهم نیز قطعات از مملکت عثمانی منتزع شد در سنه ۱۸۱۷ سربی آزاد گردید

و در سنه ۱۸۲۷ یونان و در سنه ۱۸۵۶ رومانی آزاد و مستقل گشت

در سنه ۱۸۷۷ بعد از جنگ روس بلغاری و روملی و بوسنه و قبرس

از تصرف عثمانیان خارج شد در سنه ۱۹۰۰ اکریت منتزع گردید

در سنه ۱۹۰۸ ملت با سلطان عبدالحمید مخالفت نموده شورش کردند و

مشروطه خواستند

در سنه ۱۹۰۹ عبدالحمید از تخت سلطنت عثمانی بزیر آمده سلطان محمد

پنجم جانشین او گردید و همراهی مشروطه را متعهد شد

باتمام رسید کتاب تاریخ عمومی

در هفتم شهر شوال المکرم

سنه ۱۳۳۱

(خاتمه)

مخفی و مستور نماند تاریخ عمومی که یکی از درس‌های مفیده و مهمه مدارس در ممالک
خارجه با کمال اهمیت تدریس و تحصیل میشود زیرا که موجب ازدیاد بصیرت و درایت
اطفال است متاسفانه تاکنون در این مملکت معمول و متداول نبوده بلکه نسخه آن
بزبان فارسی نقل و ترجمه نشده جز اینکه بعضی از فضلا چند جزو از آن را ترجمه نموده
و از اتمام آن ملول گردیده بعضی تواریخ چین و هند و غیره را ضمیمه آن ساخته
و کتابی پرداخته بنام تاریخ عمومی منتشر کرده اند و حال آنکه تاریخ عمومی معموله ملل
متمدنه که به هیستوار ژنرال موسوم و از کثرت اهمیت تاکنون چندین هزار نسخه از آن
بطبع رسیده و مشتمل بر نکات فلسفی و دقایق تاریخی دول خارجه میباشد تماما
ترجمه نشده و طبع و انتشار نیافته در این اوقات که رای عالی بندگان
حضرت مستطاب اجل امجد اعظم سردار کبیر مد ظله بطبع و انتشار یک دوره دروس
مهمه اطفال وطن تعلق گرفت در خصوص درس تاریخ که مهم و مفیدترین دروس
میباشد نظر باینکه تاریخ خصوصی ایران بقلم دانشمندان از قبیل مرحوم ذکاءالملک و
غیره مکرر و متعدد تصنیف و طبع گشته و نسخه آن زیاده از اندازه لزوم حاجت خود

و فراهم است فایده و لزوم تاریخ بیشتر از زوال را لازم و اهم دانسته جناب جلیل
آقای معاون نظام را بترجمهٔ آن از فرانسه برگماشتند و این بنده عبدالحسین ولد
مرحوم مؤیدالدوله طهماسب میرزا که مدتها بترجمه و تألیف کتب تاریخیه و غیره عمر
گذارنیده بر تصحیح و تنقیح عبارات و انجام طبع آن مأمور فرمودند و ما بر دوش تن
حسب الامر مطاع آن بزرگ دامن خدمت بر کمر زده بقدر مقدور در تصحیح
عبارات و تلخیص بیانات آن سعی نموده و با عبارتی سهل و بیانی ساده که با فهم
اطفال نزدیک باشد ترتیب دادیم و در تحریر و طبع آن نیز بقدر مقدور بذل
جهد نمودیم حتی در نقل تصاویر تاریخیه و نقشه‌های جغرافی آن منتهای سعی
بعمل آوردیم و بترتیب کتب جدید در آخر هر نمره مطالب مهمه را در تحت عنوان
سؤالات مرقوم داشتیم و همچنین در آخر هر فصل خلاصهٔ آن فصل را ترجمه نموده
در آخر هر یکی از چهار کتاب ماحصل آن کتاب را در قلم آوردیم و در انتهای کتب
چهارگانه ملخص تمام تواریخ را در چند ورق ذکر نمودیم که هر روزه معلم در آخر هر درس
مطالب آن نمره را از شاگرد سؤال نماید و شاگرد نیز در آخر هر فصل رئوس مسائل
تاریخی را محفوظ داشته در آخر هر کتاب ماحصل مطالب و در آخر کتب ملخص تمام
تاریخ را ضبط نماید همان قسمی که اصل فرانسه نیز بهمین ترتیب بود امید است که مطبوع طباع

اہل فضل و دانشوران گردیده نونهالان وطن را از آن فایده ها عاید شود و چنانچه عمر وفا نموده توفیق رفیق شود پس از ترجمه و انتشار سایر دروس همه از قبیل حساب و هندسه و فیزیک و غیره در صدد ادای فریضه خدمت بوطن عزیز بر آمده تاریخی ملخص و مختصر بهمین ترتیب از دولت و مملکت ایران تصنیف و منتشر خواهیم ساخت و من الله التوفیق و علیه التکلان

در مطبعه میرزا علی اصغر بطبع رسید

طهران

مطبعهٔ میرزا علی اصغر